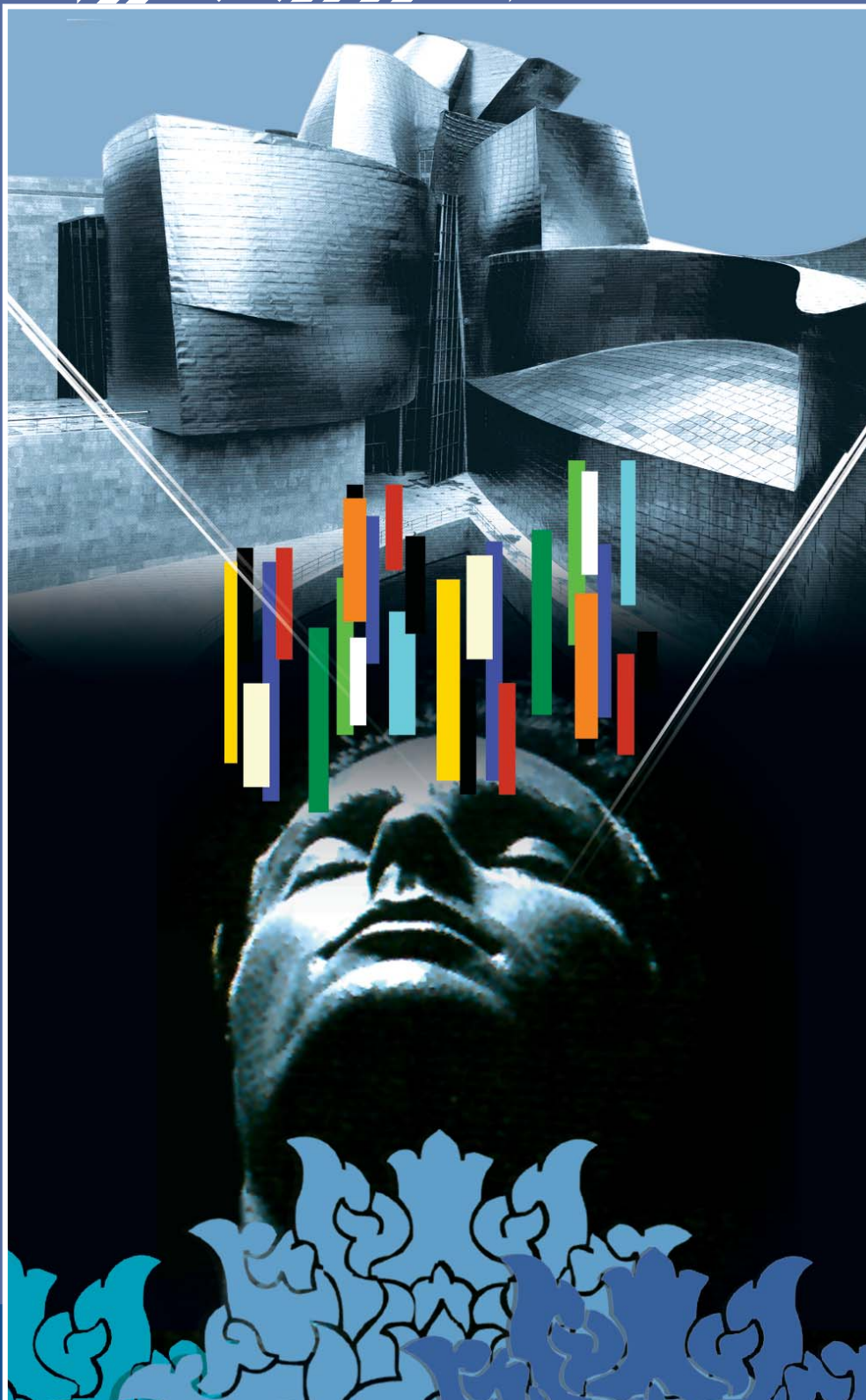


شماره ۶۴

ماهنامه پژوهشی، آموزشی، اطلاع رسانی
 برنامه ریزی و مدیریت شهری
 دوره جدید، سال ششم، شماره ۶۴، شهریور ۱۳۸۳
 ۱۱۶ صفحه، ۵۰۰۰ ریال



- شهر فرهنگی و فرهنگ شهری
- روش تاسیس در اولویت بندی طرح
- عمران شهری
- شهر فشرده: شکل شهری پایدار
- بلدیة گاهیان همیشه شهر
- الزامات قانونی دولت و شهر داری در
- تملک اراضی و املاک
- تحلیلی بر ساختار برزن های
- شهر داری تهران
- شهر داری و وظایف فرهنگی
- شهر های افریقایی در جنبه فقر و
- نابسامانی
- تجربه شهر کرد
- تجربه شهر کرد
- کاربردی و احیای نواحی فرسوده شهری،
- طرح ساماندهی کارگران
- ساختمانی و خدماتی



محور اصلی: شهر فرهنگی و فرهنگ شهری

طرح روی جلد: مهدی یار محمدی - مربوط به گزارش اصلی
عکس پشت جلد: کانادا - ونکوور - میدان کتابخانه

۱. مطالب مندرج در ماهنامه لزوماً بیانگر دیدگاه‌های سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها نیست.
۲. ماهنامه در ویرایش و تلخیص مطالب آزاد است.
۳. مطالب ارسالی به هیچ وجه بازگردانده نخواهند شد.
۴. استفاده از مطالب و طرح‌های ماهنامه تنها با ذکر مأخذ مجاز است.

صاحب امتیاز: وزارت کشور - سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور
مدیر مسئول: محمد حسین مقیمی
سر دبیر: احمد تواهر
دبیر تحریریه: کیومرث ایراندوست
هیئت تحریریه: عباس جلالی - علیرضا ترابی
شهرزاد فرزین پاک - جلال معصوم
مدیر اجرایی: فرشته عمرانی
ویراستار: حمید خادمی
طراح و صفحه‌آرا: حمید اسفندیاری
تصویرساز: مهدی یارمحمدی
امور عکس: خاتون میرا شد
حروفچین: فاطمه دودله
نمونه‌خوان: فرحناز نوبخت
نظارت فنی: ابراهیم سیف
مجری چاپ: شرکت خورشید تمدن روز
شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

۴	یادداشت.....
	گزارش اصلی
۵	شهر فرهنگی و فرهنگ شهری / علیرضا ترابی - راحله شیراسب
	اندیشه و پژوهش
۱۱	فضاهای عمومی، بستر تعامل شهروندان / حسن شفیعی
۱۵	روش تاپسیز در اولویت بندی طرح‌های عمران شهری / محمد آزاد فلاح
۲۱	نگاهی به خصوصی سازی خدمات شهری / ترجمه: علی عربانی دانا
	گفت و گو
۲۷	شهر فشرده؛ شکل شهری پایدار / ایرج اسدی
۳۲	مشاور حقوقی / دفتر حقوقی سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها
۳۶	مشاور اداری - مالی / جمشید رضایی
۴۰	شهرداری‌ها به روایت اسناد / بلدیة گاهیان همیشه شهر / عباس جلالی
	قانون شهر
۴۲	الزامات قانونی دولت و شهرداری در تملک اراضی و املاک / حسین صالحی
	از نگاه شهردار
۴۵	کرج در کشمکش مرکز- پیرامون / محمد سالاری راد
	شورا و مشارکت
۴۸	هیئت‌های حل اختلاف در دو قانون / کاوه تیموری
۵۲	دولت و شوراها در ایران / تحلیلی بر ساختار برزن‌های شهرداری تهران / حسن شفیعی
	القبای شهر
۵۴	شهرداری و وظایف فرهنگی / محمود برآبادی
	تجربیات جهانی
۵۶	لیدن به سوی شهری فرهنگی / ترجمه و تلخیص: شهرزاد فرزین پاک
۵۸	مدیریت منطقه‌ای امور فرهنگی / ترجمه و تلخیص: مینو موسوی
۶۱	شهرهای افریقایی در چنبره فقر و نابسامانی / مترجم مهدی دهقان
	شهرها و شهرداری‌های جهان
	شهر من استانبول، الگویی برای پاریس / لیل و جنوا پایتخت‌های فرهنگی ۲۰۰۴ اروپا / شهرداری اسن، شهروندان متخلف را جریمه می‌کند / شهرداری زوریخ و میراث داداییسم / برابری و همبستگی، دغدغه حکومت‌های محلی امریکای لاتین / و ...
۶۵	طرح و شهر
۶۹	نوسازی و احیای نواحی فرسوده شهری، تجربه شهرکرد / محمد حسین بوچانی
	آموزش
۷۶	کاربرد سنگ در فضاهای شهری / غلامرضا پاسبان حضرت
	گزیده پژوهش
۷۹	ریشه‌های مشکلات کالبدی در سکونتگاه‌های کوچک
	گزارش خبری
	طرح ساماندهی کارگران ساختمانی و خدماتی / جایگاه ترن هوایی در حمل و نقل شهری / تحول نظام توزیع اعتبارات متمرکز و آموزش کارکنان / اشنویه شهر گیلاس‌های قرمز / و ...
۸۱	اخبار کوتاه
	وزیر کشور از سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها بازدید کرد / در ارومیه برگزار شد: همایش شهرداران استان آذربایجان غربی / قانون پسماند ها تصویب شد / چهارمین المپیاد عملیاتی - ورزشی آتش نشانان کشور در کرج / و ...
۹۶	یک شهر و یک نگاه
۱۰۵	ارومیه، آمل، بم، باجگیران، بابلسر، تبریز، سنندج، فاضل آباد، قم، کرج و ...
۱۰۶	آمار شهر / نگاهی به کارنامه سبز تهران / دامن جلالی
۱۱۰	واژگان شهری / سطح ارزش زمین شهری
۱۱۱	معرفی پایگاه‌های شبکه / شهروز فرزین پاک
۱۱۲	تازه‌های نشر / مجموعه قوانین و مقررات شهرسازی / عباس جلالی

فرهنگ مادی و معنوی دو روی سکهٔ مجموعه فعالیت‌های بشری‌اند. فرهنگ مادی به دستاوردهای مادی، ابزار و ادوات و فناوری مربوط می‌شود و فرهنگ معنوی شامل اندیشه‌ها، باورها و ارزش‌ها و به طور کلی دستاوردهای غیرمادی بشر است.

پیشرفت‌های مادی جوامع معلول و عامل دستاوردهای فرهنگی آنان است، و بعکس واژه «شهر» در زبان‌های عربی و لاتین برخاسته از ریشه مدنیت است^(۱). این هم‌خانوادگی زبانی نشان‌دهنده پیوند استوار و دیرپای شهر با تمدن و فرهنگ است. آنچه شهرها را از همدیگر متمایز می‌کند، فرهنگ‌هایی است که هر شهر در خود دارد. به این گونه است که شهر اصفهان در مقایسه با کرمان یا مشهد متمایز می‌یابد و هر جامعه شهری رنگ و جلوه خاصی می‌یابد. فرهنگ شهری مورد توجه آخرین گزارش هیئات (برنامه سکونتگاه‌های انسانی سازمان ملل متحد) نیز قرار گرفته است. این گزارش با عنوان وضعیت شهرها در جهان ۲۰۰۴/۲۰۰۵^(۲) عنوان فرعی جهانی شدن و فرهنگ شهری را در خود دارد. محور اصلی این گزارش حمایت از چند فرهنگ‌گرایی^(۳) به عنوان پدیده‌ای شهری است. چند فرهنگ‌گرایی شهری اساس جوامع را تقویت می‌کند و جلوه و سرزندگی را به هر شهری که با آن تماس داشته باشد، ارزانی می‌دارد.

اهمیت دیگر فرهنگ جایگاهی است که اندیشمندان در مباحث اخیر توسعه سیاسی و اجتماعی به آن بخشیده‌اند. آنها فرهنگ‌ها را به دو دسته فرهنگ‌های مدنی^(۴) و فرهنگ‌های غیرمدنی تقسیم کرده‌اند. شهری که دارای فرهنگ مدنی است، جایی است که در آن دو گونه اعتماد وجود دارد: اعتماد شهروندان به یکدیگر و اعتماد متقابل میان آنان با مدیران شهری. سرمایه اجتماعی^(۵) برخاسته از این منابع اعتماد، توان مدیران را در پیاده کردن اهداف‌شان افزایش می‌دهد و هزینه‌های اداره امور را به سبب مشارکت و حضور مردم فرو می‌کاهد. اما در مقابل، در شهری که دارای فضیلت فرهنگ مدنی نیست، بی‌اعتمادی بنیادین میان عناصر تشکیل دهنده جامعه موجب می‌شود تا هزینه‌های حکمرانی شهری افزایش یابد و جریان اداره امور به مسئله‌ای پیچیده و سردرگم بدل شود.

نکته درخور ذکر دیگر در اهمیت فرهنگ شهری، تفاوت میان شهرنشین و شهروند است. شهرنشین به فردی اطلاق می‌شود که صرفاً حضوری کالبدی در شهر دارد. او در شهر زندگی می‌کند و اندیشه‌ها و دیدگاه‌هایش در کنار تکالیف و حقوقش برای مدیریت شهری اهمیتی ندارد. در مقابل، شهروند به فردی اطلاق می‌شود که فراتر از زیست در شهر صاحب جایگاه و الایی در نزد مدیران شهری

است. او تکالیف و حقوقی دارد که وی را شایسته دریافت عنوان شهروند می‌سازد. شهروند بر این نکته وقوف دارد که شهر بستر مشترکی است که امکان زیست مناسب را برای او فراهم ساخته است و از این رو در قبال پاسداری و مراقبت از آن احساس تعهد و مسئولیت می‌کند. برای شهروند پرداختن عوارض شهرداری، کار داوطلبانه و مشارکت در رویدادهای اجتماعی و سیاسی شهر و کشور تکالیفی هستند که انجام‌شان غرور و رضایت را در پی دارد. او سلوک مدیران خود را در معرض توجه و نقد دارد و با اظهار نظرهای خود، دیدگاه‌هایش را درباره شیوه اداره امور بیان می‌دارد. بدین ترتیب اساس فرهنگ مدنی را شهروندان تشکیل می‌دهند و نه صرفاً کسانی که در شهر زندگی می‌کنند و شهرنشین نام دارند.

نتایج نظرسنجی‌ها و پیمایش‌های صورت گرفته در مورد وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران بیانگر این موضوع است که سطوح اعتماد، فراتر از خانواده و خویشاوندان نزدیک، وضعیت رضایت بخشی ندارد. روشن است که فرهنگ مدنی ضعیف می‌تواند بر مدیریت شهری اثر بگذارد و کارایی و اثربخشی آن را تنزل دهد. برای تقویت فرهنگ شهری لازم است تا سازمان‌ها و مدیران شهری با اندیشیدن به راهکارهای نو و تدوین برنامه‌های جامع در جهت ارتقای فرهنگ مدنی با محوریت شهروندی کوشا باشند. سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور با درک اهمیت این موضوع تلاش کرده است تا به سهم خود در جهت ارتقای فرهنگ شهری بکوشد. پرداختن به ابعاد فرهنگی مدیریت شهری در نشریات و برنامه‌های آموزشی سازمان از جمله اقدامات شایان ذکر است. آخرین اقدام در این زمینه تعریف برنامه برگزاری جشنواره آموزش شهروندی در شهرداری‌های کشور است که با همکاری وزارتخانه‌ها و سازمان‌های فرهنگی کشور به زودی برگزار خواهد شد. این برنامه به عنوان یکی از اقدامات سازمان در زمینه توسعه پایدار به تصویب کمیته ملی توسعه پایدار نیز رسیده است.

پانویس:

۱- شهر در زبان عربی مدینه نامیده می‌شود که ریشه آن مدن است و واژه تمدن از آن ساخته شده است. در زبان انگلیسی نیز واژه City به معنای شهر با Civilization یعنی تمدن ریشه‌ای مشترک دارند.

2-The State of the World's Cities Report 2004/2005

3-Multiculturalism

4-Civic Culture

5-Social Capital

شهر فرهنگی فرهنگ شهری

علیرضا ترابی

کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

راجله شیراسب

کارشناس مردم‌شناسی

محدودیت منابع مالی شهرداری از یک سو و وجود جاذبه‌های فرهنگی و تاریخی در بسیاری از شهرها از سوی دیگر، و نیز جریان مسلط تجارت و صنعت گردشگری در جهان بسیاری از شهرداران کشور را ترغیب کرده است تا به توسعه گردشگری و ایجاد تغییراتی در شهر اقدام کنند. با این همه، نگاه و توجه آنها به طور عمده به ایجاد تسهیلات و تغییرات کالبدی و فضایی در شهر معطوف بوده است و از نقش فرهنگ شهری و عناصر مرتبط به آن، که تأثیر گسترده‌ای بر همه فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی می‌گذارد، غفلت ورزیده‌اند. از این‌رو سرمایه‌گذاری‌های مالی و کوشش‌های انسانی صورت گرفته غالباً بی‌نتیجه و بی‌اثر مانده است.

در این شماره، موضوع شهر فرهنگی و فرهنگ شهری و تأثیر این دو بر هم مورد بررسی قرار گرفته است. هدف اصلی در این گزارش روشن کردن ویژگی‌های شهر فرهنگی است و اینکه شهر فرهنگی چگونه می‌تواند از منابع فرهنگی خود بهره‌جوید و آن را به سرمایه فرهنگی تبدیل کند. افزون بر آن، به فرهنگ شهری و شهرنشینی نیز پرداخته شده و نقش آن در تبدیل منابع فرهنگی به سرمایه فرهنگی و در نهایت در رونق بخشیدن به شهر فرهنگی نشان داده شده است.

درختی که‌نسال با برگ‌های ستبر و سترگ و ریشه‌هایی بلند و عظیم در دل خاک کشیده، سایه‌ای است برای رهگذران، ثمره‌ای برای گرسنگان و تکیه‌گاهی برای رمیدگان. فرهنگ این‌گونه است. فرهنگ مجموعه‌ای از عناصر است که هر کدام دارای کارکردی ویژه‌اند. ارزش‌ها، باور‌ها، آداب و رسوم زندگی، ابزارها و فنون مختلف و حتی نوع پوشش و مسکن نیز با تأثیر پذیری از فرهنگ است که در نگاه بیننده نوعی خاص از هویت را نمایانگر می‌شود. عناصر فرهنگی در واقع پاسخگوی چیستی و کیستی انسان‌اند. فرهنگ چونان سیمرغی است که در دیروز و امروز پروبال می‌زند تا نوعی دیگر از پدیده‌ها را ترسیم کند. خصوصیت فرهنگ آن است که با فرد، جامعه یا شهر در می‌آمیزد و آن را فرهنگی می‌کند. هیچ فرهنگی





مظفر صرافى
عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

نمی‌تواند بدون جامعه وجود داشته باشد و در مقابل، هیچ جامعه بدون فرهنگ نیز وجود ندارد.

برخی از جوامع خصوصیات و عناصری فرهنگی را در خود دارند که برای کل جهان ارزشمند و تعیین کننده است. از جمله این عناصر، شهرهای تاریخی اند که با قدمت گاه چندین هزار ساله و با دستاوردهای فراوان و متنوع، از سنت و فرهنگ مردم تأثیر پذیرفته‌اند. این شهرهای تاریخی و فرهنگی همانند درختان کهنسال، به باغبان و پرستاری نیاز دارند تا آنها را حفاظت و تیمار کند و جانی تازه به ریشه‌های آن ببخشد تا رهگذران - یا در واقع همان گردشگران - از آن بهره ببرند.

«همه جهانگردان اروپایی، از صلیبونی که شهرهای عربی مدیترانه را فتح کردند تا بازرگانان و سفرایی که تا سده هیجدهم به دربارهای سرزمین‌های شرقی می آمدند، این شهرهای باشکوه را تحسین کرده‌اند. این شهرها تخیل اروپاییان را برمی‌انگیخت و به منبع داستان‌های بی‌پایان تبدیل می شد»^(۱). ایران نیز از این گونه شهرها فراوان در خود دارد. کشور ایران از قرن‌های گذشته تا به امروز همواره به نوعی مرکز تجاری واسطی برای دنیای شرق و غرب بوده است. خصوصیات نظیر موقعیت اقلیمی و ویژگی‌های ژئوپولیتیک و فرهنگ ناشی از این خصوصیات، کشور ایران را در زمره دیرینه‌ترین تمدن‌های بشری قرار داده است. این کشور

شهر فرهنگی همانا شهری است که دارای سابقه دیرین مدنیت و بافت‌های تاریخی منحصر به فرد، آداب و رسوم گسترده و متنوع و خرده فرهنگ‌های محلی بسیار است. به همین جهت این شهرها برای ناظران و گردشگران داخلی یا خارجی جاذبه‌های فراوان دارند

روزگاران درازی را که سلسله‌های پادشاهی گوناگون برونی و درونی بر این دیار حکم رانده‌اند، پشت سر گذاشته است. در طی این دوران، بناها و آثاری از هر کدام از سلسله‌های پادشاهی طی هزاران سال تا به امروز باقی مانده است. توده انبوهی از شهرها، ستون‌ها، کاخ‌ها و مجسمه‌ها نمونه‌هایی از این دست‌اند. بسیاری از اینها در طول تاریخ پرفراز و نشیب تخریب گردیده یا بر پا شده‌اند و این از خصوصیات ایرانیان بوده است که ویرانگری‌های هر یک از این سلسله‌ها را از نو آباد کرده‌اند. اما توان انسان‌های گذشته در بازسازی تنها به حدی بود که بتوانند در رفع نیازهای اولیه همچون سرپناه و معیشت بکوشند و کمتر گامی برای برپایی و بعدها نیز ترمیم این یادبودها بردارند؛ و در نتیجه بسیاری از بناها پس از تخریب، نابود شدند و این خرابه‌ها در شهر باقی ماندند. برخی از کشورها، از همین مخروبه‌ها استفاده می‌کنند و آنها را به عنوان نمادهای فرهنگی و تاریخی در صنعتی به نام گردشگری یا توریسم، مورد بهره برداری قرار می‌دهند. آنان با مدیریتی کارآمد و آگاه در حفظ و احیای بافت‌های تاریخی می‌کوشند و بسیاری دیگر از کشورهای توسعه یافته از همان

بناهایی که شاید روزشمار چندانی از برپایی آنها نگذشته است، استفاده می‌کنند و این گونه در واقع اندوخته‌های اندک خود را به مراکز فرهنگی پیرامون خود بدل می‌سازند. این بناها چه زشت و چه زیبا، بر ساخته انسان‌هایی هستند که از فرهنگی خاص تأثیر پذیرفته‌اند. اینها یادآور عمق اندیشه، آرمان، برنامه و فرهنگ مردم ساکن در آن هستند.

بعضی از یادمان‌های شهری در کشور ما با وجود اینکه هنوز سالم‌اند و منابع فرهنگی مورد توجه گردشگران و توریست‌ها به شمار می‌آیند، با بی‌مهری مدیران شهری مواجه می‌شوند؛ چه رسد به بناهای رمیم و پوسیده که به دلیل قدمت بسیار و بی‌توجهی به آنها، گاهی اوقات به محلی برای تخلیه زباله‌های شهری و حتی تخلیه فاضلاب یا محل ساخت و سازهای غیرمجاز تبدیل گردیده‌اند. این نگرش به دلیل فقدان دانش و آگاهی درباره ارزش‌های فرهنگی و اقتصادی، برخی از شهرهای ایران را با بحران جدی در این حیطه روبه رو کرده است و تبعات منفی این قصور هم به مدیران شهری بازمی‌گردد و هم به شهروندان شهر. بدین ترتیب هم آثار بافت‌های تاریخی کشور ما رو به اضمحلال می‌رود و هم یکی از فرصت‌های توسعه و گسترش صنعت توریسم برای جذب سرمایه‌های اقتصادی کلان به فراموشی سپرده می‌شود.

آنچه در ادامه ذکر می‌گردد، گفت و گو با کارشناسان و مدیران شهری در این زمینه و جویا شدن نظر آنان درباره کم و کیف شهر فرهنگی است.

شهر فرهنگی چگونه شهری است

مظفر صرافى، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی، شهر فرهنگی را این گونه تعریف می‌کند: «زمانی که سخن از شهر فرهنگی به میان می‌آید، دو تعبیر از آن درک می‌شود. تعبیر اول این است که کالا و خدمات فرهنگی در آن شهر تولید می‌گردد؛ و رشته‌های هنری که در گزارش بانک جهانی تحت عنوان پنجمین صنعت بزرگ جهان نام برده شده است و در اقتصاد شهری نیز نقش بسیار مهمی دارند، همچون بازاریابی، آگهی و تبلیغات و رشته‌هایی نظیر تئاتر، سینما، نقاشی و موسیقی در این شهر (شهر فرهنگی) اشتغال زاست. زمانی که نامی از پایتخت‌های فرهنگی در اروپا برده می‌شود؛ بسیاری از شهرها سعی می‌کنند این نقش را متعلق به خود بدانند و از همین زاویه تولید این گونه صنایع، کالاها و خدمات فرهنگی را پی می‌گیرند.

دومین تعبیر از شهر فرهنگی این است که فرهنگ غالبی در شهر وجود دارد که این فرهنگ بر سایر شهرها و خودش بسیار تأثیر می‌گذارد و از همین رو آن شهر پایتخت فرهنگی به شمار می‌آید. مثلاً برای آذری زبانان کشورمان پایتخت فرهنگی فرهنگ آذری شهر تبریز است، در حالی که ممکن است کالا و خدمات این فرهنگ چندان در خور توجه نباشد اما به هر حال دارای قدرت سیاسی - فرهنگی است. یا در مقایسه دو شهر پاریس و وین می‌توان وین را پایتخت فرهنگی به شمار آورد، با وجود اینکه کالا و خدمات فرهنگی در پاریس بسیار گسترده‌تر و جالب توجه‌تر تولید می‌شود. لیکن وین به دلیل میراثی که



صمد رجاء
شهردار شیراز

چهره‌های برجسته و سنت‌های فرهنگی قدیمی، تأثیرها، کنسرت‌ها و نظایر اینها در آن شهر بر جای نهاده‌اند و به طور کلی سابقه فرهنگی آن، به عنوان پایتخت فرهنگی تلقی می‌گردد».

صمد رجاء، شهردار شیراز، در تعریف فرهنگ آن را به معنی تربیت کردن و ادب آموختن به کار می‌برد و به همین مثابه شهری را فرهنگی قلمداد می‌کند که از آن شهر ادب، رشد و نمو پیدا کرده باشد. وی سبقه فرهنگی را در اخلاق جست‌وجو می‌کند و می‌افزاید: «آثار فرهنگی و ادبی به جا مانده از گذشته و حال همچون مساجد، بناهای فرهنگی، موزه‌ها، آرامگاه‌های مشاهیر، شاعران، نویسندگان و هنرمندان در هر شهر می‌تواند آن را به عنوان شهری فرهنگی مطرح سازد».

ناصرالدین غراب، پژوهشگر مرکز مطالعات و پژوهش‌های شهری سازمان شهرداری‌ها، درباره شهر فرهنگی چنین می‌گوید: «شهر می‌تواند به این جهت فرهنگی باشد که جاذبه‌های توریستی بالایی دارد و جدا از بافت‌های تاریخی و ارزشمند و نظایر اینها، در بردارنده ویژگی‌هایی است که جذابیت‌های توریستی را بالا می‌برند و ارتقا می‌دهند. فرهنگ را می‌توان در مناسبات اجتماعی، سنت‌ها، آیین‌ها و نمادها، زبان و در روابط اجتماعی، در کالبد و در تمام عناصر فرهنگی مشاهده کرد. این عناصر فرهنگی بر هویت خاصی دلالت می‌کنند و همین هویت است که جذابیت‌های توریستی می‌آفریند». وی می‌افزاید: «مثلاً در اصفهان جدا از ابنیه تاریخی، به همراه و در

فرهنگ شهری مجموعه پیچیده و به هم مرتبطی است که حاصل تعامل نظام‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و سیاسی در شهر است

کنار آنها، توریست‌ها کالسکه‌ای می‌بینند و از آن استفاده می‌کنند، که همین وسیله نقلیه - که اکنون صرفاً تزئینی است - متناسب با فضایی است که اینان در آن حضور دارند و نوعی تعامل اجتماعی را با ابنیه تاریخی به وجود می‌آورد. با این همه، ممکن است در جایی بافت تاریخی نیز وجود داشته باشد اما تعامل اجتماعی که یادآور آن هویت است در آن رخ ندهد».

ناصر برک پور، دکتر در شهرسازی، شهر فرهنگی را از دو زاویه نزدیک به هم نگاه می‌کند. طبق نظر وی، «از زاویه اول شهر فرهنگی شهری است که حامل تمدن و فرهنگ دیرینه باشد. تحقیقات در مورد تاریخ شهرنشینی و تمدن‌های بشری می‌توانند منابع مهمی برای این استنباط باشند. ارزش شهرهایی که تمدن‌های اولیه بشری در آن مکان‌ها شکل گرفته‌اند، با عیار تاریخ و زمان سنجیده می‌شود و اینها به عنوان پیشگامان تمدن شهری می‌توانند به خود ببالند. از زاویه دوم شهری فرهنگی است که بتوان بر اساس آن نقش و کارکرد غالب را به لحاظ فرهنگی، در شهر تعریف کرد. از همین دست‌اند شهر گردشگری، شهر مذهبی، شهر صنعتی، شهر اداری - سیاسی، که شهر فرهنگی را نیز می‌توان به اینها اضافه

کرد و در واقع شهری است که نقش و عملکرد غالب آن فرهنگی است».

فرهنگ شهری

شهر فرهنگی، شهری برشمرده شد که دارای عناصر، فضا، بافت و منابع فرهنگی باشد. اما منظور از فرهنگ شهری چیست؟ آیا فرهنگ شهری همان فرهنگ شهرنشینی است؟ این دو با هم چه رابطه‌ای دارند؟

ناصر برک پور فرهنگ شهری را این گونه تعریف می‌کند: «فرهنگ شهری آداب و رفتار زندگی و سکونت در شهر است و از آنجا که فرهنگ پدیده‌ای است اکتسابی و با آموزش همراه است، فرهنگ شهری نیز پدیده‌ای اکتسابی و قابل آموزش به ساکنان آن است. از سوی دیگر با توجه به چهار کارکرد اصلی شهر که عبارت‌اند از سکونت، کارو فعالیت، ارتباط و فراغت می‌توان فرهنگ شهری را نیز با این کارکردها مرتبط دانست. هنگامی که از فرهنگ شهری مردم شهرها سخن به میان می‌آید منظور قواعد، هنجارها، سنت‌ها، ارزش‌هایی است که با این چهار حوزه سکونت، کار، ارتباطات و فراغت مرتبط‌اند». به نظر ناصرالدین غراب، این تعریف بیشتر توصیف فرهنگ شهرنشینی است و نه فرهنگ شهری. به نظر وی فرهنگ در شهر را می‌توان از سه وجه تعریف کرد: «یکی فرهنگ به معنای شیوه زندگی است که در برگیرنده مجموعه‌ای از هنجارها، ارزش‌ها، باورها و نگرش‌هایی است که نوع زندگی در شهر را امکان پذیر می‌کند. بنابراین کسی که در شهر زندگی می‌کند باید از یک سری قواعد و اصول در عمل پیروی کند. برخی از این قواعد ریشه در تاریخ دارند و برخی دیگر زاینده مقتضیات زمانه‌اند».

معنای دوم از فرهنگ در شهر خیلی ذهنی‌تر است. به جای توجه به شیوه زندگی، به شهر به عنوان مجموعه کالبدی و فیزیکی در فضایی معین و نمادهایی که معنای خاصی را برای شهرنشینان تداعی می‌کند، توجه دارد. این معنا ممکن است حس تعلق و خاطره‌انگیزی را برای شهرنشینان تقویت کند و با لایه‌های ذهنی و روانی آنها ارتباط یابد. پس در این تعریف از فرهنگ توجه به وجه نمادین شهر و زندگی در آن مورد تأکید است.

معنای سوم از فرهنگ شهری وجود دارد که توجه به منابع فرهنگی از جمله بناهای تاریخی، خرده فرهنگ‌ها، صنایع دستی، آداب و رسوم، فولکلور و منابعی است که زاده زیست بوم شهری‌اند.

بنابراین فرهنگ شهری مفهومی عام و گسترده است که فرهنگ شهرنشینی در دل آن جای می‌گیرد و با آن برابر نیست.

از آنجایی که بخش عمده‌ای از مشکلات و نابسامانی‌های موجود در اداره شهر حاصل از عدم توافق یا بی‌توجهی شهرنشینان به شیوه‌های عقلایی زندگی در شهر است و هر روز موجب بروز سوانح و آسیب‌های متفاوت به شهرنشینان می‌شود، کارشناسان این موضوع را به فرهنگ شهری نسبت می‌دهند و بر این باورند که باید فرهنگ شهری را آموزش داد؛



ناصر برک پور
دکتر در شهرسازی

در حالی که منظور اصلی آنها آموزش فرهنگ و آداب شهرنشینی است».

مظفر صراف، خصوصیات برجسته فرهنگ شهری را پیچیدگی و تمایز کمی و کیفی عناصر آن می‌داند. به نظر وی: فرهنگ شهری مجموعه پیچیده و به هم مرتبطی است که حاصل تعامل نظام‌های اقتصادی و اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در شهر است. در شهر فرهنگ اقتصاد معیشتی مبتنی بر ارزش استفاده جای خود را به فرهنگ بازار مبتنی بر ارزش مبادله کالا و خدمات می‌دهد. روابط شخصی و چهره به چهره متکی به عواطف جای خود را به روابط غیرشخصی و رسمی متکی بر عقلانیت معطوف به هدف می‌دهد. همچنین انسجام فرهنگی متکی بر همبستگی حاصل از شباهت مغلوب فرهنگ متکی بر همبستگی حاصل از تفاوت می‌شود، و سرانجام فرهنگ اقتدار سنتی در عرصه سیاست جای خود را به فرهنگ عقلایی - قانونی در خدمت مصالح عمومی می‌دهد. بنابراین فرهنگ شهری به لحاظ ساختاری و کارکردی پدیده‌ای جدید و حاصل دوران مدرن است و از این رو زمان - و تمرین - بیشتری را از شهرنشینیان طلب می‌کند تا نهادینه و کارآمد شود».

شهر فرهنگی و فرهنگ شهری

حال این پرسش مطرح می‌شود که شهر فرهنگی چه نسبتی و چه ارتباطی با فرهنگ شهری دارد. آیا برای رونق و توسعه شهری فرهنگی و تاریخی و جذب گردشگر، باید فرهنگ شهری آن را نیز مدیریت کرد و برنامه توسعه و پیشرفت آن برنامه‌ریزی کرد؟

صمد رجا شهردار شیراز، لازمه شهر فرهنگی را فرهنگ شهری می‌داند و معتقد است: «در یک شهر فرهنگی، مردمی زندگی می‌کنند که شاخصه‌های این شهر را همراه دارند، با هنر و رموز آن آشنا هستند، طبیعی لطیف دارند، و جز اینها. اگر این شاخصه به تفکر فرهنگی، بالا بودن میزان علم و سواد مردم، وجود دانشگاه‌های متعدد، رعایت اصول شهرنشینی و احترام به قوانین و مقررات و احترام به دیگران اضافه شود، فرهنگ شهری‌ای به وجود می‌آید که ارتباط مستقیمی به شهر فرهنگی دارد و به نوعی مکمل آن است».

ناصر برک پور اگر چه معتقد است بین شهر فرهنگی و فرهنگ شهری ارتباط وجود دارد اما این ارتباط را چندان تعیین کننده و به لحاظ منطقی ضروری و الزامی نمی‌داند. به گفته وی: «شهر فرهنگی همانا شهری است که دارای سابقه دیرین مدنیت و بافت‌های تاریخی منحصر به فرد، آداب و رسوم گسترده و متنوع و خرده فرهنگ‌های محلی بسیار است. به همین جهت این شهرها برای ناظران و گردشگران داخلی یا خارجی جاذبه‌های فراوان دارند. حال اگر این شهرها نتوانسته باشند به لحاظ توسعه اقتصادی، اجتماعی با معیارهای دوران مدرن بهسازی، باززنده سازی و بازسازی شوند و نیز فرهنگ مردم خود را نسبت به شیوه‌های زندگی در شهر در ابعاد سکونت، کار، ارتباطات و فراغت گسترش داده باشند، باز هم جاذبه‌های گردشگری دارند؛ و اگر چه به احتمال قوی نخواهند توانست از ظرفیت و توان موجود در شهر و منابع

فرهنگی آن سود زیادی ببرند ولی با این همه، همچنان شهرهای فرهنگی و تاریخی محسوب می‌شوند».

همچنین به نظر وی، «به لحاظ منطقی و نظری بین شهر فرهنگی و فرهنگ شهری ارتباط ضروری وجود ندارد اما به لحاظ ضرورت توسعه شهری، برای بهبود و رونق وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهرهای تاریخی باید برنامه‌ریزی کرد و این برنامه‌ریزی بیش از همه باید معطوف به شیوه‌های زندگی شهرنشینی و فرهنگ شهرنشینی آنان باشد. به عبارت دیگر، باید قواعد درست تهیه مسکن، فعالیت اقتصادی سالم، ارتباطات و حمل و نقل درست و بسامان و اوقات فراغت غنی شده و با برنامه را در بین شهرنشینیان ترویج داد. برای مثال، رانندگی شهرنشینیان در شهرهای ایران را در

فرهنگ شهری مفهومی عام و گسترده است که فرهنگ شهرنشینی در دل آن جای می‌گیرد و با آن برابر نیست

نظر بگیرید. اولین چیزی که ناظران بیرونی را در مواجهه با شهرهای ایران به فکر - و حتی به وحشت - فرو می‌برد، آشفتگی رانندگی شهرنشینیان و حالت تهاجمی آنها به عابران و رانندگان دیگر است. با این حال اگر گردشگر تنها به مقوله فرهنگ شهری مدرن نزد شهرنشینیان توجه داشت، باید به سراغ شهرهایی می‌رفت که مردمش خوب رانندگی می‌کنند، آپارتمان‌ها و خانه‌های زیبا و ایمنی درست کردند و شهروندان به یکدیگر احترام می‌گذارند. در حالی که گردشگران عمدتاً جذب مناطق تاریخی و فرهنگی و طبیعت بکر و زیبای آن می‌شوند.

بر خلاف نظر برک پور که لزوم و ضرورتی منطقی میان شهر فرهنگی و فرهنگ شهری مشاهده نکرده بود، مظفر صراف بر این نظر است که شهر فرهنگی بدون مدیریت کارآمد و دقیق بر منابع فرهنگی در شهر نمی‌تواند شهری فرهنگی باقی بماند و توسعه یابد.

یک شهر فرهنگی با مردم فرهنگی مطالبات زیادی دارد که این مطالبات بدون مدیریت واحد شهری جایگاهی جدی نمی‌یابند و برای ارتقای فرهنگ شهری، به تنهایی توانایی ندارند

به نظر وی: «فرهنگ شهری برای حفظ و توسعه شهر فرهنگی هم نقش منبع را ایفا می‌کند و هم نقش روش و هم نقش ابزار را. فرهنگ شهری همچون منبع است زیرا هر یک از عناصر موجود در شهر مانند آداب و رسوم، سنت‌ها و آیین‌ها، خرده فرهنگ‌ها، کالبد و فضاها و بناهای اجتماعی را در خود جای داده است. همچنین فرهنگ شهری را می‌توان به مثابه روشی دانست که شیوه‌های بهره‌برداری و استفاده از عناصر در شهر را تعیین می‌کند.

از سوی دیگر فرهنگ شهری چونان ابزار است زیرا

امکانات آن را می‌توان با طراحی به خدمت گرفت و از این رو شهر فرهنگی نمی‌تواند بدون مدیریت و برنامه‌ریزی بر فرهنگ شهری، پایدار بماند و فعالیت و کاربری توسعه و رونق یابد».

مدیریت شهری و شهر فرهنگی

بنا بر آنچه گفته شد، شهری فرهنگی نامیده می‌شود که مدیریت شهری آن به عناصر فرهنگی شهر مدیریت کند و آن را به سرمایه‌های فرهنگی بدل سازد. بسیاری از شهرهای پراکنده در کشورمان دارای گونه‌ای از معماری، بناها و فضاهای بسیار تاریخی و جذاب‌اند که تعدادی از آنها از سوی مدیریت شهری، کنترل و ساماندهی و نگهداری می‌شوند. بسیاری دیگر نیز نه تنها محافظت نمی‌گردند بلکه مورد هجوم و غارت افراد سودجو قرار می‌گیرند. فقدان نظام مدیریت واحد شهری در کشور، بافت‌های تاریخی را با تهدید جدی روبه‌رو ساخته است. ارائه طرح‌ها و مجوز برای ساخت و سازهای قانونی (و یا مانع نشدن از ساخت و ساز غیرقانونی)، فقدان آموزش و تغییر محله‌های تاریخی به بافت مهاجر نشین را می‌توان از عوامل تخریب بناهای تاریخی به شمار آورد.

اینکه شهرداری با چه اندیشه، راهبرد و ابزاری، توانایی حفظ شهری فرهنگی یا ارتقای آن را دارد، مقوله‌ای است که شهردار شیراز این گونه به آن پاسخ می‌گوید: «مدیریت شهری در ساخت شهر جایگاهی محوری و تعیین کننده دارد. بدون وجود مدیریت شهری، انجام هر کاری آب در هاون کوفتن است. برای فرهنگی کردن شهر باید مدیران شهری دست به دست هم دهند و در لوای مدیریت واحد شهری در خدمت مردم باشند. یک شهر فرهنگی با مردم فرهنگی مطالبات زیادی دارد که این مطالبات بدون مدیریت واحد شهری جایگاهی جدی نمی‌یابند و برای ارتقای فرهنگ شهری، به تنهایی توانایی ندارند. انسجام، همبستگی، تعامل و پیاده کردن نظام شهری در شهر نیازمند مدیریت واحدی است و این تنها در صورتی امکان پذیر می‌گردد که تعامل به جای تقابل قرار داده شود». وی به علاوه معتقد است: «برنامه‌ریزی شهر فرهنگی با اهدافی نظیر جذب گردشگر، ارتقای فرهنگ شهر و بهبود کالبد شهر به وقوع می‌پیوندد. علاوه بر این، برای داشتن شهری فرهنگی، برنامه‌ریزی مهم‌ترین نقش را دارد و اصولاً لازمه هر کاری و هر خدمتی، برنامه‌ریزی است. بنابراین حفظ و صیانت آثار کهن و تاریخی که نشانگر تمدن نیاکان ماست و یا احداث مساجد، موزه‌ها و دیگر ابنیه همچون دانشگاه‌ها، فرهنگسراها، تالارها و نگارخانه‌ها نیازمند برنامه‌ریزی است و برای انجام آن باید امکانات لازم به کار برده شود که همه اینها به جذب گردشگران داخلی و خارجی منجر خواهد شد. به وقوع پیوستن چنین برنامه‌ای، مسلماً ارتقای فرهنگ شهری را به همراه دارد؛ و در کنار این کار می‌بایست به ساخت کالبد شهر نیز پرداخت. کالبد شهر را مردم می‌سازند؛ پس در ذهن تعبیری از فرهنگ شهری مردم را می‌توان شکوفا کرد».

ناصرالدین غراب نقش مدیران شهری و عملکرد ایشان را در مقابل شهر فرهنگی در قالب برنامه‌ریزی شهری مفید می‌داند و

معتقد است که «دو مقوله برنامه‌ریزی فرهنگی و شهری ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند، به طوری که برنامه‌ریزی فرهنگی در داخلی آن دیگری جای می‌گیرد و دلالت بر برنامه‌ریزی و مدیریت ساختارهای کالبدی، فیزیکی و نوعی برنامه‌ریزی اجتماعی و فرهنگی می‌کند». وی می‌افزاید «در غرب به دلیل اینکه برنامه‌ریزی فرهنگی از بطن برنامه‌ریزی شهری می‌جوشد، ویژگی محلی دارد و تمام فعالیت‌ها و منابع فرهنگی در سطح شهر را تحت پوشش قرار می‌دهد و مدیریت شهری، سازمان‌های هنری را که در شهر مشغول فعالیت‌اند در این فعالیت‌ها سهیم می‌کند؛ یعنی در واقع بدین ترتیب زمینه‌هایی را برای حضور سازمان‌های غیردولتی که علاقه‌مند به مباحث فرهنگی‌اند در کنار و همراه با مدیریت شهری فراهم می‌سازد». وی در عین حال معتقد است: «لازم است که منابع فرهنگی از سوی مدیران شهری کشف و مشخص گردند و تمهیداتی نیز اندیشیده شود تا زمانی که مردم برای گذران اوقات فراغت یا بازدید از این شهر فرهنگی صرف می‌کنند، خود را دخیل و وارد در حوزه‌ای فرهنگی بدانند». وی می‌افزاید: «مدیریت شهری و به خصوص شهرداری‌ها، به عنوان افراد و نهادهایی که در ساخت و سازها نقش و نظارت دارند و سیمای شهر را شکل می‌بخشند، باید متوجه باشند که عملکرد هر کدام از فضاهای شهر را با توجه به ویژگی‌های فرهنگی برای برنامه‌ریزی در نظر بگیرند تا شهرهای مان دچار آشفتگی نگردد. به هر حال چنین آشفتگی و تشویشی در تعاملات، روابط و قواعد اجتماعی و زندگی شهری نقش پر رنگ خود را نمایان می‌سازد».

مدیریت شهری به ویژه شهرداری می‌تواند از طریق تهیه و اجرای طرح‌های موردی، تغییر کاربری‌ها، صدور یا عدم صدور جواز ساخت و ساز مسیر فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی در شهر را تحت تأثیر قرار دهد

وی در ادامه می‌گوید: «زمانی که این زمینه‌ها فراهم شد، جذب توریست و برنامه‌ریزی بر آن شکلی دشوار به خود نمی‌گیرد و به راحتی صورت می‌پذیرد. از طرف دیگر این مسئله نیز در خور توجه است که در جامعه ما همواره نوعی ارتباط واگرا بین حوزه خصوصی و حوزه سیاسی موجود بوده است، به گونه‌ای که شهروندان هیچ‌گاه احساس تعلق به شهر نکرده‌اند و دلیلی هم برای حفظ شهر و ابنیه و آثار درون آن نداشته‌اند».

شهردار شیراز معتقد است «با نگاه به کشورهای اروپایی و شهرهای آنان همچون پاریس و آتن و رم و نظایر اینها می‌توان تحولاتی خاص را در ابعاد مختلف در آنها مشاهده کرد. هیچ‌گاه ملاحظه نمی‌گردد که این شهرها به عنوان شهر فرهنگی چه اقداماتی را و با چه ابزارهایی انجام داده‌اند. اینها مسلماً

مهم‌ترین ابزارها را که همانا فرهنگ حفظ و نگهداری از آثار کهن و میراث گذشتگان است، بدون نگرش سیاسی به آنها در اختیار داشته‌اند». وی می‌افزاید: «حفظ آثار گذشتگان همواره در شناساندن شهری به عنوان شهر فرهنگی بسیار مؤثر بوده است. وجود آثار فرهنگی مذهبی در کشور ما از دوران گذشته برای ما ایرانیان افتخار بزرگی بوده است. البته در کنار اینها با ایجاد دانشگاه‌ها و دیگر بناهای فرهنگی و هنری می‌توان قدرت ابتکار را برای ساخت شهر فرهنگی برای آیندگان فراهم ساخت. تبدیل شهری به شهر فرهنگی به عناصری نیاز دارد که

دو مقوله برنامه‌ریزی فرهنگی و شهری ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند، به طوری که برنامه‌ریزی فرهنگی در داخل آن دیگری جای می‌گیرد و دلالت بر برنامه‌ریزی و مدیریت ساختارهای کالبدی، فیزیکی و نوعی برنامه‌ریزی اجتماعی و فرهنگی می‌کند

ایجاد امکانات مناسب برای جذب گردشگران و جاذبه فرهنگی مانند نمادها و قوانین مدون از جمله آنهاست».

ناصر برک پور برای ایجاد شهر فرهنگی و جذب گردشگر وجود سه منبع را لازم می‌داند که اولی منابع گردشگری و دومی زیرساخت‌ها، تأسیسات و امکانات و سومی فرهنگ شهری مناسب و هماهنگ با پذیرش و جذب گردشگر است.

وی همچنین معتقد است: «مدیریت شهری هم به طور مستقیم و هم غیرمستقیم بر حفظ و توسعه شهر فرهنگی اثر می‌گذارد. مدیریت شهری به ویژه شهرداری می‌تواند از طریق تهیه و اجرای طرح‌های موردی، تغییر کاربری‌ها، صدور یا عدم صدور جواز ساخت و ساز مسیر فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی در شهر را تحت تأثیر قرار دهد؛ و از سوی دیگر با دادن معافیت‌های عوارضی، تسهیلات بانکی، مشارکت‌های اقتصادی و تشویق نهادهای غیردولتی آنها را به مداخله و همکاری در اجرای برنامه‌های دراز مدت توسعه شهری برانگیزند.

به عبارت دیگر، مدیریت شهری می‌تواند هم برای رونق بخشیدن به فعالیت در شهرها تسهیلات ایجاد کند و هم قادر است موانع موجود را تقلیل دهد تا فعالیت‌های موجود در شهر قوت گیرند و گسترش یابند.

به نظر مظفر صرافی، نقش مدیریت شهری علاوه بر رونق بخشیدن به شهر فرهنگی، این نیز هست که مانع از فرسودگی، تخریب و هز رفتن منابع فرهنگی و تاریخی در شهر شوند. او به عنوان نمونه به شهر فرهنگی و تاریخی آنتالیا در ترکیه اشاره می‌کند که دارای معماری یونانی، اسلامی و مدرن است و از سوی دیگر جاذبه‌های طبیعی مانند دریا و ساحل زیبا دارد. وی می‌افزاید: «اما از آنجا که پیش‌تر مدیریت شهری آن تنها به بهره برداری و ایجاد تسهیلات برای جذب گردشگر می‌اندیشید غافل از فعل و انفعالاتی بود که در شهر به وسیله شهروندان رخ می‌داد و آن تغییر بناها و بافت‌های قدیمی و

ایجاد بناهای جدید برای اسکان دادن به گردشگر بود. به عبارتی، مردم شهر آنتالیا نیز مانند مدیریت شهری‌اش تنها به این می‌اندیشیدند که از حضور گردشگر در این شهر سود ببرند و برای افزایش سود خود، شروع به تخریب بافت‌ها و بناهایی کردند که از مهم‌ترین جاذبه‌های گردشگری به شمار می‌آمد. نتیجه معلوم بود: رفته رفته شهر و سابقه تاریخی آن از اهمیت افتاد و تنها جاذبه طبیعی و ساحل دریایی آن گردشگران را برای تفریح به آنتالیا می‌کشاند. بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که مدیریت شهری باید بسیار با هوشمندی و جامع‌نگری به اداره شهر فرهنگی و تاریخی بپردازد و بتواند سازوکارهایی را طراحی کند که از یک سو منابع فرهنگی و تاریخی شهر به جهت تولید درآمد و سود تخریب یا فرسوده نشود و از سوی دیگر شهروندان نیز بین دو گونه منفعت در شهر یکی را فدای دیگری نکنند و از هر دو سود جذب گردشگر و منابع تاریخی و فرهنگی شهر بهره‌مند شوند».

ناصرالدین غراب، نقش مدیریت شهری را بیشتر در تقویت هویت اجتماعی شهرنشینان و افزایش احساس تعلق آنها به شهر و منابع موجود در آن می‌داند.

به نظر وی: «آنچه شهری فرهنگی و تاریخی را زنده نگاه می‌دارد هم عناصر غیرمادی در شهر است و هم عناصر مادی. عناصر غیرمادی را به منابع فرهنگی و عناصر مادی آن را به کالبد و بافت‌های تاریخی به جا مانده از گذشته نسبت می‌دهند. مدیریت شهری نمی‌تواند این دو را جدا از هم ببیند و از یکدیگر تفکیک کند؛ زیرا عناصر غیرمادی همچون روحی است که در کالبد مادی شهر جریان دارد و برنامه‌ریزی جداگانه برای هر یک از آنها جز به آشفته‌گی در روند فعالیت‌ها،

مردم در شهر تنها سکونت اختیار نکرده‌اند و تنها در فکر سود بردن از منابع شهر نیستند بلکه آنها با شهر و سیمای آن و فضاهای عمومی موجود در آن رابطه احساسی و شناختی برقرار می‌کنند و عناصر مادی شهر برای شان بخشی از هویت و معنای زندگی را تشکیل می‌دهد

احساسات و نگرش‌های شهرنشینان نخواهد انجامید. بنابراین باید به این نکته توجه کرد که مردم در شهر تنها سکونت اختیار نکرده‌اند و تنها در فکر سود بردن از منابع شهر نیستند بلکه آنها با شهر و سیمای آن و فضاهای عمومی موجود در آن رابطه احساسی و شناختی برقرار می‌کنند و عناصر مادی شهر برای شان بخشی از هویت و معنای زندگی را تشکیل می‌دهد. از این رو مدیریت شهری در ایران پیش از آنکه به موضوع گردشگری و توسعه آن بیندیشد، باید به حفظ انسجام اجتماعی و فرهنگی شهر توجه کند و اینکه چگونه می‌تواند احساس تعلق شهرنشینان به شهر را افزایش دهد و میزان مشارکت و همکاری آنها را در اداره شهر توسعه دهد.

پانوش:

۱- بنه‌ولو، لئوناردو: شهرهای اسلامی و اروپایی در قرون وسطا، ترجمه پروانه محمد، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۹.

فضاهای عمومی بستر تعامل شهروندان

حسین شفیعی

دکتر در علوم سیاسی

در شهرهای مدرن وجود دارند و آیا میان فضای عمومی شهر و گفت و گو رابطه منطقی وجود دارد؟

برای پاسخ به پرسش‌های مذکور به نظر می‌رسد اصل مسلم این است که "گفت و گو نیازمند فضای عمومی است." بدون وجود یا ایجاد فضای عمومی، تعامل اجتماعی هم صورت نخواهد گرفت و در نتیجه امکان گفت و گو نیز فراهم نخواهد شد؛ و این در حالی است که فردگرایی و بازگشت به زندگی خصوصی فضای گفت و گو را از بین می‌برد.

در این مقاله، کوشش بر آن است که با عنایت به موارد تجربی به آزمون این فرضیه پرداخته شود که "فضای عمومی شهر موجب ایجاد و افزایش گفت و گو میان شهروندان خواهد شد."

الف- مبانی نظری

مدرنیسم را نوعی خردباوری و اعتقاد به اصالت انسان برشمرده‌اند. مدرنیسم کلاسیک قرن ۱۶ فلسفه‌ای سراسر معتقد به انسان با همه آمال و آرزوهایش بود. نفی نیروهای مرموز و نفی هر گونه استیلا و سیطره‌ای بر انسان اساس مدرنیسم را تشکیل می‌داد. انقلاب فرانسه با نام "حقوق ذاتی انسان‌ها" و نفی "بردگی و بندگی" شروع شد. مدرنیسم متأخر را نوزاد ناقص مدرنیسم کلاسیک نامیده‌اند، چرا که مدرنیسم کلاسیک با اعتقاد به آزادی و فراغ بال انسان‌ها پایه‌گذاری شد؛ اما نتیجه آن محدودیت، مضیقه و فشار خردکننده مدرنیسم متأخر بود. در چنین تنگنا و مضیقه‌ای بود که پست مدرنیسم متولد شد. پست مدرنیسم تا حد زیادی به مدرنیسم کلاسیک نزدیک می‌شود اما ناگهان از آن فاصله می‌گیرد و به افق‌های دور می‌رود، تبار حیات انسان‌ها را در می‌نوردد و با اعتقاد به اصل "تمایز"، در واقع گونه‌گونی و "حیات سرشار از لذت" را درون زندگی مدرن جست و جو می‌کند. این حیات سرشار از چیزی جز تنوع، تکثر و تعدد علائق و سلاقی انسان‌ها نیست. در پرتو این گونه‌گونی است که یکسانی و یکنواختی کسل کننده و اندوهبار مدرن کنار زده می‌شود و فضای رنگارنگ زندگی، "حقیقت انسان‌ها" را به تصویر می‌کشاند. براساس همین تقابل است که فضای عمومی "شهری" در فلسفه پست مدرن [اگر پست مدرن، فلسفه را باور داشته باشد] معنا می‌یابد. در حقیقت اگر فضای عمومی را متعلق به همگان بدانیم، مدرنیسم از ایجاد چنین فضایی عاجز است، همان طور که سنت نیز آمیزه‌ای یکنواخت و محدود از حیات انسان‌ها بود و تقیدات دست و پا گیر و جوراجورش، شهری تنیده و تو در تو و بریده از محیط اطرافش را به ارمان آورده بود.

بنابراین، پست مدرن گلچین سنت و مدرن و چیزی فراتر از آن است. در پست مدرن، مدرن و سنت در کنار هم زندگی می‌کنند و حتی ایده‌های غیرمدرن و غیرسنتی نیز در عرصه حیات ظاهر



تهران - میدان انقلاب

اشاره

گذار از سنت به مدرنیسم این تصور را به وجود آورد که عصر گفت و گو به سر رسیده و تکنیک و ماشین بر حیات انسانی سایه افکنده است. آن هم سایه‌ای که خود ساخته و پرداخته انسان است. انسان اسپر فناوری و تکنیک گذشته خود را به فراموشی سپرده است؛ این فراموشی رهاورد قهرآمیز زندگی مدرن است که انسان مدرن با نگاهی حسرت‌بار آن را همچون خاطره‌های شیرین در ذهن مرور می‌کند. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا فضای عمومی و فضای گفت و گو محدود به دوران ماقبل مدرن است و مدرنیسم با گفت و گو سرستیز دارد؟ از طرف دیگر آیا می‌توان گفت که زندگی در جامعه سنتی دارای فضای گفت و گوی ویژه‌ای بود، در حالی که جامعه مدرن نیز فضای عمومی متمایزی برای گفت و گو دارد؟ نیز به عبارت دیگر، آیا فضای عمومی شهرهای مدرن، بستر مناسبی برای گفت و گو هستند؟ به بیان ساده‌تر، آیا فضای عمومی

و نیازهای واقعی ساکنان آن است. کالبد شهر را افراد می‌سازند و این کالبد متنوع و گوناگون و متکثر است. هیچ‌گونه تحکم و اجباری در ایجاد کالبد شهر مشاهده نمی‌شود، به گونه‌ای که شهر و کالبد آن مملو از حیات مدنی است.

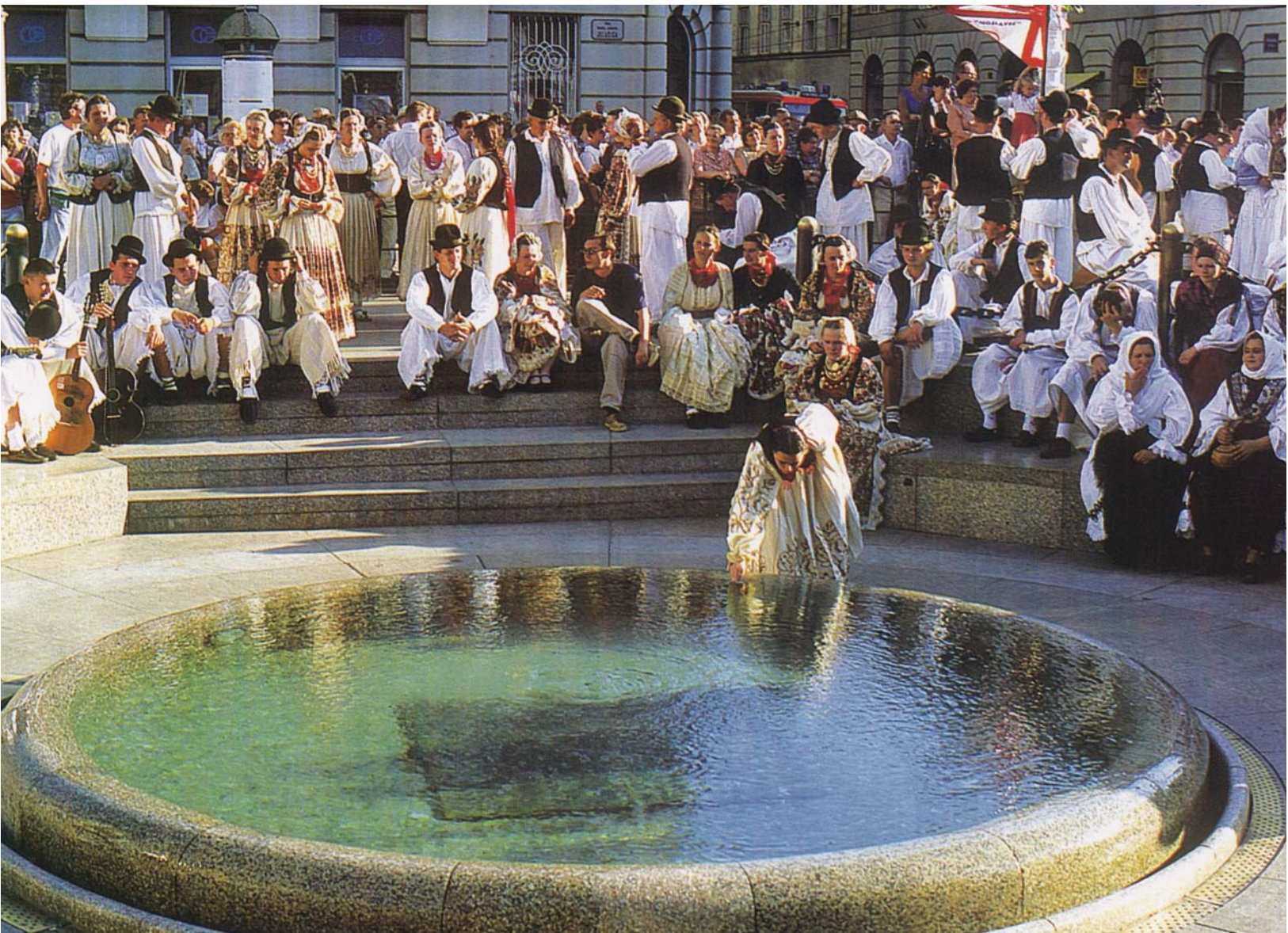
اگر فضای عمومی را متعلق به همگان بدانیم، مدرنیسم از ایجاد چنین فضایی عاجز است، همان‌طور که سنت نیز آمیزه‌های یکنواخت و محدود از حیات انسان‌ها بود

بنابراین فضای عمومی شهری زمانی بستر گفت و گوی شهروندان (به معنای رایج در متون پست مدرنیستی) را فراهم می‌سازد که اجماع و اتفاق نظر در مطلوبیت فضای شهری وجود داشته باشد. بر این اساس در جوامع سراسر سنتی، کالبد شهر در

می‌شوند. شهر پست مدرن، شهری است که کالبد آن مطابق نیاز شهروندان (مفهوم مدرن شهروندی مدنظر نیست) شکل می‌گیرد و نه براساس خواسته‌های برگرفته از عقلانیت تک‌گفتار مدرنیستی که جنبه آمرانه و تحکمی دارند. چنین شهری فاقد هر گونه نظم و نظام هندسی یکنواخت و موزون است و کالبد شهری بر روح و روان ساکنان سنگینی نمی‌کند.

بدون وجود یا ایجاد فضای عمومی، تعادل اجتماعی هم‌صورت نخواهد گرفت

در شهر پست مدرن همه حضور دارند، همه رضایت دارند و نیازهای همه تا حد ممکن ارضا می‌شود. هرگاه در شهر همه حضور داشته باشند، شهر متعلق به همه افراد می‌شود. تعلق شهر به همگان، فضای عمومی شهر را به وجود می‌آورد که در آن همه به گفت و گو و تعامل می‌پردازند. کالبد شهر انعکاس دهنده خواسته‌ها



کراسی - زاگرب - میدان پان یالچیک



پاریس - میدان کاتالونیا

صورتی به فضای گفت و گو تبدیل می‌شود که نیازهای معطوف به حیات عمومی جامعه سنتی را فراهم سازد. به همین صورت در جامعه مدرن نیز فضای عمومی شهری در صورت معطوف به حیات مدنی شهروندان می‌تواند فضای مناسب گفت و گو را فراهم سازد. یکسان انگاری و اصرار بر یکسان کردن فضای شهر چیزی جز صرف هزینه‌های گراف نخواهد بود و قطعاً ره به جایی نخواهد برد. فضای شهر در شرایطی به فضای گفت و گو می‌انجامد که آمیزه‌ای متناسب از سنت، مدرن و فراتر از آن باشد؛ یعنی فضایی که کالبد سنتی، مدرن و فرامدرن در کنار یکدیگر وجود داشته باشند. ذکر مواردی چند از فضاهای شهری بستر ساز گفت و گوی شهروندان می‌تواند تجلی عینی «شهر سرزنده، سرشار از حیات و متنوع» باشد.

در شهر پست مدرن کالبد شهر را افراد می‌سازند و این کالبد متنوع و گوناگون و متکثر است. هیچ‌گونه تحکم و اجباری در ایجاد کالبد شهر مشاهده نمی‌شود، به گونه‌ای که شهر و کالبد آن مملو از حیات مدنی است

ب - مطالعات موردی

والتر بنیامین^(۱) در کتاب «پاساژها» با نگاهی حسرت بار و جزانگیز نشان می‌دهد که پاریس مدرن در مقایسه با پاریس پیش‌مدرن چگونه جاذبه و دلپذیری خود را از دست داده است.^(۲) پاریس پیش‌مدرن شهر جادوگری است که دایره گرد آن همچون کمربندی از میان دروازه‌های قدیمی می‌گذرد و تصویر شهری را می‌سازد محصور و بسته که گویی در سده‌های میانی زندگی می‌کند. خیابان‌های این شهر پذیرای ولگردان است و پیاده‌روهای همواره آدمی را به مسیرهایی بی‌پایان فرا می‌خوانند. از بولوارهای عریض گرفته تا کوچه‌های تنگ و میدان‌های کوچک و گذر راه‌های سرپوشیده آن، همگی برای ولگردان پرسه‌زن ساخته شده‌اند. این

راه‌ها برای هر بیگانه تنها جای امن است. در این شهر هر کس می‌تواند با دل بستن به رازهای آوای هستی در شب برفی، هویت راستین خویش را باز یابد. در یک طرف خیابان، در یک کوچه تنگ، فرهنگ دوره‌های گوناگون کنار هم چیده شده‌اند. در پاریس پیش‌مدرن همه چیز وجود داشت که در دوره مدرن فقط نشانه‌هایی از آن باقی مانده و مابقی چیزی جز کلان‌شهری مسئله‌دار نیست.

آن نشانه‌ها از مغازه‌ها، باغ‌ها، زیرزمین‌ها و زندگی گرفته تا خاطره و غم غربتی که هر شهر بزرگی در ما بیدار می‌کند، لحظه‌هایی جلوی صحنه می‌آیند و باز به تاریکی مه‌آلودی که یادآور شب‌های دراز زمستانی پاریس است باز می‌گردند. بنابراین شهرسازی مدرن در پاریس نتوانست فضای گفت و گو و عمومی شهر پاریس پیش‌مدرن را حفظ کند و با ایجاد الگویی غیر سنتی بخش‌های عمده‌ای از پاریس را در حد «خاطره و رؤیاهای شهروندان پاریسی» نگه داشت، بدون اینکه در عالم واقع آن را تحقق بخشد. پاریس مدرن بریده‌از واقعیات زندگی عمومی شهری و ساخته و پرداخته ذهن تجریدی عده‌ای معدود و محدود است؛ و هر چند که عقلایی، منظم و حساب شده توجیه گردیده است، اما عظمت کاذب آن نتیجه‌ای جز حیرت، حقارت، سرگیجه و احساس جدایی ندارد.

فضاهای تعریف شده به جدایی ساکنان شهر انجامیده‌اند.

یکی دیگر از نمونه فضاهای شهری مناسب گفت و گو «مرکز خرید مایر در شهر آدلاید استرالیا» است.^(۳) از بیرون این مرکز خرید، چیزی نشانگر یک فروشگاه و مرکز خرید بزرگ نیست. عابری را در نظر بیاورید که در حال تماشای فروشگاه‌ها و مغازه‌های معمولی بازار، در خم یکی از مغازه‌های دو نبش به ناگاه خود را داخل پاساژی با یک شکل هندسی نامنظم می‌یابد، بی‌آنکه از دری یا دروازه‌ای عبور کرده باشد. دور تا دور طبقه هم کف و پایین مغازه‌های کوچک قرار دارد و در وسط طبقه پایین چایخانه‌ها و قهوه‌خانه‌هایی است که بساط خود را در همان فضای باز رفت و آمد مردم چیده‌اند که اگر کسی خسته است می‌تواند دمی آنجا بنشیند و خستگی در کند. در واقع ورودی مرکز خرید مایر به شیوه‌ای طراحی شده است که نه تنها حس حقارت مراجعه‌کنندگان را موجب نمی‌شود بلکه به علت وجود مغازه‌های کوچک و چایخانه‌ها که یادآور شکل گذشته زندگی است، نوعی آرامش و اطمینان خاطر در مراجعان ایجاد می‌کند. در محوطه اصلی فروشگاه مایر نیز بدون اینکه از در یا دروازه‌ای عبور شود می‌توان وارد محوطه باز و دلگشا و چشم‌نواز فروشگاه شد. دسترسی و ورود به فروشگاه اصلی از هر طبقه‌ای مقدور است و از هر نقطه می‌توان به کل فضای آن طبقه اشراف داشت.

با مطالعه دو مورد «پاریس» و «مرکز خرید مایر» می‌توان فضای عمومی را فضایی تعریف کرد که لذت بخش و راحت باشد و گذشته و حال و آینده را در کنار یکدیگر قرار دهد و شهروند حس کند که همه آنها را در زمان حال به فراخور خود تجربه می‌کند. بنابراین الگوی طراحی فضاهای شهری می‌تواند آنها را به فضاهای عمومی تبدیل کند و بدین طریق زمینه گفت و گو را فراهم سازد. علاوه بر الگوی طراحی، کاربری مختلط نیز ایجادکننده فضای عمومی شهر و بالطبع فضای گفت و گو است. تجارب شهرهای ایالات متحده نشان می‌دهند که فضاهای عمومی شهر عمدتاً فضای گفت و گوی شهروندان هستند. همه اذعان دارند که ایالات متحده در رده کشورهای پیشرفته صنعتی است. امروزه در شهرهای ایالات متحده



مادرید - میدان بزرگ

مرتفع می‌سازند. این فضاها به مکان‌های گفت‌وگو برای افراد متوسط الحال و تقریباً مرفه و همچنین به "محل استراحت" برای افراد گرسنه و فقیر تبدیل شده است. مسیرهای مخصوص عابران پیاده و مسیرهای مخصوص دوچرخه‌سواری در سواحل سان‌فرانسیسکو پذیرای گروه‌های مختلف است، بدون اینکه مزاحمت یا مشکلی برای یکدیگر فراهم کرده باشند. "خیابان‌های ویژه عابران پیاده" در شمال اروپا یا خیابان‌هایی که از ساعت ۹ شب به بعد مخصوص عابران پیاده می‌شوند و از تردد اتومبیل‌ها در آنها جلوگیری به عمل می‌آید یا تبدیل حیاط مدارس به پارک مدارس زمینه‌ساز گفت و گوی شهروندان اند.^(۵)

در بسیاری از شهرهای اروپایی، فضاهای مشخص و خاص وجود دارند که هر چند اطلاق "فضای عمومی" برای آنها مناسب نیست اما امکان گفت و گوی شهروندان را فراهم می‌سازند. از جمله این فضاها می‌توان به "فضای مشترک میان ساختمان‌ها"^(۶)، فضاهای گفت و گو در جلوی بیمارستان‌ها، فضاهای جلوی خانه‌های سالمندان و جز اینها اشاره کرد.

نتیجه‌گیری

روی هم رفته، فضاهای شهری زمانی می‌توانند به گفت و گو منجر شوند که متعلق به عموم مردم باشند. اگر بخشی از فضاهای شهری تأمین‌کننده نیازهای بخشی از مردم باشد یا با نیازهای واقعی شهروندان بیگانه باشد نه تنها امکان گفت و گو را فراهم نمی‌سازد بلکه به جدایی و احساس غربت نیز می‌انجامد. بنابراین فضاهای عمومی شهری بستر ساز گفت و گو باید به گونه‌ای باشد که امکان دسترسی همه شهروندان به آن وجود داشته باشد. افراد از وجود آن فضاها احساس رضایت و اطمینان خاطر کنند، تمامی گروه‌های سنی و جنسی توانایی استفاده از آن را داشته باشند و در طراحی آنها نکات ایمنی، روان‌شناختی، زیبایی‌شناختی و اکولوژیکی رعایت شده باشد.

افراد برای تهیه ملزومات مورد نیاز به مراکز خرید مراجعه نمی‌کنند، بلکه در خانه‌هایشان تمامی نیازهای اساسی را -از سفارش اجناس اصلی گرفته تا اخبار روزانه و مانند آن- برآورده می‌سازند. بسیاری از فعالیت‌های افراد مانند انجام مراسم مذهبی، ورزش، تحصیل، ازدواج و نظایر آن که قبلاً در خانه صورت می‌گرفت اکنون به مکان‌های خاص مانند کلیساها، باشگاه‌های ورزشی، دانشگاه‌ها و جز اینها منتقل شده است. اوقات فراغت شهروندان نیز در مراکز خرید، آمفی‌تئاترها، استادیوم‌ها، هتل‌ها، پارک‌های محلی از این قبیل صرف می‌شوند. در حقیقت جامعه مدرن آمریکایی نیز فضاهای عمومی خاصی را برای گفت و گوی شهروندان به وجود آورده است.^(۴)

فضای شهر در شرایطی به فضای گفت و گو می‌انجامد که آمیزه‌ای متناسب از سنت، مدرن و فراتر از آن باشد

فضاهای عمومی شهرهای آمریکا -و حتی اروپا- از مراکز خرید گرفته تا بوتیک‌ها، کافه‌ها و فروشگاه‌ها پذیرای تمامی اقشار جامعه‌اند. در شهرهایی مانند نیویورک، سان‌فرانسیسکو، لوس‌آنجلس، شیکاگو فضاهای عمومی‌ای طراحی شده‌اند که گروه‌های سنی، جنسی و شغلی نیازهای گروهی خود را در آنها



اصفهان - میدان نقش جهان

پانوش:

I-W.Benjamin

۲) احمدی، ۱۳۷۶، ص ۳۴
۳) بهین، ۱۳۸۰، ص ۱۱۹

4-Marcus, Cooper, 1990, P.4

5-Ibid, P.6

6-Gehl, Jan, 1987

منبع:

۱- احمدی، بابک، خاطرات ظلمت، تهران، مرکز، ۱۳۷۶.
۲- بهین، بهرام؛ "از مدرنیسم به پست مدرنیسم: از "تجربید" به "واقعیت زندگی"، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۶۴-۱۶۳، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۰.

3- Cooper Marcus, Clare & Corolyn Francis; People Places, Design Guidelines for Urban Open Space, Van Nostrand Reinhold, 1990.

۴- همان، برای مطالعه بیشتر: Gehl, Jan, Life Between Buildings: Using Public Space, New York, 1987, Van Nostrand Reinhold.

روش تاپسیز^(۱) در اولویت بندی طرح‌های عمران شهری

محمد آزاد فلاح

کارشناس ارشد مدیریت

افزایش یافته است. این پروژه‌ها که نوعی سرمایه گذاری مالی برای تسریع فرایند توسعه اقتصادی محسوب می گردند، در کانون توجهات محققان مختلف قرار گرفته اند و در کلیه موارد موفقیت پروژه‌های مذکور به معیار برجسته‌ای در سنجش و قضاوت در عملکرد دولت‌ها تبدیل شده است. لذا، یکی از مهم ترین کارهایی که در برنامه ریزی و تصمیم گیری برای اجرای پروژه‌های عمرانی به نحو مطلوب می توان انجام داد، اولویت بندی آنهاست تا طرح‌های حیاتی در اولویت قرار گیرند و با منابع بیشتری به اجرا در آیند.

بیان مسئله

به علت تنوع طرح‌های عمران شهری که در نقاط مختلف شهر باید اجرا شوند و محدودیت‌های عملی که برای اجرای آنها وجود دارد، به ناچار باید ابتدا طرح‌ها را اولویت بندی کرد و سپس به اجرا در آورد تا خیلی زود در سطح شهر نمود پیدا کنند و برای مردم قابل لمس و رؤیت باشند. تصمیم اولویت بندی طرح‌های عمران شهری به همین منظور گرفته شده تا ضمن تعیین اولویت طرح‌ها، استفاده لازم از کلیه امکانات و منابع مالی و غیرمالی محدود به نحو احسن به عمل آید.

ضرورت تحقیق

در مورد ضرورت این تحقیق همانا می توان به اقداماتی که در این مورد در سطح دنیا صورت گرفته است اشاره کرد. به طور متوسط حدود ۱۵ درصد از تولید ناخالص ملی در جهان به مصرف و اجرای این پروژه‌ها می رسد و حدود ۱۰ درصد از اقتصاد جهانی در این صنعت جریان دارد، که خود نشانگر حجم بسیار بالای صنعت احداث و اهمیت آن در اقتصاد جهانی است.^۲

روش شناسی تحقیق

با بررسی‌های به عمل آمده در این تحقیق معلوم گردید که علاوه بر فاکتورهای کمی^(۳)، فاکتورهای کیفی^(۴) بسیار مهمی نیز در اولویت بندی طرح‌های عمران شهری دخیل اند که بدون اعمال آنها، مطلقاً دستیابی به طرح ارجح امکان پذیر نخواهد بود. لذا ترجیحاً باید از مدل‌های تصمیم گیری چندمعیاره بهره جست. با در نظر گرفتن اینکه مسئله مورد بحث در اینجا از نوع تصمیم گیری های چندشاخصه (MADM) است، روش تصمیم گیری تاپسیز برای حل آن انتخاب گردید. به طور کلی مراحل محاسباتی ذیل در این تحقیق دنبال شده است: ابتدا، شناسایی و انتخاب



مقاله حاضر به طرح یک الگوی مناسب و مطلوب برای تصمیم گیری مدیران در موارد پیچیده، مبهم، اساسی و استراتژیک می پردازد. این مقاله پس از طرح کلیات - که شامل مقدمه، بیان مسئله، ضرورت تحقیق، روش شناسی تحقیق و نیز تبیین تأثیرات اجتماعی اولویت بندی طرح‌های عمران شهری است - با در نظر گرفتن اینکه مسئله مورد بحث از نوع تصمیم گیری های چند معیاره MADM^(۱) است (به دلیل دخالت توأم معیارهای کمی و کیفی) از روش تاپسیز برای حل آن استفاده می کند.

مقدمه

در طی سال‌های اخیر، تهیه امکانات تأمین سرمایه پروژه‌های عمرانی، برای دولت‌ها مشکل تر شده و به موازات آن حساسیت در خصوص صرف منابع مالی و انسانی جامعه در اجرای این پروژه‌ها

مهم‌ترین معیارهای مؤثر بر اولویت بندی طرح‌های عمران شهری؛ و سپس تعیین وزن معیارهای کیفی مؤثر برگزیده؛ و در نهایت حل مسئله به کمک تکنیک یا روش انتخابی.

تأثیرات اجتماعی اولویت بندی طرح‌های عمران شهری

اولویت بندی طرح‌های عمران شهری علاوه بر اینکه به عنوان استراتژی مناسب، با تغییر در ترکیب و تخصیص منابع و امکانات مالی و غیرمالی، امکانات عاطل را به بهره‌برداری می‌رساند، تأثیرات ثانویه مهمی نیز در امور اجتماعی جامعه به همراه دارد. چرا که وقتی سازمانی مرکب از مدیران، مهندسان و کارگران با صرف سرمایه و به کارگیری ابزار، ماشین آلات و مواد و مصالح اقدام به اجرای پروژه‌های عمرانی در سطح شهر می‌کند، بدیهی است که این طرح‌ها در ابتدا باید طبقه بندی شوند و با تعیین اولویت به اجرا در آیند، تا خیلی زود در سطح شهر نمود پیدا کنند و برای مردم قابل لمس و رؤیت باشند؛ و در غیر این صورت با نارضایتی شهروندان مواجه خواهند شد. آن‌گاه شهروندان نه تنها با بدبینی و تنفر نسبت به سازمان و مسئولان آن نگاه خواهند کرد، بلکه این امر چنانچه پیوسته و در تعداد بیشتری از پروژه‌های سازمان تکرار شود، این انزجار شکلی عمومی به خود خواهد گرفت.

معیارهای شناسایی شده^(۵)

بر اساس نتایج حاصل از مرور متون مرتبط با موضوع و بررسی‌ها و مصاحبه‌های انجام شده با استادان و کارشناسان امر، این نتیجه به دست آمد که مهم‌ترین معیارها در امر اولویت بندی طرح‌های عمران شهری به منظور تخصیص بهینه منابع عبارت‌اند از:

۱- مدیریت؛ از جنبه:

الف- برنامه‌ریزی (تعیین هدف، یافتن و ایجاد راه‌وصول به آن)؛
ب- سازماندهی (فرایندی که در آن تقسیم کار بین افراد و گروه‌های کاری و هماهنگی میان آنان و به منظور رسیدن به اهداف صورت می‌گیرد)؛

پ- رهبری (تأثیر گذاری بر افراد، به منظور دنبال کردن اهداف مشترک)؛

ت- کنترل (تنظیم و تصمیم اقدامات سازمان و اعضای آن به منظور اطمینان از تطبیق آنها با اهداف تعیین شده)؛ و
ث- کارگزینی (مطابقت دادن شغل و شاغل).

۲- قانون و اجرای آن

۳- منابع مالی

۴- نیروی کار

۵- ماشین آلات

۶- مواد و مصالح

۷- مدت زمان اجرا

۸- نظارت عالی

گزینه‌ها^(۶)

لازم به ذکر است که از ابتدا قصد ما اولویت بندی طرح‌های عمران شهری بود، ولی به دلیل تعدد طرح‌ها (۵۲ طرح در مقابل ۱۲ معیار) و به تبع آن، مسائل و مشکلات جمع‌آوری اطلاعات از

طریق پرسشنامه، تصمیم بر آن شد که برای سادگی محاسبات، این ۵۲ طرح در قالب ۸ برنامه (که هر برنامه عمرانی مشتعل بر یک یا چند طرح عمرانی است) به شرح ذیل تدوین و ارائه گردد؛ که در ضمن گزینه‌های پیشنهادی این مقاله نیز خواهد بود. برنامه‌ها عبارت‌اند از:

۱- برنامه‌ریزی توسعه شهری

۲- هدایت و دفع آب‌های سطحی و داخل شهری

۳- حمل و نقل و بهبود عبور و مرور شهری

۴- ایجاد تأسیسات حفاظتی شهرها

۵- بهبود محیط شهری

۶- ایجاد اماکن و فضاهای ورزشی، فرهنگی و توریستی**

۷- ایجاد سایر تأسیسات و تسهیلات شهری

۸- ایجاد تأسیسات درآمدزا.

معرفی روش تاپسیز و قابلیت‌های آن برای حل مسئله

تاپسیز روش تصمیم‌گیری قوی و تکنیکی برای اولویت بندی به وسیله شباهت به جواب ایده‌آل است. این روش را اولین بار هوانگ و یون^(۷) ارائه کردند، که برای حل مسائل تصمیم‌گیری با مشخصه‌ای چندگانه مورد استفاده قرار گرفت.

در این روش علاوه بر در نظر گرفتن فاصله یک گزینه A_i از نقطه ایده‌آل، فاصله آن از نقطه ایده‌آل منفی هم در نظر گرفته می‌شود. این بدان معنی است که گزینه انتخابی باید دارای کمترین فاصله از راه حل ایده‌آل^(۸) باشد و در عین حال دورترین فاصله را هم از راه حل ایده‌آل منفی^(۹) داشته باشد.

به طور کلی این روش در هنگامی که عمل تصمیم‌گیری با چندین فاکتور کمی و کیفی روبه‌روست می‌تواند مفید باشد.

الگوریتم تاپسیز

به طور خلاصه روش تاپسیز ماتریس تصمیم‌گیری $m \times n$ زیر را که شامل m گزینه با n معیار است مورد ارزیابی قرار می‌دهد:

که در آن A_i معرف i امین گزینه مورد نظر و X_{ij} معرف مقدار عددی گزینه A_i با توجه به معیار j ام است و X_j نیز معرف معیار j ام است.

$$D = \begin{pmatrix} & X_1 & X_2, \dots, X_j, \dots, X_n \\ A_1 & X_{11} & X_{12}, \dots, X_{1j}, \dots, X_{1n} \\ A_2 & X_{21} & X_{22}, \dots, X_{2j}, \dots, X_{2n} \\ \vdots & \vdots & \vdots & \ddots & \vdots \\ A_i & X_{i1} & X_{i2}, \dots, X_{ij}, \dots, X_{in} \\ \vdots & \vdots & \vdots & \ddots & \vdots \\ A_m & X_{m1} & X_{m2}, \dots, X_{mj}, \dots, X_{mn} \end{pmatrix}$$

نکته

تاپسیز فرض می‌کند که هر معیار در ماتریس تصمیم‌گیری مطلوبیت افزایش یا کاهش یکنواخت دارد. به عبارتی دیگر، مقادیر بزرگ‌تر معیارها، اولویت بالاتر را برای معیارهای از نوع سود و در عین حال اولویت پایین‌تری را برای معیارهای از نوع هزینه دارد. به علاوه، هر مقدار که به روش غیر عددی بیان

می شود می بایست با تکنیک های مناسب - که بعداً به آن خواهیم پرداخت - به عدد تبدیل شود.

مرحله یکم - تبدیل ماتریس تصمیم گیری موجود به یک ماتریس «بی مقیاس شده»

این فرایند تلاش می کند که واحد سنجش معیارهای گوناگون تصمیم گیری را در ماتریس تصمیم از بین ببرد و به اعداد هم واحد تبدیل کند؛ که اعداد به دست آمده مقایسه بین معیارها را ممکن می سازند. روش یکنواخت کردن مقادیر مشخصه های تصمیم گیری بنا به نوشته های محققانی چون «ساعتی»، «هوانگ» و «ا اندرسن» از نوع یکنواخت کردن برداری است، که فرمول آن عبارت است از:

$$N_{ij} = \frac{r_{ij}}{\sqrt{\sum_{i=1}^m r_{ij}^2}}$$

مرحله دوم - ایجاد ماتریس «بی مقیاس» وزین

در اکثر مسائل MCDM و به خصوص بخش MADM از آن، به داشتن و دانستن اهمیت نسبی از شاخص های (اهداف) موجود نیاز است. به طوری که مجموع آنها برابر با واحد (نرمالیزه) شود و این اهمیت نسبی درجه ارجحیت هر شاخص (هدف) را نسبت به بقیه برای تصمیم گیری مورد نظر بسنجد. در اینجا برای رعایت اختصار از چگونگی عملیات آن صرف نظر می گردد و صرفاً خلاصه نتایج، در زمان تصمیم گیری آورده می شود.

مرحله سوم - مشخص کردن راه حل ایده آل و راه حل ایده آل منفی

برای گزینه ایده آل (A+) و ایده آل منفی (A-) تعریف می کنیم:

$$A^+ = \{ (\text{Max}_j V_{ij} / j \in J), (\text{Min}_2. V_{ij}/j \in J) \mid i = 1, 2, \dots, m \}$$

$$= \{ V_1^+, V_2^+, \dots, V_j^+, \dots, V_n^+ \}$$

$$A^- = \{ (\text{Min}_2 V_{ij} / j \in J), (\text{Max}_j. V_{ij}/j \in J) \mid i = 1, 2, \dots, m \}$$

$$= \{ V_1^-, V_2^-, \dots, V_j^-, \dots, V_n^- \}$$

به طوری که:

$$J = \{ j = 1, 2, \dots, n \mid \text{سود به سود} \}$$

$$J^- = \{ j = 1, 2, \dots, n \mid \text{به هزینه} \}$$

مرحله چهارم - محاسبه اندازه جدایی (فاصله)

فاصله گزینه i ام با ایده آل با استفاده از روش اقلیدسی به قرار زیر است:

$$di^+ = \text{فاصله گزینه } i \text{ ام از ایده آل} = \{ \sum_{j=1}^m (V_{ij} - V_j^+)^2 \}^{0.5}; i = 1, 2, \dots, m$$

$$di^- = \text{فاصله گزینه } i \text{ ام از ایده آل منفی} = \{ \sum_{j=1}^m (V_{ij} - V_j^-)^2 \}^{0.5}; i = 1, 2, \dots, m$$

مرحله پنجم - محاسبه نزدیکی نسبی Ai به راه حل ایده آل
این نزدیکی را به صورت ذیل تعریف می کنیم:

$$Cli^+ = \frac{di^-}{(di^+ + di^-)}; 0 \leq Cli^+ \leq 1; i = 1, 2$$

ملاحظه می شود که چنانچه $Ai = A^+$ گردد، آن گاه $di^+ = 0$ می شود و خواهیم داشت:

$Cli^+ = 1$ ؛ و در صورتی که $Ai = A^-$ شود آن گاه $di^- = 0$ است و $Cli^+ = 0$ خواهد شد. بنابراین هر اندازه گزینه Ai به راه حل ایده آل (A+) نزدیک تر باشد، ارزش Cli^+ به واحد نزدیک تر خواهد بود.

مرحله ششم - رتبه بندی گزینه ها

بر اساس ترتیب نزولی Cli^+ می توان گزینه های موجود از مسئله را رتبه بندی کرد.

فرایند اولویت بندی برنامه های عمران شهری (مطالعه موردی)

به منظور آشنایی بیشتر با جزئیات تکنیک تاپسیز و نحوه اجرای آن در عمل (اولویت بندی برنامه های عمران شهری)، نتایج مطالعه موردی در اینجا ارائه می گردد.

به طور خلاصه، در وهله اول با طرح پرسشنامه ای، میزان تأثیر معیارهای شناسایی شده در اولویت بندی عمران شهری مورد بررسی قرار گرفت و سپس با انجام آزمون های آماری مناسب مؤثرترین معیارها به دست آمد. پس از شناسایی مؤثرترین معیارها، با طرح پرسشنامه دوم به تهیه اطلاعات در مورد معیارهای کیفی برگزیده شده از تحقیق میدانی اول پرداخته شد. همچنین فاکتورهای کمی از مدارک موجود در شهرداری به دست آمد و آن گاه به کمک روش تاپسیز مسئله حل شد و اولویت ها نیز مشخص گردیدند.***

مراحل حل مسئله به کمک روش تاپسیز

مراحل اجرای این مطالعه موردی عبارتند از:

الف - جمع آوری یافته های تحقیق و تشکیل جدول اطلاعات مسئله

در این تحقیق، ابتدا با مرور متون مرتبط با موضوع تحقیق و مصاحبه با استادان دانشگاه و دست اندرکاران مسائل عمرانی، معیارهای اصلی برای تخصیص منابع به برنامه های شهری شناسایی شد و سپس با کمک نظرخواهی از صاحب نظران میزان اهمیت دوازده معیار برگزیده (کمی و کیفی) تعیین گردید. همچنین در نظرخواهی دومی که انجام شد، میزان اهمیت هر یک از هفت معیار کیفی برگزیده شده نسبت به هفت برنامه عمرانی موجود تعیین گردید. در نهایت اطلاعات مربوط به پنج معیار کمی نیز از طریق اسناد و مدارک و برآورد کارشناسی (به وسیله کارشناس مسائل عمرانی شهرداری) به دست آمد.

مسئله ای که در اینجا بروز کرد این بود که ما عمدتاً با نوزده (تعداد پاسخ دهندگان) نظر متفاوت برای هر یک از معیارهای کیفی روبه رو شدیم. لذا این سؤال پیش آمد که چگونه این نظریات را می توان به نظر واحد تبدیل کرد. روش رایج برای ترکیب این نظریات متفاوت، این است که هر نوزده عضو دور همدیگر جمع شوند و در جلسه ای با حضور شهردار به نظر واحد (اجماع^(۱۰)) در خصوص هر معیار کیفی برسند.

محققان استفاده از چنین روشی را برای تلفیق نظریات اعضای

گروه به هیچ وجه پیشنهاد نمی کنند، چرا که استفاده از این روش عملاً نظر هر عضو را بی خاصیت می سازد. بررسی ها نشان می دهد که یکی از مناسب ترین روش ها برای ترکیب نظریات اعضای گروه استفاده از میانگین موزون^(۱۱) (رابطه ۱) است. میانگین موزون کمک خواهد کرد تا بتوان ضمن در نظر گرفتن قضاوت هر عضو به قضاوت گروه در باره هر معیار رسید. در آن، W_i نشان دهنده وزن (یا تعداد تکرار) هر یک از مشاهده هاست.

$$\mu_w = \frac{\sum_{i=1}^k w_i x_i}{\sum_{i=1}^k w_i} = \frac{\sum w_i x_i}{N}$$

تشکیل جدول اطلاعات اولیه تاپسیز

برای این منظور به شرح زیر عمل می شود:

۱- در مورد معیارهای کیفی

از داده های مربوط به ۷ ستون اول در جدول شماره ۱ چنین به

هستند و فقط باید یکنواخت گردند. این عمل به کمک فرمول ذیل (برای هر ستون) انجام می شود، تا جدول شماره ۲ به دست آید. نمونه محاسبات در ضمیمه III مقاله آورده شده است.

-تهیه ماتریس تصمیم گیری وزنی (ماتریس V)

یکی از مراحل بسیار مهم و اثر گذار در تصمیم گیری گروهی، دادن اوزان به معیارهاست، همچنان این واقعیت را باید پذیرفت که همه معیارها دارای تأثیر یکسان بر تصمیمات نیستند. بنابراین هر چه در این مرحله دقت شود، نتایج به دست آمده دقیق تر و نزدیک تر به واقعیت خواهند بود. به طور کلی دو روش برای محاسبه اوزان وجود دارد که عبارتند از:

۱- اوزان مفروض از DM^(۱۲)؛ و ۲- استفاده از فرمول (آنتروپی)^(۱۳)، LINMAP، کمترین مجذورات وزین شده^(۱۴) و بردار ویژه^(۱۵). که در این نوشتار به علت حساسیت مسئله قصد بر آن است که با تلفیق دو روش محاسبه اوزان (اوزان مفروض از DM و فرمول آنتروپی)، اوزان تعدیل شده به دست آیند که بیشتر با واقعیت منطبق باشند.

مدت زمان (روز)	هزینه مصالح (هزار ریال)	هزینه ماشین آلات (هزار ریال)	هزینه نیروی کار (هزار ریال)	منابع مالی (هزار ریال)	نظارت عالی	قانون و اجرای آن	تایید	کارکرد	رضی	سازمانی	تیمار	معیار
۷۲	۱۲۰۸۴۰۰	۲۰۱۴۰۰	۶۰۴۲۰۰	۲۰۱۴۰۰۰	۸/۱۶	۷/۵	۷/۵۸	۸	۷/۶۷	۷/۸۴	۷/۴۲	۱- برنامه ریزی توسعه شهری
۵۴	۱۰۲۲۴۲۲۳/۵	۱۴۶۰۶۰/۵	۲۹۲۱۲۱	۱۴۶۰۶۰۵	۷/۸۹	۷/۸۳	۸/۱۱	۷/۷۹	۸/۰۵	۷/۶۳	۷/۲۱	۲- برنامه بهبود عبور و مرور
۷۲	۲۳۸۰۰	۱۶۶۶۰	۷۱۴۰	۴۷۶۰۰	۸	۷/۱۶	۷/۷۹	۷/۴۷	۷/۱۷	۷/۴۲	۶/۴۲	۳- برنامه ایجاد تأسیسات حفاظتی شهری
۲۴	۵۶۰۸۰	۴۹۰۷۰	۳۵۰۵۰	۱۴۰۲۰۰	۸	۷/۸۹	۷/۸۴	۷/۶۱	۷/۶۱	۷/۴۲	۷/۲۶	۴- برنامه بهبود محیط شهری
۶۰	۱۷۰۰۰۰	۲۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۲۰۰۰۰۰	۷/۶۸	۷/۳۷	۷/۵۸	۷/۴۲	۷/۲۸	۶/۷۹	۶/۶۳	۵- برنامه ایجاد سایر تأسیسات و تسهیلات شهری
۱۸	۵۰۰۰۰	۳۰۰۰۰	۲۰۰۰۰	۱۰۰۰۰۰	۷/۷۴	۷/۵۸	۷/۷۴	۷/۵۸	۷/۲۹	۷/۴۲	۷/۴۲	۶- برنامه هدایت و دفع آب های سطحی داخل شهری
۶۰	۲۸۴۸۰۰	۳۲۰۰۰	۳۲۰۰۰	۳۲۰۰۰۰	۷/۹۵	۶/۷۴	۷/۳۷	۷/۱۶	۷/۷۸	۷/۶۸	۸	۷- برنامه ایجاد تأسیسات درآمدزا

جدول شماره ۱- اطلاعات مسئله (پس از تبدیل واژه های کیفی به کمی - ماتریس D)

دست می آید که برای هر یک از هفت برنامه عمرانی نظر خواهی حاصل از تحقیق میدانی دوم (ضمیمه I مقاله)^{****} در مقادیر متناظر واژه های بیانی آن (خیلی کم= ۱، کم = ۳، متوسط = ۵، زیاد = ۷ و خیلی زیاد = ۹) ضرب می شود و سپس جمع آنها به مقدار پاسخ دهندگان تقسیم می گردد. نمونه محاسبات در ضمیمه II مقاله آورده شده است.

۲- در مورد معیارهای کمی

اطلاعات جمع آوری شده درباره فاکتورهای کمی (پنج ستون آخر جدول شماره ۱) مستقیماً و بدون انجام هیچ عملی، به این جدول منتقل می گردد.

$$N_{ij} = \frac{rij}{\sqrt{\sum_{i=1}^m rij^2}}$$

ب- نرمالایین (یکنواخت کردن) داده ها

از آنجا که قبلاً در جدول شماره ۱ واژه های بیانی به عدد تبدیل شده اند، اکنون کلیه داده های جدول اطلاعات به صورت عدد

نحوه محاسبه اوزان
 ۱- اوزان مفروض از DM
 برای به دست آوردن ضرایب وزنی از طرف DM، می توان به اطلاعات حاصل از تحقیق میدانی اول و به ویژه نتایج آزمون نابرابری بونفرونی (ن. ک. آزاد فلاح، ۱۳۸۰) مراجعه کرد؛ زیرا این نتایج کمک خواهند کرد تا معیارها به ترتیب اهمیت ردیف گردند و آن گاه از نظر داشتن ارتباط معنی دار و بی معنی، به ترتیب اوزان متفاوت و یکسانی به آنها داده شود. بدیهی است که معیارهای دارای اهمیت بالا، وزن بیشتری خواهند گرفت. در آزمون نابرابری بونفرونی مشخص شد که معیار مصالح دارد و همچنین معیار برنامه ریزی تفاوت معنی داری با هزینه مواد و مصالح (در سطح $\alpha = 0.05$) دارد و بقیه ارتباطات بی معنی اند. حال اگر قضاوت DM با λ_i (اهمیت نسبی برای شاخص λ_m)

پانوشت:

*- بر اساس تحقیقات انجام شده به وسیله مجله ENR در سال ۱۹۹۸، کشور ایران نیز در این میان، با حجم بازار ۱۲/۷ میلیارد دلاری و سرانه ۱۸۴ دلار در رتبه سی و دوم جهان قرار گرفته است.
 **- لازم به ذکر است که این برنامه به عنوان یکی از گزینه های موجود در این تحقیق، به علت عدم تخصیص بودجه (در سال جاری ۱۳۸۰)، از طرف شهرداری حذف گردید. لذا در ادامه، اولویت بندی با هفت برنامه انجام می شود.
 ***- برای آگاهی بیشتر از متن پرسشنامه ها، چگونگی انجام آزمون های آماری و موارد دیگر، نک. تحقیق اصلی (ن. ک. آزاد فلاح، ۱۳۸۰)
 ****- لازم به ذکر است که به دلیل تعدد معیارها، به طور نمونه اطلاعات مربوط به یکی از معیارها در این ضمیمه و ضمیمه بعدی آورده شده است.
 *****- ترتیب W_j ها، همانند ترتیب (آها) است.

مدت زمان (روز)	هزینه مواد و مصالح (هزار ریال)	هزینه ماشین‌آلات (هزار ریال)	هزینه نیروی کار (هزار ریال)	منابع مالی (هزار ریال)	نظارت عالی	قانون و اجرای آن	کنترل	کارگزی	رهبری	سازماندهی	برنامه ریزی	معیار
۰/۴۹۲	۰/۷۴۶	۰/۷۷۹	۰/۸۹۸	۰/۷۹۸	۰/۳۸۹	۰/۳۸۱	۰/۳۷۱	۰/۳۹۹	۰/۳۸۳	۰/۳۹۷	۰/۳۸۹	۱- برنامه ریزی توسعه شهری
۰/۳۶۹	۰/۶۳۱	۰/۵۶۵	۰/۴۳۴	۰/۵۷۹	۰/۳۷۷	۰/۳۹۷	۰/۳۹۷	۰/۳۸۸	۰/۴۰۲	۰/۳۸۶	۰/۳۷۸	۲- برنامه بهبود عبور و مرور
۰/۴۹۲	۰/۰۱۵	۰/۰۶۴	۰/۰۱۱	۰/۰۱۹	۰/۳۸۲	۰/۳۶۳	۰/۳۸۱	۰/۳۷۲	۰/۳۵۸	۰/۳۷۶	۰/۳۳۶	۳- برنامه ایجاد تأسیسات حفاظتی شهری
۰/۱۶۴	۰/۰۳۵	۰/۱۹۰	۰/۰۵۲	۰/۰۵۶	۰/۳۸۲	۰/۴۰۰	۰/۳۸۴	۰/۳۷۹	۰/۳۸۰	۰/۳۷۶	۰/۳۸۰	۴- برنامه بهبود محیط شهری
۰/۴۱۰	۰/۱۰۵	۰/۰۷۷	۰/۰۱۵	۰/۰۷۹	۰/۳۶۷	۰/۳۷۴	۰/۳۷۱	۰/۳۷۰	۰/۳۶۳	۰/۳۴۲	۰/۳۴۷	۵- برنامه ایجاد سایر تأسیسات و تسهیلات شهری
۰/۱۲۳	۰/۰۳۱	۰/۱۱۶	۰/۰۳۰	۰/۰۴۰	۰/۳۶۹	۰/۳۸۵	۰/۳۷۹	۰/۳۷۸	۰/۳۶۹	۰/۳۷۶	۰/۳۸۹	۶- برنامه هدایت و دفع آب‌های سطحی داخل شهری
۰/۴۱۰	۰/۱۷۶	۰/۱۲۴	۰/۰۰۴۸	۰/۱۲۷	۰/۳۷۹	۰/۳۴۲	۰/۳۶۱	۰/۳۵۷	۰/۳۸۸	۰/۳۸۹	۰/۴۱۹	۷- برنامه ایجاد تأسیسات درآمدزا

$$W_j = (w_1, w_2, w_3, \dots, w_{12})^{****}$$

$$= (0/0005, 0/2547, 0/0005, 0/1616, 0/0005, 0/1037, 0/0005, 0/4531, 0/0005, 0/0005, 0/0005, 0/0005)$$

تعدیل اوزان

اکنون زمان تعدیل اوزان محاسبه شده از دو روش فرا رسیده است. از طریق فرمول ذیل این تعدیل را انجام می‌دهیم:

$$W_j = \frac{\sum_{i=1}^n \lambda_i \cdot w_j}{\sum_{i=1}^n \lambda_i \cdot w_j} ; V_j$$

نتیجه محاسبات عبارات استاز:

$$W'_j = (w'_1, w'_2, w'_3, \dots, w'_{12})^{****}$$

$$= (0/00054, 0/00054, 0/49082, 0/2567, 0/00054, 0/11223, 0/00054, 0/00054, 0/24555, 0/00042, 0/12333)$$

اکنون که کلیه اطلاعات لازم برای تهیه ماتریس تصمیم‌گیری وزنی به دست آمد، ماتریس V را به صورت زیر محاسبه می‌کنیم:

به همان ترتیب آزمون بونفرونی نشان داده شود، خواهیم داشت: رهبری = λ_1 ، کنترل = λ_2 ، نظارت عالی = λ_3 ، منابع مالی = λ_4 ، مدت زمان = λ_5 ، کارگزی = λ_6 ، هزینه ماشین‌آلات = λ_7 ، قانون و اجرای آن = λ_8 ، سازماندهی = λ_9 ، هزینه نیروی کار = λ_{10} ، برنامه ریزی = λ_{11} و هزینه مواد و مصالح = λ_{12} .

اکنون با رعایت این نکته که جمع اوزان باید برابر واحد بشود، خواهیم داشت:

$$(\lambda_1, \lambda_2, \lambda_3, \lambda_4, \lambda_5, \lambda_6, \lambda_7, \lambda_8, \lambda_9, \lambda_{10}, \lambda_{11}, \lambda_{12})$$

$$= (88\%, 88\%, 88\%, 88\%, 88\%, 88\%, 88\%, 88\%, 88\%, 88\%, 88\%, 88\%)$$

۲- آنتروپی

لازم به ذکر است که در این قسمت به دلیل طولانی بودن مراحل و محاسبات آنتروپی، تنها به نتیجه محاسبات اکتفا شده است. لذا به منظور آگاهی بیشتر از چگونگی محاسبات، ن. ک. ضمیمه IV نوشتار.

نتیجه محاسبات به قرار زیر است:

*****- انتخاب هر یک از این دو برنامه به عنوان اولویت پنجم بستگی به نظر DM خواهد داشت.

- 1-Technique for Order - Preference by Similarity to Ideal Solution.(Topsis)
- 2-Multiple Attribute Dessionion - Making (MADM)
- 3-Quantitative factors
- 4-Qualitative factors
- 5-Criteria
- 6-Alternatives
- 7-Hwang & Yoon
- 8-Positive Ideal Solution
- 9-Negative Ideal Solution
- 10-Consensus Agreement
- 11-Weighted Mathematical Mean
- 12-Dcision - Maker (DM)
- 13-Antropy
- 14-Linear - Programming for Multidimensional Analysis of Preference.
- 15-Eigenvector

منابع:

- ۱) اصغرپور، محمدجواد: تصمیم‌گیری‌های چندمعیاره، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- ۲) شریف: "موانع روند تهیه طرح‌های تفصیلی"، مجله شهرنگار، شماره ۱۴ و ۱۵، ۱۳۷۹.
- ۳) معماریانی، عزیزالله، و آذر عادل: "AHP، تکنیکی نوین

مدت زمان (روز)	هزینه مواد و مصالح (هزار ریال)	هزینه ماشین‌آلات (هزار ریال)	هزینه نیروی کار (هزار ریال)	منابع مالی (هزار ریال)	نظارت عالی	قانون و اجرای آن	کنترل	کارگزی	رهبری	سازماندهی	برنامه ریزی	معیار
۰/۱۲۶	۰/۰۹۲۰۰	۰/۰۸۷۴۳	۰/۲۱۹۶۱	۰/۳۹۱۶۷	۰	۰/۰۰۰۲۱	۰/۰۰۰۲۰	۰/۰۰۰۲۱	۰/۰۰۰۲۱	۰/۰۰۰۲۱	۰/۰۰۰۱۶	۱- برنامه ریزی توسعه شهری
۰/۰۹۴	۰/۰۷۷۸۲	۰/۰۶۳۴۱	۰/۱۰۶۱۳	۰/۲۸۴۱۸	۰	۰/۰۰۰۲۱	۰/۰۰۰۲۱	۰/۰۰۰۲۱	۰/۰۰۰۲۲	۰/۰۰۰۲۱	۰/۰۰۰۱۶	۲- برنامه بهبود عبور و مرور
۰/۱۲۶	۰/۰۰۱۸۵	۰/۰۰۷۱۸	۰/۰۰۲۶۹	۰/۰۰۹۳۲	۰	۰/۰۰۰۲۰	۰/۰۰۰۲۱	۰/۰۰۰۲۰	۰/۰۰۰۱۹	۰/۰۰۰۲۰	۰/۰۰۰۱۴	۳- برنامه ایجاد تأسیسات حفاظتی شهری
۰/۰۴۲	۰/۰۰۴۳۲	۰/۰۲۱۳۲	۰/۰۱۲۷۲	۰/۰۲۷۴۹	۰	۰/۰۰۰۲۱	۰/۰۰۰۲۱	۰/۰۰۰۲۰	۰/۰۰۰۲۰	۰/۰۰۰۲۰	۰/۰۰۰۱۶	۴- برنامه بهبود محیط شهری
۰/۱۰۵	۰/۰۱۲۹۵	۰/۰۰۸۶۴	۰/۰۰۳۶۷	۰/۰۳۸۷۷	۰	۰/۰۰۰۲۰	۰/۰۰۰۲۰	۰/۰۰۰۲۰	۰/۰۰۰۲۰	۰/۰۰۰۱۹	۰/۰۰۰۱۵	۵- برنامه ایجاد سایر تأسیسات و تسهیلات شهری
۰/۰۳۱	۰/۰۰۳۸۲	۰/۰۱۳۰۲	۰/۰۰۷۳۴	۰/۰۱۹۶۳	۰	۰/۰۰۰۲۱	۰/۰۰۰۲۰	۰/۰۰۰۲۰	۰/۰۰۰۲۰	۰/۰۰۰۲۰	۰/۰۰۰۱۶	۶- برنامه هدایت و دفع آب‌های سطحی داخل شهری
۰/۱۰۵	۰/۰۲۱۷۱	۰/۰۱۳۹۲	۰/۰۰۱۱۷	۰/۰۶۲۳۳	۰	۰/۰۰۰۱۸	۰/۰۰۰۱۹	۰/۰۰۰۱۹	۰/۰۰۰۲۱	۰/۰۰۰۲۱	۰/۰۰۰۱۸	۷- برنامه ایجاد تأسیسات درآمدزا

نگاهی به خصوصی سازی خدمات شهری*

نویسنده: برندان مارتین^(۱)

ترجمه: علی عربانی دانا

منشأ خصوصی سازی

در دو دهه اخیر، هیچ یک از بحث‌های سیاسی و بین‌المللی به اندازه خصوصی سازی مورد توجه قرار نگرفته است ولی با وجود این، معنای این اصطلاح هنوز مبهم است. خصوصی سازی اصطلاح جدیدی است اما در عمر کوتاه خود نسبت به اصطلاحات دیگر، کاربردهای گسترده تری پیدا کرده است. این گستره کاربرد نه تنها زمینه‌هایی را که خصوصی سازی در آن اتفاق افتاده است در برمی‌گیرد بلکه پروژه‌های مختلف سیاسی و اقتصادی را نیز که به عنوان ابزاری سیاسی به کار گرفته شده‌اند، شامل می‌شود. اگر چه خصوصی سازی به عنوان سیاست نظام‌مند اصلاح ساختاری اقتصاد کلان با نگرش ایدئولوژیک قوی در زمینه نقش‌های دولت و بازار شکل گرفت و در دهه ۱۹۸۰ و بعد از نخست وزیری تاچر به پدیده‌ای بین‌المللی تبدیل شد، اما نخستین تجربه ملی کامل خصوصی سازی در یک دهه قبل یعنی در زمان دیکتاتوری نظامی «پینوشه» در شیلی شکل گرفت. خصوصی سازی به عنوان ابزاری سیاسی که در اقتصاد کلان دارای اهمیت ناچیز است، کمی زودتر شکل گرفته بود. فرهنگ انگلیسی اکسفورد اولین کاربرد این اصطلاح را به دولت اِره‌ارت^(۲) در آلمان غربی در سال ۱۹۵۹ و مسئله معدن نسبت می‌دهد، اما اولین کاربردی که فرهنگ آکسفورد از این اصطلاح در زمینه خدمات عمومی ثبت کرد، از گزارش‌های مطبوعات کانادا در سال ۱۹۷۶ گرفته شده است. خصوصی سازی خدمات عمومی شهری در حقیقت چند قرن قبل از پیدایش این اصطلاح انجام می‌شد. نشریه آیلو^۳ در این زمینه می‌نویسد: «بنگاه‌های خصوصی در اوایل سال ۱۹۷۶ قراردادهایی را در زمینه نظافت خیابان‌های شهر نیویورک منعقد کرده بودند. شهرداری‌ها از آن زمان تاکنون سعی کرده‌اند که برای انجام خدمات و زیرساخت‌ها با بخش خصوصی قرارداد ببندند». اما خصوصی سازی به عنوان نوعی جنبش، اصطلاح کاملاً جدیدی است. حکومت‌های ملی و محلی به تدریج در دهه‌های ۱۹۷۰، ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ کوشیدند که مؤسسات دولتی را به طور بی سابقه‌ای منحل کنند و از طریق قراردادهای به ارائه خدمات عمومی بپردازند و مقوله‌هایی همچون مسئولیت، مالکیت، تأمین مالی، راه اندازی و مدیریت را از دولت به افراد و یا

بنگاه‌های خصوصی انتقال دهند. تا سال ۱۹۹۵، بیش از ۱۰۰ هزار مؤسسه منحل شده بود و بیش از ۸۰ کشور به طور کامل به برنامه‌های خصوصی سازی روی آورده بودند. خصوصی سازی از منشأ آن به عنوان ابزار سیاسی فراتر رفته و رو سوی تبدیل شدن به نوعی سیاست را داشت.

مفهوم خصوصی سازی

فرهنگ انگلیسی اکسفورد، خصوصی سازی را این گونه تعریف می‌کند: «خط مشی و یا فرایند خصوصی کردن که در مقابل دولتی کردن قرار می‌گیرد. این تعریف بیش از اینکه به مسائل پاسخ بگوید، خود مسئله می‌آفریند. گرچه این اصطلاح عموماً در حیطه تغییر فعالیت‌ها و همچنین نقش و اندازه دولت به کار رفته است اما گاهی در معنای محدود کردن دسترسی به اختیارات و «مالکیت عمومی» (یعنی دارایی‌هایی که از نظر قانونی در مالکیت عمومی قرار می‌گیرد و از مالکیت دولتی جداس) نیز به کار می‌رود.

اصطلاح «خصوصی سازی» علاوه بر اینها در مورد تمهیداتی به کار رفته است که منجر به مالکیت غیر دولتی و غیر انتفاعی و یا نظارت بر دارایی‌ها و فعالیت‌هایی می‌شوند که قبلاً جزو اموال دولت و یا در حیطه مسئولیت دولت بوده‌اند. خصوصی سازی در بعضی از کشورها به عنوان ابزاری برای عمومی کردن مالکیت و نظارت بر دارایی‌هاست. به عنوان مثال، برنامه خصوصی سازی در سری لانکا زمانی به مردمی سازی مشهور بود. در همین زمان در انگلستان اصطلاح «سرمایه‌داری مردمی» برای تشریح گردش انبوه سهام که به خصوصی سازی خدمات رفاهی انجامید به کار رفت. ^(۴) PLC، علامت اختصاری «شرکت محدود عمومی» است و در واقع شکلی از مالکیت سهامی مشترک است و اگر سهامی برای فروش وجود داشته باشد همه افراد می‌توانند سهام چنین شرکتی را خریداری کنند.

بین حقوق مالکیت که از وضعیت مالی و معاملات تجاری ناشی می‌شود و حقوق شهروندی که در درون دولت مطرح می‌گردد تفاوت زیادی وجود دارد. این تفاوت و تمایز در حقیقت محور اصلی بحث‌های مربوط به خصوصی سازی است. چیزی که در اینجا بدان پرداخته می‌شود، همین تمایز است و نه تمایز

غیردقیق «دولتی» و «خصوصی». به عبارت دیگر، ما خصوصی سازی را در مفهوم انتقال از فضای شهری به فضای تجاری به کار می‌بریم.

اما سؤالی که مطرح می‌شود این است که: چه چیزی را باید انتقال داد؟ خصوصی سازی در مفهوم خیلی دقیق به معنای انتقال مالکیت است اما این اصطلاح در حوزه‌هایی همچون عقد قرارداد، مالیه خصوصی زیرساخت‌های عمومی و نظایر اینها نیز به کار رفته است. با وجود این، یکی از تحقیقات نشان داده است که: «وجه مشترک انواع خصوصی سازی‌ها، انتقال فعالیت پویا از بخش دولتی به مؤسسات خصوصی است». اما این تعریف هم نمی‌تواند حوزه کامل انواع خصوصی سازی را نشان دهد، زیرا بعضی از خصوصی سازی‌ها با انتقال مسئولیت - به عنوان مثال انتقال از گروه به فرد مثل هزینه کاربران - همراه است و نه با انتقال فعالیت پویا.

خصوصی سازی در این مقاله، با توجه به موارد پیش گفته، بدین صورت تعریف می‌شود: «انتقال مالکیت، مسئولیت، تأمین مالی، راه اندازی و مدیریت از دولت به افراد و یا سازمان‌های غیردولتی».

خط‌مشی و یا فرایند خصوصی کردن در مقابل دولتی کردن قرار می‌گیرد. این اصطلاح عموماً در حیطه تغییر فعالیت‌ها و همچنین نقش و اندازه دولت به کار رفته است اما گاهی در معنای محدود کردن دسترسی به اختیارات و «مالکیت عمومی» نیز به کار می‌رود

از خصوصی سازی تعاریف بسیار زیادی به عمل آمده است: تعریف مذکور از بعضی تعاریف کلی‌تر است اما از تعدادی تعاریف دیگر نیز دقیق‌تر است. از تعریف نشریه آیلو که خصوصی سازی را بدین صورت تعریف کرده است، دقیق‌تر است: «مشارکت و یا تغییری است که یا برای تشویق سرمایه گذاران خصوصی و یا برای ورود روحیه بازاریابی به فعالیت‌های عمومی طراحی شده است». این تعریف شامل انواع مختلف بازار گرای و سوداگری است که بین بنگاه‌های خصوصی از یک طرف، بین دولت و شهروندان از طرف دیگر و همچنین بین بخش‌های دولتی ارتباط ایجاد می‌کند. این بازار گرای شامل موارد زیر است: مناقصه عمومی بین پیمانکاران خارجی برای انجام عملکردهای داخلی (البته این لزوماً منجر به عقد قرارداد نمی‌گردد)؛ توزیع سند مالی به عنوان شکلی از پول به طوری که کاربران خدمات عمومی بتوانند با استفاده از آن، یکی از عرضه کنندگان خدمات را انتخاب کنند؛ تجدید ساختار مؤسسات خصوصی و تبدیل آنها به شرکت‌ها آن گونه که اخیراً در ادارات پست انگلستان صورت گرفته است؛ ساختار بندی مجدد به منظور ایجاد بازارهای داخلی در بخش عمومی که با تقسیم خرید و عرضه مسئولیت‌ها همراه است؛ اولویت دادن به اهداف عرضه کنندگان خدمات عمومی با توجه به ملاحظات تجاری. این مکانیسم‌ها را می‌توان به طرق مختلف به خصوصی سازی ارتباط داد؛ اما آنها می‌توانند جایگزین‌هایی برای خصوصی سازی باشند. از این رو، تعریفی که

از خصوصی سازی در این مقاله ارائه شده است به این مکانیسم‌ها توجه نمی‌کند.

انواع خصوصی سازی

تعریفی که از خصوصی سازی در این مقاله ارائه شده است انواع مختلفی را در برمی‌گیرد. خصوصی سازی مسئولیت می‌تواند شامل موارد زیر باشد: آزاد سازی و حذف نظارت دولت؛ انحلال، پایان دادن و کاهش عرضه و تولیدات دولتی؛ انتقال مسئولیت مالی به افراد (البته این انتقال نباید فقط به صورت هزینه‌های مستقیم کاربران باشد بلکه باید از اشکال دیگر همچون بیمه درمان خصوصی نیز استفاده شود).

خصوصی سازی مالکیت می‌تواند به نتایج ساختاری گوناگون منجر گردد و این در حقیقت به روش‌های مختلف خصوصی سازی مربوط می‌شود، همچون گردش سهام؛ فروش مستقیم به شرکت‌های فعال؛ فروش به صندوق‌های سرمایه گذاری؛ سرمایه گذاری انبوه در بخش سند مالی؛ جبران خسارت مالکان قبلی؛ مدیریت و خرید سهام کارمندان؛ انتقال سهام به شرکت‌های تعاونی و نهادهای غیردولتی و غیرانتفاعی دیگر؛ و انتقال زمین و دارایی‌های دیگر. بسیاری از این اشکال می‌توانند کلی و یا جزئی باشند. اگر جزئی باشند می‌توانند پول اکثریت و یا اقلیت را در برگیرند (اما بعضی از مفسران معتقدند که خصوصی سازی برای اینکه ارزش این نام را داشته باشد باید با تفویض اختیار همراه باشد).

اشکال اصلی خصوصی سازی کارها و مدیریت عبارت‌اند از: مقاطعه دادن و واگذاری (معمولاً دراز مدت). هر یک از این دو نوع می‌تواند با مناقصه عمومی و یا بدون آن انجام شود. واگذاری اغلب به خصوصی سازی تأمین سرمایه مربوط می‌شود، برای تجدید و توسعه زیرساخت‌های عمومی به کار می‌رود و اغلب از طریق مکانیسم‌هایی همچون طرح‌های بوت^(۱) (ساخت - راه اندازی - انتقال) انجام می‌شود.

بعضی از انواع خصوصی سازی، عمدتاً در کشورهای خاصی به کار می‌رود و به عبارت دیگر در بعضی از کشورها بیش از آن‌های دیگر رایج است. این خود به دلیل عواملی همچون سطوح غالب توسعه اقتصادی و توسعه بازار سرمایه است. بعضی از انواع خصوصی سازی عمدتاً در بعضی از بخش‌های خدمات عمومی به کار گرفته می‌شود. از آن جمله، خصوصی سازی آب، نوعی از واگذاری دراز مدت است که اغلب مرتبط با طرح «ساخت - راه اندازی - انتقال» مطرح می‌شود (انگلستان از نظر خصوصی سازی مالکیت آب و فاضلاب و همچنین از نظر تصدیه‌گری مالیه سرمایه گذاری و راه اندازی، نوعی استثناست). این در حالی است که برای خدمات شهری دیگر مثلاً جمع‌آوری زباله‌های جامد عموماً از قرارداد کوتاه مدت استفاده می‌شود؛ اما طرح دقیق این مکانیسم‌ها متغیر است و تابع آن است که آیا خصوصی سازی مشخصی را می‌توان برای کل سازمان خدماتی و یا بخش‌های آن به کار گرفت یا نه.

خصوصی سازی خدمات عمومی و خدمات شهری

خصوصی سازی در بسیاری از کشورها - با توجه به حوزه

عملکردها و مالکیت دولتی آنها - با انحلال مؤسسات کوچک دولتی در بازارهای بالقوه رقابتی شروع شد و سپس به طرف خدمات عمومی و خدمات رفاهی دیگر گسترش یافت. در زمان حاضر، خدمات عمومی از حوزه‌هایی هستند که در سر تا سر جهان در حال خصوصی سازی اند، گرچه مقیاس خصوصی سازی در کشورهای مختلف تفاوت‌های بسیاری با یکدیگر دارد. مثلاً خصوصی سازی آب و برق در اتحادیه اروپا به ندرت اتفاق می افتد ولی این پدیده در افریقا و امریکای لاتین تقریباً عادی است (و این تا اندازه‌ای به علت خط مشی‌های بانک جهانی و صندوق بین المللی پول - ایف - است).^(۵)

شناسایی روند خصوصی سازی خدمات خاص شهری در کشورهای مختلف دشوار است و علتش هم این است که بافت قانونی، نهادی و ساختاری کشورها با یکدیگر تفاوت دارد. مثلاً خدمات بهداشت عمومی را در بعضی از کشورها شهرداری‌ها ارائه می کنند؛ اما در خیلی از کشورها وضعیت این گونه نیست. در حوزه آموزش، خدمات رفاهی و بخش‌های دیگر هم وضعیت بدین صورت است. ماهیت روابط قانونی موجود بین دو سطح اغلب متغیر است. این ماهیت در بسیاری از کشورها با مداخله یک سطح میانی پیچیده تر می گردد. این سطح میانی ممکن است حکومت منطقه‌ای و یا نهادهای موقتی باشند که مسئولیت خدمات خاص را در حکومت ملی، منطقه‌ای و یا محلی بر عهده دارند. پیچیدگی دیگر این است که بافت قانونی، نهادی و ساختاری علاوه بر اینکه در کشورهای مختلف متغیر است در داخل کشور نیز تغییر می کند. در حقیقت، یکی از ویژگی‌های اصلاح ساختار دولتی در دو دهه اخیر، تغییری بوده که در رابطه بین حکومت مرکزی و محلی ایجاد شده است؛ در حالی که تمرکز زدایی مسئولیت‌ها (که البته الزاماً بودجه‌ای را که قبلاً اختصاص داده شده است در بر نمی گیرد) یکی از ویژگی‌های اصلی این روند بوده ولی فرایند تمرکز قدرت به طور همزمان در بسیاری از کشورها اتفاق افتاده است و این می تواند با روند خصوصی سازی در شهرداری‌ها مرتبط باشد.

بین حقوق مالکیت که از وضعیت مالی و معاملات تجاری ناشی می شود و حقوق شهروندی که در درون دولت مطرح می گردد تفاوت زیادی وجود دارد. این تفاوت و تمایز در حقیقت محور اصلی بحث‌های مربوط به خصوصی سازی است

نکته‌ای که باید در این مقاله بدان اشاره کرد، این است که خصوصی سازی بعضی از خدمات شهری - به خصوص مقاطعه دادن - در مقایسه با خصوصی سازی خدمات رفاهی و یا خصوصی سازی مؤسسات دولتی ملی دارای مقیاسی کوچک تر و در واقع محلی تر است و از همین رو، مورد بررسی قرار نگرفته است.

مثال برجسته دیگر به انگلستان مربوط می شود، که از نظر مقاطعه دادن خدمات شهری در مقایسه با کشورهای دیگر منظم تر عمل کرده است. این مثال نشان می دهد که خصوصی سازی خدمات شهری با تمرکز قدرت همراه است و نه با تمرکز

زدایی آن. الگوی خصوصی سازی در انگلستان هیچ گونه همتایی در کشورهای دیگر ندارد. اما خصوصی سازی بسیاری از خدمات شهری - به خصوص از طریق واگذاری و مقاطعه دادن - در دو دهه گذشته در سطح بین المللی افزایش یافته است و این به علت وجود برنامه های تعدیل ساختار در کشورهایی است که از صندوق بین المللی پول و بانک جهانی وام می گیرند. خط مشی این نهادها، همان گونه که انتظار می رود - تحت نفوذ سهامدار بزرگ یعنی امریکا قرار گرفته است؛ یعنی کشوری که خدمات شهری در آن سریعاً به مناقصه گذاشته می شود و خصوصی سازی می گردد.

نظارت بر خدمات خصوصی شده

برای نظارت بر خدمات عمومی خصوصی شده باید سیستمی اقتصادی طراحی کرد، به گونه‌ای که کارگزاران اقتصادی بتوانند کارایی تخصیصی را برای جامعه‌ای بزرگ تر به دست آورند (کارایی تخصیصی شاخصی است که منابع نسبت به آن و با توجه به بازگشت بهینه توزیع می شوند؛ اما کارایی عملی شاخصی است که منابع نسبت به آن و با توجه به بازگشت بهینه کنترل می گردند). اقداماتی که برای تقویت قوانین و استانداردها به کار می رود و متناسب با خط مشی‌های دولتی است، به دو گروه اصلی تقسیم می شود: (۱) - نظارت نمایندگی‌های دولتی بر عرضه کنندگان خصوصی؛ و (۲) - قراردادهای نمایندگی‌های دولتی برای نظارت بر خدمات از دو رویکرد مجزا استفاده می کنند که متفاوت از حالت قرارداد است. رویکرد اول رویکردی مشارکتی است که آن را هیئت‌های دولتی خدمات عمومی در ایالت‌های امریکا طراحی می کنند. در این رویکرد، اظهار نظرهای آزاد سبب می شود که احزاب صاحب منافع بتوانند دلایل کارشناسان و نمایندگان شرکت‌ها را به عنوان بخشی از فرایندی که منافع عمومی در آن تعریف می شوند، بررسی کنند. رویکرد دوم رویکردی اداری است که در آن، خط مشی‌های دولتی به جای اینکه از طریق فرایند نظارتی شکل بگیرند، عمدتاً به وسیله قانون و دولت تعریف می شوند و مقامات نمایندگی‌های مسئول نیز آن را تعبیر و تقویت می کنند.

روشی که در این مقاله برای تمایز دو رویکرد نظارتی به کار رفته است، با روش متعارفی که برای تمایز بین کنترل «نرخ بازگشت» و «سقف قیمت» به کار می رود متفاوت است و این خود سه دلیل دارد که اینها هستند:

- ۱- در حوزه مربوط به مسائل و ساختار آیلو باید تمایز بین رویکردهای مشارکتی و اداری را که در معیارهای متعارف مربوط به مکانیسم‌های دیگر نادیده گرفته شده است برجسته کرد؛
- ۲- تفاوت بین آن مکانیسم‌ها - یعنی کنترل «نرخ بازگشت» و «سقف قیمت» - در هر حال رو به تضعیف است؛ و
- ۳- رویکردهای مشارکتی به گونه‌ای طراحی می شوند که هم بر قیمت‌هایی که از کاربران خدماتی مطالبه می شود نظارت کنند و هم رفتارهای دیگر عرضه کنندگان خصوصی خدمات عمومی را کنترل کنند. این در حالی است که رویکردهای اداری عموماً نمایندگی‌های مجزایی را در برمی گیرند که به نظارت جنبه‌های گوناگون (مثلاً قیمت‌ها، تأثیرات زیست محیطی، امنیت و جز

آن) می پردازند. پیامد این رویکرد دوم می تواند تعدد نمایندگی های نظارتی - که حالتی ناکارآمد است - و یا عدم توجه به جنبه های اشتراکی - البته به غیر از قیمت ها - باشد.

نظارت بر خدمات عمومی خصوصی شده عمدتاً در بخش قیمت ها صورت گرفته است. هدف نظارت این است که سوء استفاده انحصاری را از طریق کنترل درآمد عرضه کنندگان خصوصی و کنترل قیمت های مطالبه ای آنها از بین ببرد. از این رو می توان قیمت ها را به صورتی تنظیم کرد که توازن بین کارایی تجاری و مسائل عام المنفعه، همچون حفاظت زیست محیطی و دسترسی عموم به خدمات و امنیت عموم و نظایر آن، رعایت شود. کنترل

خصوصی سازی بدین صورت تعریف می شود: «انتقال مالکیت، مسئولیت، تأمین مالی، راه اندازی و مدیریت از دولت به افراد و یا سازمان های غیردولتی»

نرخ بازگشت با اقداماتی (مثلاً اظهار نظرهای عمومی در امریکا) همراه است که از طریق آنها می توان تعدادی از عوامل (مثلاً سطوح لازم سرمایه گذاری) را قبل از تعیین نرخ بازگشت و تعرفه ها لحاظ کرد. کنترل سقف قیمت که بخشی از فرایند خصوصی سازی خدمات رفاهی در انگلستان است نرخ مجاز بازگشت را مشخص نمی سازد بلکه حد نهایی قیمت ها را تعیین می کند.

یکی از ضعف های کنترل نرخ بازگشت گرایشی است که رو سوی سرمایه ای کردن افراطی دارد، بدون اینکه فشار وارد بر هزینه ها را کاهش دهد. این ضعفها سبب شد که رویکرد جدیدی در حوزه خصوصی سازی ایجاد شود که نتیجه آن، کنترل سقف قیمت بود. کنترل کنندگان سقف قیمت در هنگام تعیین قیمت ها همواره از نرخ بازگشت معقول استفاده کرده اند. کنترل سقف قیمت، با هزینه اندک انجام می شود و انگیزه هایی را برای کاهش هزینه ایجاد می کند. «کاترین پرایس» در این زمینه می گوید:

«این منافع تا زمانی که تعیین سقف قیمت از عهده مدیران صنایع خارج باشد و بنگاه ها نتوانند بر سطح آن تأثیر بگذارند، ثابت خواهد ماند. اگر مدیران صنایع بر این اعتقاد باشند که کنترل کننده، این سقف را با توجه به عملکرد بنگاه انتخاب می کند، در آن صورت مطابق عملکرد کنترل کننده رفتار خواهند کرد. کنترل کنندگان برای تعیین درستی سطوح قیمت به جز نرخ بازگشت تقریباً هیچ معیاری در اختیار ندارند. از این رو، ضرورت بازنگری سقف قیمت، شرکت ها را مجبور می کند که نرخ بازگشت را کاهش دهند و انگیزه های بهتری برای سرمایه ای کردن افراطی ایجاد کنند.»

پویسی که در جریان کنترل سقف قیمت ایجاد شده بهبودهایی را در کارایی به وجود آورده است، اما انتظار بر این است که کنترل کننده در بازنگری بعدی، این بهبودها را به مرور زمان و از طریق سقف های شدیدتر قیمت به مشتریان انتقال دهد. اگر هزینه ها و مزایای هر دو رویکرد پیش گفته یعنی کنترل سقف قیمت و کنترل نرخ بازگشت منظور گردد، مشکلات دو برابر خواهد شد.

بدین خاطر است که تفاوت بین این دو رویکرد تضعیف شده است. قراردادهایی که بین دولت و عرضه کنندگان خصوصی منعقد می گردد به گونه ای است که عرضه کنندگان را قادر به برآوردن نیازمندی های دولت می کند، بدون اینکه به خودکفایی تجاری عرضه کنندگان لطمه ای وارد سازد؛ و ترازاها نیز بر اساس آن انجام می شود. این قراردادها عموماً اهداف حاصل از خط مشی های دولتی را به عرضه کنندگان تحمیل می کند و شامل توافق نامه هایی است که محدوده افزایش قیمت و اقدامات مربوط به تعیین قیمت را تعریف می کند. این توافق نامه ها به عرضه کنندگان اجازه نمی دهند که قیمت ها را بدون توافق نهاد دولتی ذی ربط افزایش دهند. اما پویای این اقدامات - همانند نظارت نمایندگی ها - به مرور زمان توسعه می یابد.

برنامه خصوصی سازی در فیلیپین

برنامه خصوصی سازی در فیلیپین که در دوران ریاست جمهوری «فردیناند مارکوس»^(۶) و با نقوذ صندوق بین المللی پول و بانک جهانی طراحی شد، به وسیله کمیته خصوصی سازی کوپ^(۷) اداره می شود. این کمیته نمایندگی ای است که در دفتر ریاست جمهوری قرار دارد. اجرای این برنامه بعد از سقوط مارکوس و با فعالیت رئیس جمهور بعدی یعنی «کوری اکوانیو»^(۸) در سال ۱۹۸۶ آغاز گردید و در دوران ریاست جمهوری «فیدل راموس»^(۹) و «ژوزف استرادا»^(۱۰) در دهه ۱۹۹۰ به کار خود ادامه داد. این برنامه دارای ۳ مرحله مشابه است که با انحلال شرکت های سهامی دولتی شروع می شود و به سوی خدمات رفاهی و اخیراً هم به سوی خدمات عمومی دیگر - از جمله خدمات شهری - گام برمی دارد. اصول پنج گانه این برنامه بدین شرح اند:

اشکال اصلی خصوصی سازی کارها و مدیریت عبارت اند از: مقاطعه دادن و واگذاری (معمولاً دراز مدت)

- بهبود کارایی و ارائه خدمات با کیفیت؛
- متمرکز ساختن منابع و توان دولت به سوی ارائه خدمات و کالاهای عمومی؛
- ایجاد فضای سرمایه گذاری مطلوب تر؛
- گسترش مالکیت اموال و توسعه بازار سرمایه؛ و
- درآمد زایی برای پروژه های مهم دولتی همچون اصلاح زمین و توسعه زیرساخت های عمومی.

از سال ۱۹۸۷ تا سال ۲۰۰۰، ۴۷۰ مؤسسه صنعتی، بانکداری و خدماتی به خریداران خصوصی فروخته شد. این کار در حدود ۱۹۰ میلیون پزوی فیلیپین (که با توجه به نرخ ارز در ژانویه سال ۲۰۰۱ تقریباً برابر با ۴ بیلیون دلار امریکا بوده است) درآمد زایی کرد که بخشی از آن به تأمین مالی برنامه اصلاح ارضی کشور اختصاص یافت. در دهه ۱۹۹۰، خصوصی سازی به بخش تولید برق گسترش یافت. این کار در قالب ۴۲ پروژه مستقل تولید نیرو ایپ^(۱۱) صورت گرفت و این در حالی بود که فعالیت های شرکت های سهامی تولید برق ناپوکور^(۱۲) به صورت تجاری درآمدی بود. این برنامه خصوصی سازی به بخش

آب نیز گسترش یافت و مسئولیت‌های آب و فاضلاب «مانیل» به دو طرح واگذاری دراز مدت که به وسیله یک کنسرسیوم اداره می‌شد انتقال یافت. کنسرسیوم مذکور ارتباطی بین بنگاه‌های ثبت شده فیلیپین و شرکای بین‌المللی متخصص ایجاد می‌کرد. اخیراً خصوصی سازی به طرق مختلف به عملکردهای حکومت محلی نیز نفوذ کرده است، که بوت‌ها، مقاطعه دادن و انواع دیگر مشارکت بین بخش خصوصی و بخش دولتی از آن جمله‌اند. حوزه‌هایی که تحت تأثیر این برنامه قرار گرفته‌اند عبارت‌اند از: بازارهای عمومی، کشتارگاه‌ها، گورستان‌ها، بنادر ماهیگیری، واحد توزیع برق، مدیریت فاضلاب و تأمین آب. حوزه‌های دیگری که قرار است وارد این برنامه شوند عبارت‌اند از: احیای زمین، شیلات، جنگل‌بانی، پارک‌ها، مدیریت حیات وحش و امکانات آموزشی. این در حالی است که بخش مراقبت‌های پزشکی نیز در حال خصوصی سازی است.

کمیته خصوصی سازی تاکنون هیچ ارزیابی نظام‌مندی در زمینه تأثیرات برنامه، اهداف ذکر شده و ملاحظات کلی‌تر همچون وضعیت کار و اشتغال انجام نداده است. یکی از ضعف‌های اصلی برنامه مذکور این است که نمی‌تواند با فساد و خویشتناوند بازی که از ویژگی‌های برجسته تجارت و دولت فیلیپین است مبارزه کند. این برنامه به علت تفاوت‌هایی که بین منطق و نتایج آن وجود دارد باعث بروز مناقشه‌هایی گردیده است. این امر که مالکان جدید عموماً از تاجران بزرگ‌اند با هدف این برنامه که گسترش مالکیت دارایی‌های زایا در سرتا سر این کشور است

خدمات عمومی از حوزه‌هایی هستند که در سرتا سر جهان در حال خصوصی سازی اند، گرچه مقیاس خصوصی سازی در کشورهای مختلف تفاوت‌های بسیاری با یکدیگر دارد

تناقض دارد. گسترش و ورود این برنامه به خدمات عمومی محلی مورد انتقاد قرار گرفته است، زیرا در خصوصی سازی‌های اولیه فرض بر این بود که درآمدهای حاصل بتوانند دولت را قادر به سرمایه‌گذاری در این عرصه‌ها کنند.

مناقشه دیگر به دوره‌هایی مربوط می‌شود که در آن، ناپوکور باید به ازای برقی که بدان نیاز ندارد به تولید کنندگان مستقل نیروها پول پرداخت کند (این پول بعد از تضعیف سریع پزوی فیلیپین باید بر اساس دلار آمریکا پرداخت شود). گرچه ۴۲ ایپ از طریق مالیه خصوصی توانستند یک مرکز جدید تولید برق احداث کنند اما این سرمایه در قراردادهای خرید نیرو پیا^(۱۳) محفوظ ماند.

این قراردادها از جمله معاملات «دریافت یا پرداخت» هستند که ناپوکور به موجب آن می‌تواند (البته با تضمین دولت) بخش خاصی از نیرو را به قیمت از قبل تعیین شده پرداخت کند؛ خواه این نیرو به بخش خدمات شهری و خدمات رفاهی دیگر خرده فروشی شده باشد، و خواه نشده باشد. این اقدام بیش از ۹ بیلیون دلار ضرر به بار آورد و وضعیت سالم مالی ناپوکور را به

ورشکستگی تبدیل کرد. مصرف کنندگان و پرداخت کنندگان مالیات در حال جبران این خسارت‌اند اما در ازای این کار هیچ چیزی مثلاً خدمات جدید، بهبود کیفیت و یا دارایی ارزشی، دریافت نمی‌کنند. مشکلات حاصل از این خطر کردن سبب شده است که رئیس جمهور جدید یعنی «گلوریا آریو - ماگاکاپال»^(۱۴)، طرح‌های مربوط به خصوصی سازی ناپوکور را که در حمایت از صندوق بین‌المللی پول مؤثرند بازنگری کند.

کامل ترین ارزیابی ای که تاکنون در زمینه وضعیت کار و تأثیرات اجتماعی این برنامه صورت گرفته، به وسیله نگارنده در ماه اوت سال ۲۰۰۰ و برای کمیسیون خدمات شهری فیلیپین انجام شده است. این ارزیابی بخشی از پروژه‌ای بود که در آن، ۳ کنفدراسیون از ۴ کنفدراسیون اتحادیه‌ای که نماینده کارمندان دولتی بودند شرکت داشتند. جزئیات دقیق این برنامه و تأثیرات آن ممکن است در گزارش مربوط به کمیسیون خدمات شهری جمهوری فیلیپین درج شده باشد.

خصوصی سازی و بازار گرایی خدمات شهری در انگلستان

تمرکز زدایی و خصوصی سازی خدمات شهری اغلب لازم و ملزوم یکدیگرند اما در انگلستان، مقاطعه دادن نظام مند خدمات محلی تا اندازه زیادی نیازمند تمرکز قدرت بود. طرح مناقصه عمومی اجباری سی سی تی^(۱۵) از سال ۱۹۸۹ به بعد، ادارات محلی را ملزم کرده است که خدمات خود را در ۶ حوزه خاص از طریق مناقصه شرکت‌های خصوصی ارائه دهند. از سال ۱۹۸۳ طرح مشابهی برای بیمارستان‌ها ارائه گردیده و سپس از طریق نهادهای محلی خاص به اجرا درآمده است. آن دسته از خدمات حکومت محلی که در ابتدا مشمول این طرح قرار گرفتند عبارت بوده‌اند از: نظافت ساختمان‌ها، جمع‌آوری زباله، نظافت خیابان‌ها، حفظ و نگهداری مدارس، تدارک غذا و حفظ و نگهداری وسایل نقلیه. بعداً مدیریت ورزش و اوقات فراغت نیز به این لیست اضافه شد. این طرح در نهایت به حوزه‌های اداری همچون مدیریت مسکن و خدمات قضایی نیز کشانده شد.

با توجه به طرح سی سی تی، شهرداری‌ها مجبور بودند که ارزان‌ترین مناقصه را بپذیرند، البته مگر در حالتی که مناقصه‌ای را حکومت مرکزی پیشنهاد کرده باشد. حتی قوانین مربوط به چگونگی انجام و ارزیابی مناقصه نیز در قانون ذکر شده بود. حکومت مرکزی با توجه به این قانون می‌توانست قوانین را تغییر دهد و طرح سی سی تی را در مورد خدمات جدید نیز به کار گیرد، بدون اینکه نیازی به مذاکرات مجلس داشته باشد. قوانین مناقصه به مقامات محلی اجازه نمی‌داد که ملاحظات غیرتجاری را هم در عقد قرارداد دخیل سازند. این قانون تعدادی از ملاحظات مذکور را معرفی کرده است که از آن جمله‌اند: نرخ پرداخت، رویه‌های اشتغال زایی، ثبت آمار مربوط به سلامت و امنیت، و ایجاد فرصت‌های یکسان برای شرکت‌هایی که در مناقصه شرکت می‌کنند. قانون مذکور دولت را ترغیب کرد که با افزودن یک بند به لیست این ملاحظات خاص، مفهوم «غیرتجاری» را دوباره تعریف کند. علاوه بر اینها این قانون

مقامات محلی را ملزم کرد که کاری در جهت تعریف، محدودیت و یا ممنوعیت رقابت انجام ندهند. در عین حال به حکومت مرکزی اجازه می‌داد که در زمینه تطابق آیین نامه‌های خاص با نیازمندی‌ها تصمیم‌گیری کند.

میزان تغییر را که سی‌سی تی در حکومت محلی ایجاد کرد می‌توان این گونه تبیین کرد: در سال ۱۹۸۹، یعنی قبل از زمان اجرای قانون مذکور، ارزش قراردادهایی که حکومت محلی منعقد کرده بود برابر با ۱۰۰ میلیون یورو بود؛ اما این رقم در سال ۱۹۹۴ به ۲۲۸۰ میلیون یورو افزایش یافت. تقریباً از هر پنج قرارداد، چهار قرارداد به نیروی کار ادارات محلی داخلی واگذار می‌شد اما این کار عموماً فقط به خاطر کاهش عواملی همچون تعداد مشاغل، میزان پرداخت و شرایط خدمات انجام می‌شد. در مطالعات مختلف هم گرچه میزان برآوردها مختلف است، همین نتایج را نشان می‌دهد. آن دسته از ادارات محلی که درست بعد از آغاز این طرح شروع به بررسی کردند، خاطر نشان ساختند که بهبود بهره‌وری مهم‌ترین عامل کاهش هزینه است. یکی از بررسی‌ها نشان داد که هزینه‌ها بعد از مقاطعه دادن به میزان ۲۲ درصد کاهش یافته است (اما وقتی این کار از طریق مناقصه بعدی داخلی صورت گرفت، میزان هزینه‌ها ۱۷ درصد کاهش یافت). استفاده صحیح از تجهیزات و نیروی کار در هر دو حالت از عوامل اصلی این کاهش هزینه بوده است.

کمسیون فرصت‌های برابر - که نهادی رسمی است - در ماه مارس سال ۱۹۹۶ گزارش داد که سی‌سی تی برای زنان تبعیض قائل می‌شود، زیرا عواملی همچون از دست دادن شغل سبب افزایش مشاغل موقتی گردیده و همین امر شرایط اشتغال زایی برای زنان را دشوار ساخته بود. تحقیقی که در زمینه نتایج سی‌سی تی در ۳۹ اداره محلی صورت گرفت، نشان داد که میزان اشتغال زنان ۲۲ درصد و میزان اشتغال مردان ۱۲ درصد کاهش یافته است. اشتغال مردان در بخش نظافت و آموزش افزایش پیدا کرد اما اشتغال زنان در بخش نظافت به میزان ۳۱ درصد و در بخش آموزش به میزان ۱۱ درصد کاهش یافت. در بخش جمع‌آوری زباله - که فعالیتی خاص مردان است - سطوح پرداخت به طور متوسط افزایش یافت، قراردادهای ساعتی ثابت ماند و میزان اشتغال زایی ۲۳ درصد کاهش پیدا کرد. در بخش نظافت - که فعالیتی تقریباً زنانه است - ساعات کار به میزان ۲۵ درصد کاهش یافت. نرخ پرداخت هم عموماً با هیچ‌گونه افزایش همراه نبود و در بعضی از موارد - به خصوص برای کارگران پاره‌وقت - حتی کاهش هم یافت. این در حالی بود که از میزان اشتغال زایی ۲۹ درصد کاسته شد. بسیاری از کارگران آسیب دیده شرکت‌ها از زنانی بودند که به صورت پاره‌وقت کار می‌کردند. ساعات کاری بسیاری از این زنان به منظور حفاظت از حقوق استخدامی به پایین‌تر از سطح آستانه - یعنی ۱۶ ساعت - کاهش یافته بود. بعد از اینکه اولین دور قراردادهای به پایان رسید و دومین دور مناقصه در اوایل دهه ۱۹۹۰ شروع شد، سختگیری‌های بیشتری در زمینه افزایش بهره‌وری به عمل آمد. این مسئله تا پایان دهه ۱۹۹۰ و بعد از اینکه اتحادیه پرونده‌هایی را مطرح کرد، به وسیله احکام قانونی بهبود یافت. با توجه به این احکام، کارگرانی که تحت طرح سی‌سی تی منتقل می‌شدند می‌بایست تحت پوشش طرح حقوق

اكتسابی اتحادیه اروپا قرار می‌گرفتند. به موجب این طرح، شغل، پرداخت و شرایط دیگر کارگران (به جز حقوق بازنشستگی) می‌بایست در صورت تصاحب تأمین می‌شد. طرح مذکور بعدها به علت پرونده‌ای که به وسیله کارفرمایان تنظیم شد، منتفی گردید؛ در نتیجه در اواخر دهه ۱۹۹۰ برخی آشفته‌گی‌های قانونی بروز یافت و باعث بی‌ثباتی احکام دادگاه گردید.

بعد از تغییر دولت در سال ۱۹۹۷، طرح سی‌سی تی منحل شد و طرحی اجباری موسوم به طرح «بهترین ارزش» جای آن را گرفت. به موجب این طرح، ادارات محلی می‌بایست همه خدمات را - چه خدماتی که به صورت داخلی ارائه می‌شد و چه خدماتی که بخش خصوصی و بر اساس برنامه گردشی پنج ساله ارائه می‌کرد - بازنگری کنند؛ زیرا بدین طریق می‌توانستند هزینه‌ها را به میزان ۲ درصد در سال کاهش دهند. اسناد اتحادیه کارمندان دولتی انگلستان یونیس (۱۶) نشان می‌دهد که روند خصوصی سازی بعد از اینکه طرح «بهترین ارزش» جایگزین طرح سی‌سی تی گردید، به صورت معکوس درآمده است. اما ارائه خدمات در بعضی

انگلستان از نظر مقاطعه دادن خدمات شهری در مقایسه با کشورهای دیگر منظم‌تر عمل کرده است

از بخش‌ها - به خصوص خدمات مراقبت‌های داخلی - بعد از معرفی قوانین جدید، از طریق مناقصه دادن صورت گرفته است. بیش از نیمی از خدمات مراقبت‌های داخلی که به وسیله ادارات محلی انجام می‌گرفت تا سال ۲۰۰۱ به بخش خصوصی واگذار شد. یونیس (اتحادیه کارمندان دولتی انگلستان) همچنین گزارش می‌کند که الزامات طرح «بهترین ارزش» در زمینه پس اندازهای سالانه سبب شده است که فشار داخلی بر کارگران افزایش یابد تا میزان بهره‌وری نیز افزایش پیدا کند؛ اما این اتحادیه برای آن دسته از کارگران بخش خصوصی که بازنشستگی به آنها تعلق نمی‌گیرد، طرح دو مرحله‌ای بودن دوره‌های استخدام را در نظر گرفته است. روند دوم نه تنها به وسیله طرح‌های «سی‌سی تی» و «بهترین ارزش» تسهیل شده بلکه پیشرفت‌های عمده‌ای که از سال ۱۹۹۷ در انگلستان صورت گرفته و از طریق طرح مالی خصوصی پی اف جی (۱۷) باعث گسترش سریع مشارکت بین بخش خصوصی و دولتی شده است نیز آن را تقویت کرده است. در این طرح، نهادهای دولتی - مثلاً ادارات محلی - شرکت‌های خصوصی را به طراحی، ساخت، تأمین هزینه و راه‌اندازی تأسیسات تشویق می‌کنند و سپس این خدمات را در چارچوب قراردادهای دراز مدت (عموماً ۲۵ ساله) از آنها خریداری می‌کنند. این خود منجر به انتقال نیروی کار به حوزه اشتغال زایی بخش خصوصی گردیده است؛ گو اینکه در بخش خدمات بهداشتی تلاش می‌شود که از طرح پی اف جی برای اشتغال زایی مستمر نیروی کار دولتی استفاده شود.

پانوش:

* این مقاله ترجمه‌ای است از

Privatization of municipal Services: Potential, limitations and challenges for the Social Partners
* Ilo [International Labour Organization]

1-Brendan Martin

2-Erhard

3-Public Limited Company

4-Build, Operate, Transfer

5-International Monetary Fund

6-F.Marcos

7-Committee on Privatization

8-C. Aquino

9-F. Ramos

10-J. Strada

11-Independent Power Project

12-National Power Corporation

13-Power Purchase Agreements

14-G.A. Magacapal

15-Compulsory Competitive Tendering

16-United Kingdom's Main Public employees union

17-Private Finance Initiative

شهر فشرده؛ شکل شهری پایدار

گفت و گو با محمدرضا مثنوی

ایرج اسدی

کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای

درباره محمدرضا مثنوی

محمدرضا مثنوی متولد ۱۳۳۵ (خوانسار) فارغ‌التحصیل فوق‌لیسانس معماری (۱۳۶۹) از دانشگاه تهران و دکترای معماری (۱۳۷۷/۱۹۹۸) از دانشکده معماری مکتینتاش^(۱) دانشگاه گلاسکو انگلستان است. تز دکترای مثنوی با عنوان "تأثیر فرم شهر بر توسعه پایدار شهری" از جمله آغازین کارهای انجام شده درباره شهر فشرده بود که نتایج آن در فصلی از کتاب تخصصی Achieving Sustainable Urban form (2000) با ویراستاری مایک جنکس و دیگران^(۲) در انگلستان و آمریکا منتشر شد. از مثنوی تاکنون چندین مقاله در نشریات علمی و پژوهشی داخلی و خارجی به چاپ رسیده است. مثنوی در سال‌های ۸۲-۱۳۸۱ مسئولیت هماهنگی و کنترل طرح بررسی مسائل توسعه شهری منطقه ۶ تهران را به عهده داشته است. وی از سال ۱۳۷۸ عضو هیئت علمی گروه مهندسی طراحی محیط دانشکده محیط زیست دانشگاه تهران و از سال ۱۳۸۲ معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی آن دانشکده است.



اشاره

(۲۱) انجامید. در این قطعنامه نظریاتی درباره نقش شهرها در ناپایداری مطرح گردید که بعدها طی سال‌های ۶-۱۹۹۲ به صورت بحث‌ها و مقالاتی که بیشتر بار نظری داشتند مطرح گردیدند و منتشر شدند. رابطه بین فرم شهر و توسعه پایدار در ابتدا به صورت راهبردهایی نظری مطرح می‌شد که تحقیقات تجربی آن را حمایت نمی‌کرد. ماحصل این بحث‌ها در طی این سال‌ها، نظریه هنوز خام و اثبات نشده‌ای بود، مبنی بر اینکه رابطه‌ای بین فرم شهر و توسعه پایدار وجود دارد. از این نقطه عزیمت دو نظریه عمده در مورد توسعه و فرم شهر و توسعه پایدار مطرح شد. نظریه اول این ایده را تشریح می‌کند که با فشرده‌سازی^(۴) شهرها و افزایش تراکم همراه با اعمال کاربری مختلط^(۵) می‌توان شهرها را به سمت توسعه پایدار هدایت کرد. در مقابل نظریه دیگری هم مطرح گردید که در برابر نظریه شهر فشرده قرار می‌گرفت و آن اینکه با اعمال تراکم کم و توسعه گسترده^(۶) می‌توان به فرم شهری پایدار دست یافت. مفاهیمی چون توسعه شهری یا مسکونی با تراکم پایین^(۷) / طبقات کم یا شهر گسترده^(۸) برای تشریح این نظریه ساخته شدند. این هر دو استراتژی مربوط به کشورهای اروپایی یا آمریکایی است.

□ ایده شهر پایدار در چه نقاطی با ایده شهر فشرده ارتباط می‌یابد؟

شهرها جایگاه اصلی فعالیت‌های انسانی و بزرگ‌ترین مصرف‌کننده منابع و ذخایر طبیعی و انرژی نیز به شمار می‌روند. بنابراین رسیدن به بالاترین سطح پایداری ممکن در شهرها امری حیاتی است. البته پایداری شهری تنها مربوط به مقولات زیست‌محیطی نیست؛ رسیدن به پویایی اقتصادی، محیط‌زیست قابل زندگی و عدالت اجتماعی از جمله ابعاد مهم دیگر به شمار می‌آید.

اخیراً توجهات زیادی به ارتباط بین شکل شهر و پایداری آن معطوف شده است و این اعتقاد وجود دارد که شکل فیزیکی و میزان تراکم شهرها در پایداری آنها بسیار تأثیرگذارند. گفت و گوی حاضر به ابعاد مختلف این رابطه (بین شهر فشرده و پایداری شهری) و کاربرد آن در کشور پرداخته است.

□ در چند سال اخیر، شکل یا فرم توسعه شهری فشرده^(۹) در واقع استراتژی توسعه فضایی عمده‌ای برای تحقق توسعه پایدار قلمداد می‌شود. خاستگاه این ایده و نیز رویکردهای عمده مقابل آن را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
○ طرح موضوع شکل یا فرم شهری پایدار عمدتاً مربوط به دهه ۱۹۹۰ و زمان برگزاری کنفرانس ریو در برزیل در سال ۱۹۹۲ است که به تدوین و تصویب قطعنامه زمین (دستور کار

در این باره چیست؟

○ همان گونه که اشاره شد، نگاه شهر گسترده بیشتر از جانب کشورهای آمریکا، استرالیا، و بعضی متفکران کانادایی و نیوزیلندی حمایت می‌شد. علت آن هم این بود که در این کشورها زمین و استفاده از آن با محدودیتی روبه‌رو نیست، اما در طرف مقابل نگرش شهر فشرده ریشه مشخصی در واقعیات و امکانات شهرهای اروپایی دارد. در این شهر بر ویژگی‌های چون سرزندگی، تعاملات اجتماعی، امکان حرکت پیاده در شهر، مسیرهای پیاده، دسترسی به مراکز خرید و تفریح، سیستم حمل و نقل عمومی و نظایر اینها تأکید می‌شود. نگاه به مراکز عمده شهری اروپا چون رم، آمستردام، لندن، پاریس و بارسلونا نشان می‌دهد که در این شهرها حرکت پیاده و دسترسی پیاده بسیار مطلوب است، در حالی که در شهرهای آمریکایی این حرکت مبتنی بر وسایل نقلیه شخصی است و حرکت پیاده بیشتر محدود به مراکز شهری اندکی است. الگوی این دو نظریه از هم متفاوت است. اما باید توجه داشت که، برای مثال، الگوی توسعه گسترده یا کم تراکم به هیچ وجه مدعی ارتقای تعاملات اجتماعی نیست چون در این نوع توسعه نمی‌توان به تشویق ایجاد و استفاده از محورهای پیاده شهری پرداخت. در این دیدگاه بیشتر تأکید بر آن است که شهرهای کم تراکم زندگی با کیفیت بالایی را تدارک می‌بینند؛ هم از نظر زیست محیطی و آلودگی هوا و صدا و هم از نظر تدارک فضاهای باز و سبز و نیز امکان استفاده مردم از طبیعت. در این شهرها حمل و نقل عمومی کارایی چندانی ندارد.

به این ترتیب این دو الگو می‌توانند در دو دسته نسبتاً متفاوت قرار گیرند: در شهر فشرده تأکید زیادی بر حفظ و ارتقای تنوع اجتماعی و حتی نژادی و طبقاتی می‌گردد. در این شهرها و در واحدهای همسایگی باید امکاناتی فراهم گردد تا افراد بتوانند حضور بیشتری در فضاها و خیابان‌های شهری داشته باشند، تا بیشتر با هم ارتباط برقرار سازند و ملاقات کنند، تا از این طریق به پایداری اجتماعی^(۱۱) نیز دست یابند. تأکید ویژه دیگر در شهر فشرده، صرفه‌جویی در مصرف انرژی، به ویژه سوخت‌های فسیلی، و در نتیجه کاهش تنش‌های زیست محیطی است. در این شهر، علاوه بر افزایش تعاملات اجتماعی ادعا شده است که شرایطی مهیا می‌شود تا از طریق تشویق سفرهای پیاده و حمل و نقل عمومی - با تدابیر لازم در کاربری زمین و سیستم‌های حمل و نقل - مصرف سوخت‌های فسیلی کاهش یابد.

□ برای شهر فشرده، مزایایی در صرفه‌جویی مصرف انرژی و ارتقای کیفی زیست در شهرها و نیز افزایش تعاملات اجتماعی عنوان می‌شود. مزایای ادعا شده را در برابر آنچه منتقدان عنوان می‌کنند چگونه ارزیابی می‌کنید؟

○ در اینجا تلاش می‌کنم تا بروی این نکته تأکید کنم که در ایده شهر فشرده همه چیز به تراکم ختم نمی‌شود. این تلقی ممکن است مخاطب را دچار اشکال کند. زمانی که از شهر فشرده صحبت می‌شود، حتماً باید پسوند "تعاملات اجتماعی"

○ شهر پایدار باید برخی معیارها و شاخص‌ها را برآورده سازد. این معیارها در آن سال‌هایی که تدوین می‌شدند عمدتاً مواردی بودند که مربوط به کیفیت زندگی در شهرها، قابل دسترس بودن خدمات و تجهیزات شهری، محیط زیست پاک، آلودگی کمتر صوتی و هوا، دسترسی‌های مناسب پیاده برای شهروندان و تشویق سفرهای پیاده، کاهش سوخت‌های فسیلی، کاهش استفاده از وسایل نقلیه شخصی و تأکید بر استفاده از وسایل نقلیه عمومی مانند اتوبوس، تراموا، مترو و دوچرخه و در نتیجه کاهش خسارات زیست محیطی و نظایر آن می‌شدند که شهر پایدار می‌بایست به آنها دست می‌یافت. بنابراین وقتی که صحبت از شهر پایدار می‌شود، "مکان یا شهری مدنظر است که بتواند معیارها را به درستی و با حداکثر ظرفیت و توان پاسخگو باشد". هر دوی نظریه‌های پیش گفته ادعا می‌کنند که این معیارها در فرم شهری پیشنهادی آنها برآورده می‌شود. اما برخلاف ادعاها، در مورد نظریه شهر گسترده و کم تراکم مطالعات تجربی چندانی، مبنی بر اینکه این گونه شهرها بتوانند معیارهای توسعه پایدار را علاوه بر موارد کیفیت زیست محیطی برآورده کنند، وجود ندارد.

□ آیا شهر پایدار باید لزوماً دارای شکل کالبدی فشرده‌ای باشد؟ فرم این چنین شهری را چگونه ترسیم می‌کنید؟

○ بعد از جنگ جهانی دوم دیدگاه‌هایی که در ساخت برج‌ها وجود داشت، مبنی بر اینکه در ساخت و سازهای شهری حداکثر تلاش‌ها باید صرف آزادسازی زمین از طریق کاهش سطح اشغال و ایجاد بناهای بلندمرتبه گردد، به توسعه شهری با تراکم زیاد می‌انجامید. در واژه‌شناسی برنامه‌ریزی و طراحی شهری به این نوع توسعه، توسعه شهری یا مسکونی بلندمرتبه / متراکم^(۹) گفته می‌شود.

در ایده شهر فشرده لازم به توضیح است که تأکید اصلی بر نوعی توسعه شهری یا مسکونی کوتاه مرتبه / با تراکم متوسط^(۱۰) است. شهر فشرده، مطابق این طرز تلقی، شامل خانه‌های تک‌واحدی ویلایی و یا آپارتمانی نیست بلکه عمدتاً آن چیزی که در این ایده به عنوان الگو مطرح است، نمونه شهرهای اروپایی است که ساختمان‌های آنها در حداکثر ۴-۵ طبقه خطی در دو طرف خیابان استقرار می‌یابند. در محورهای اصلی شهری، در طبقات همکف این ساختمان‌ها معمولاً خدمات شهری - تجاری استقرار می‌یابند. ارتفاع ۴-۵ طبقه محدوده‌ای است که از نظر اجتماعی اجازه می‌دهد تا یک خانواده بتواند با محیط پیرامون ارتباط برقرار سازد و فرزندان خود را که در حیاط پشتی یا جلویی بازی می‌کنند از پنجره‌ها تحت نظارت داشته باشد. ارتفاع بیش از این مقدار ما را از ایده شهر فشرده دور می‌کند.

□ به این ترتیب، به گونه‌ای که شما ترسیم کردید، ایده شهر فشرده در حقیقت مصالحه‌ای بین دو سر یک طیف است، به طوری که پیشنهاد آن نه توسعه بسیار پراکنده حومه‌ای و نه توسعه متراکم دورن شهری است. نظر شما

کنار آن باشد. اگر شهر فشرده را بعد کالبدی شهر پایدار فرض کنیم، اختلاط کاربری بعد اجتماعی موضوع یا بعد عملکردی آن به شمار خواهد رفت. بنابراین زمانی که به شهر فشرده اشاره می شود، مقصود شهر پایداری است که از نظر تراکم جمعیتی در حد معقولی قرار دارد و ساختمان‌ها در آن به بناهای ۴ یا ۵ طبقه محدود می شود و از نظر کاربری زمین نیز مختلط است. در ایده کاربری مختلط، در کنار کاربری مسکونی که باید غالب باشد می توان برخی کاربری های تجاری اداری و خدماتی را نیز استقرار داد. بدین ترتیب باید دقت داشت که همیشه حداقلی از ساکنان می بایست در شهر و محله های شهری حضور داشته باشند.

بعد از این تأکید ضروری در پاسخ به پرسش پیش باید گفت که معطوف شدن توجهات به رابطه تراکم یا کاربری زمین و مصرف انرژی به تحقیقی باز می گردد که دو محقق به نام های نیومن و کنورثی^(۱۲) بر روی تعداد زیادی از شهرهای اصلی و بزرگ در دنیا و در خصوص اندازه گیری مصرف سوخت های فسیلی و استفاده از وسایل نقلیه شخصی انجام دادند. حاصل تحقیق، به دست آمدن این نتیجه اولیه بود که هر چه شهرها از نظر جمعیتی و ساختمانی متراکم تر باشند مصرف سوخت در آنها کمتر است - و برعکس. در منحنی دیاگرامی که از وضعیت مصرف سوخت شهر مطالعه شده ترسیم شد، شهرهای آمریکایی و استرالیایی در یک سوی طیف پر مصرف و شهرهای اروپایی و آسیای جنوب شرقی در طرف دیگر این منحنی قرار گرفتند. از همین نقطه بود که همه نگاه ها به این موضوع معطوف شد. نتیجه تحقیقات بعدی نشان داد که صرف افزایش تراکم به تنهایی از مصرف سوخت های فسیلی نمی کاهد بلکه در این شهرها آنچه مصرف سوخت را کاهش می دهد، علاوه بر تراکم همانا کاهش استفاده از وسایل نقلیه شخصی، افزایش وسایل نقلیه عمومی و بهبود سیستم حمل و نقل عمومی است. با ایجاد امکان برای سفرهای پیاده این امر بسیار تسهیل می شود. تحقیقی که اینجانب درباره شهر فشرده و در روی حدود ۵۰-۶۰ شهر در انگلستان انجام دادم و در نهایت به بررسی مقایسه ای چهار مدل شهری از نظر تراکم و کاربری متمرکز شد، تا اندازه زیادی فرضیه اولیه تحقیق را تأیید می کرد، حاکی از اینکه در شهر فشرده با کاربری مختلط^(۱۳) امکان انجام سفرهای پیاده و استفاده از وسایل نقلیه عمومی بیشتر است. سفرهایی که به مقصد خرید یا دسترسی به خدمات شهری صورت می گیرند می توانند تا ۷۵ درصد به صورت سفرهای پیاده انجام شوند. این در حالی است که در شهر گسترده و تک عملکردی (مسکونی) ۷۰ درصد سفرهای افراد با وسیله نقلیه شخصی انجام می شود.

□ در سال های اخیر مدیریت شهری تهران با فروش تراکم بار بسیار فراتری از برد محیطی به شهر تحمیل کرد. برخی اوقات به نظر می رسد که کارگزاران رسمی برنامه ریزی در کشور با دستاویز به چنین ایده هایی در پی توجیه اقدامات بدون اندیشه خود هستند. چه نسبتی بین ایده فروش تراکم در تهران و شهر فشرده می توان دید؟

○ به نظر من فروش تراکم به صورتی که در تهران انجام گرفت نمی تواند با تحقیقات راجع به شهر فشرده ارتباطی داشته باشد و یا حتی تصادفاً همسو با آن باشد. دلیل عمده آن عدم تطابق زمان شناختی بین این دو رویداد است؛ به این معنی که در کشورهای چون انگلستان که مهد این ایده است تنها در حدود ۴-۵ سال است که ایده مذکور به عنوان پیشنهاد تجربی مطرح گردیده و به صورت آزمایشی در حال انجام است. بدین ترتیب حداقل به یک دوره ۱۰ ساله نیاز است تا نتایج اولیه آن به بار نشیند. اما در ایران فروش تراکم از سال ها پیش از این آغاز شده است. اگر چه به لحاظ علمی رابطه ای بین این دو نمی توان سراغ گرفت اما ممکن است اکنون عده ای از کارگزاران و سیاستگذاران شهری برای توجیه فروش تراکم از این ایده به عنوان دستاویز بهره ببرند.

به نظر می رسد برای به کارگیری این مدل، تمام ابعاد آن باید به درستی شناخته شوند. به نظر من این مدل شهری هنوز به خوبی شناخته نشده و در کشور ما بومی نگردیده است. اینکه گفته شود در یک طرف دنیا مدلی به خوبی جواب می دهد به این معنا نیست که آن مدل در این سو نیز پاسخگو و مطلوب باشد. باید تحقیقات فراوانی به دست پژوهشگران داخلی درباره پسندیدگی و امکان عملی کاربرد آن در شهرهای کشور صورت گیرد. این نکته نیز لازم به ذکر است که حتی خود غربی ها نیز استفاده جهانی و کاربرد جهان شمول این مدل را توصیه نمی کنند؛ چون آن را برگرفته از شرایط خاص اقتصادی - اجتماعی و محیطی شهرهای اروپایی می انگارند، کتاب اخیر پرفسور مایک جنکس و یکی از همکارانش تحت عنوان "شهر فشرده در جهان سوم"^(۱۴) نشان داد که برخی ویژگی های شهرهای جهان سوم با شهرهای اروپایی متفاوت است. به همین دلیل احتیاط بیشتری باید در کاربرد ایده شهر فشرده به خرج داد.

با ارائه مثالی از شهر تهران بهتر می توان به کنه این موضوع آگاه شد: از نظر فرم کالبدی بخش هایی از تهران با تراکم ۳-۴ طبقه را می توان با شهرهای اروپایی و ایده شهر فشرده مقایسه کرد که در عین حال خدمات در سطح آنها توزیع نسبتاً همگون و [مختلط] یافته است. به عبارت دیگر، خیلی از محله های شهر تهران راسته های تجاری ویژه خود را دارند که این امر به کاهش سفرهای سواره بیرون محله ای کمک می کند. با این حال باید توجه داشت که این بدان معنا نیست که مدل پیش گفته الگوی مناسب و مطلوبی برای شهر تهران است، زیرا بسیاری از خدمات شهری هنوز در مرکز شهر و در راسته های مشخصی متمرکز است. بسیاری از سفرهای روزانه شهروندان به محل کار یا برای دسترسی به خدمات در ساعات طولانی سفر با تاکسی یا وسایل نقلیه شخصی صورت می گیرد، در حالی که این برخلاف ایده آل های مطرح در شهر فشرده است. در شهر فشرده کاربری ها و فعالیت ها باید به گونه ای شکل بگیرند که نیازهای خدماتی شهروندان با پای پیاده یا با استفاده از حمل و نقل عمومی با کیفیت و به راحتی و به سرعت در دسترس قرار گیرد. در شهر فشرده سفرهای با اتومبیل شخصی باید به حداقل برسد، در حالی که اکنون خلاف این ایده آل در شهر تهران

مشاهده می شود.

شرایط محیطی و فضایی سکونتگاه‌های آنها نیز کاربرد چنین ایده‌هایی را با احتیاط و حزم اندیشی بیشتری همراه می‌سازد. نظر شما در این باره چیست؟

○ باید توجه داشت که ویژگی‌های ساخت و سازهای شهری در کشوری مثل ایران با کشورهای اروپایی متفاوت است و این تفاوت احتیاط و وسواس بیشتری را در به کارگیری ایده‌های اروپایی یا آمریکایی طلب می‌کند. برای مثال، شهرهای اروپایی معمولاً در کنار خیابان ساخته می‌شوند و بخش‌های ساخته شده این شهرها جداره‌های شهری را می‌سازند، به طوری که در ارتفاع ۴-۵ طبقه نماهای پیوسته‌ای مشاهده می‌شود. در پشت این جداره حیاط‌های پشتی ساختمان‌ها قرار دارند. این حیاط‌ها در بسیاری مواقع از نظر فضای باز به هم متصل‌اند و بلوک‌هایی را به وجود می‌آورند که پیرامون آنها ساخته شده است. بین آنها نیز فضای آزاد یا سبزی شکل می‌گیرد که می‌تواند برای بازی کردن کودکان و ملاقات همسایه‌ها مورد استفاده قرار گیرد. اما با نوع ساخت و سازی که در ایران غالب است، یعنی نسبت سطح اشغال و ساخت در ۶۰ درصد مساحت و اختصاص مساحت ۴۰ درصد به فضای باز، به هیچ وجه امکان ارتباط این فضاها وجود ندارد. در کشور ما سطح اشغال در ساخت‌وساز بسیار زیادتر از بافت شهرهای اروپایی است. با نگاه به ضوابط طرح‌های جامع و تفصیلی حتی نسبت کمتری از آنچه پیش‌بینی شده است به چشم می‌خورد. امروزه شاید ۲۵ - ۲۰ درصد سطح قطعات زمین‌های مسکونی در شهر تهران آزاد هستند و بقیه به نوعی با ضوابط ۴۵ درجه و جز آن پر شده‌اند. بنابراین در استفاده از چنین ایده‌های بیرونی باید مطالعات تطبیقی صورت گیرد تا مشخص شود آیا با چنین میزان فضای بازی در شهر می‌توان به معیارهای پیش‌گفته پاسخ داد یا نه. این امر به هر حال مستلزم آزمون است.

□ آیا ایده‌ها، مفاهیم و اصول شهر پایدار یا شهر فشرده به صورت ضوابط یا قواعد برنامه‌ریزی و طراحی درآمده است یا نه؟ ارزیابی شما از شرایط کنونی کشور در این زمینه چیست؟

○ در کشورهای توسعه یافته این اصول و مفاهیم به صورت ضوابط طراحی^(۱۶) درآمده است. بخشی از این اصول و ضوابط به طراحی کالبدی ساختمان‌ها و بخشی دیگر در مقیاسی فراتر به طراحی شهری برمی‌گردد. حتی گامی فراتر نهاده شده و به مشارکت شهروندان در طراحی کالبد محله‌ها و اجتماعات محلی رسیده است. به این ترتیب، مشارکت عمومی در طراحی شهری به عنوان ضابطه و فاکتوری پراهمیت وارد شده است. بنابراین طراحان شهری یا طراحان مجموعه‌های همسایگی باید هنگام طراحی محلی را در فرایندهای کاری خود وارد سازند و دیدگاه‌های ساکنان را درباره ترجیحات مکانی آنها جویا شوند. در بُعد فیزیکی، این ضوابط به گونه‌ای تدوین شده‌اند که ساختمان‌ها هم از نظر نوع دسترسی افراد به واحدهای مسکونی و هم از نظر مصرف انرژی برای گرمایش و سرمایش در شرایط مطلوبی قرار گیرند. در ضوابط ارائه شده تلاش می‌شود تا مصرف انرژی و تبادل حرارتی درون و بیرون واحد

□ برای رسیدن به مدل ایده‌آل شهری پایدار و بومی شهرهای کشور چه می‌توان کرد؟

○ در آغاز می‌بایست مطالعات گسترده‌ای راجع به شهرهای کشور و مناطق مختلف شهری صورت گیرد تا تعیین شود کدام مناطق شهری - برای مثال در کلان‌شهری مانند تهران - نسبت به بقیه مناطق از نظر معیارهای پایداری موفق‌تر هستند. آیا اصولاً منطقه شهری موفق وجود دارد؟ آیا در کشور شهرهای موفق را می‌توان سراغ گرفت؟ و نظایر اینها. از دل این مطالعات باید به این نتیجه رهنمون شد که چه ویژگی‌هایی باعث شده است تا شهرها چنین جنبه‌های مثبت و موفق به دست آورند. در مراحل بعد می‌بایست معیارهای مورد نظر پایداری از دیدگاه بومی در مورد شهرهای کشور استخراج گردد و براساس آنها مدل شهر پایدار بومی به دست آید، تا برنامه‌ریزان و طراحان بتوانند ضوابط و اصولی را برای تعیین تراکم، میزان اختلاط کاربری‌ها در سطح و سطوح و توزیع فضایی آنها در شهر پایه اندیشه و تصمیم قرار دهند. از آن جمله است اینکه آیا مراکز خرید در محله‌های مناطق شهری متمرکز شوند یا به صورت گسترده یا خطی در سطح آنها توزیع گردند، و جز اینها.

□ شما در داخل بحث‌تان، پرسشی را در برابر کاربرد ایده شهر فشرده در کشورهای دیگر قرار دادید. آیا در فضای جهانی بحث و گفت و گو پیرامون ایده‌های مختلف می‌توان از اصول جهان شمولی سخن به میان آورد که قابلیت طرح و کاربرد جهانی داشته باشند؟

○ بعضی از این اصول جهان شمول هستند. برای مثال، امروزه کاهش مصرف سوخت‌های فسیلی امری سلیقه‌ای نیست بلکه نوعی اجبار محسوب می‌شود. این خود به دو دلیل است: اول اینکه منابع و ذخایر کره زمین محدود هستند و دوم اینکه مصرف سوخت‌های فسیلی تولید آلودگی می‌کنند. پس برای برخی از این اصول برد جهانی متصور است مانند کاهش آلودگی‌های زیست محیطی، افزایش سطح بهداشت شهروندان و توجه به توان و ظرفیت برد محیطی^(۱۷) در شهر یا منطقه شهری و نظایر آن، که برنامه‌ریزان و طراحان باید به عنوان خطوط قرمز به آنها بنگرند و با استفاده از تدابیری که می‌تواند شامل سیاست‌های کالبدی، اقتصادی - اجتماعی و محیطی باشد در تحقق آنها بکوشند. بر خلاف برخی اصول جهان شمولی که عنوان شدند، بعضی از الگوها و مدل‌ها، به ویژه در زمینه نوع ساخت و سازها امری فرهنگی و محلی به شمار می‌آیند. از جمله این موارد می‌توان به نوع توسعه مسکونی آپارتمانی و برج‌ها در شهرهای کشور اشاره کرد که با فرهنگ شهرنشینی کشور سازگاری ندارد. برای کشوری مثل ایران پسندیده است که بار دیگر ضوابط طراحی شهری و ساخت‌وساز بناها را مورد تجدیدنظر قرار دهد تا متناسب با شرایط فرهنگی کشور تغییر داده شوند.

□ علاوه بر شرایط فرهنگی خاص شهرهای هر کشور،

مسکونی به حداقل برسد. در بعد تعاملات اجتماعی، طراحی شهری به آنجا می‌رسد که با طراحی محورهای مجهز پیاده برای شهروندان در پی افزایش تعاملات اجتماعی مثبت و ملاقات‌های چهره به چهره شهروندان است. طراحی شهری با تعریف برخی عملکردها چون تجاری و اداری یا خدماتی و تفریحی و جز آن در گره‌گاه‌های این محورها در پی آن است تا سرزندگی در فضاهای شهری را افزایش دهد. در این اصول و ضوابط، سیستم حمل و نقل یکپارچه^(۱۷) به عنوان یکی از فاکتورهای مهم پیشنهاد می‌شود، که ترمینال‌های اتوبوس درون شهری، برون شهری، ایستگاه‌های مترو و قطار شهری، مراکز مهم خرید و تفریح را به صورت اندیشیده شده‌ای به هم مرتبط می‌سازد.

زمانی که مسافر از ایستگاه مترو بالا می‌آید باید بتواند با وسایل نقلیه عمومی دیگر بدون اتلاف زمان و انرژی، به هر نقطه‌ای که تمایل دارد مسافرت کند. سیستم پیاده راه‌های شهری که مراکز خرید در گره‌گاه‌های آن قرار داده شده است، می‌تواند دسترسی شهروندان را به خدمات تسهیل کند. در ایران تا آنجا که من اطلاع دارم، دستورالعمل‌هایی در این خصوص تدوین نگردیده و به کارگزاران امر برای اجرا ابلاغ نشده است. به نظر می‌رسد تدوین چنین دستورالعمل‌هایی بسیار حیاتی است.

□ در صورت فقدان ضوابط یا دستورالعمل‌های رسمی و

قانونی الزام آور مطالعات و بررسی‌های شهری که در قالب طرح‌های توسعه شهری در کشور صورت می‌گیرد چگونه می‌توانند ایده شهر پایدار یا شهر فشرده را در قالب طرح‌های توسعه شهری جای دهند؟

○ می‌توان در دو سطح متمایز از یکدیگر به این نوع مطالعات اشاره کرد: اولین سطح، تجربیات جهانی است و سطح دیگر تجربیات و شرایط خاص کشور. در مورد اول به نظر می‌رسد بخش‌هایی از این تجربیات را می‌توان اقتباس کرد و به کار گرفت. برای مثال اگر در شهرها یا کلان‌شهرهای کشور سیستم یکپارچه حمل و نقل ایجاد شود اقدام مطلوبی محسوب می‌گردد، زیرا تمامی عناصر این سیستم مانند مترو، اتوبوس، تاکسی، اتومبیل شخصی، موتورسیکلت، دوچرخه و مسیر پیاده در زمان حاضر مورد استفاده قرار می‌گیرند. بنابراین الگوی مذکور قابل انطباق با شرایط کشور است. همین‌طور در سطح جهانی تجربیات موفق در این زمینه وجود دارد که قابل استفاده است. همین نوع اقتباس می‌تواند در مورد ایده توسعه مبتنی بر حمل و نقل عمومی^(۱۸) انجام گیرد؛ که از طریق آن مقداری از سفرهایی که به منظور خرید یا انجام برخی امور اداری صورت می‌گیرد، کاهش یابد. در همین زمینه اگر مراکز خدماتی یا دولتی و حتی برخی از مراکز خرید عمده در نزدیکی یا پیرامون ایستگاه‌های حمل و نقل عمومی عمده چون مترو، تراموا و جز آن استقرار یابند، این امر می‌تواند از حجم سفرها بکاهد. اینها نمونه‌ای از مواردی است که می‌توان به کار گرفت. استفاده از برخی اصول در ساخت و ساز مجموعه‌های مسکونی برای تضمین صرفه‌جویی در انرژی و حفظ و ارتقای ایمنی و امنیت از دیگر موارد قابل استفاده است.

البته در برخی موارد چنین کاربردهایی به سطح تجربیات محلی مربوط است که در آن نیاز به تحقیقات کاربردی و موردی است تا دستورالعمل‌ها و ضوابطی استخراج شود؛ و از جمله مثلاً از آن طریق حریم‌های خصوصی واحدهای مسکونی محفوظ بماند، یعنی عرصه‌های زندگی خصوصی و جمعی در آپارتمان‌ها حفظ شود. زندگی کنونی در آپارتمان‌ها به هیچ وجه مشکلات ناشی از محرمیت و اشراف را حل نکرده است، و روز به روز عرصه‌های زندگی خصوصی افراد تنگ‌تر و کم‌تر می‌شود. در چنین مواردی نیازی به تحقیقات کلی نیست چون چنین تحقیقاتی به وفور انجام شده است. تحقیقات در این عرصه باید کاربردی باشد و به پرسش‌های مشخصی پاسخ دهد؛ از جمله: چگونه فضایی مورد نیاز زندگی آپارتمانی است؟ در شهر فشرده عرصه فضای جمعی کدام است؟ عرصه فضای خصوصی چگونه؟ چگونه می‌توان به بهینه‌سازی آنها پرداخت؟ تراکم جمعیتی و ساختمانی مناسب در چه طیفی قرار دارد؟ و نظایر اینها. برای پاسخ به چنین پرسش‌هایی باید بر تفاوت‌های فرهنگی جوامع و تأثیر آن بر تصمیم‌گیری‌های عرصه عمومی تأکید بیشتری شود. این نوع تحقیقات کاربردی باید به وفور و به سرعت انجام گیرد. محققان و مؤسسات تحقیقاتی و ارگان‌هایی چون وزارت مسکن و شهرسازی، وزارت کشور و شهرداری‌ها باید در این زمینه تلاش بیشتری انجام دهند.

□ در پایان اگر نکته‌ای برای تکمیل گفت و گو به نظرتان می‌آید، بفرمایید.

○ به نظر می‌رسد ایده فرم شهری فشرده ذاتاً می‌تواند ایده صحیحی باشد؛ هم خود ایده و هم نظریه پشتیبان آن، که فرم توسعه شهری فشرده و مختلطی را توصیه می‌کند. اما این ایده دارای نقص‌هایی است که باید با صرف تلاش‌های بیشتر رفع شوند؛ و این در مورد همه ایده‌ها و تئوری‌های جدید نیز صادق است. در استفاده از این ایده در کشور ریسک‌ها و خطرهای نهفته است که از آن جمله می‌توان به گرته‌برداری مو به مو و کاربرد انعکاسی آن در کشور اشاره کرد. این چنین ایده‌های بیرونی در کشور معمولاً تعمیق نمی‌شوند، چرا که تحقیقات زیادی در آن باره انجام نمی‌گیرد. نیز چون بومی نمی‌شوند، و چون برای این کشور ساخته نشده‌اند بعد از مدتی با شکست روبه‌رو می‌گردند که نتیجه آن رد کامل ایده و از بنیان برانداختن آن در همان دوره‌های اولیه است. بنابراین بجاست که اصول و ضوابط و نیز ایده‌ها و مفاهیمی که اقتباس می‌شوند به صورت انعکاسی مورد استفاده قرار نگیرند. توصیه دیگر برای برنامه‌ریزان و طراحان شهری که آن ایده‌ها را تبدیل به طرح می‌کنند، اعمال وسواس بیشتر در کاربست چنین ایده‌هایی است. اطمینان کامل هنوز در کشورهایی که مهد این ایده‌ها و الگو از توسعه شهری‌اند شکل نگرفته است و هنوز هم بر روی تحقیقاتی که این ایده را بیرواند کارهای بیشتری در حال انجام است.

□ با سپاس از شما.

پانوش:

- 1-Mackintosh School of Architecture
- 2-Achieving Sustainable Urban Form, William, K., Burton E, and Jenks M., eds.(2000)
- SPON: London and Newyork F. E
- 3-Compact City
- 4-Compactness
- 5-Mixeduse
- 6-Urban Dispersal
- 7-Low density Low - rise Development
- 8-Dispersed Development
- 9-High density - Highrise Development
- 10-Medium Density - Low - rise
- 11-Social sustainability
- 12-Newman & Kenworthy
- 13-Compact - Mixeduse Urban Form
- 14-Compact City in Third World
- 15-Carrying Capacity
- 16-Design Principles Guideline
- 17-Integrated Transport System
- 18-(TOD) Transit - Oriented Development

مشاور حقوقی

دفتر حقوقی سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها

شاپور نظر پور

مشاور حقوقی این شماره به پرسش‌هایی در زمینه ذکر مواد قانونی و مصوبات شورا، ابطال مصوبات شوراهای اسلامی، تأسیس مطب در محل‌های مسکونی، ارجاع کارهایی از سوی سایر نهادها به شورای شهر، صدور پروانه در شهرداری‌های تازه تأسیس، ضمانت اجرای مصوبات شورای بخش و مواردی از این دست پاسخ می‌دهد. لازم به ذکر است که پاسخ‌ها صرفاً در برگزیده دیدگاه‌های مشاور ماهنامه‌اند.

مانند کمیسیون‌های مالیاتی، شورای کارگاه، هیئت حل اختلاف کارگر و کارفرما، کمیسیون موضوع ماده ۱۰۰ قانون شهرداری و جز اینها. آنچه که مربوط به قواعد حاکم بر حدود صلاحیت و اختیارات دیوان عدالت اداری است قیدی در خصوص تصمیمات و مصوبات شوراهای اسلامی ندارد. پس راه حل چه می‌تواند باشد؟ مصداق سؤال هنگامی می‌تواند مطرح شود که مراجع مصرح در ماده ۴۵ قانون اصلاح قانون شوراها مصوب ۱۳۸۲/۷/۶ به مصوبه خاصی از شورا در حالی که مخالف قوانین و مقررات جاری کشور است اعتراضی نکرده باشند و مصوبه لازم‌الاجرا شده باشد. گو اینکه در زمان حاضر در بسیاری از مراجع و مراکز ناظر بر مصوبات شوراها و تطبیق دهنده این مصوبات قانون کارشناسان خبره حقوق شهری وجود ندارد. در این مورد دو فرض را می‌توان پیشنهاد کرد و در نظر گرفت:

فرض اول اینکه ماهیت تصمیمات شوراها با توجه به حدود اختیارات و حوزه‌های تصمیم‌گیری تصمیمات اداری در نظر گرفته شود. در این صورت دیوان می‌تواند با کمی تفسیر موسع صلاحیت، صلاحیت خود را در اعتراض و لغو مصوبه شوراهای شهر احراز کند. نگارنده اطلاعی از رویه دیوان عدالت اداری و اینکه آیا تاکنون چنین مورد مصداق پیدا کرده و اصولاً دیوان وارد این موضوع شده است یا خیر ندارد. با این حال به نظر می‌رسد تصمیم دیوان عدالت اداری در این خصوص موجبات تحولی شگرف را در حقوق اداری کشور فراهم آورده است.

در فرض دیگر چنانچه دیوان عدالت اداری خود را فارغ از رسیدگی به این گونه موارد بداند و اساساً صلاحیت خود را احراز نکند و یا به عبارت دیگر خود را صالح نداند، تنها مراجع صالح دادگاه‌های عمومی دادگستری‌اند. چرا که صلاحیت دادگاه‌های عمومی دادگستری در واقع صلاحیت عام است و دادگستری مرجع نهایی رسیدگی به تظلمات و شکایات به شمار می‌آید.

بر اساس مقررات قانون آیین دادرسی مدنی نیز تشخیص صلاحیت هر دادگاه با همان دادگاه است. اگر چه در رسیدگی و اعتراض به تصمیمات هیئت حل اختلاف شوراهای اسلامی در مورد انحلال شورا یا اخراج عضو و سلب و تعلیق عضویت اعضا، هم دیوان خود را صالح به رسیدگی دانسته و در مواردی رأی داده است و هم دادگاه‌های عمومی دادگستری با استناد به صلاحیت عام خود وارد رسیدگی شده‌اند، روبه قضایی دادگاه‌های مذکور نیز موجود است. به عبارت دیگر، در این مورد دیوان عدالت اداری با اداری دانستن ماهیت تصمیمات گرفته شده وارد رسیدگی گردیده و دادگاه‌های عمومی دادگستری نیز با عام داشتن صلاحیت خود وارد رسیدگی شده‌اند. نتیجتاً اینکه دیوان عدالت اداری مرجع صالح‌تری برای بررسی این گونه موارد است.

□ آیا تأسیس مطب در محل‌های مسکونی به وسیله پزشکان تغییر کاربری محسوب می‌شود یا خیر؟ و چنانچه پزشکان در کاربری‌های مسکونی اقدام به اجاره مطب کنند، آیا پذیره به آنها تعلق می‌گیرد یا نه؟

○ به موجب قانون محل مطب پزشکان مصوب سال ۱۳۶۶ و بند ۲۴ ماده ۵۵ قانون شهرداری و همچنین رأی شماره ۵۷۶ مورخ ۱۳۷۷/۷/۱۳ هیئت عمومی دیوان عالی کشور امکان

□ در قانون تشکیلات و وظایف شوراهای اسلامی مقرر شده است که شورا در چارچوب قانون به وظایف خود عمل کند؛ بنابراین آیا ذکر مواد قانونی در مصوبات شورا لازم است؟

○ در قوانین و مقررات حاکم بر وظایف و اختیارات شوراهای اسلامی الزامی در خصوص قید مواد قانونی مستند مصوبات شورا وجود ندارد. تنها قید قانونی که وجود دارد این است که مصوبات شورا نباید با قوانین و مقررات موضوعه تناقضی داشته باشد. قانونگذار مرجع تطبیق مصوبات شوراهای اسلامی با قوانین را نیز مشخص کرده است.

در ماده ۴۵ قانون اصلاح قانون شوراها مصوب ۱۳۸۲/۷/۶ چنین قید شده است که مصوبات کلیه شوراهای موضوع این قانون در صورتی که پس از دو هفته از تاریخ ابلاغ مورد اعتراض قرار نگیرند، لازم‌الاجرا هستند و در صورتی که مسئولان ذی‌ربط آن را مغایر با قوانین و مقررات کشور و یا خارج از حدود وظایف و اختیارات شوراها تشخیص دهند، می‌توانند با ذکر مورد و به طور مستدل حداکثر ظرف دو هفته از تاریخ ابلاغ مصوبه اعتراض خود را به اطلاع شورا برسانند و درخواست تجدیدنظر کنند. این مقرره برای شورا نیز فرجه‌ای ده روزه به منظور اصلاح مصوبه یا اصرار بر نظریه در نظر گرفته است و مرجع نهایی نیز در صورت بروز اختلاف هیئت حل اختلاف با ترکیب مشخص است.

بدین ترتیب به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که ذکر مستند قانونی وضع هر مصوبه در صورتجلسات و مصوبات شورا لازم نیست اما اگر ذکر شود، از نظر وزن و اعتبار مصوبه بهتر است.

□ آیا می‌شود ابطال مصوبات شوراهای اسلامی را در صورت تعارض با مقررات قانونی از دیوان عدالت اداری تقاضا کرد؟

○ پرسش مطرح شده بسیار مهم است. پاسخ به آن مستلزم بررسی مبانی و حدود صلاحیت دیوان عدالت اداری و ماهیت تصمیمات و مصوبات شوراهای اسلامی است. ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت مصوب ۱۳۶۰ صلاحیت و حدود اختیارات دیوان را شامل موارد زیر می‌داند: ۱- رسیدگی به شکایات، تظلم‌ها و اعتراض‌های اشخاص حقیقی و حقوقی از: (الف) تصمیمات و اقدامات واحدهای دولتی اعم از وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها و تشکیلات و نهادهای انقلابی و مؤسسات وابسته به آنها؛ (ب) تصمیمات و اقدامات مأموران واحدهای مذکور در بند "الف" در امور راجع به وظایف آنها؛ و نظایر اینها. ۲- رسیدگی به اعتراضات و شکایات از آرا و تصمیمات قطعی دادگاه‌های اداری و هیئت‌های بازرسی و کمیسیون‌هایی

مسکونی و استیجاری مطب پزشکان که برای عرضه خدمات علمی و تخصصی پزشکی و معالجه بیماران مورد استفاده واقع می‌شود، محل کسب و پیشه محسوب نمی‌گردد و بر اساس رشته‌های پزشکی می‌توان بدون هرگونه تغییر کاربری بر روی ساختمان‌های مسکونی و اداری و تجاری - اعم از ملکی یا استیجاری - به فعالیت پزشکی پرداخت. اجازه فعالیت‌های مختلف پزشکی در کاربری‌های گوناگون شهری به مفهوم معافیت آنها از پرداخت عوارض شهرداری نیست بلکه نوعی تسهیلات است که مقنن برای انجام حرف پزشکی فراهم ساخته است تا بتوانند در هر مکان و با هر نوع کاربری فعالیت کنند. بدیهی است چنانچه به موجب قوانین خاص قبلی معافیت‌هایی در این زمینه در پرداخت عوارض و وجوه به شهرداری‌ها وجود داشته، این معافیت‌ها و تخفیف‌ها به استناد تبصره ۳ ماده ۵ قانون تجمیع عوارض مصوب ۱۳۸۱ به کلی لغو شده‌اند. پس بجز امتیاز استفاده از هر نوع کاربری برای فعالیت پزشکی معافیت خاص دیگری وجود ندارد.

□ برخی از شوراهای اسلامی این پرسش را مطرح کرده‌اند: گاه مشاهده می‌شود که برخی از نهادها از جمله ثبت احوال، اداره کار و امور اجتماعی و نیروی انتظامی و جز اینها مردم را برای تأیید موارد مختلف و ممه‌ور کردن استشهادیه‌های آنها به مهر شورا، به شورای اسلامی شهر احاله می‌دهند. این مراجعات علاوه بر اتلاف وقت شورا، با توجه به تعداد و تنوع‌شان مسئولیت قانونی نیز برای اعضا دارد. تکلیف شوراهای اسلامی شهر در این گونه موارد چیست؟

○ وظایف شوراهای اسلامی در ماده ۷۱ قانون شوراها مصوب ۱۳۷۵ و قانون اصلاح قانون شوراها مصوب ۱۳۸۲/۷/۶ بیان شده است و در هیچ کدام از بندهای این ماده و سایر مواد مربوط به وظایف شوراهای اسلامی الزام و تکلیفی برای شوراهای اسلامی در این گونه موارد وجود ندارد.

بنابراین شورا در این زمینه مسئولیتی ندارد. آنچه بعضی از شوراهای اسلامی انجام می‌دهند، به مثابه نهادی محلی برای تسهیل امور مردم است؛ ولی تا آنجا که به مقررات قانونی مربوط می‌شود، تکلیفی در این زمینه وجود ندارد. البته تأیید مراتب استشهاد و استعمال، عرفی است که از گذشته در حوزه عملکرد شوراهای اسلامی روستا وجود داشته است.

□ آیا پس از صدور رأی کمیسیون بدوی ماده ۱۰۰ قانون شهرداری چنانچه رأی صادر شده مورد اعتراض تجدیدنظرخواه قرار گیرد و پرونده به کمیسیون همعرض ماده صد ارجاع داده شود، شهرداری می‌تواند قبل از صدور رأی کمیسیون همعرض از شکایت اولیه خود که منجر به صدور رأی بدوی گردیده است صرف‌نظر کند؟

○ ارجاع موضوع تخلف از طرف شهرداری به کمیسیون ماده صد در واقع قطع دخالت شهرداری در امر مطرح شده محسوب می‌شود و چون کمیسیون ماده صد مستقل از شهرداری عمل می‌کند، بعد از صدور رأی کمیسیون بدوی هرگونه اصلاح، تغییر یا لغو رأی کمیسیون بدوی در صلاحیت کمیسیون تجدیدنظر

است؛ و در نهایت لغو یا تأیید نظر کمیسیون تجدیدنظر نیز رأی قطعی بر اساس قانون دیوان عدالت اداری در صلاحیت دیوان عدالت اداری است. بدیهی است که شهرداری تا قبل از رسیدگی کمیسیون بدوی ماده صد می‌تواند از شکایت خود صرف‌نظر کند و مورد را از دستور کار کمیسیون خارج سازد؛ ولی همین که کمیسیون بدوی اظهار نظر کرد و رأی خود را صادر کرد، در واقع موضوع از اختیار مطلق شهرداری خارج می‌شود و در حیطه صلاحیت مراجع دیگری قرار می‌گیرد. البته این ممنوعیت و محدودیت به دلیل غلبه جنبه عمومیت فعالیت و وظایف نهاد شهرداری بر خصوصی بودن آن است. بسیاری از حقوقی که شهرداری ضامن و مدافع آنهاست با حقوق اجتماعی شهروندان ارتباطی محکم و ناگسستگی دارد و مطلقاً اختیار قرار دادن شهرداری برای تصمیم‌گیری در این مقوله آثار مطلوبی ندارد. قانونگذار مراجعی چون کمیسیون مواد ۷۷ و ۱۰۰ قانون شهرداری را به عنوان ابزارهای حقوقی محکم با اختیارات گسترده و تصمیمات الزام‌آور در نظر گرفته است تا مدافع حقوق شهروندی باشند و شهرداری را در ادای وظایف خود کمک کنند. شهرداری مکلف است برای حفظ حقوق عامه شهروندان تمامی موارد تخلف و نقض مقررات را، به ویژه در موضوعات شهرسازی و آنچه که در حیطه صلاحیت کمیسیون ماده صد قانون شهرداری است، بدون هرگونه چشم‌پوشی و ممانعت به کمیسیون مذکور احاله دهد. این ارجاع مبنای تخلف از ضوابط و مقررات شهرسازی است و معنی ندارد که شهرداری بتواند قبل از تعیین تکلیف در کمیسیون و برخورد قانونی کمیسیون شکایت خود را پس بگیرد. در واقع پس گرفتن شکایت به معنای اعلام اشتباه شهرداری در ارجاع موضوع به کمیسیون ماده صد است. در واقع این سکه دو رو دارد؛ یا تخلف انجام شده است، که در این صورت تکلیف به ارجاع مورد تخلف برای اعمال تنبیهات لازم به کمیسیون ماده صد وجود دارد؛ و یا اینکه تخلفی صورت نگرفته است؛ و یا اینکه اصولاً شهرداری اعلام کند که در تشخیص مورد اشتباه کرده و اساساً تخلفی انجام نشده است، که در این صورت پرونده در هر مرحله قابل باز پس‌گیری و شکایت قابل برگشت است.

□ با توجه به اینکه دیوان عدالت اداری آن قسمت از مصوبه شماره ۱۵۶۰ دس مورخ ۷۱/۸/۶ شورای عالی اداری را که مبتنی بر امکان صدور پروانه ساختمان برای اراضی بدون سند مالکیت رسمی و فاقد بناست به صرف «اخذ تعهد محضری» ابطال کرده است، و نیز با توجه به پیگیری اکثر شهرداری‌ها - به ویژه شهرداری‌های تازه تأسیس - به جهت حذف بخش عمده‌ای از درآمد آنها از محل صدور پروانه ساختمان برای اراضی موصوف با لحاظ اینکه اراضی شهرهای مذکور فاقد سند رسمی مالکیت‌اند، تکلیف چیست؟

○ لازمه صدور پروانه ساختمان برای املاک اشخاص داشتن سند مالکیت موضوع حکم ماده ۲۲ قانون ثبت اسناد و املاک است و چون اسناد قولنامه‌ای صرفاً از باب مسائل حقوقی در محاکم و در صورت بروز اختلاف سندیت می‌یابند، لذا حکم سند مالکیت را تحصیل نمی‌کنند. لیکن در صورت احراز مالکیت در

محاكم قضایی به استناد چنین اسنادی شهرداری می تواند به اعتبار دادنامه های اصداری برای متقاضیان پروانه ساختمانی صادر کند. در واقع تمهیداتی که در این مورد اندیشیده شده و وسواسی که دیوان عدالت اداری به خرج داده، فقط برای حفظ حقوق مردم بوده است. بدیهی است صرف قولنامه نمی تواند معرف مالکیت یک شخص باشد و مالکیت زمانی مسجل می شود که قولنامه مذکور مبنایی برای انتقال مالکیت از طریق انتقال سند رسمی باشد و یا قولنامه به عنوان تنها مدرک مالکیت در اراضی بدون سند مالکیت رسمی به وسیله مراجع قضایی مورد تأیید واقع شود. چه بسا ممکن است استناد به قولنامه صرف مسائلی از جمله تعارض مالکیت را منجر شود.

□ بر اساس ماده ۱۱ لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای طرح های دولتی و شهرداری ها هرگاه دستگاه اجرایی برای اجرای طرحی نیاز به اراضی دایر یا بایر یا ابنیه یا تأسیسات متعلق به سایر وزارتخانه یا مؤسسات و شرکت های دولتی یا وابسته به دولت و همچنین شهرداری ها و جز آن داشته باشد، واگذاری حق استفاده به موجب موافقت وزیر یا رئیس مؤسسه یا شرکت که ملک را در اختیار دارد ممکن خواهد بود. آیا شرط اجرای این حکم بقای عین است؟

○ حکم ماده ۱۱ لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه های عمومی و عمرانی مصوب سال ۱۳۵۸ ناظر به حق استفاده از اعیانی املاک مورد نیاز مفهوماً مشروط به بقای عین است. بنابراین چنانچه اجرای طرح با بقای عین منافات داشته باشد، کسب موافقت بالاترین مقام دستگاه اجرایی موضوع ماده ۹ لایحه موصوف ضرورت دارد. به هر حال شهرداری برای اجرای طرح در چنین شرایطی موظف است موافقت

بالاترین مقام دستگاه موضوع ماده ۹ لایحه قانونی را کسب کند. البته ماده ۱۱ چندان روشن حکم مسئله را مشخص نکرده است و اشاره به حق استفاده دارد و حق استفاده مفهومی جز استفاده با بقای عین ندارد، چرا که حق استفاده زمانی معنی پیدا می کند که عین باقی بماند. تبصره ذیل همین ماده نیز به واگذاری بلاعوض اشاره دارد. در صورتی که واگذاری ملک با مقررات اساسنامه دستگاه واگذار کننده تطابق نداشته باشد، باید بهای ملک بر اساس ارزش تعیین شده در ترازنامه شرکت پرداخت شود. اما حق استفاده با مسئله اجرای طرح که ممکن است در بسیاری از موارد منجر به از بین رفتن عین شود همخوانی ندارد. بنابراین واگذاری بدون بقای عین نیز برای تحقق هدف ماده ۱۱ با موافقت بالاترین مقام دستگاه توجیه پذیر است و با هدف و فلسفه ماده تطابق دارد. منتها چنانچه واگذاری مستلزم عدم بقای عین باشد، شرط بلاعوض بودن واگذاری اعتبار ندارد و قطعاً باید عوض ملک در طرح پرداخت شود.

□ ضمانت اجرایی مصوبات شورای بخش در خصوص وصول عوارض تصویبی دهیاری ها چیست؟

○ به نظر می رسد یکی از خلأهای قانونی مهم عدم پیش بینی سازوکار و ضمانت اجرایی لازم برای وصول عوارض دهیاری ها و مقابله با ساخت و سازهای غیرمجاز است. در شهرداری ها دو کمیسیون بسیار مهم به نام کمیسیون های مواد ۷۷ و ۱۰۰ قانون شهرداری وجود دارد که حافظ منافع شهروندان و شهرداری هستند؛ در حالی که دهیاری چنین ابزارهای قانونی را در اختیار ندارد. در مصوبات مربوط به چگونگی وضع و وصول عوارض به وسیله دهیاری هیچ گونه اشاره ای به سازوکارها و ابزارهای وصول نشده است؛ که لازم است این خلأ قانونی برطرف شود.

رای وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص خاتمه قرارداد کار با انقضای مدت مقید در قراردادهای کار با مدت موقت

تاریخ: ۱۳۸۲/۱۰/۱۴ شماره دادنامه: ۴۱۰ کلاس پرونده: ۳۵۷/۸۱

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکتی: شرکت ذوب روی بافق.

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آرای صادره از شعب ۴ و ۱۶ دیوان عدالت اداری.

مقدمه: الف - شعبه شانزدهم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۹۷۷/۷۸ موضوع شکایت شرکت محصولات کاغذی به طرفیت اداره کار و امور اجتماعی ساوجبلاغ به خواسته نقض رأی مورخ ۱۳۷۸/۱۱/۵ هیئت حل اختلاف به شرح دادنامه شماره ۴۵۱ مورخ ۱۳۷۹/۴/۱۲ با توجه به بند د ماده ۲۱ قانون کار و مفاد رأی هیئت عمومی دیوان به شماره ۲۳۸ مورخ ۱۳۷۸/۵/۱۶ که یکی از طرق خاتمه قرار داد کار را انقضای مدت در قراردادهای کار با مدت موقت حکم به ورود شکایت صادر نموده است.

ب - شعبه چهارم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۲۹۷۳/۸۰ موضوع شکایت شرکت ذوب روی بافق به طرفیت اداره کل کار و امور اجتماعی استان یزد به خواسته نقض رأی هیئت حل اختلاف به شرح دادنامه شماره ۵۸۱ مورخ ۱۳۸۱/۳/۱۶ نظر به اینکه شاکتی اعتراض موجهی ننموده و رأی وفق موازین قانونی و خالی از اشکال اصدار یافته در نتیجه اعتراض را غیر وارد تشخیص و حکم به رد آن صادر نموده است.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجت الاسلام و المسلمین دری نجف آبادی و با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدید نظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می نماید.

رأی هیئت عمومی

با عنایت به صراحت بند (د) ماده ۲۱ قانون کار مشعر بر خاتمه قرار داد کار با انقضای مدت مقید در قراردادهای کار با مدت موقت و در نظر گرفتن رأی شماره ۲۳۸ مورخ ۱۳۷۸/۵/۱۶ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در مقام ابطال بخشنامه دفتر تنظیم و نظارت کار و امور اجتماعی که بر خلاف مفهوم مخالف تبصره ۲ ماده ۷ قانون مزبور صادر گردیده است. در نتیجه دادنامه شماره ۴۵۱ مورخ ۱۳۷۹/۴/۱۲ شعبه شانزدهم دیوان در حدی که متضمن این معنی می باشد منطبق با اصول و موازین قانونی تشخیص داده می شود. این رأی وفق قسمت اخیر ماده ۲۰ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان عدالت اداری و سایر مراجع ذی ربط در موارد مشابه لازم الاتباع است.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری - دری نجف آبادی

رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عدالت اداری مبنی بر غیرقانونی بودن تملک اراضی اشخاص پس از انقضای مهلت مذکور در تبصره ۱۱ ماده ۹ قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶/۶/۲۲

تاریخ: ۱۳۸۲/۱۰/۲۱ شماره دادنامه: ۴۱۵ کلاسه پرونده: ۱۰۵/۸۲

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکی: خانم... و غیره

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آرای صادره از شعب ۷ و ۱۳ و ۱۶ دیوان عدالت اداری.

مقدمه: الف- شعبه شانزدهم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۵۹۷/۷۷ موضوع شکایت خانم... و خانمها... و... به طرفیت شهرداری تهران به خواسته لغو و ابطال تملک غیرقانونی پلاک ثبتی ۶۷/۳۹۰ به شرح دادنامه شماره ۱۸۳۷ مورخ ۱۳۷۸/۱۰/۲۹ چنین رأی صادر نموده است: با توجه به اینکه سند انتقال در تاریخ ۱۳۷۱/۶/۲۲ به نام شهرداری تنظیم گردیده است و تصویب قانون زمین شهری در ۱۳۶۶/۷/۱ بوده، علی هذا پایان مهلت پنج ساله مقرر در قانون یاد شده ۱۳۷۱/۷/۱ می باشد. در نتیجه سند در مهلت قانونی تنظیم گردیده است. علی هذا قرار رد شکایت صادر می شود.

ب- شعبه سیزدهم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۵۷۲/۷۵ موضوع شکایت آقایان... و... به طرفیت اداره ثبت اسناد تهران به خواسته الزام به صدور سند مالکیت نسبت به سه دانگ مشاع از شش دانگ پلاک ۷۲ فرعی از ۳۰ اصلی به شرح دادنامه شماره ۹۱۷ مورخ ۱۳۷۵/۱۰/۱ چنین رأی صادر نموده است: زمین موضوع شکوائیه دارای پلاک ۷۲ فرعی از ۳۰ اصلی بخش ۱۱ تهران را شهرداری به قائم مقامی از طرف مالک پس از انقضای مهلت قانونی تبصره ۱۱ ماده ۹ قانون زمین شهری یعنی بعد از تاریخ ۱۳۷۱/۶/۲۲ طبق سند مورخ ۱۳۷۱/۷/۲ دفترخانه به خود انتقال، سپس برابر سند مورخ ۱۳۷۲/۱/۱۹ دفترخانه ۱۵۹ توسط شهرداری به شکات پرونده بالسویه واگذار می شود، لکن به علت آنکه سند مورخ ۱۳۷۱/۷/۲ دفترخانه خارج از مهلت قانونی تبصره ۱۱ ماده ۹ قانون زمین شهری تنظیم گردید در دفتر املاک ثبت نشده و موضوع در هیئت نظارت مطرح و رأی مورخ ۱۳۷۳/۸/۲۳ مبنی بر اینکه عملیات ثبتی و اجرای مفاد اسناد مذکور موکول به رسیدگی و اظهار نظر قضایی گردید. لذا با توجه به مراتب فوق الاشعار حکم به رد شکایت صادر و اعلام می گردد.

ج- شعبه هفتم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۲۰۶۶/۷۶ موضوع شکایت آقای... به طرفیت اداره املاک و مستغلات شهرداری تهران به خواسته تملک بنا حق ملک شخصی و دایر توسط شهرداری به شرح دادنامه شماره ۱۱۳۷ مورخ ۱۳۷۸/۹/۲ چنین رأی صادر نموده است: چون در تبصره یازده ماده ۹ قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶/۶/۲۲ مدت اعتبار قانون صراحتاً پنج سال از تاریخ تصویب آن اعلام شده و انتقال ملک به نام شهرداری تهران طبق اعلام مشکئی عنه در تاریخ ۱۳۷۱/۶/۲۶ صورت گرفته و در زمان انتقال مدت اعتبار قانون استنادی منقضی شده بود، لذا با وارد تشخیص دادن شکایت شاکی حکم به ابطال اقدامات شهرداری در خصوص تملک پلاک ثبتی ۴۸/۳۰۷۷ صادر و اعلام می گردد.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجت الاسلام والمسلمین دری نجف آبادی و با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدید نظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می نماید.

رأی هیئت عمومی

به صراحت تبصره ۱۱ ماده ۹ قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶/۶/۲۲ مهلت اجرای ماده ۹ این قانون و تبصره های آن پنج سال از تاریخ تصویب قانون تعیین گردیده است. بنابراین تملک اراضی اشخاص به استناد ماده و تبصره های فوق الذکر پس از انقضای مهلت مذکور محمل قانونی نداشته است و دادنامه های شماره ۱۱۳۷ مورخ ۱۳۷۸/۹/۲ و ۹۱۷ مورخ ۱۳۷۵/۱۰/۱ شعب هفتم و سیزدهم بدوی دیوان که متضمن این معنی می باشد صحیح و موافق قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع مربوط در موارد مشابه لازم الاتباع است. م.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری - دری نجف آبادی

مشاور اداری - مالی

جمشید رضایی
مشاور ماهنامه

مشاور اداری - مالی این شماره به پرسش‌هایی در زمینه معافی از مالیات سازمان همیاری شهرداری‌ها، دهیاری افراد بازنشسته، آخرین تغییرات در نصاب معاملات جزئی، معافیت از پرداخت عوارض نوسازی برای مؤسسات دولتی، بهای خدمات و تفاوت آن با عوارض و مواردی از این دست پاسخ می‌دهد. این پاسخ‌ها صرفاً در برگیرنده دیدگاه‌های مشاور ماهنامه‌اند.

□ همان گونه که می‌دانید، به موجب ماده ۱۰۹ قانون شهرداری و تبصره آن شهرداری‌ها از پرداخت عوارض حق ثبت املاک و مالیات معاف‌اند و مؤسساتی که تمام یا قسمتی از سرمایه‌شان متعلق به شهرداری است، ولو به صورت بازرگانی اداره شوند، نسبت به سهم شهرداری از پرداخت مالیات معاف‌اند. آیا سازمان همیاری شهرداری‌های استان مشمول این حکم و در نتیجه از پرداخت مالیات معاف است یا خیر؟

○ با توجه به حکم ماده ۲ قانون مالیات‌های مستقیم (اصلاحی ۱۳۸۰/۱۱/۲۷) حکم ماده ۱۰۹ قانون شهرداری در باب معافیت مالیاتی منسوخ است. (ماده ۲- اشخاص زیر مشمول پرداخت مالیات‌های موضوع این قانون نیستند: ۱- وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی؛ ۲- دستگاه‌هایی که بودجه آنها به وسیله دولت تأمین می‌شود؛ و ۳- شهرداری‌ها. تبصره ۱- شرکت‌هایی که تمام یا قسمتی از سرمایه آنها متعلق به اشخاص و مؤسسه‌های مذکور در بندهای فوق باشد، سهم درآمد یا سود آنها مشمول حکم این ماده نخواهد بود. حکم این تبصره مانع استفاده شرکت‌های مزبور از معافیت‌های مقرر در این قانون، حسب مورد نیست. تبصره ۲- درآمدهای حاصل از فعالیت‌های اقتصادی از قبیل فعالیت‌های صنعتی، معدنی، تجاری، خدماتی و سایر فعالیت‌های تولیدی برای اشخاص موضوع این ماده، که به نحوی غیر از طریق شرکت نیز تحصیل می‌شود، در هر مورد به طور جداگانه به نرخ مذکور در ماده ۱۰۵ این قانون مشمول مالیات خواهد بود. مسئولان اداره امور در این گونه نسبت به سهم فعالیت مذکور مکلف به انجام دادن تکالیف مربوط طبق مقررات این قانون خواهند بود. در غیر این صورت نسبت به پرداخت مالیات متعلق با مؤدی مسئولیت تضامنی خواهند داشت. تبصره ۳- معافیت مالیاتی این ماده برای مواردی که از طرف حضرت امام خمینی یا مقام معظم رهبری دارای مجوز می‌باشند، بر اساس نظر مقام معظم رهبری است).

بدین ترتیب درآمد سازمان همیاری شهرداری‌های استان مشمول مالیات می‌گردد.

□ آیا می‌توان از افراد بازنشسته برای سمت دهیاری استفاده کرد؟

○ با عنایت به اینکه به موجب قانون تأسیس دهیاری‌های خودکفا، دهیاری مؤسسه عمومی غیردولتی محسوب می‌گردد

و مطابق بند «ث» تبصره ۴ قانون بودجه سال ۱۳۸۳ کل کشور اشتغال به کار افراد بازنشسته در مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی جز با تصویب هیئت وزیران ممنوع است، بنابراین افراد بازنشسته نمی‌توانند سمت دهیاری را احراز کنند، مگر با تصویب هیئت وزیران. البته این‌اگران و اعضای هیئت علمی مستثنی از این حکم هستند. (بند «ث» - اشتغال به کار افراد بازنشسته در وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی و کلیه دستگاه‌های موضوع ماده ۱۱ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی و مؤسسات و شرکت‌های وابسته و تابع آنها و هر دستگاهی که به نحوی از انحا از بودجه کل کشور استفاده می‌کند، جز با تصویب هیئت وزیران تحت هر عنوان ممنوع است. این‌اگران تا قبل از سی سال خدمت و اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی از حکم این تبصره مستثنی‌اند. کلیه قوانین و مقررات عام و خاص مغایر با این بند در سال ۱۳۸۳ ملغی الاثر است).

□ آخرین تغییرات مربوط به نصاب معاملات جزئی، متوسط و عمده موضوع ماده ۸۰ قانون محاسبات عمومی که قابل تسری به معاملات شهرداری‌ها - موضوع ماده یک آیین نامه مالی شهرداری‌ها - است، چیست؟

○ بر اساس تصویب نامه مورخ ۱۳۸۳/۳/۶ هیئت وزیران که مستند بر ماده ۶۳ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به تصویب رسیده است، نصاب معاملات جزئی، متوسط و عمده موضوع ماده ۸۰ قانون محاسبات عمومی بدین شرح است: الف - معاملات جزئی: میزان آن از دو میلیون ریال تجاوز نخواهد کرد؛ ب - معاملات متوسط: میزان آن بیشتر از دو میلیون ریال و کمتر از سی میلیون ریال باشد؛ و ج - معاملات عمده: میزان آن سی میلیون ریال و بیشتر خواهد بود.

□ آیا سازمان‌ها و مؤسسات دولتی از پرداخت عوارض نو سازی معاف‌اند یا خیر؟ مدت اعتبار معافیت‌هایی که در قوانین بودجه کل کشور برقرار می‌گردد تا چه زمانی است؟

○ با لغو ماده ۹۰ قانون محاسبات عمومی در سال ۱۳۶۲، کلیه سازمان‌ها و مؤسسات دولتی موظف به پرداخت عوارض شهرداری‌اند، مگر سازمان‌ها و مؤسساتی که در قوانین بودجه سالیانه کشور برای آنها به طور خاص معافیتی برقرار می‌گردد. البته معافیت‌هایی که در قانون بودجه به وسیله قانونگذار برقرار می‌گردد، صرفاً تا پایان همان سال حاکم است. لازم به تذکر و یادآوری است که به استناد تبصره ۳ ماده ۵ قانون اصلاح موادی از قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و چگونگی برقراری و وصول عوارض از کالاهای تولیدی، ارائه دهندگان خدمات و کالاهای وارداتی (قانون تجمیع عوارض) و ماده ۱۰ آن، کلیه قوانین و مقررات مربوط به اعطای تخفیف یا معافیت از پرداخت عوارض یا وجوه به شهرداری‌ها ملغی شده است. بنابراین از ابتدای سال ۱۳۸۲ صرفاً اشخاصی از پرداخت عوارض معاف هستند، یا در پرداخت عوارض از تخفیف استفاده می‌کنند که در قانون به صورت خاص حکمی در مورد آنها وضع گردد، و لا غیر.

□ با عنایت به اینکه بر اساس تبصره ۳ ماده ۵ قانون اصلاح موادی از قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و چگونگی برقراری و وصول عوارض از کالاهای تولیدی، ارائه دهندگان خدمات و کالاهای وارداتی کلیه تخفیفات عوارض لغو گردیده لیکن بر اساس بند «ر» تبصره ۱۲ و بند «الف» تبصره ۵ قانون بودجه سال ۸۲ خانواده‌های محترم شهدا، جانبازان ۲۵ درصد به بالا، آزادگان و همچنین افراد تحت پوشش کمیته امداد شامل تخفیف می‌گردند. با توجه به ابهاماتی که به وجود آمده است اعلام فرمایید که آیا این تخفیفات در سال ۸۳ نیز به همان نحو است و تخفیفات مذکور شامل کلیه عوارض شهرداری یا عوارض پذیرنده می‌گردد یا خیر؛ و همچنین در مورد اعطای تخفیف به خانواده‌های شهدا و جانبازان و آزادگانی که زیربنای بیش از ۱۲۰ متر مربع دارند، این شهرداری را راهنمایی فرمایید.

○ معافیت‌های موضوع سؤال به شرح زیر در قسمت اخیر بند «الف» تبصره ۱۵ قانون بودجه سال ۱۳۸۳ کل کشور پیش بینی شده است. «الف... خانواده معظم شهدا، آزادگان و جانبازان بیست و پنج درصد به بالا و معلولان از رعایت الگوی مصرف معاف و برای یک بار از عوارض شهرداری برای پروانه ساخت تا یکصد و بیست متر مربع بنای مفید معاف می‌باشند. همچنین مددجویان تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی و سازمان بهزیستی کشور در صورت رعایت الگوی مصرف مسکن از پرداخت عوارض شهرداری برای صدور پروانه ساخت برای یک بار معاف می‌باشند». ۲- عوارض موضوع بند یاد شده

شامل کلیه عوارضی است که شهرداری در هنگام صدور پروانه ساخت دریافت می‌کند و جانبازان و خانواده محترم شهدا، آزادگان و ... از پرداخت آن معاف‌اند. ۳- چنانچه هر یک از آزادگان، جانبازان و خانواده محترم شهدا بخواهند بنایی بیش از یکصد و بیست متر مربع احداث کنند، شهرداری می‌بایست عوارض مازاد بر یکصد و بیست متر مربع بنای مفید را محاسبه و از آنان دریافت کند و سپس به صدور مجوز لازم بپردازد.

□ اکثر شهرداری‌ها با تصویب شورای اسلامی شهر مبالغی تحت عنوان بهای خدمات (مانند بهای خدمات تأیید نقشه و نظایر آن) از متقاضیان دریافت می‌کنند. خواهشمند است اعلام فرمایید آیا بهای خدمات نیز مانند عوارض شامل تبصره یک ماده ۵ قانون تجمیع عوارض می‌شود یا خیر؛ یعنی آیا لازم است که در موعد مقرر اعلام عمومی شود یا خیر؟

○ مبالغی که تحت عنوان بهای خدمات به وسیله شورای اسلامی شهر به موجب بند ۲۶ ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهردار تصویب و از متقاضیان گرفته می‌شود، مشمول تبصره یک ماده ۵ قانون اصلاح موادی از قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و چگونگی برقراری و وصول عوارض از کالاهای تولیدی، ارائه دهندگان خدمات و کالاهای وارداتی (قانون موسوم به تجمیع عوارض) نیست. حکم تبصره مذکور صرفاً ناظر به عوارض است (تبصره ۱- وضع عوارض محلی جدید و یا افزایش نرخ هر یک از عوارض محلی می‌بایست حداکثر تا پانزدهم بهمن ماه هر سال برای اجرا در سال بعد تصویب و اعلام عمومی گردد).

□ به استحضار می‌رساند که حریم این شهر در سال ۱۳۷۶ به تصویب کمیته فنی استان رسیده است و کلیات طرح جامع نیز در سال ۱۳۸۲ مورد تصویب کارگروه عمران و شهرسازی استان قرار گرفته است. مضافاً اینکه ماده ۴ قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری و تبصره‌های ذیل آن تکالیفی را برای شهرداری مشخص کرده است. حال با توجه به مراتب مذکور، آیا شهرداری مجاز است ساخت و ساز را در حوزه شهری و حریم آن تحت کنترل داشته باشد و طبق قوانین کشور برای خارج محدوده پروانه صادر کند یا خیر؟

○ با عنایت به اینکه به استناد قسمت صدر ماده ۱۰۰ قانون شهرداری کلیه مالکان املاک واقع در محدوده قانونی و حریم شهر موظف‌اند قبل از هر اقدام عمرانی و ساخت و ساز از شهرداری پروانه بگیرند و نظارت بر کلیه ساخت و سازها تا منتهی الیه حریم بر عهده شهرداری هاست، لذا شهرداری در خارج از حریم مصوب هیچ وظیفه‌ای برای صدور پروانه ساخت و ساز ندارد و نمی‌تواند به این امر مبادرت ورزد.

□ اخیراً کمیسیون بدوی ماده صد که در این شهرداری تشکیل می‌شود، در رسیدگی به پرونده‌ای دایر بر

استفاده از ملکی با کاربری مسکونی برای امور کسب و تجارت، ضمن صدور رأی مبنی بر گرفتن جریمه، اعلام کرده است که کاربری ملک مذکور از مسکونی به تجاری تغییر داده می‌شود. آیا کمیسیون ماده صد مجاز به صدور چنین رأیی هست یا خیر؟

○ مطابق تبصره ذیل بند ۲۴ ماده ۵۵ و ماده صد قانون شهرداری وظیفه کمیسیون ماده صد عبارت است از: احداث بنا خلاف مندرجات پروانه، احداث بنا بدون اخذ پروانه، استفاده از ساختمان با کاربری غیرتجاری به منظور کسب و پیشه و تجارت و جز آن. قانونگذار برای هر یک از تخلفات یاد شده مجازاتی را مقرر کرده است و کمیسیون‌های ماده صد در رسیدگی به آنها صرفاً می‌بایست رأی به مجازاتی صادر کنند که مقنن تعیین کرده است و لاغیر. در خصوص موضوع مورد سؤال، گفتنی است که اولاً کمیسیون ماده صد می‌بایست بر اساس تبصره ذیل بند ۲۴ ماده ۵۵ قانون شهرداری رأی صادر کند (تبصره - شهرداری در شهرهایی که نقشه جامع شهر تهیه شده، مکلف است طبق ضوابط نقشه مذکور در پروانه‌های ساختمانی نوع استفاده از ساختمان را قید کند. در صورتی که بر خلاف مندرجات پروانه ساختمانی در منطقه غیرتجاری محل کسب یا پیشه و یا تجارت دایر شود، شهرداری مورد را در کمیسیون مقرر در تبصره یک ماده صد این قانون مطرح می‌کند و کمیسیون در صورت احراز تخلف مالک یا مستأجر با تعیین مهلت مناسب - که نباید از دو ماه تجاوز کند - در مورد تعطیل محل کسب و پیشه و یا تجارت ظرف مدت یک ماه اتخاذ تصمیم می‌کند. این تصمیم به وسیله مأموران شهرداری اجرا می‌شود و کسی که عالماً از محل مذکور پس از تعطیل برای کسب و پیشه و یا تجارت استفاده کند، به حبس جنحه‌ای از شش ماه تا دو سال و جزای نقدی از پنج هزار و یک ریال تا ده هزار ریال محکوم خواهد شد و محل کسب نیز مجدداً تعطیل می‌شود). نکته درخور توجه در اینجا این است که حکم به

مجازات مندرج در قسمت اخیر تبصره یادشده می‌بایست به وسیله مراجع قضایی صادر شود و این امر خارج از حدود صلاحیت کمیسیون ماده صد است. ثانیاً، همان‌طور که اشاره شد، صلاحیت کمیسیون ماده صد رسیدگی به تخلفات ساختمانی است که رأی به تغییر کاربری خارج از حدود صلاحیت آن است. به عبارت دیگر، مطابق ماده پنج قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران مصوب سال ۱۳۵۱، تغییر کاربری در صلاحیت کمیسیون موضوع ماده یاد شده است نه کمیسیون ماده صد. بدین ترتیب رأی مذکور خارج از حدود صلاحیت کمیسیون ماده صد و غیرقانونی و مخدوش است.

□ نظر به اینکه بر اساس تبصره ۲ بند ۳ ماده ۹۹ قانون شهرداری کمیسیون مربوط به نحوه رسیدگی به تخلفات ساختمانی در خارج از حریم شهرها می‌بایست در محل استناداری تشکیل شود، از آنجا که این موضوع به لحاظ گستردگی استان مشکلات عدیده‌ای را به ویژه برای ارباب رجوع و رفت و آمد آنان ایجاد می‌کند، خواهشمند است بررسی و اعلام فرمایید به منظور تسهیل امور و تسریع در روند رسیدگی‌ها تشکیل کمیسیون یاد شده با ترکیبی که قانون معین کرده است در محل بخشداری‌ها و یا حداقل فرمانداری‌ها و جاهت قانونی دارد یا خیر؟

○ نظر به اینکه محل تشکیل کمیسیون موضوع تبصره ۲ ذیل بند ۳ ماده ۹۹ قانون شهرداری امری مشکل و تشریفاتی است که تأثیری در ماهیت امر نمی‌کند، بنابراین تغییر محل تشکیل کمیسیون یاد شده از مرکز استان به فرمانداری‌ها فاقد منع قانونی است و از نظر عدم تمرکز امور در مرکز استان نیز توجیه پذیر است.

رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عدالت اداری مبنی بر اینکه نبودن اعتبار سالب حق مکتسبه مستخدم در خصوص فوق العاده مأموریت خارج از کشور نیست

تاریخ: ۱۳۸۲/۱۲/۳ شماره دادنامه: ۴۵۸ کلاسه پرونده: ۱۸۶/۸۲

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکي: آقای ...

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آرای صادره از شعب ۲ و ۳ و ۴ و ۵ تجدید نظر دیوان عدالت اداری.

مقدمه: الف - ۱ - شعبه پانزدهم در رسیدگی به پرونده ۵۶۱/۷۷ موضوع شکایت خانم... به طرفیت اداره کل کارگزینی وزارت آموزش و پرورش به خواسته اعتراض به عدم احتساب فوق العاده شغل خارج از کشور و صدور حکم بر احتساب و پرداخت در اجرای مصوبه سال ۱۳۷۱ هیئت وزیران به شرح دادنامه شماره ۶۵۸ مورخ ۱۳۷۸/۴/۲۷ چنین رأی صادر نموده است: با توجه به اینکه عدم تأمین بار مالی از سوی سازمان نمی‌تواند سبب تضییع حقوق حقه شاکیه گردد، بنابراین شکایت وارد تشخیص و حکم به ورود و اجابت درخواست مشارالیهها توسط اداره خوانده صادر و اعلام می‌گردد.

۲ - شعبه سوم تجدید نظر در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۰۱۷/۲۸ و ۹۹۰/۷۹ موضوع تقاضای تجدید نظر وزارت آموزش و پرورش نسبت به دادنامه شماره ۶۵۸ مورخ ۱۳۷۸/۴/۲۷ شعبه پانزدهم دیوان به شرح دادنامه شماره ۷۹۴-۷۹۵ مورخ ۱۳۷۹/۵/۱۷ چنین رأی صادر نموده است: نظر به اینکه به صراحت رأی وحدت رویه شماره ۱۷ مورخ ۱۳۷۳/۲/۱۰ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری عدم تأمین اعتبار مانع پرداخت فوق العاده شغلی تعیین شده در ماده ۳۹ قانون استخدام کشوری نخواهد شد و دادنامه معترض علیه که مفهوماً منطبق با رأی وحدت رویه فوق الذکر صادر گردیده خالی از اشکال است، بنابراین با رد اعتراض تجدید نظر خواه دادنامه بدوی عیناً تأیید و استوار می‌گردد.

ب- ۱- شعبه دوازدهم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۶۵/۸۰ موضوع شکایت آقای ... به طرفیت وزارت آموزش و پرورش - آموزش و پرورش خارج از کشور به خواسته، اعتراض به عدم اجرای آیین نامه فوق العاده خارج از کشور موضوع بند ج ماده ۳۹ قانون استخدام کشوری به شرح دادنامه شماره ۱۸۲۱ مورخ ۱۳۸۰/۹/۲۶ چنین رأی صادر نموده است: با عنایت به اینکه عدم تأمین اعتبار از سوی سازمان نمی تواند باعث تضییع حقوق مکتسبه شاکی گردد، فلذا شکایت شاکی وارد تشخیص و حکم به ورود شکایت صادر می گردد.

۲- شعبه دوم تجدید نظر در رسیدگی به پرونده کلاسه ت ۲/۱۶۸۸/۸۰ موضوع تقاضای تجدید نظر مدیر کل امور اداری وزارت آموزش و پرورش به خواسته تجدید نظر در دادنامه شماره ۱۸۲۱ مورخ ۱۳۸۰/۹/۲۶ شعبه دوازدهم به شرح دادنامه شماره ۵۷۲ مورخ ۱۳۸۱/۵/۸ چنین رأی صادر نموده است: از ناحیه تجدید نظر خواه اعتراض مؤثری که مورد امان نظر قرار گیرد به عمل نیامده و دلیلی که فسخ دادنامه صادره را ایجاب نماید ارائه نشده است. بنابراین دادنامه پیش گفته خالی از اشکال تشخیص و عیناً تأیید می گردد.

ج- ۱- شعبه چهارم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۵۵/۸۰ موضوع شکایت خانم ... به طرفیت وزارت آموزش و پرورش اداره کل کارگزینی آموزش و پرورش مدارس خارج از کشور به خواسته، اعتراض به عدم اجرای آیین نامه فوق العاده اشتغال خارج از کشور مستخدمات دولت موضوع بند ج ماده ۳۹ قانون استخدام کشوری به شرح دادنامه شماره ۱۴۲۵ مورخ ۱۳۸۰/۸/۹ چنین رأی صادر نموده است: با التفات به اینکه به موجب رأی وحدت رویه شماره ۱۶۴ مورخ ۱۳۷۰/۱۲/۲۰ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری عدم تأمین اعتبار نمی تواند مسقط حق ثابت شکایه باشد، در مانحن فیله اعتراض مشارالیها موجه تشخیص، حکم به ورود شکایت و الزام اداره مشتکی عنه به انجام خواسته شکایه صادر می گردد.

۲- شعبه پنجم تجدید نظر در رسیدگی به پرونده ۱۴۵۴/۸۰ موضوع تقاضای تجدید نظر وزارت آموزش و پرورش به خواسته تجدید نظر در دادنامه ۱۴۲۵ مورخ ۱۳۸۰/۸/۹ شعبه چهارم دیوان به شرح دادنامه شماره ۷۴۱ مورخ ۱۳۸۱/۶/۱۶ چنین رأی صادر نموده است: نظر به اینکه از طرف تجدید نظر خواه نسبت به دادنامه تجدید نظر خواسته اعتراض موجه و مؤثری به عمل نیامده و با بررسی سوابق امر بر کیفیت رسیدگی و اعمال مقررات نیز ایراد و اشکالی که فسخ دادنامه بدوی را ایجاب نماید مشهود نیست، بنابراین با رد تجدید نظر خواهی، دادنامه بدوی عیناً تأیید و استوار می گردد.

د- ۱- شعبه دوازدهم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۶۶/۸۰ موضوع شکایت آقای ... به طرفیت، وزارت آموزش و پرورش، اداره کل کارگزینی مدارس خارج از کشور به خواسته اعتراض به عدم اجرای آیین نامه فوق العاده اشتغال خارج از کشور به شرح دادنامه شماره ۱۸۲۳ مورخ ۱۳۸۰/۴/۲۷ چنین رأی صادر نموده است: عدم تأمین اعتبار از سوی سازمان نمی تواند سبب تضییع حقوق مکتسبه شاکی گردد. علیهذا شکایت شاکی موجه تشخیص و حکم به ورود شکایت نامبرده صادر و اداره مشتکی عنه را مکلف به ایفای حقوق شاکی می نماید.

۲- شعبه چهارم تجدید نظر در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۹۴۵/۸۰ موضوع تقاضای تجدید نظر آموزش و پرورش - اداره کل امور اداری به خواسته تجدید نظر در دادنامه شماره ۱۸۲۳ مورخ ۱۳۸۰/۹/۲۷ شعبه بدوی ۱۲ به شرح دادنامه شماره ۱۳۷۱ مورخ ۱۳۸۱/۸/۲۵ چنین رأی صادر نموده است: چنانچه حکم رسمی مبنی بر پرداخت فوق العاده اشتغال بر اساس سنوات گذشته برای سال ۱۳۷۷ هم برای شاکی صادر می شده عدم تأمین اعتبار موجب تضییع حق شاکی نمی گردد. در مانحن فیله صراحتاً در حکم تمدید شماره ۱۸۰/۱۳۰/۱/۱ مورخ ۱۳۷۶/۷/۱۹ میزان فوق العاده اشتغال خارج از کشور را به میزان ۹۵۲۲۸ ریال تعیین نموده اند؛ نتیجتاً در همین حد هم قابل پرداخت است و زائد بر آن در صورت صدور حکم امکان پذیر است و لذا ضمن فسخ دادنامه شعبه بدوی حکم به رد شکایت صادر و اعلام می گردد.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجت الاسلام و المسلمین دری نجف آبادی و با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدید نظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می نماید.

رأی هیئت عمومی

با عنایت به بند ج ماده ۳۹ لایحه قانونی استخدام کشوری مبنی بر تعلق حق فوق العاده مأموریت خارج از کشور به مستخدماتی که برای انجام وظایف محوله حسب مقررات مربوط، به کشورهای خارج اعزام می شوند و نظر به مصوبه شماره ۲۹۹۲۰/ت ۴۶۱ هـ مورخ ۱۳۷۱/۱۰/۹ هیئت وزیران موضوع اصلاح ضوابط پرداخت فوق العاده اشتغال مأموران ثابت در خارج از کشور و افزایش میزان آن، و اینکه نبودن اعتبار سالیانه حق نیست، دادنامه های شماره ۵۷۲ مورخ ۱۳۸۱/۵/۸، ۷۹۴، ۷۹۵ مورخ ۱۳۷۹/۵/۱۷ و ۷۴۱ مورخ ۱۳۸۱/۶/۱۶ شعب دوم، سوم و پنجم تجدید نظر دیوان مبنی بر تأیید دادنامه های بدوی متضمن لزوم پرداخت ما به التفاوت فوق العاده مأموریت خارج از کشور به مستخدمان ذی نفع موافق اصول و موازین قانونی تشخیص داده می شود. این رأی به استناد قسمت اخیر ماده ۲۰ اصلاحی قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع مربوط در موارد مشابه لازم الاتباع است.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری - دری نجف آبادی

بلدیه گاهبان همیشه شهر

عباس جدالی

پیش‌تر گفته شد، برای مردم چندان ارزشی نداشت. در این میان تنها برخی پیشه‌ها به گاهبانی نیاز داشتند و دقیق‌ترین آنها پنگو (Pango) / تاس کشی بود که گونه‌ای «ساعت آبی» شمرده می‌شد و در آبیاری و تقسیم آب کاربرد داشت. البته گاهبانی در ماه رمضان به خاطر روزه‌داری دقت بیشتری می‌یافت و سحرخوانان و تبیره زنان این نقش را پررنگ‌تر می‌کردند. با آمدن جنگ افزارهای آتشین، به ویژه توپ، از همان‌ها برای آگاهانیدن مردم از هنگام سحری، افطار و تحویل سال و جز آن استفاده می‌شد. بی‌گمان در روزگار قاجاریان این رسم نهادینه شد و رسمیت یافت که تا دهه ۴۰ سده کنونی در شهرهای بزرگ این رسم برقرار بود، اما با گسترش شهرها و هیاهوی فزاینده آن رفته رفته کنار گذاشته شد. در پایان سده ۱۳ قمری ساعت‌های بزرگ پاندولی، جیبی (بغلی) و مچی، آرام آرام از دربار به خانه‌ها و جیب‌عیان و بزرگان راه یافت، اما هر ساعت «کوکی» دیگر داشت و هیچ کدام با دیگری همخوان و «هم‌کوک» نبود. مردم بیشتر از عنوان «غروب کوک» استفاده می‌کردند که مرز زمانی آن در تغییر بود. در همین روزگار به تقلید از اروپا نخستین ساختمان بلند مرتبه؛ شمس‌العماره، در



در میان وظایف پرشمار بلدیه (شهرداری‌ها)، گاهبانی [به عربی = توقیت] از کهن‌ترین‌هاست که پیشینه آن به سپیده دم شهرنشینی بازمی‌گردد. آنان که شهرها را اداره می‌کردند برآمد و شد و هنگام کار شهروندان خود چشم می‌داشتند. دژی بود و دروازه‌ای و بازاری و شبگردانی، هر چند زمان و وقت روزانه با برآمدن و فروشدن خورشید معین می‌شد که بامداد و شامگاه آغاز و پایان آن بود.

در سرزمین‌های اسلامی، به ویژه در شهرهای بزرگ، گاهبانی بر عهده اذان‌گویان بود که از فراز گلدسته‌ها بخش‌های سه‌گانه یک روز کاری (بامداد، نیمروز و شامگاه) را اعلام می‌داشتند که البته نیمروز خاستگاهی علمی داشت، زیرا دو مرز شامگاه و بامداد، دست کم در سرزمین‌های شمالی (عرض‌های بلند) از جمله ایران، در طول سال پس و پیش می‌شد. نیمروز (ظهر شرعی) ثابت‌ترین نقطه زمانی در ۲۴ ساعت به شمار می‌رفت که در واقع ظهر حقیقی (جغرافیایی) هر مکان را معلوم می‌داشت. البته این دقت در شهرهایی که مسجد آدینه داشتند و تختگاه حکومتی شمرده می‌شدند بیشتر بود. این مسجدها دارای شاخص (ساعت آفتابی) بودند؛ از آن جمله مسجد گوهرشاد مشهد، ساخته روزگار تیموریان در نیمه سده هشتم هجری، که شاخص آن هنوز هم بر روی پایه‌ای بر صحن مسجد نشسته است. البته به هر حال وقت و بخش‌های کوچک‌تر از آنهایی که





بدان خو گرفتند و کارهای روزانه خود را بر آن همساز کردند. گسترش شهرها با فراوانی ابزارهای زندگی شهری از جمله ساعت همراه شد و شیوعی یکباره یافت. نگاهی به روزنامه های آن سال ها این رواج را نشان می دهد (← تصویر زمینه که تبلیغ دو ساعت سویسی را همراه با اعلان بلدیة نشان می دهد). زان پس بسیاری از مردم می بایست کارهای روزانه خود را هم هنگام آغاز می کردند، زیرا سازمان ها و ادارات پا گرفته بودند و «طبقه کارمند» پدید آمده بودند.

بررسی سند

این سند کوتاه برگرفته از روزنامه اطلاعات شهریور ماه ۱۳۰۷ ش با پیشینه دراز دامنی که برایش نگاشته شد، نشان می دهد که بلدیة کار گاهبانی را از پیشینیان خود که بعدها «احتسابیه» نام گرفت (← جغرافیای تاریخی تهران، ص ۵۳۸) به ارث برده است و این یکی را هم بر وظایف پر شمار خود (← ماهنامه شهرداریها، شماره ۵۲ به بعد، شهرداریها به روایت اسناد) افزوده است. در این سند نیز گونه ای از تحکم در لحن سرتیپ بوذرجمهری - مانند همه اعلان های بلدیة - به چشم می خورد. او به مردم پایتخت تذکر می دهد که: «ظهر حقیقی (در اینجا مفهوم اداری کاملاً بر این واژه بار شده است) به وسیله سوت قورخانه اعلام...». بوذرجمهری می خواهد همه ادارات، وزارتخانه ها و کارخانه ها با ساعت یکسانی کار کنند و جالب آنکه برای اعلان وقت و کشیدن بوق به سراغ کارخانه ای رفته که دقیقاً خاستگاهی نظامی دارد و از رده های صنفی اوست، یعنی قورخانه [= کارخانه ساخت جنگ افزار]. این کارخانه در جای کنونی ایستگاه متروی توپخانه (امام خمینی) میان خیابان های باب همایون و خیام جای داشته است. در دنباله آن می افزاید که «ساعت بلدیة هم بر طبق آن تعیین اوقات خواهد نمود». عمارت بلدیة در ضلع شمالی میدان توپخانه جای داشت که بر تاج سر در آن ساعت بزرگی کار گذاشته بودند که از همه جای میدان توپخانه، مرکز اداری آن روزگار دیده می شد، زیرا نظمیة (شهربانی)، تلگراف و تلفنخانه (مخابرات) و دو بانک بزرگ (بعدها بازرگانی و ملی) در این میدان جای داشتند. اهمیت این سند کوتاه در آن است که آغازی برای همناوخت کردن ساعت های اداری در شهرها شمرده می شود؛ چندان که بوق ناهنگام کارخانه ها نشان از اعلام خطر (مانند، آتش سوزی های بزرگ و سیل) و یا شادیانه ها (تحويل سال، عید فطر، تولدها، و تاجگذاری) نیز داشت.

شاید آخرین بوقها را دست کم در تهران، کارخانه تسلیحات ارتش در خیابان فرح آباد (پیروزی کنونی) در سال های ۱۳۶۲ و ۱۳۶۳ کشیده باشد.

تهران ساخته شد (۱۲۸۲-۱۲۸۴ ق) که ساعتی بزرگ بر بالای آن نصب شده بود (← تصویر) و به گفته اعتماد السلطنه (? - ۱۳۱۳ ق) در روزنامه ایران (۱۲۹۴ ق) «صدای زنگ آن در اکثر مواضع شهر شنیده می شد» (جغرافیای تاریخی تهران، ص ۲۱۸). این نخستین ساعتی بود که مردم عادی می توانستند صفحه آن را همواره ببینند و ساعت و وقت را بدانند و یا ساعت های خود را با آن میزان کنند. دومین ساعت بر سر در مسجد مشیرالسلطنه کار گذاشته شد. این مسجد در خیابان مولوی، شرق خیابان ری قرار داشت و سازنده آن احمد خان مشیرالسلطنه (? - ۱۳۲۹ ق) وزیر و پیشکار دوره های ناصری، مظفری و محمد علی شاهی بود. این دو ساعت از شمال و جنوب تهران دیده می شدند. در برخی از شهرهای بزرگ مانند مشهد نیز در روزگار مظفرالدین شاه (پاد. ۱۳۱۳ - ۱۳۲۴ ق) ساعتی بزرگ و سنگین بر سر در صحن کهنه (عتیق) حرم امام رضا نصب شد که عددهای رومی داشت. این ساعت امروزه بر سر در صحن موزه جای گرفته است.

سده چهاردهم و فرمانروایی پهلوی، آغاز دورانی بود که کارخانه های بسیاری بنیاد نهاده شدند؛ کارخانه هایی که به پیدایش گروهی از شهریان به نام «کارگران» انجامید. کار در این کارخانه ها نظم زمانی ویژه ای را می طلبید که ساعت ابزار اصلی آن بود. بدین ترتیب گاهبانی شهرها را عملاً این کارخانه ها به دست گرفته بودند، که کاری بود محتوم برای سامانه کارخانه ای. کارخانه با صدای سوت (بوق) خود کارگران را فرا می خواند. بوق با بخار فشرده کار می کرد که در برابر شلیک توپ بی خطر، کم هزینه تر و بسیار ساده تر بود. دیگر دقیق ترین تقسیم بندی زمان روزانه شکل گرفته بود و مردم به درون قالب های زمانی کوچک و دقیق رانده می شدند. این گاهبانان [به عربی = موقت] ماشینی بی هیچ تغییری ساعت «هم کوک» را رفته رفته رایج کردند. البته این کار سال ها پیش تر در اروپا آغاز شده بود. در شهرهایی چون تهران، مشهد، یزد، اصفهان، شاهی (قائم شهر کنونی)، بهشهر و تبریز که کارخانه و کارگران بیشتری داشتند، سر ساعت های جابه جایی کارگران در نوبت کاری شبانه روز، بوق و سوت کارخانه ها به صدا در می آمد. رفته رفته مردمان شهرها، بازاریان، پیشه وران و حتی کدبانوان نیز گوش به بوق کارخانه ها و زنگ ساعت ها داشتند،

منابع:

- ۱) تکمیل همایون، ناصر: تاریخ اجتماعی و فرهنگی تهران، ج ۲، دفتر پژوهش های فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۸۱.
- ۲) شهری، جعفر: طهران قدیم، جلد ۴، انتشارات معین، چاپ سوم، ۱۳۸۱.
- ۳) محمد زاده مهر، فرخ: میدان توپخانه تهران، وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۸۱.
- ۴) معتمدی، محسن: جغرافیای تاریخی تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۱.

الزامات قانونی دولت و شهرداری در تملک اراضی و املاک

حسین صالحی
وکیل دادگستری

مقدمه

تملك اراضی و املاک متعلق به اشخاص حقیقی و حقوقی برای اجرای برنامه‌ها و طرح‌های عمومی عمرانی و اجرایی به وسیله دولت و شهرداری‌ها تابع قواعد و شرایط خاصی است. در زمان حاضر مستند قانونی اکثریت قریب به اتفاق دستگاه‌های اجرایی به منظور اجرای طرح‌ها و برنامه‌های مورد نظرشان، لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ شورای انقلاب است و دستگاه‌های دولتی و شهرداری‌ها عموماً به استناد این مصوبه اقدامات تملکی خود را به اجرا در می‌آورند. یادآوری اینکه در مورد اقدامات تملکی شهرداری‌ها قانون نحوه تقویم ابنیه، املاک و اراضی مورد نیاز شهرداری‌ها مصوب ۱۳۷۰/۸/۲۸ نیز در مورد عملکرد شهرداری‌ها حاکمیت دارد که در موارد لازم به مفاد آن اشاره می‌شود. در اینجا به منظور رعایت اختصار، دو قانون مورد بحث با علامات اختصاری به شرح زیر آورده می‌شود:

الف) قانون نحوه تقویم ابنیه، املاک و اراضی مورد نیاز شهرداری‌ها مصوب ۱۳۷۰/۸/۲۸ (ق ن ت)؛ و
ب) لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ (ل ق ن خ).

اول - شرایط عمومی تملک

۱- شرط نیاز با تأیید بالاترین مقام دستگاه اجرایی
نیاز به اراضی، ابنیه، مستحقات، تأسیسات و سایر حقوق مربوط به اراضی مذکور برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت یا شهرداری‌ها لزوماً بایستی به تأیید بالاترین مقام دستگاه اجرایی برسد (صدر ماده یک ل ق ن خ).

۲- تأمین قبلی اعتبار

اعتبار مورد نیاز برای اجرای طرح مورد نظر دولت یا دستگاه اجرایی باید قبلاً (پیش از شروع اقدامات تملکی) تأمین گردد (قسمت اخیر ماده یک ل ق ن خ).

۳- شرط لزوم و ضرورت اجرای بموقع طرح برای امور عمومی

و امنیتی

لزوم و ضرورت اجرای بموقع طرح برای امور عمومی و امنیتی دستگاه اجرایی بایستی به تأیید و تصویب بالاترین مقام اجرایی (دستگاه اجرایی) برسد (ماده دو ل ق ن خ). در مورد شهرداری‌ها شهردار بالاترین مقام دستگاه اجرایی تلقی می‌شود.

۴- ارائه گواهی مبنی بر نبود اراضی ملی یا دولتی برای اجرای طرح

دستگاه اجرایی (دولت یا شهرداری‌ها) وظیفه دارند حتی المقدور برای اجرای طرح از اراضی ملی شده یا دولتی استفاده کنند و هر گاه این امر مقدور نباشد، مکلف اند گواهی لازم را مبنی بر نبود این قبیل اراضی (حسب مورد با تأیید وزارت کشاورزی یا وزارت مسکن و شهرسازی یا ادارات کل و شعب آنها در استان‌ها) از مراجع یاد شده اخذ و ارائه کنند (تبصره ۱ ماده ۲- ل ق ن خ).

دوم - قواعد تملک از طریق توافق

۱- پرداخت بها به صورت توافق

بهای عادلانه اراضی، ابنیه، مستحقات، تأسیسات و سایر حقوق و خسارات وارد شده لزوماً از طریق توافق بین دستگاه اجرایی و مالک یا مالکان و صاحبان حقوق تعیین می‌شود (ماده ۳ ل ق ن خ). عدم رعایت این اصل، استثنای تلقی می‌گردد و در صورت اقدام، دستگاه اجرایی مکلف است شرایط تملک را به شیوه استثنایی - که بعداً خواهد آمد- رعایت کند.

۲- مهلت سه ماهه خرید و پرداخت حقوق یا خسارات در صورت حصول توافق

در فرض حصول توافق، دستگاه اجرایی مکلف است حداکثر ظرف سه ماه (از تاریخ توافق) نسبت به خرید ملک و پرداخت حقوق یا خسارات اقدام و یا آنکه انصراف خود را از خرید و تملک کتباً به مالک یا مالکان اعلام کند. به هر حال عدم اقدام به خرید یا اعلام انصراف در مدت مذکور به منزله انصراف است (تبصره ۲ ماده ۳ ل ق ن خ).

ممکن نگردد. در این صورت رعایت تشریفات مشروح ذیل به وسیله دستگاه اجرایی لازم است:

۱- اعلام قبلی دستگاه اجرایی با مهلت یک ماهه برای معرفی کارشناس به وسیله مالک

دستگاه اجرایی مکلف است ابتدا به یکی از شیوه های قانونی (ابلاغ کتبی به مالک یا مالکان، نشر آگهی موردی خطاب به مالک یا مالکان، نشر آگهی محلی برای اطلاع عموم لکن به طور موردی با ذکر مشخصات ملک مورد تقاضا) از آنان بخواهد کارشناس منتخب خود را ظرف مهلت یک ماه معرفی کنند (صدر ماده ۸ ل ق ن خ).

۲- اعلام مجدد با اعطای مهلت پانزده روزه

در صورت عدم مراجعه یا استنکاف از انجام معامله دستگاه اجرایی مکلف است مجدداً با اعطای مهلت ۱۵ روزه دیگر اقدام را به انحصار مذکور از مالک یا مالکان یا صاحبان حقوق بخواهد. در صورت عدم اقدام، کارشناسی را که مالک یا مالکان باید معرفی می کردند، دادگاه ظرف ۱۵ روز معرفی می کند تا هیئت سه نفره کارشناسان رسمی دادگستری با رعایت مقررات نسبت به ارزیابی بهای ملک اقدام کنند (قسمت اخیر ماده ۸ ل ق ن خ).

۳- تودیع بهای ملک در صندوق اداره ثبت محل وقوع ملک قبل از تنظیم و امضای سند انتقال ملک

بهای ملک قبل از تنظیم سند انتقال و نیز قبل از خلع ید و تخلیه باید در صندوق اداره ثبت محل وقوع ملک تودیع گردد. تودیع این مبلغ در هر صندوق دیگری اعتبار قانونی ندارد (قسمت اخیر ماده ۸ ل ق ن خ).

۴- تنظیم و امضای سند انتقال ملک قبل از تخلیه و خلع ید

دستگاه اجرایی مکلف است پس از تودیع بهای ملک در صندوق اداره ثبت محل وقوع ملک و قبل از تخلیه و خلع ید از مالک نسبت به تنظیم و امضای سند انتقال (به وسیله دادستان یا نماینده وی به عنوان قائم مقام مالک) اقدام کند و تا قبل از تنظیم و امضای سند انتقال نمی توان نسبت به تخلیه و خلع ید مالک اقدام کرد (قسمت آخر ماده ۸ ل ق ن خ).

۵- تخلیه و خلع ید از مالک ظرف مهلت یک ماه پس از تنظیم سند قطعی انتقال

دستگاه اجرایی پس از تنظیم سند رسمی انتقال برای تخلیه و خلع ید از مالک تنها یک ماه فرصت دارد تا رأساً در این مورد اقدام کند والا چنانچه مهلت مذکور سپری گردد این اختیار را ندارد (باید از طریق طرح دعوی در دادگستری اقدام نماید) (قسمت آخر م ۸ ل ق ن خ).

پنجم- الزامات ناشی از اعمال ماده ۹ (ل ق ن خ)

تصرف ملک و اجرای طرح قبل از انجام معامله قطعی از طریق اعمال ماده ۸ (ل ق ن خ) امکان پذیر نیست، اما با اعمال ماده ۹ (ل ق ن خ) با رعایت ترتیبات ذیل این امر امکان پذیر

سوم- الزامات ناشی از عدم حصول توافق (طی مراحل تملک به شیوه استثنایی)

۱- تعیین بهای عادلانه به وسیله هیئت سه نفره کارشناسان در صورت اختلاف، بهای عادلانه را هیئتی مرکب از سه نفر کارشناس رسمی دادگستری تعیین می کند. در این میان یک نفر از طرف دستگاه اجرایی، یک نفر از طرف مالک یا صاحب حق و نفر سوم هم به انتخاب طرفین خواهد بود و در صورت عدم توافق در این مورد و یا استنکاف به معرفی دادگاه صالحه محل وقوع ملک انتخاب می شوند. رأی اکثریت هیئت مذکور قطعی و لازم الاجراست.

۲- لزوم ابلاغ کتبی یا نشر آگهی موردی یا عمومی برای تعیین کارشناس به وسیله مالک یا مالکان در فرجه یک ماهه

هر گاه مالک یا مالکان کارشناس خود را حداکثر ظرف یک ماه از تاریخ اعلام دستگاه اجرایی که به یکی از صور ابلاغ کتبی (به طور موردی به مالک یا مالکان) یا انتشار در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار (به صورت موردی به مالک یا مالکان) یا آگهی در محل (به عموم لکن به طور موردی با ذکر مشخصات ملک مورد تقاضای تملک) تعیین نکند و یا به علت موانعی از قبیل مجهول بودن مالک، عدم تکمیل تشریفات ثبتی، عدم صدور سند مالکیت، اختلاف در مالکیت، فوت مالک و جز اینها انتخاب کارشناس میسر نباشد، دادگاه صالحه محل وقوع ملک حداکثر ظرف ۱۵ روز از تاریخ مراجعه دستگاه اجرایی، نسبت به انتخاب کارشناس اقدام می کند (تبصره ۲ ماده ۴ ل ق ن خ و تبصره ۴ ماده واحده ق ن ت).

۳- قاعده تعیین بهای عادلانه بدون در نظر گرفتن تأثیر (منفی) طرح در قیمت

بهای عادلانه از طریق تقویم اراضی و ابنیه و تأسیسات و حقوق و خسارات مشابه واقع در حوزه عملیات طرح بدون در نظر گرفتن تأثیر (منفی) طرح در قیمت آنها تعیین می گردد (ماده ۵ ل ق ن خ). افزایش پانزده (۱۵) درصدی ویژه وقتی است که مالک در محل ساکن است یا ممر اعاشه وی باشد. حقوق زارعان قبل از تأدیه حقوق مالک قابل پرداخت است (تبصره ۱ و ۲ ل ق ن خ).

۴- مهلت یک ماهه برای اعلام نظر هیئت کارشناسی

هیئت کارشناسی مکلف است مطابق مقررات حداکثر ظرف مهلت یک ماه نظر خود را اعلام کند (تبصره ۵ ماده ۵ ل ق ن خ). هیئت مذکور خارج از مهلت مذکور حق ارائه نظر کارشناسی ندارد و در صورت ارائه قانوناً بلااثر است.

چهارم- الزامات ناشی از اعمال ماده ۸ (ل ق ن خ)

تصرف اراضی، ابنیه و تأسیسات و خلع ید مالک قبل از انجام معامله و پرداخت قیمت ملک یا حقوق مالک مجاز نیست، مگر آنکه بر اثر موانعی از قبیل استنکاف مالک از انجام معامله، اختلافات مالکیت، مجهول بودن مالک رهن یا بازداشت ملک، فوت مالک و جز اینها انجام معامله قطعی

است:

۲- عدم خرید و عدم پرداخت حقوق یا خسارات طرف مهلت سه ماه از تاریخ تنظیم توافق.

۱- موافقت وزیر دستگاه اجرایی با فوریت اجرای طرح

در این موافقت بایستی فوریت اجرای طرح با ذکر دلایل موجه به نحوی که عدم تسریع در انجام طرح موجب ضرر و زیان جبران ناپذیر گردد به تصویب وزیر برسد. موافقت بالاترین مقام اجرایی در مواردی که این شخص وزیر نباشد (مثلاً شهردار)، برای اعمال این ماده کفایت قانونی لازم را ندارد (صدر ماده ۹ ل ق ن خ).

۲- لزوم تنظیم صورت مجلس وضع موجود

دستگاه اجرایی مکلف است قبل از تصرف و اجرای طرح نسبت به تنظیم صورت مجلس وضع موجود با حضور مالک یا نماینده وی - و در غیاب او، نماینده دادستان و کارشناس رسمی دادگستری - اقدام کند (قسمت اخیر ماده ۹ ل ق ن خ)، تا این امر بتواند مستند پرداخت تاوان متعلق به مالک یا صاحبان حقوق قرار گیرد.

۳- پرداخت یا تودیع قیمت عادلانه ظرف ۳ ماه از تاریخ تصرف

دستگاه اجرایی مکلف است حداکثر تا ظرف مهلت ۳ ماه از تاریخ تصرف نسبت به پرداخت یا تودیع قیمت عادلانه اقدام کند؛ والا ذی نفع حق دارد توقیف عملیات اجرایی را تا زمان پرداخت بها از محکمه درخواست کند (قسمت اخیر و تبصره ذیل ماده ۹ ل ق ن خ).

ششم - شرط پرداخت نقدی در املاک تصرفی قبل از

تاریخ ۵۸/۱۱/۱۷

در املاکی که قبل از تاریخ تصویب ل ق ن خ به تصرف دستگاه اجرایی در می آید، ملک تنها از طریق پرداخت بهای نقد قابل تملک است و اساساً از طریق تودیع بها در صندوق اداره ثبت قابل تملک نیست.

نتیجه گیری

با توجه به آنچه بیان شد، مهم ترین عللی که موجب عدم اعتبار یا ابطال اقدامات تملکی دستگاه های اجرایی می شود، به شرح زیر احصاشدنی است:

الف - عدم رعایت شرایط عمومی تملک

۱- عدم اعلام نیاز بموقع با تشریفات مندرج در قانون یا اعلام نیاز به صرف اعلام مقادیر مرجعی غیر از بالاترین مقام اجرایی دستگاه اجرایی.

۲- عدم تأمین قبلی اعتبار مورد نیاز برای اجرای طرح و یا تأمین اعتبار به صورت ناکافی.

۳- عدم تأیید لزوم اجرای بموقع طرح به وسیله بالاترین مقام اجرایی یا تأیید لزوم اجرای بموقع طرح به وسیله مرجعی غیر از بالاترین مقام اجرایی دستگاه اجرایی.

۴- عدم ارائه گواهی فقدان اراضی ملی یا دولتی برای اجرای طرح.

ب - عدم رعایت قواعد تملک از طریق توافق

۱- پرداخت بهای خلاف مفاد توافق فی مابین.

ج - عدم رعایت الزامات ناشی از تملک به شیوه استثنایی

۱- عدم ارجاع امر به هیئت کارشناسی.

۲- عدم ابلاغ کتبی یا نشر آگهی موردی یا عمومی در فرجه های قانونی:

۲/۱- عدم رعایت مهلت یک ماهه مورد نظر مقتنن در این باره.

۲/۲- ابلاغ ناصحیح یا نشر آگهی در غیر روزنامه های کثیرالانتشار، یا نشر آگهی عمومی بدون ذکر مشخصات دقیق ملک مورد تقاضا، به نحوی که اطلاع از مفاد آن برای عموم امکان پذیر نباشد.

۲/۳- عدم ابلاغ یا نشر آگهی مجدد یا عدم رعایت مهلت ۱۵ روزه در این باره.

۳- تعیین بهای عادلانه با در نظر گرفتن تأثیر (منفی) طرح در قیمت.

۴- عدم اظهار نظر هیئت کارشناسی در مهلت یک ماهه قانونی تعیین شده.

د - عدم رعایت الزامات ناشی از اعمال ماده ۸ (ل ق ن خ)

۱- عدم ابلاغ کتبی یا نشر آگهی (موردی یا عمومی) خطاب به مالک برای معرفی کارشناس خود و عدم رعایت فرجه یک ماهه.

۲- عدم ابلاغ مجدد کتبی یا نشر آگهی (موردی یا عمومی) و عدم رعایت فرجه ۱۵ روزه.

۳- تودیع بهای ملک در محلی غیر از صندوق اداره ثبت.

۴- تخلیه و خلع ید یا تصرف ملک قبل از تنظیم سند قطعی انتقال.

۵- تخلیه و خلع ید خارج از مهلت یک ماهه پس از تنظیم سند قطعی انتقال.

ه - عدم رعایت الزامات ناشی از اعمال ماده ۹ (ل ق ن خ)

۱- عدم موافقت وزیر دستگاه مربوط به فوریت اجرای طرح و یا عدم ذکر دلایل موجه در موافقت نامه وزیر و یا صرف موافقت بالاترین مقام دستگاه اجرایی.

۲- عدم تنظیم صورت مجلس وضع موجود.

۳- عدم پرداخت یا تودیع قیمت عادلانه ظرف ۳ ماه از تاریخ تصرف.

و - پرداخت بهای املاک تصرفی دستگاه اجرایی قبل از ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ به صورت غیرنقدی (اعم از تودیع بها در صندوق یا شیوه های دیگر).

کرج

در کشمکش مرکز - پیرامون

گفت‌وگو با علی ترکشوند شهردار کرج

محمد سالاری راد

○ شهر کرج که در فاصله نزدیکی با پایتخت قرار دارد، در گذشته جزء بیلاقات شهر تهران محسوب می شد و آنقدر باغ و فضای سبز و آب روان داشت که سران حکومتی برای تفریح و تغییر آب و هوا به اینجا می آمدند. با بزرگ تر شدن تهران، بخشی از بار مهاجرتی پایتخت به دوش کرج افتاد و کسانی که توان مالی کافی برای سکونت در تهران را نداشتند به کرج می آمدند. البته اکنون شرایطی پیش آمده است که خود کرج هم از پذیرش جمعیت سر باز می زند و جمعیت مهاجر را به پیرامون خود و حاشیه ها می کشاند. به این ترتیب، جمعیت موجود شهر کرج و پیرامون آن، ترکیبی از تمام نقاط کشور است و نمونه ای از کل ایران به شمار می آید.

□ گویا جمعیت شهر کرج - یا به تعبیری، کرج بزرگ - از یک میلیون نفر گذشته و کرج به جرگه کلان شهرها پیوسته است. فکر می کنید با این تحول، چه تغییری کیفی باید در کرج روی دهد؟

○ شهر کرج تنها کلان شهری است که مرکز استان نیست. به نظر می رسد اگر برای این شهر عملکردی در حد مرکز استان در نظر گرفته شود، برخی از مشکلات اجتماعی و اقتصادی اش نیز

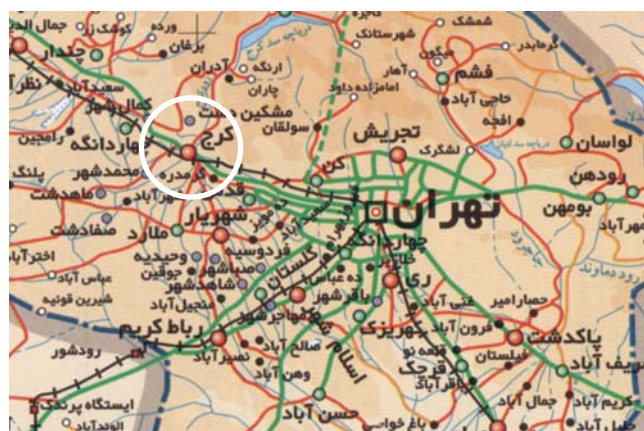
شاید شما هم از ستارگان دوقلو چیزهایی شنیده باشید. اینها از دور و با تلسکوپ های معمولی همچون ستاره ای معمولی به نظر می رسند؛ اما با تلسکوپ های قوی، هر دو ستاره به خوبی مشاهده می شوند. هر دو به گرد یکدیگر می چرخند و البته ستاره کوچک تر دوران بزرگ تری دارد. اگر با ابزار دقیق تر به این دو ستاره بنگریم، جریان سیل آسای موادی را مشاهده می کنیم که از ستاره کوچک تر به ستاره بزرگ تر سرازیرند و گاه ظاهراً برعکس؛ یعنی از ستاره ای به ظاهر بسیار بزرگ به ستاره ای به ظاهر بسیار کوچک. ستاره بسیار کوچک، پیش از آن، ستاره ای بسیار بسیار بزرگ بوده که اکنون در آستانه تبدیل به سیاهچاله فضایی است. آنقدر ماده به خود جذب کرده و بر جرم خود افزوده که در درون خود رمبیده است. آیا حکایت تهران و کرج (و اضافه کنیم سایر اقمار را) همچون ستارگان دوقلوست؟ به نظر می رسد که اگر آن دو را به حال خود رها کنیم، همین گونه باشد. شهر کرج بارها و بارها توان خود را در زمین های مختلف اقتصادی، اجتماعی، علمی، فرهنگی، و هنری انباشت کرده، اما شهر تهران یکایک دستاوردهایش را به نفع خود مصادره کرده است. تهران علاوه بر آن بار مالی و هزینه ای بسیار زیادی بر دوش شهرهایی همچون کرج نمود، می توان تصور کرد که بنا به فرض شهری همچون کرج نبود، می توان تصور کرد که اضافه بار ۱/۵ میلیون نفری آن شهر - و اضافه کنیم جمعیت دیگر شهرهای اقماری را - چه بر سر تهران می آورد.

منظومه های غیرزیستی امکان تصحیح چرخه های معیوب خود را ندارند؛ لیکن این امکان در منظومه های زیستی و از آن بیشتر در منظومه های اجتماعی وجود دارد، که باید از آن استفاده برد.

□ آقای شهردار، به عنوان اولین سؤال، تحلیل شما از شهر کرج، شهری که مسئولیت اداره آن را بر عهده دارید، چیست؟



علی ترکشوند متولد سال ۱۳۴۷ در شهر کرج و فارغ التحصیل رشته راه و ساختمان از دانشگاه آزاد اسلامی کرج است. او فعالیت های خود را با کار در کمیته انقلاب اسلامی آغاز کرده و با ادغام سه نیرو و تشکیل نیروی انتظامی، مدیریت طرح های استان های تهران، قم و قزوین را بر عهده داشته است. عضویت علی البدل هیئت مدیره نظام مهندسی کرج و از سال ۷۹ تا ۸۲ ریاست نظام مهندسی کرج از جمله وظایف وی بوده است. او از سال ۱۳۸۰ به عنوان مدیر امور عمرانی شهرداری و شهردار منطقه ۵ کرج فعالیت کرده و در خرداد ۸۲ با انتخاب اعضای شورای شهر در سمت شهردار کرج مسئولیت پذیرفته است.





تهران چه نظری دارید؟

○ از آنجایی که بخشی از جمعیت موجود شهر کرج در کارگاه‌های تهران به کار اشتغال دارند، شهر کرج توانسته است بخشی از هزینه‌های سکونتی، خدماتی و شهری تهران را بر عهده بگیرد. بنابراین اگر کارگاه‌های تهران درآمد و سودی دارند، به دلیل وجود شهرهایی همچون کرج است که مشکل سکونت کارکنان آنها را حل کرده است.

□ اگر بخواهیم ساختار مالی شهرداری کرج را از نو طراحی کنیم، چه چارچوبی را برای آن در نظر می‌گیرید؟ استخوان بندی اصلی این ساختار چیست؟

○ من معتقدم آن کسانی که از شهر و فضاهای آن استفاده می‌کنند، باید هزینه‌های آن را نیز بپردازند. بخشی از این استفاده کنندگان، شهروندان ساکن در آن شهر هستند اما بخش دیگر کسانی هستند که از وجود این شهر نفع می‌برند. از این دست اند تهرانی‌هایی که از فضاهای طبیعی و سبز کرج استفاده می‌کنند، یا کارخانه‌هایی که کارکنان شان در کرج ساکن اند و یا حتی کارگاه‌هایی که در تهران مستقرند اما کارکنان آنها برای سکونت به کرج می‌آیند. همه آنها، استفاده کنندگان این شهرند. باید در این باره بررسی‌های آماری و اقتصادی دقیقی انجام شود که اگر کارخانه‌ای در محدوده قانونی شهر کرج نبود اما بخش عمده‌ای از کارکنانش در کرج ساکن بودند باید به شهرداری این شهر عوارض بپردازد. ما از این بحث ابایی نداریم که شاید کسانی هم باشند که در کرج کار می‌کنند و در تهران ساکن اند. این مسائل باید از نظر آماری بررسی شوند.

□ عمده منابع مالی شما چیست؟ آیا شما از یک درصد سود صنایع درآمد عمده‌ای دارید؟

○ در شرایط کنونی، درآمد اصلی ما از فروش تراکم و صدور پروانه‌های ساختمانی تأمین می‌شود. بخشی از آن هم جرایم ماده ۱۰۰ است. یک درصد سود صنایع، درآمد عمده‌ای را تشکیل نمی‌دهد، زیرا بسیاری از صنایع پیرامونی شهر کرج در محدوده قانونی این شهر نیستند.

حل شود.

□ شما رابطه میان کرج و تهران را چگونه می‌بینید؟ آیا می‌توان کرج را به نوعی خوابگاه تهران، و تهران را کارگاه کرج تلقی کرد؟

○ به نکته بسیار مهمی اشاره کردید که من هم آن را قبول دارم. بسیاری از مشکلات، کمبودها و نقایصی که در شهر کرج وجود دارد، ناشی از همجواری با تهران است.

□ بنابراین بیشتر بر این مسئله تأکید کنیم و به بررسی وجوه مختلف آن بپردازیم. از نظر شما، وجود تهران در مجاورت کرج چه بار مالی مدیریتی و اجرایی عمده‌ای را بردوش شهرداری کرج می‌گذارد؟

○ از مثال‌های ساده شروع کنیم. هر هفته روزهای پنجشنبه و جمعه، گروه بسیار زیادی از مردم شهر تهران برای تفریح به کرج، جاده چالوس و شمال کشور می‌آیند. چه آنهایی که در کرج و اطراف آن اقامت می‌کنند و چه آنهایی که از این شهر رد می‌شوند، پشت سر خود حجم عظیمی از زباله را به جای می‌گذارند. بدیهی است که شهر هفت میلیونی تهران نیازمند فضاهای گذران اوقات فراغت زیادی است و به دلیل نداشتن چنین فضاهایی - یا بهتر بگوییم، سرمایه گذاری نکردن برای تولید این فضاها - فشار خود را بر فضاهای حاضر و آماده طبیعی پیرامون خود و از جمله کرج می‌اندازد. شهرداری کرج گویا وظیفه طبیعی‌اش این است که چنین فضاهایی را برای تهران آماده کند و نگهداری و بازسازی و نظافت آنها را بر عهده داشته باشد. البته ناگفته پیداست که بخشی از این فشارها بر دوش بخش‌داری‌ها و دهرداری‌ها می‌افتد و آنها به دلیل نداشتن توان مالی و اجرایی روز به روز شاهد ویرانی و نابسامانی محیط زیست خود هستند. تاکنون در این باره بحث و تبادل نظر جدی صورت نگرفته است و من مایل هستم که حد و مرز این هزینه‌ها و بار مالی مشخص شود و دست کم تعیین گردد که از کدام محل باید منابع مالی این هزینه‌ها تأمین شود.

□ اینها از جمله اقلام آشکار هزینه‌ای شهر تهران برای کرج هستند. درباره رابطه خوابگاهی - کارگاهی کرج و

□ سهم سود صنایع چقدر است؟

○ با توجه به بودجه مصوب شهرداری و سازمان های وابسته اش که حدود ۱۳۵ میلیارد تومان در سال است، بعید می دانم که درآمد ناشی از صنایع حتی ۲-۳ میلیارد تومان آن را پوشش بدهد.

□ از مباحث اقتصادی و مالی که بگذریم، وجود شهر تهران در مجاورت کرج چه مشکلات اجتماعی و فرهنگی را برای کرج ایجاد کرده است؟

○ همان طور که گفتم، کرج شهر مهاجرپذیری است که از نقاط مختلف کشور نمونه هایی را در خود پذیرفته است. این مجموعه، ترکیب اجتماعی عجیبی را ایجاد کرده که نخستین



آینهای بولوار آیت الله ملاحقی - ابتدای گروه دور

اتفاقاً بخشی از بحران هویت آن در همین ساختار کالبدی اش نهفته است. در این باره چه نظری دارید و چه راه حلی؟

○ همه شهرهای بزرگ ایران و دنیا دارای عناصر هویت دهنده هستند. مثلاً مشهد مقدس به دلیل حرم امام رضا (ع)، اصفهان به دلیل بناهای تاریخی اش، تهران به دلیل پایتخت بودنش و یا شهرهای دنیا همچون پاریس با خیابان شانزلیزه، برج ایفل و موزه لوور. به این ترتیب ساکنان آن شهرها با این نمادها هویت می یابند و افرادی که به آن شهرها می روند خواه و ناخواه برای اثبات حضورشان در آن شهرها، حتماً به آثار نمادین آنها مراجعه می کنند. کرج فاقد این نمادهاست لیکن استعدادها و عناصری دارد که از آن استفاده نشده است، مثل جاده چالوس و سد کرج. به این منظور کوشش می کنیم که با استفاده از این استعدادها، کرج را هویت مستقل از تهران ببخشیم. از این دست است ایجاد تالاری بزرگ با حدود ۲۰۰۰ نفر تماشاگر که بزرگ ترین اتفاقات هنری و همایش های علمی در آن رخ خواهد داد. طبیعت و دامنه های کوهپایه ای کرج نیز از جمله این استعدادها هستند. به این منظور ایجاد پارک های بزرگ طبیعی و تفریحی را، که هم برای ساکنان کرج و هم شهروندان تهرانی و دیگر شهرها جذاب است، در دستور ساخت داریم که بخشی از آنها احداث شده است.

□ اشاره کردید که وجود جاده چالوس و امکان عبور مسافران از کرج به سمت شمال از جمله استعدادهای هویت دهنده این شهر است. در این باره باید بگوییم که اتفاقی همچون احداث بزرگراه تهران - شمال در راه است. به نظر شما آیا با احداث این بزرگراه میزان عبور و مرور از شهر کرج کم نمی شود؟ آیا با کم شدن این ترافیک ضرری به اهداف شهر نمی خورد؟

○ اتفاقاً بهتر می شود؛ زیرا با کاهش بار ترافیکی، جاذبه اصلی این جاده بهتر نمایان می گردد. ازدحام، کیفیت زیست محیطی و تفریحی این جاده را به شدت به خطر انداخته است. بخشی از تخریب هایی که به باغ ها و فضای سبز جاده چالوس و رودخانه کرج وارد شده ناشی از همین تردد است. به این ترتیب با کاهش بار ترافیکی، طبیعت در این مسیر نفسی تازه می کند و آن کسانی که فقط به قصد استفاده از طبیعت به این نقطه می آیند، لذت و رضایت بیشتری را کسب می کنند. به نظر من بخشی از اقدامات جداسازی بار مالی و هزینه ای شهر تهران از کرج، همین جداسازی و استقلال مسیرهاست.

□ آیا تأثیر زلزله اخیر و بسته شدن جاده چالوس را در شرایطی که گفتید، مشاهده کردید؟ آیا از این فرصت برای بررسی و مطالعه استقلال کرج از تهران استفاده بردید؟

○ بله، این تأثیر را مشاهده کردیم؛ از جمله اینکه برخی از مغازه داران، رستوران ها و کافه ها زبان هایی را به این علت متحمل شده اند و به علاوه، چند مدتی است که ترافیک فوق العاده زیاد ناشی از جاده چالوس در شهر مشاهده نمی شود.

□ از اینکه در این مصاحبه شرکت کردید، متشکریم.

عارضه آن، نبود هویت مشخص برای آن است. گرچه کرج دارای تاریخ و سابقه ای است، اما این گذشته هیچ گونه هویتی برای ساکنان کنونی آن که چیزی از سکونت شان نمی گذرد، ایجاد نمی کند. ما در پی این هستیم که بتوانیم شاخصه ها و نمادهایی را برای کرج تعریف کنیم تا به محورهای هویت دهنده تبدیل شوند. کرج دارای استعدادها و توان هایی است که بتواند هویتی مستقل از تهران داشته باشد. مثلاً همزمان با تأسیس دانشگاه تهران، مدرسه عالی فلاح در کرج تأسیس شد که اکنون به نام دانشکده کشاورزی مشهور است. بزرگ ترین قطب صنعتی کشور در کنار این شهر است. بزرگ ترین مؤسسه تولید سرم و تحقیقات پزشکی در این شهر است و به این فهرست باز هم می توان افزود.

□ از نظر کالبدی، به نظر می رسد شهر کرج دارای مشکلاتی باشد؛ از جمله آنکه شهری است بسیار پراکنده و

هیئت‌های حل اختلاف در دو قانون

کاوه تیموری

کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

عادی یا سهوی مجازات در پی ندارد»^(۲).

در بعضی از کشورها قدرت برخورد با عملکرد غیرقانونی شوراها می‌تواند تبعات جدی‌تری داشته باشد. در فرانسه چنانچه ناکارآمدی شورا احراز گردد، دولت مرکزی می‌تواند به انحلال آن مبادرت ورزد. برای مثال در طی سال‌های ۱۹۷۷ تا ۱۹۹۳ تعداد ۱۳۷ شورای شهر منحل شده‌اند که ۱۰۶ مورد آنها مربوط به شهرهای با جمعیت کمتر از ۱۵۰۰ نفر بوده‌اند و یک مورد نیز شورای منطقه‌ای بوده است.^(۳) همان‌گونه که تأکید شد، در این کشور انحلال شورا به سختی اتفاق می‌افتد، آن هم در صورتی که ناکارآمدی آن طبق قوانین و مقررات احراز شده باشد.^(۴) در پاکستان نیز تصمیم انحلال شوراها با دولت است.

در الگوهای پیشرفته حکومت‌های محلی، قانونگذار برای خروج از وظایف قانونی شورا تا مرحله انحلال را نیز پیش‌بینی کرده است و موضوع مشارکت مردم در این نهادها امری نیست که نظارت و دقتی بر آن نباشد. بر این اساس دقت و مراقبت لازم در خصوص عملکرد شوراهای اسلامی که تجربه تازه‌ای را آغاز کرده‌اند امری ضروری به نظر می‌رسد. با این زمینه، در ادامه به بررسی ساختار هیئت‌های حل اختلاف و رسیدگی به شکایات در ایران پرداخته می‌شود.

عملکرد هیئت مرکزی حل اختلاف

در قانون ۷۵/۳/۱ شوراهای اسلامی هیئت‌های حل اختلاف در دو سطح استانی و مرکزی تشکیل شدند و در دوره‌های چهارساله پرونده‌های ارجاع شده را مورد بررسی قرار دادند. فعالیت‌های هیئت مرکزی در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

لازم به ذکر است که در نهایت انحلال شوراها به ۲ مورد کاهش یافت؛ اما در عین حال یکی از مهم‌ترین حکم‌های هیئت مرکزی حل

جدول ۱- فعالیت‌های عمده هیئت مرکزی حل اختلاف در دوره اول (۸۲-۱۳۷۸)

عنوان فعالیت	تعداد
تعداد نشست‌ها	۲۸ نشست
تأیید سلب عضویت اعضای شورا	۲۴ مورد
تأیید نظر هیئت استان در خصوص لغو مصوبه	۷۶ مورد
تأیید مصوبه شورا	۱۳ مورد
رد سلب عضویت	۱۴ مورد
عدم تأیید انحلال شورا	۲ مورد
انحلال شورا	۴ مورد

فعالیت شوراهای اسلامی شهر و روستا و گستردگی عملکرد این شوراها همواره با چالش‌ها و مسائل متعددی همراه بوده که بروز شکایات و انتقادات به این نهاد مدنی را در پی داشته است. این شکایات دارای صورت‌بندی‌های مختلفی است. مردم، مقامات اجرایی ذی‌ربط، فرمانداری‌ها و اعضای شوراها نسبت به عملکرد غیرقانونی شوراها یا خروج از وظایف آنها شکایت و اعتراض داشته‌اند.

قانونگذار نیز با توجه به بروز چنین مشکلاتی میان نهاد شورا و سایر نهاد‌های اجرایی و مردم، هیئت‌هایی را با عنوان «هیئت حل اختلاف و رسیدگی به شکایات» در قانون پیش‌بینی کرده و وظیفه رسیدگی به شکایات مبنی بر انحراف شوراها از وظایف قانونی را به عهده آنها گذاشته است.

بر اساس قانون ۷۵/۳/۱ شوراهای اسلامی، هیئت حل اختلاف استان و هیئت حل اختلاف مرکزی تشکیل گردید و در دوره اول فعالیت شوراها (۱۳۸۲-۱۳۷۸)، با توجه به نداشتن تجربه جمعی و حل نشدن تضادهای داخلی و همچنین وجود مصوباتی خارج از وظایف قانونی در شوراها، پرونده‌هایی در این هیئت‌ها مورد رسیدگی قرار گرفت. نتیجه فعالیت هیئت‌های حل اختلاف و هیئت مرکزی به سلب عضویت برخی از اعضا، ابطال برخی مصوبات و در نهایت انحلال دو شورای شهر بود. پیامد انحلال دو شورای بروجد و تهران توجه کارشناسان حقوقی و سیاسی را برانگیخت و نقدهای متفاوتی به قانون شورا در این زمینه وارد شد که در نهایت منجر به تدوین قانون جدید شوراها در ۸۲/۷/۶ گردید. آنچه در ادامه می‌آید، مقایسه دو قانون شوراهای اسلامی نسبت به وظایف و حدود اختیارات این هیئت‌های حل اختلاف است.

پیش از اشاره به ساختار هیئت‌های حل اختلاف در ایران، نگاهی گذرا به عملکرد این گونه هیئت‌ها در سایر کشورها ضروری می‌نماید.

شیوه رسیدگی و حل اختلاف میان شوراها و سایر نهاد‌های مدنی در کشورهای دیگر

دقت در عملکرد حکومت‌های محلی و شوراها امری است که در الگوهای شناخته شده بین‌المللی جایگاه ویژه‌ای دارد. در عین حال مکانیسم جلوگیری از اقدامات خلاف قانون شوراها در هر کشوری در برگیرنده ویژگی‌های آن جامعه است.

به عنوان مثال در استرالیا «مقام حل اختلاف شوراها یا تخلفات قانونی آنها دادگاه قانون اساسی است»^(۱).

در کشوری مانند دانمارک سهل‌انگاری اعضای حکومت‌های محلی در انجام وظایف مستوجب جریمه است، به طوری که «یک عضو هیئت امنای شهر (شورای شهر) که به طور مستند در انجام وظیفه خود سهل‌انگاری کند، جریمه نقدی می‌شود. البته ندانم‌کاری

اختلاف، انحلال بزرگ‌ترین شورای کشور - یعنی شورای اسلامی شهر تهران - بود و در حقیقت توان و سطح اختیار این هیئت را نمایان ساخت. بر اساس همین جدول ۲۴ مورد سلب عضویت در سطح شهرها صورت گرفت. گفتنی است سلب عضویت از اعضای شورای روستا در سطح اختیارات هیئت استانی حل اختلاف است و از آمار ذکر شده جداست.

ساختار هیئت‌های حل اختلاف در قانون ۱۳۷۵

هیئت حل اختلاف مرکزی در قانون ۱۳۷۵/۳/۱ متشکل از یکی از معاونان ریاست جمهور، معاون سیاسی اجتماعی وزارت کشور، یکی از معاونان قوه قضائیه، یکی از معاونان دادستان و سه نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی بود. در استان‌ها نیز علاوه بر استاندار و رئیس دادگستری، ۲ نفر به انتخاب هیئت مرکزی و ۱ نفر از اعضای شورای مرکز استان و متناسب با موضوع، و ۱ نفر از اعضای شورای پرجمعیت‌ترین شهر استان حضور داشتند. بی آنکه این نوشتار قصد تحلیل حقوقی داشته باشد، در ادامه برخی از دیدگاه‌هایی که در مورد هیئت‌های مذکور - به ویژه در مورد هیئت مرکزی حل اختلاف - مطرح بود، درج می‌گردد:

- داشتن ماهیت حکومتی هیئت‌ها، به طوری که بجز ۳ نفر نمایندگان مجلس که منتخب مردم‌اند، سایر اعضای هیئت مرکزی همه از حاکمیت‌اند. در استان‌ها نیز هیئت‌های استانی فقط یک عضو منتخب مردم دارند.

- عدم همسویی و نبود ماهیت یکسان بین نهاد ناظر یا هیئت حل اختلاف، با نهاد تحت نظارت یعنی شوراهای اسلامی.
- اختیارات فوق العاده هیئت‌ها، به طوری که آنها با انجام جلسات اداری می‌توانند به سلب عضویت اعضای شورا و یا انحلال شورا اقدام کنند و این امر به نهادی شدن شوراها و ثبات و استمرار آنها به عنوان نهاد مدنی لطمه وارد می‌کند.
- تمرکز بیش از حد در هیئت مرکزی، به طوری که عمده اختیارات در آن متمرکز شده است و هیئت‌های استانی در این خصوص فاقد ابتکار عملی متناسب با شرایطی محیطی و بومی بودند.

موارد جزئی دیگری را نیز می‌توان به آنچه ذکر گردید افزود، که از آنها صرف نظر می‌شود. جمع بندی موارد پیش گفته حول این محور اساسی صورت می‌پذیرد که دورکن اصلی یا دو کارکرد ویژه شوراها - یعنی نظارت و تصمیم‌گیری - در سایه وجود هیئت‌های حل اختلاف می‌تواند رنگ ببازد و نهال نوپای شوراها را متزلزل سازد و پیامد این بی‌ثباتی آن باشد که گستردگی و نفوذ و فراگیری شوراها به عنوان نهاد بزرگ مدنی عملاً امکان تحقق نیابد.

حال این پرسش مطرح می‌شود که در اصلاحیه قانون شوراها در مورخ ۸۲/۷/۶ شرایط هیئت‌های حل اختلاف به چه شکل درآمد و تغییرات عمده آن در چه مواردی بود.

ساختار هیئت‌ها بر اساس قانون اصلاحیه ۸۲/۷/۶ شوراها

قانون اصلاحیه شوراها مصوب مجلس شورای اسلامی مورخ ۸۲/۷/۶ مواد مرتبط با فصل ترتیب رسیدگی تخلفات را در مجموع دگرگون ساخت و تنها ماده ۸۱ آن بدون هیچ افزود و کاستی ثابت ماند.

در این فصل مواد ۷۹، ۸۰ و ۸۲ اصلاح شده‌اند. همچنین ماده ۲ تحت عنوان مکرر ۱ و مکرر ۲ به ماده ۸۲ افزوده شده و در مجموع سه مورد اصلاح گردیده و ۲ مورد افزایش ماده مکرر به عمل آمده است. در بند ۱ ماده ۴۴ قانون اصلاحیه جدید چنین آمده است:

«هیئت مرکزی... با عضویت یکی از معاونین رئیس جمهور، معاون ذی ربط وزارت کشور، رئیس یا یکی از معاونین دیوان عدالت اداری، یکی از معاونین دادستان کل کشور، دو نفر از نمایندگان مجلس و سه نفر از اعضای شورای عالی استان‌ها جهت رسیدگی به شکایات از شورای استان و شورای عالی استان‌ها و شورای شهر تهران تشکیل می‌شود.»

در مقایسه با ترکیب قبلی، ملاحظه می‌شود که تعداد از ۷ نفر به ۹ نفر افزایش یافته و با حذف معاون قوه قضائیه، رئیس یا معاون دیوان عدالت اداری به ترکیب هیئت افزوده شده است. ورود رئیس یا معاون دیوان عدالت اداری از این منظر درخور تأمل است که صدور احکام هیئت مرکزی قطعیت بیشتری بیابد و در دیوان عدالت اداری نقض نگردد، زیرا تجربه در دوره قبلی نشان داد که برخی از احکام هیئت مرکزی در دیوان عدالت اداری شکسته شد. همچنین مهم‌ترین تغییر در ترکیب هیئت مرکزی، حضور ۵ عضو انتخابی است که رأی مردم را به عنوان پشتوانه در انجام فعالیت خود دارند و شامل ۲ نماینده مجلس و ۳ نماینده از اعضای شورای عالی استان‌هاست.

در نگاه اول مهم‌ترین شاخصه ترکیب ذکر شده غلبه و وجه انتخابی آن (۵ نفر) بر وجه انتصابی آن (۴ نفر) است که اهمیت فراوان دارد و

قانون اصلاحیه، اختیارات هیئت حل اختلاف استان را توسعه داده است؛ زیرا در قانون قبلی هیئت حل اختلاف استان صرفاً اختیار سلب عضویت از اعضای شورای روستا را داشت اما در شرایط فعلی سلب عضویت از اعضای شورای روستا، شهر و شهرستان از اختیارات هیئت حل اختلاف استان است

پاسخگوی بسیاری از نقد و نظرهاست.

در هیئت‌های حل اختلاف استانی نیز که ترکیب آن شامل استاندار، رئیس دادگستری، دو نفر از اعضای شورای استان و یک نماینده مجلس است، این نکته در نظر گرفته شده است. به همین سان عضویت دو نماینده از شورای شهرستان در هیئت حل اختلاف شهرستان در کنار فرماندار و رئیس دادگستری، انتخابی بودن اعضا را نشان می‌دهد.

بر اساس قانون اصلاحیه سال ۸۲ علاوه بر تغییرات در ترکیب اعضا، هیئت‌های حل اختلاف در سطوح شهرستان نیز تعریف شد و تمرکززدایی در این هیئت‌ها مورد توجه قرار گرفت و این امکان فراهم گردید که حل و فصل مصوبات شوراها تا سطح روستاها در شهرستان‌های مربوط انجام گیرد.

لازم به ذکر است که در قانون قبلی تشکیل هیئت حل اختلاف در

جدول ۲- سطوح، ترکیب و تعداد اعضای هیئت های حل اختلاف

تعداد	ترکیب	سطوح هیئت حل اختلاف
۹	معاون رئیس جمهور، معاون دادستان، رئیس یا معاون دیوان عدالت اداری، معاون ذی ربط وزیر کشور، ۲ نماینده مجلس و ۳ نفر از اعضای شورای عالی استان ها	هیئت مرکزی حل اختلاف
۵	استاندار، رئیس دادگستری شهرستان، ۲ نفر از اعضای شورای استان و یکی از نمایندگان استان در مجلس شورای اسلامی	هیئت حل اختلاف استان
۵	فرماندار رئیس دادگستری شهرستان و ۲ نفر از اعضای شورای شهرستان و یک نفر منتخب هیئت حل اختلاف استان	هیئت حل اختلاف شهرستان

حل اختلاف شهرستان منوط به تأیید هیئت حل اختلاف استان و مرکزی بود؛ اما در قانون فعلی این هیئت ها در سطح تمام شهرستان ها تشکیل می گردد. در جدول ۲ سطوح، ترکیب و تعداد اعضای هیئت های حل اختلاف آمده است. به این ترتیب پیش بینی می شود که ۱ هیئت مرکزی، ۲۸ هیئت استانی و ۳۰۶ هیئت شهرستانی حل اختلاف با اختیارات قید شده در قانون، امور داوری، حل اختلاف و رسیدگی به شکایات شوراهای اسلامی شهر و روستا را به پیش ببرند.

سطح شهرستان منوط به تأیید هیئت حل اختلاف استان و مرکزی بود؛ اما در قانون فعلی این هیئت ها در سطح تمام شهرستان ها تشکیل می گردد.

در جدول ۲ سطوح، ترکیب و تعداد اعضای هیئت های حل اختلاف آمده است.

به این ترتیب پیش بینی می شود که ۱ هیئت مرکزی، ۲۸ هیئت استانی و ۳۰۶ هیئت شهرستانی حل اختلاف با اختیارات قید شده در قانون، امور داوری، حل اختلاف و رسیدگی به شکایات شوراهای اسلامی شهر و روستا را به پیش ببرند.

اختیارات هیئت حل اختلاف استان

این اختیارات موارد زیر را در بر می گیرد:

- ۱- تأیید یا ابطال مصوبات شورای اسلامی شهر یا شهرستان به پیشنهاد فرماندار یا شورای استان.
- ۲- سلب عضویت از اعضای شورای شهر یا شهرستان به پیشنهاد شورای استان یا استاندار.
- ۳- انحلال شورای روستا، به پیشنهاد فرماندار.
- ۴- پیشنهاد به هیئت مرکزی حل اختلاف برای انحلال شورای شهر.

اختیارات هیئت مرکزی حل اختلاف

اختیارات هیئت مرکزی حل اختلاف در برگزیده مواردی از این دست است:

- ۱- انحلال شورای شهر به پیشنهاد فرماندار یا هیئت حل اختلاف استان.
- ۲- تأیید یا ابطال مصوبات شورای استان بر اساس اعتراض استاندار، مسئولان دستگاه های اجرایی ذی ربط و شورای عالی استان ها.
- ۳- سلب عضویت از اعضای شورای استان به پیشنهاد شورای عالی استان ها یا استاندار.
- ۴- تأیید یا ابطال مصوبات شورای عالی استان ها بر اساس اعتراض وزیر کشور یا عالی ترین مقامات دستگاه های ذی ربط.
- ۵- سلب عضویت از اعضای شورای عالی استان ها به پیشنهاد وزیر کشور.
- ۶- تأیید یا ابطال مصوبات شورای شهر تهران بر اساس اعتراض فرماندار یا شورای استان.
- ۷- سلب عضویت از اعضای شورای شهر تهران به پیشنهاد شورای استان یا استاندار.
- ۸- انحلال شورای شهر تهران بر اساس پیشنهاد فرماندار به هیئت

اختیارات هیئت های حل اختلاف بر اساس اصلاحیه سال ۸۲ همان گونه که اشاره شد، هیئت های حل اختلاف دارای ۳ وظیفه مشخص اند و در خصوص این سه وظیفه می توانند رای لازم را صادر کنند. این سه وظیفه رد یا تأیید مصوبات، سلب عضویت اعضای شورا و انحلال شورا است که متناسب با اختیارات هیئت در سطوح سه گانه انجام می شود.

در مجموع و در بررسی اولیه مشخص می گردد که قانون اصلاحیه توسعه اختیارات هیئت های استانی را در پی داشته است، به طوری که در مورد رد یا تأیید مصوبات در قانون قبلی لازم بود که مصوبات هیئت حل اختلاف استان به تأیید هیئت مرکزی برسد. در این قانون این مرحله حذف شده است و کلیه مصوبات شورا در صورت اعتراض فرماندار یا شورای استان در هیئت حل اختلاف استان بررسی و رسیدگی می شود و رأی هیئت استان نافذ است. در مورد سلب عضویت از اعضای شوراهای اسلامی روستا و شهر و شهرستان نیز هیئت حل اختلاف استان دارای اختیار است و نیازی به تأیید هیئت مرکزی حل اختلاف نیست.

در این خصوص نیز قانون اصلاحیه، اختیارات هیئت حل اختلاف استان را توسعه داده است؛ زیرا در قانون قبلی هیئت حل اختلاف استان صرفاً اختیار سلب عضویت از اعضای شورای روستا را داشت اما در شرایط فعلی سلب عضویت از اعضای شورای روستا، شهر و شهرستان از اختیارات هیئت حل اختلاف استان است. حال در ادامه، اختیارات سطوح سه گانه هیئت های حل اختلاف درج می گردد.

اختیارات هیئت حل اختلاف شهرستان

اختیارات هیئت حل اختلاف شهرستان، همانا تأیید یا ابطال مصوبات شوراهای اسلامی روستا یا بخش است. به این ترتیب، هیئت

حل اختلاف استان و یا به هیئت مرکزی حل اختلاف.

لازم به ذکر است که در مورد انحلال شورای استان به طور مشخص بند یا ماده‌ای ذکر نشده است؛ اما با استنباط از بند ۲ ماده ۸۲ چنین به نظر می‌رسد که انحلال شورای اسلامی استان با پیشنهاد شورای عالی استان یا استاندار خواهد بود و مرجع رسیدگی به آن هیئت مرکزی حل اختلاف است. نکته شایان توجه این است که امر مهم انحلال شوراها در تمام سطوح - بجز در مورد شورای روستا - با نظر هیئت مرکزی حل اختلاف است.

نکات مهم در قانون اصلاحیه ۱۳۸۲/۷/۶

قانون جدید در مورد تأیید یا

ابطال مصوبات و سلب عضویت

اعضای شورا به صورت

غیر متمرکز عمل کرده، به طوری

که اعضا متناسب با مقتضیات

بومی و منطقه‌ای اختیارات توزیع

شده‌اند

هیئت استان به هیئت مرکزی انجام می‌شود. اگر چنین روندی برای شورای تهران عملی گردد، در واقع پیشنهاد به هیئت حل اختلاف استان ارجاع می‌شود. در صورتی که مرجع رسیدگی کننده اعتراضات به مصوبات شورای شهر تهران هیئت مرکزی حل اختلاف است و رد یا تأیید مصوباتی که با اعتراض فرمانداری مواجه می‌شود در نهایت در هیئت حل اختلاف مرکزی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

البته در این مورد می‌توان برداشت دیگری داشت و آن این است که بر اساس بند ۱ ماده ۷۹ و تخصیص مسائل شورای تهران به هیئت مرکزی موارد شهر تهران، موضوع انحلال به طور مستقیم به این هیئت مربوط می‌شود. در عین حال موضوع مرجع پیشنهاد دهنده انحلال شورای شهر تهران نیز مطرح است، که آیا این امر به عهده فرماندار است یا مقامات استان - از جمله استاندار - نیز در آن نقش خواهند داشت یا خیر. با جمع بندی و مطالعه قانون می‌توان این نظر را اختیار کرد که این امر با پیشنهاد کتبی فرماندار به هیئت حل اختلاف استان و ارجاع آن به هیئت مرکزی انجام شدنی است.

در هر حال رفع این ابهامات و شفاف کردن آنها از مهم ترین مواردی است که در آیین نامه اجرایی و یا اصلاح مجدد قانون می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.

جمع بندی

بی تردید کارایی قانون مرتبط با هیئت های حل اختلاف نیازمند اجرا و آزمون این قانون در صحنه های اجرایی و مواجهه با موضوعات شوراها ی اسلامی است.

اما با نگاه کلی می‌توان نتیجه گرفت که هیئت مرکزی حل اختلاف از ماهیت حکومتی به حالت انتخابی درآمده است و توزیع اختیارات استانی موجب غیر متمرکز شدن جریان اجرایی کار می‌شود.

همسو بودن و هم ماهیت بودن نهادهای نظارتی وجه مثبت و مورد انتظار تحلیلگران حقوقی است که در این قانون تا حد زیادی تحقق یافته است.

آوردن قید «موقت» برای سلب عضویت اعضا نیز از نکات مهمی است که مورد توجه قانونگذار بوده و انعطاف لازم در آن در نظر گرفته شده است.

بر این امر مهم نیز باید تأکید کرد که نکات عمده ای از اجرای این قانون در فراز و فرود فعالیت شوراها ی اسلامی احصا شدنی خواهد بود. خلاصه آنکه با کامل شدن زنجیره نظام شورایی و تشکیل شوراها ی فرادست افق فعالیت شوراها ی اسلامی دارای چشم انداز متنوع تری خواهد بود.

۱- در قانون جدید نهادهای ناظر و تحت نظارت دارای هم ذاتی و هم جنسی اند و شوراها ی فرادست کارکرد نظارتی و وظیفه دیده بانی را عهده دار شده اند و جایگاه شان نیز در سلسله مراتب منطقی دیده شده است.

۲- قانون جدید در مورد تأیید یا ابطال مصوبات و سلب عضویت اعضای شورا به صورت غیر متمرکز عمل کرده، به طوری که اعضا متناسب با مقتضیات بومی و منطقه ای اختیارات توزیع شده اند.

۳- با توجه به مقوله ثبات و نهادینه شدن شوراها و همچنین اهمیت شوراها ی شهر، انحلال آنها از اختیارات نهایی هیئت مرکزی حل اختلاف، و انحلال شوراها ی روستا از اختیارات هیئت حل اختلاف استان است. به همین دلیل در مورد شوراها ی پایه (روستا و شهر) متناسب با جایگاه آن حساسیت لازم اعمال شده است.

۴- در مورد انحلال احتمالی شوراها ی فرادست شامل بخش، شهرستان، شورای استان و شورای عالی استان، موارد قانونی مشخصی در نظر گرفته نشده؛ اما در ماده ۸۱ با آوردن عبارت «در باره سایر شورا» حکم کلی داده شده است. آنچه که استنباط می‌شود این است که برای انحلال شورای بخش و شهر و شهرستان پیشنهاد کتبی فرماندار به هیئت حل اختلاف استان ارسال می‌گردد و در مرحله بعد با بررسی این پیشنهاد در هیئت حل اختلاف استان، موضوع انحلال شوراها ی مورد اشاره به هیئت مرکزی ارائه می‌شود. بدین ترتیب در واقع مرجع رسیدگی و تصمیم گیری نهایی هیئت مرکزی حل اختلاف خواهد بود.

۵- در مورد انحلال شورای استان به مرجع پیشنهاد دهنده اشاره ای نشده است؛ اما همان گونه که ذکر شد، با استنباط از بند ۲ ماده ۸۲ در صورت وجود چنین موردی تنها مرجع رسیدگی هیئت مرکزی حل اختلاف خواهد بود.

۶- یکی از ابهاماتی که در مورد انحلال شوراها وجود دارد موضوع انحلال شورای شهر تهران است. طبق قانون انحلال شورای شهر با پیشنهاد و نامه کتبی فرماندار به هیئت حل اختلاف استان و پیشنهاد

پانویس:

۱- کریمی ۹۶:۸۱

۲- همان ۲۰۲:۸۱

۳- همان ۲۲۳:۸۱

۴- همان ۲۰۷:۸۱

منابع:

۱- قانون شوراها ی اسلامی، مصوب ۷۵/۲/۱ مجلس شورای اسلامی.

۲- قانون اصلاحیه شوراها ی اسلامی، مصوب ۸۲/۷/۶ مجلس شورای اسلامی.

۳- دفتر هماهنگی و پیگیری امور شوراها (تنظیم مروج چارشی)، نگاهی به عملکرد هیئت مرکزی حل اختلاف در دوره اول فعالیت شوراها ی اسلامی شهر، ۱۳۸۲.

۴- کریمی، وهاب، الگوهای شناخته شده حکومت های محلی، همایش شوراها ی اسلامی، ۱۳۸۱، تهران.

۵- تیموری، کلاه، «چشم انداز هیئت های حل اختلاف و رسیدگی به شکایات شوراها»، ماهنامه شورا و مشارکت، شماره ۲، آذر ۱۳۸۲.

تحلیلی بر ساختار برزن‌های شهرداری تهران (قسمت پانزدهم)

حسن شفیعی

دکتر در علوم سیاسی

و بی نظمی و ناامنی‌ها دوچندان شده بودند. دستگاه دولت در وضعیتی نابسامان و ضعیف قرار داشت. فعالیت‌های اقتصادی در شهرها کاهش عمده یافته و سرمایه‌گذاری‌های دولت به حد ناچیزی تقلیل پیدا کرده بود. سرمایه‌گذاری خصوصی مخاطره آمیز و نامطمئن بود و احتکار و سرمایه‌گذاری در دارایی‌های بادوام مانند مستغلات شهری افزایش بسیار یافته بود.

در اوایل فروردین ۱۳۲۰ (ششم فروردین ماه ۱۳۲۰) سازمان جدیدی در شهرداری تهران تأسیس گردید. مطابق این سازمان شهرداری تهران حوزه عملیات خود را نسبت به تمام وظایف و اختیارات قانونی که داشت به چهار برزن در شهر و یک برزن در شمیران تقسیم کرده بود. هر یک از این برزن‌ها دارای دایره‌ها و شعبه‌های کامل از قبیل تیمارگاه (بهداری شهرداری)، دایره فنی، دایره برق و روشنایی، دایره نظامات شهری و دایره درآمد بودند. تیمارگاه برزن در تمام ساعات شبانه روز برای پذیرایی و معالجه بیماران و مجروحان با استفاده از پزشکان نوبتی دایره بود. دایره فنی برزن به اصلاح گذرها و مجاری آب و صدور پروانه‌های ساختمانی می‌پرداخت. دایره برق و روشنایی برزن در تمام ساعات شبانه روزی حوائج روشنایی ساکنان را برطرف می‌کرد. دایره نظامات شهری عمل رفت و روب و دفع زباله و آبیاری و درختکاری و صدور پروانه پیشه‌وری را انجام می‌داد. دایره درآمد برزن، مالیات و عوارض و همچنین درآمد برق ساکنان آن برزن را وصول و قبض صادر می‌کرد.

قانون بلدیة سال ۱۳۰۹ نقطه عطفی در محلی‌زدایی از نهادهای محلی و قرارداد آن در امتداد سیاست‌های کلان دولت بود

حدود هر برزن تقریباً یک چهارم کل مساحت شهر تهران را در برمی‌گرفت و هر برزن دارای یک اداره مرکزی بود. ساکنان هر یک از برزن‌ها می‌توانستند برای انجام امور اداری مربوط به شهرداری - از قبیل صدور پروانه ساختمان، پروانه پیشه‌وری، احتیاجات برق، پرداخت عوارض و نظایر اینها - به همان برزن مراجعه کنند. این تقسیم‌بندی از جهاتی دارای نکات مثبت بود، که یکی از نکات مثبت تراکم زدایی از شهرداری مرکزی تهران بود.

همان‌طور که در شماره قبل ذکر شد، محوریت رابطه دولت و انجمن‌های شهر در واپسین روزهای سقوط رضاشاه را باید در چارچوب «بحران دموکراسی»، «بن بست پارلماناریسم»، «آغاز کشمکش‌های اجتماعی» و «پایان سیاست‌های مهار دولتی» بررسی کرد. قانون بلدیة سال ۱۳۰۹ نقطه عطفی در محلی‌زدایی از نهادهای محلی و قرارداد آن در امتداد سیاست‌های کلان دولت بود. سیاست‌های کلان دولت، بر نوسازی شبه فاشیستی از بالا استوار شده بود. نوسازی از بالا با هدف قرارگرفتن ایران در مدار نظام اقتصادی جهان بود. این روند نوسازی در واقع ایران را در مسیر ادغام قرار می‌داد و ادغام در نظام جهانی نیازمند پیش‌زمینه‌ها و ظرفیت‌سازی لازم بود. یکی از این پیش‌زمینه‌ها نوسازی شهری به مثابه یکی از شاخص‌های نوشدن جامعه ایرانی بود. چنین روندی که متولی دولتی آن بلدیة و انجمن‌های بلدی در دوره رضاشاه و پس از آن شهرداری و انجمن‌های شهر در دوران پس از رضاشاه بودند، با ویژگی‌های تاریخی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی ایران اصلاً سازگاری نداشت. همان‌طور که کاتوزیان به درستی خاطر نشان می‌سازد: «... نمونه روشن اصلاحات بوروکراتیک و ویرانگری دیوانه‌وار بودجه‌ای بود که صرف نوسازی و زیباسازی پایتخت و سایر شهرها و شهرستان‌ها شد. البته چنین اصلاحات و بازسازی‌هایی به شدت مورد نیاز بود: ساختن خیابان‌های عریض‌تر، آسفالت یا سنگفرش کردن معابر، اعمال مقررات راهنمایی و رانندگی و جز اینها. اما نحوه انجام این اصلاحات سطحی، بی‌قاعده و نامنظم و به راستی ویرانگر بود. دیوارها و دروازه‌های کهن شهر تهران همچون نمادهای شرم آور عقب ماندگی تخریب گردیدند و در ساختن خیابان‌های جدید یا توسعه و تعریض خیابان‌های قدیم همه ساختمان‌هایی را که در مسیر قرار می‌گرفتند - خانه‌های مسکونی، یادبودها و بناهای تاریخی و جز اینها - صرفاً برای اینکه خیابان مستقیم باشد، خراب می‌کردند. بدین ترتیب این ویرانگران - که چهره اصلی آن سرتیپ کریم آقا بوذرجمهری شهردار بیسواد تهران بود - با زندگی جامعه و بناهای تاریخی آن هر چه می‌خواستند کردند»^(۱).

سال ۱۳۲۰ نقطه عطفی در تاریخ سیاسی - اجتماعی ایران به شمار می‌آید. در سوم شهریور ماه همین سال، دولت ایران به دلیل محاسبات استراتژیکی بین المللی و زوال داخلی سیاسی به اشغال نیروهای متفقین درآمد. در دوران اشغال، عدم ثبات و تضادها

نتیجه این تراکم زدایی سهولت، سرعت و دقت در انجام وظایف شهرداری بود؛ هر چند که تمرکز زدایی مورد انتظار به هیچ وجه صورت نگرفت و شهرداری نه نماینده علایق مردم بلکه متولی اجرای سیاست های دولت مرکزی بود.

در شرایط آغازین اشغال ایران، توأم با افزایش گرانی، احتکار و کمبود مواد غذایی، شهرداری در واقع به نوعی به ستاد کنترل و تنظیم بازار تبدیل گردیده بود. در هفته اول اشغال وضعیت بسیار

نمونه روشن اصلاحات

بوروکراتیک و ویرانگری

دیوانه وار بودجه ای بود که صرف

نوسازی و زیباسازی پایتخت و

سایر شهرها و شهرستان ها شد.

البته چنین اصلاحات و

بازسازی هایی به شدت مورد نیاز

بود: ساختن خیابان های

عریض تر، آسفالت یا سنگفرش

کردن معابر، اعمال مقررات

راهنمایی و رانندگی و جز اینها، اما

نحوه انجام این اصلاحات

سطحی، بی قاعده و نامنظم و به

راستی ویرانگر بود

روزنامه اطلاعات چنین آمده است «... اکنون که زبان قلم باز شده، می خواهیم نقایص شهرداری را گوشزد نمایم... شهرداری دارای سازمان پابرجایی نبوده و همه روزه به میل و اراده رئیس وقت تغییر و تعدیل می یافت. امروز شعبه اداره می شد و فردا اداره شعبه!... این عدم ثبات سبب می گردید که هر یک از کارمندان با هر وسیله که ممکن باشد اطاعت کورکورانه خود را نسبت به رئیس کل به درجه ثبوت رسانند... آن کس جلب نظر رئیس را کرده بود چنان به خود می بالید که احدی را یارای چون و چرا در برابر اراده اش نبود»^(۴).

حجم زیادی از شکوایه ها و اعتراض های مردمی در طی این ماه ها علیه شهرداری مشاهده می شد. عمده موضوعات مربوط به روشنایی خیابان ها، آسفالت، گرانی خواربار، گوشت و مانند اینها بود. یکی از انتقادات جالب توجه همان نویسنده گمنام (گوشه نشین)، نسبت به برزن های شهرداری بود که به لحاظ اهمیت بخش های عمده ای از آن در اینجا نقل می گردد: «... تقلید بی مطالعه در هر موردی ناپسند است؛ به ویژه درباره امور عامه و مصالح جمعیت. اگر شهر پاریس به بیست و چند برزن تقسیم شده و هر یک از آنها دارای سازمانی به نام «مری» یا به اصطلاح خودمان برزن هستند که امور شهر را اداره می کنند... ما نباید بدون تطبیق همان گونه سازمان ها را ایجاد و از روی عدم تناسب با درآمد و حتی احتیاج واقعی برای هر یک بودجه ای که شاید از بودجه کل چند سال پیش شهرداری بیشتر باشد تنظیم و نقاطی را که اجاره آنها کاملاً از حد اعتدال خارج و می توان گفت کمر شکن است گرفته و به انواع و اقسام اثاثیه آراسته و خرسند باشیم... باید از اختیارات برزن کاسته شود؛ از جمله مداخله برزن در بیشتر امور رسته ها موقوف و استخدام

شهرداری نه نماینده علایق مردم

بلکه متولی اجرای سیاست های

دولت مرکزی بود

و انفعال رفتگر یا اجزای دیگر از حدود صلاحیت آن به کلی خارج و به ویژه حسابداری و گرفتن بعضی عوارض و قیمت برق... وظیفه برزن عبارت باشد از تنظیم به تمام معنی - اجرای بلامعرض دستورهای بهداری، آبیاری مرتب و مرمت نهرها و کوچه ها و خیابان ها - مراقبت در عدم فروش اجناس فاسد و مواظبت کامل در نظم روشنایی»^(۵).

واکنش های دفعتی و بدون منطقی که در منظومه اصلاحات شبه مدرنیستی از بالا واقع شده بود، دقیقاً در سطوح پایین تر از جمله شهرداری هم مشهود بود. در سطح نظام اجتماعی نیز هیجانات و عواطف بر انتقادات حاکم بود. چنین تلاقی در عرصه های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اداری حکایت از بن بست بی امانی داشت که بر روابط دولت و انجمن های شهری در ایران سایه انداخته بود. در شماره بعد به ادامه منطقی این روند پرداخته خواهد شد.

پانویس:

۱- کاتوزیان، محمد علی (همایون)، اقتصاد سیاسی ایران، ترجمه محمد رضا نفیسی و کامبیز عزیز، تهران، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۲، ص ۱۵۵.

۲- روزنامه اطلاعات، ۹ شهریور ۱۳۲۰.

۳- کاتوزیان، پیشین ص ۱۸۸.

۴- روزنامه اطلاعات، ۵ مهرماه ۱۳۲۰.

۵- روزنامه اطلاعات، ۱۱ مهر ۱۳۲۰.

اسفجاری بر حیات ایرانیان حاکم بود. شهرداری تهران طی آگهی نهم شهریور ماه ۱۳۲۰ خاطر نشان ساخته بود که: «از این تاریخ برای رفاه اهالی و حصول گشایش در خواربار تهران به عموم ساکنین شهر از خانه دار یا نانوا آزادی داده می شود که بدون هیچ گونه تشریفات و یا پرداخت ما به التفاوت گندم و آرد مصرف شخصی یا دکان خود را از خارج وارد نموده و مصرف نمایند. بدیهی است دکان های نانوائی نسبت به آنچه از خارج می آید مقید به رعایت نرخ رسمی خواهند بود. دکان های خشکه پزی و نان شیرمال پزی در مقام استفاده از آزادی که داده شده می توانند آرد مصرف دکان خود را وارد [کنند] و به بهایی که خریدار طالب است آزادانه به فروش برسانند»^(۶).

چنین اقدامی از سوی شهرداری تأثیر چندانی در کنترل قیمت ها و مبارزه با احتکار نداشت. متفقین به مواد غذایی، توتون، مواد خام و جز اینها برای مصارف نیروهای خود در ایران و سایر نقاط نیاز داشتند. از این رو دولت ایران را عملاً وادار می ساختند تا این منابع اقتصادی را در اختیارشان قرار دهد. علاوه بر این ارزش پول ایران ۱۰۰ درصد کاهش یافت. در نتیجه کمیابی شدید کالا و گرسنگی و قحطی در شهرها افزایش یافت. صف های طولانی برای خرید یک قرص نان نامرغوب (مخلوطی از گندم، جو و خاک اره) هنوز در خاطره بسیاری زنده است^(۷). در این فضای مملو از کمیابی به دلیل ضعف دولت مرکزی، فضایی برای عقده گشایی ها مهیا شده بود؛ عقده هایی که عمدتاً از دوره گذشته به ارث رسیده بودند. در این میان برخی انتقادات نیز متوجه اقدامات و عملکردهای شهرداری بود. در یادداشت نویسنده ای گمنام با نام مستعار «گوشه نشین» در

شهرداری و وظایف فرهنگی

محمود برآبادی

کارشناس ارشد برنامه ریزی شهری و منطقه‌ای

مردم به مرور زمان آنها را انتخاب و حفظ کرده‌اند. رشد کمی این نهادها برگستره کاربران آنها نیز تأثیر می‌گذارد، چندان که اینها علاوه بر حفظ عناصر فرهنگی و میراث گذشتگان، پی‌ریز شناخت و آموزش عناصر اجتماعی و علمی به شهرنشینان نیز هستند.

وظایف فرهنگی شهرداری‌ها در قانون

بند ۶ ماده ۵۵ قانون شهرداری مصوب ۱۳۳۴، این گونه به وظایف فرهنگی شهرداری‌ها پرداخته است:

«در اجرای تبصره یک ماده ۸ قانون تعلیمات اجباری، شهرداری‌ها مکلف‌اند در حدود قوانین مربوط در تهیه وسایل ساختمان مدارس و توسعه معارف طبق آیین نامه مخصوص با وزارت فرهنگ (آموزش و پرورش) تشریک مساعی کنند.»

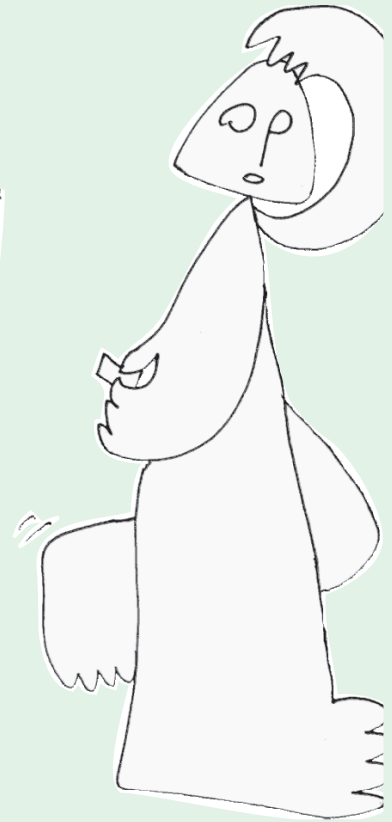
به علاوه، «تأسیس مؤسسات فرهنگی و بهداشتی و تعاونی مانند بنگاه حمایت مادران و نوانخانه و پرورشگاه و درمانگاه و شیرخوارگاه و تیمارستان و کتابخانه و کلاس‌های مبارزه با بیسوادی و کودکستان و باغ کودک‌کان و امثال آن در حدود اعتبارات مصوب و همچنین کمک به این قبیل مؤسسات و مساعدت مالی به انجمن تربیت بدنی و پیشاهنگی و کمک به انجمن‌های خانه و مدرسه و اردوی کار» از جمله وظایف شهرداری شمرده می‌شود.

شهرداری در این قبیل موارد و همچنین در مورد موزه‌ها و خانه‌های فرهنگی و زندان با تصویب انجمن شهر از اراضی و ابنیه متعلق به خود با حفظ مالکیت، به رایگان و یا با شرایط معین به منظور ساختمان و استفاده، در اختیار مؤسسات مربوط خواهد گذاشت.

همان گونه که مشخص است، وظایفی که در این ماده برای شهرداری‌ها پیش بینی شده، بسیار بیشتر از آن مقداری است که اکنون بر عهده آنهاست و در ثانی وظایف اجتماعی و فرهنگی از یکدیگر تفکیک نشده است.

بر طبق ماده ۱ قانون تأسیس کتابخانه‌های عمومی در شهرها مصوب ۱۳۴۴، شهرداری‌ها مکلف‌اند هر سال قبل از تقسیم اعتبارات شهرداری یک و نیم درصد از کل درآمد خود را به تأسیس کتابخانه‌های عمومی و قرائتخانه و خرید کتاب و اداره کتابخانه هر شهر اختصاص دهند و اگر کتابخانه عمومی شهر در زمان حاضر موجود باشد، صرف یک و نیم درصد مذکور با رعایت مفاد این قانون برای کمک و توسعه و تکمیل همان کتابخانه مجاز است.

قانون تشکیل شوراهای اسلامی کشوری نیز در ماده یک هدف از تشکیل شوراها را پیشبرد برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم بیان کرده است.



مقدمه

ممکن است این سؤال پیش بیاید که چرا شهرداری‌ها با وجود این همه مشغله و انبوه وظایفی که بر عهده دارند - که حتی از انجام بسیاری از آنها ناتوان‌اند - باید به فعالیت‌های فرهنگی بپردازند. پاسخ به این پرسش موضوع این شماره «الفبای شهر» است و امیدواریم بتوانیم پاسخ قانع‌کننده‌ای به این پرسش بجا پیدا کنیم.

در عصر حاضر مسائل شهری و آنچه به اجتماع و جامعه انسانی مربوط می‌شود، جز از دریچه فرهنگی تبیین شدنی نیست. در چنین شرایطی حرکت بر بستری فرهنگی، برنامه‌های خدماتی و اجتماعی را قرین توفیق خواهد کرد. این باور نیز وجود دارد که امروزه شهرداری‌ها در همه کشورهای جهان برای فراهم ساختن شرایط زیست فرهنگی مردم بی‌وقفه تلاش می‌کنند.

ساختن زمینه‌ای که در آن بسترسازی فرهنگی فراهم گردد، روش تازه‌ای در اداره امور شهرهاست، که در آن اصلاح و تغییر رفتار اجتماعی شهروندان هدف نهایی خواهد بود. از این راه می‌توان شهر را آسان‌تر و ارزان‌تر اداره کرد.

به عنوان مثال در صورتی که بتوان مردم را از طریق برنامه‌های فرهنگی و آموزشی تشویق به مصرف درست، تولید زباله کمتر، تفکیک زباله در خانه و رعایت اصول بهداشتی تحویل زباله کرد، صرفه جویی بسیار بزرگی در هزینه‌های شهر رخ خواهد داد.

این مثال به همراه نمونه‌های بسیار دیگر انگیزه شهرداری‌ها را از ورود به حوزه فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی در شهر نشان می‌دهد. مراکز فرهنگی نقش مهم و اساسی در اعتلای شهرنشینان دارند و علاوه بر آنکه مکان‌هایی برای گذران اوقات فراغت شهروندان محسوب می‌شوند، رسالت مهم آموزش همگانی مردم را نیز عهده‌دار هستند. مراکز فرهنگی بخشی از عناصر فرهنگ جامعه قلمداد می‌شوند که

وظایف فرهنگی شهرداری‌ها در دیگر کشورها

خدمات فرهنگی و هنری جزو وظایف شهرداری‌ها در اغلب کشورهای جهان است و در این میان شهرداری‌ها در کشورهای توسعه یافته سهم بیشتری را پذیرفته‌اند.

● آلمان

خدمات در زمینه اداره تئاترها، ارکسترها و موزه‌ها در زمره وظایف شهرداری‌های شهرهای آلمان قرار دارد. در زمان حاضر از ۸۷ شهر بزرگ کشور، در ۵۲ شهر تئاتر شهرداری، در ۱۲ شهر اپرا و در تعداد زیادی نیز ارکستر وجود دارد. انواع مختلف موزه‌های متعلق به شهرداری نیز به شکل وسیعی فعالیت می‌کنند. ایجاد کتابخانه‌ها، احداث ساختمان برای آنها، تأمین پرسنل مورد نیاز، تهیه و خرید کتاب و انجام امور مالی کتابخانه‌ها از جمله وظایف شهرداری‌هاست.

هم اینک شهرداری‌های آلمان وظایفی چون ساخت، تعمیر و نگهداری مدرسه‌ها و هنرستان‌ها را تقبل کرده‌اند و افزون بر آن انتخاب محل احداث فضاهای آموزشی از نظر تراکم جمعیت را بر عهده دارند. تأمین وسایل آموزشی و نگهداری این گونه بناها را نیز شهرداری‌ها انجام می‌دهند. در مقابل تعیین سیاست آموزشی، استخدام کادر آموزشی و نحوه آموزش بر عهده حکومت مرکزی است.

شهرداری‌ها می‌توانند به تنهایی و یا با کمک سایر ادارات محلی نسبت به تأسیس کلاس‌های آموزشی برای بزرگسالان اقدام کنند.

● بریتانیا

در بریتانیا، تأمین بهداشت محیط، خدمات تفریحی، تعلیم و تربیت، خدمات اجتماعی و سایر خدمات فرهنگی جزو وظایف شهرداری‌هاست.

● استرالیا

شهرداری‌ها در استرالیا در زمینه خدمات فرهنگی و پرکردن اوقات فراغت، خدمات اجتماعی و رفاهی فعالیت‌های گسترده‌ای را بر عهده دارند.

● فرانسه

ترویج فعالیت‌های فرهنگی، رسیدگی به امور مدرسه‌ها، برنامه‌ریزی برای اوقات فراغت و سرگرمی‌های جوانان، اداره کتابخانه‌ها، فرهنگسراها، موزه‌ها، سینما و تئاترها، رسیدگی به امور بناهای تاریخی، اداره انجمن توسعه و حفظ و نگهداری میراث فرهنگی، رسیدگی به امور مربوط به تبادل‌های فرهنگی، رسیدگی به امور موسیقی، تأسیس خانه شعر، تأسیس خانه هنر و نظایر آن از جمله فعالیت‌های شهرداری‌های فرانسه به شمار می‌آید.

● هلند

امور فرهنگی و تفریحات از جمله برپایی نمایشگاه‌ها، موزه‌ها، تئاترها و کنسرت‌ها، آرشیو تاریخی شهر، کتابخانه‌ها، امور جوانان، ورزش و تفریحات سالم، امور جشنواره‌ها، ارکستر سمفونیک، آرشیو نوار و فیلم، باغ وحش، آموزش و پرورش و ارائه مشاوره به شهروندان در زمره فعالیت‌های شهرداری‌های هلند قرار دارند.

● ژاپن

شهرداری‌ها در شهرهای ژاپن مسئولیت دبیرستان‌ها، دبستان‌ها و کودکستان‌ها را بر عهده دارند و تأسیس و کنترل نهادهای آموزش عالی بر عهده دولت ملی است. از دیگر فعالیت‌های شهرداری‌ها در

این کشور آموزش و پرورش اجتماعی است. منظور از این آموزش، آشنا کردن عموم مردم با فعالیت‌های فرهنگی است که امکان فراگیری‌شان اغلب در مدرسه‌های معمولی وجود ندارد. نقش شهرداری‌ها در این زمینه ترغیب شهروندان و کمک به آنان در فراگیری از راه ایجاد شرایط لازم و تأمین محیط مطلوب آموزشی است.

شهرداری‌ها امور مربوط به عملکرد سیستم آموزش اجتماعی را طبق اهدافی که تعیین شده است فراهم می‌کنند. تسهیلاتی از قبیل کتابخانه‌های عمومی، سالن‌های آموزش‌های اجتماعی، خانه جوانان، سالن‌های نمایش و نظایر اینها با فعالیت در امور فرهنگی پیوند تنگاتنگ دارند.

در ایران نیز از دهه هفتاد در مدیریت شهرداری‌ها به تدریج نگرش جدید به حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی پدید آمد و همانند همه پدیده‌های شهری ابتدا جلوه‌های بروز و ظهور آن از شهر تهران آغاز شد. در آغاز به دلیل کم‌کاری مفرط در طول سالیان گذشته و نداشتن برنامه‌ریزی منسجم، پراکنده کاری‌ها و اقدامات غیرهدفمندی صورت گرفت؛ اما از سال ۱۳۷۱ که معاونت اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران به وجود آمد، شش سرفصل اساسی همسو با برنامه پنج‌ساله دوم توسعه اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی کشور در دستور کار قرار گرفت که محورهای اصلی آن عبارت بودند از:

اول- توسعه فرهنگی و گسترش امکانات فرهنگی؛

دوم- امور اجتماعی و تبلیغ و توسعه فرهنگ شهرنشینی؛

سوم- توسعه امکانات و فضاهای آموزشی؛

چهارم- توسعه امکانات و ترویج ورزش همگانی؛

پنجم- تبلیغ و ترویج مفاهیم مربوط به سالم‌سازی و بهسازی محیط زیست شهری؛ و

ششم- کمک به اقشار آسیب‌پذیر جامعه از راه اجرای طرح‌های

ویژه.

بر مبنای این محورها توجه به امر آموزش‌های عمومی برای ارتقای فرهنگ شهرنشینی، کمک به توسعه فضاهای فرهنگی، هنری، آموزشی، ورزشی و گردشگری، احداث مجموعه‌های فرهنگی، خانه‌های فرهنگ و فرهنگسراها، کتابخانه‌های عمومی و تخصصی، مراکز ویژه بانوان، نگارخانه‌ها، موزه‌ها و بناهای تاریخی و نمادین و همچنین گسترش سیستم‌های اطلاع‌رسانی خدمات شهری و ترویج فعالیت‌های فرهنگی در برنامه‌ریزی‌ها مورد توجه قرار گرفت. شهرداری‌های شهرستان‌ها نیز که الگوی اقدامات خود را همواره از تهران می‌گیرند، به این نوع فعالیت‌ها توجه کردند.

یادآوری این نکته ضروری است که «فرهنگ شهری» کارکردها، نیازها و ابزارهای خاص خود را می‌طلبد و این فرهنگ مجموعه‌ای از ارزش‌ها، هنجارها، نهادها، فضاها، تجهیزات و مقرراتی است که در شکل‌گیری فعالیت‌ها، روابط و رفتار متقابل مردم در محیط شهری و در نتیجه توسعه فرهنگی کشور و دستیابی به جامعه مدنی نقش اصلی را ایفا می‌کند.

منابع:

- ۱- حاجتی اشرفی، غلامرضا (تدوین): مجموعه قوانین و مقررات شهرداری، انتشارات گنج دانش، تهران ۱۳۶۳.
- ۲- سعیدی رضوانی، نوید، و غلامرضا کلطمیان، امکان‌سنجی و اقدامات و وظایف جدید به شهرداری‌ها، جلد اول، انتشارات سازمان شهرداری‌ها، تهران، ۱۳۸۰.
- ۳- طرح‌های محوری، تهران ۸۰/ شهرداری تهران، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، اسفند ۱۳۷۵.

لیدز به سوی شهری فرهنگی

ترجمه و تلخیص: شهرزاد فرزین پاک
کارشناس ارشد شهرسازی

مقدمه

دپارتمان فرهنگ، رسانه و ورزش در سال ۱۹۹۹ دستورالعملی را به مقامات محلی ارائه کرد که این چنین آغاز می شد: «فرهنگ دارای دو بُعد مادی و ارزشی است، و طیف وسیعی از فعالیت ها شامل هنرها، رسانه، ورزش، پارک ها، موزه ها، کتابخانه ها، میراث ساخته شده، حومه شهر، زمین های بازی و گردشگری را در برمی گیرد». گفتنی است که بسیاری از این حیطه ها بر منافع تراسه شهری لیدز^(۱) تأثیر گذار است. ابتکارات مهم اخیر مسئولان شهری لیدز و حکومت مرکزی، و ماهیت اضطراری برخی موضوعات تأثیر گذار بر امکانات فرهنگی در لیدز، شرایط را برای مرور اولویت های فرهنگی شهر مساعد ساخته است. آنچه در ادامه می آید، خلاصه ای است از موضوعات مرتبط، که اساس برنامه ریزی برای شهر فرهنگی را تشکیل می دهد.

زمینه محلی و منطقه ای

در ماه مه ۱۹۹۹، شورای شهر لیدز پیش نویس «راهبردهای جامع هنرها و میراث» را فراهم کرد تا تلاش ها را به منظور «جایگزینی سیاست های پراکنده و اغلب غیر مرتبط که جمعاً راهبرد هنری شهر را شکل داده اند» هماهنگ کند. با آنکه تلاش های گسترده ای برای مشاوره با گروه های ذی نفع صورت پذیرفته است، لیکن مشاوره ها ناهمگون اند. از طریق سازوکار ابداعی لیدز، شورای شهر لیدز، خانه نمایش یورکشایر غربی، دانشگاه متروپلیتن، تراسه شهری شهر لیدز و دسته ای از سازمان های هنری، مشارکت در امور هنری شهر لیدز را در مه ۲۰۰۰ آغاز کردند. این گروه لیدز همایش های بسیاری دارد و بر شبکه ای برای هنرها در همه اشکال در لیدز تأکید می کند. یکی از نقش های اصلی این گروه کمک به بازنگری و ایجاد راهبردی فرهنگی برای شهر لیدز است.

زمینه محلی متأثر از سیاست حکومت مرکزی

همزمان، فرصت های جدیدی نیز که می توانند با تأمین مالی ابتکارات فرهنگی در سطح محلی کمک کنند، ظاهر شده اند. باززنده سازی شهری و نوسازی محله ها در راهبرد فرهنگی درخور توجه اند. در آزمون پروژه های موفق باززنده سازی، همایش سیاست حکومتی بر هنرها و ورزش و فعالیت های فرهنگی و تفریحی تأکید داشت. فعالیت های پیش گفته می توانند به نوسازی محله ها کمک کنند و تحولی را در بهداشت، کاهش جرایم، اشتغال و آموزش در جوامع فقیر به وجود آورند.



انگلیس - لیدز - تلاش شهر

این منافع را افرادی که در برنامه های باززنده سازی شرکت داشته اند، همواره نادیده گرفته اند. برای پروژه های فرهنگی مردمی، تأمین مالی از طریق سرمایه گذاری در نوسازی محله ها، فرصتی جدی به شمار می آید.

هدف لیدز

در زمان حاضر، لیدز بر طیف وسیعی از فعالیت های فرهنگی حرفه ای و غیر حرفه ای متمرکز شده است. راهبرد فرهنگی بایستی با تأکید بر موفقیت های موجود و با هدف ارتقای کیفیت زندگی در شهر باشد. همزمان لازم است فرهنگ با مفهومی فراگیر در دسترس همگان قرار گیرد. سیاست شورای شهر، سرمایه گذاری در رویدادهای رایگان موفق چون ضرباهنگ های شهر، میهمانی واپرا در پارک است که بارها علاقه مردم شهر را به فرهنگ نشان داده است. لیدز دارای سیاست معماری غنی و طیف وسیعی از امکانات مختلف است. با این همه به نظر می رسد که شهر در پروژه های مهمی همانند آنچه در منچستر و سلفورد، بیرمنگام و تین ساید اجرا شد، نادیده انگاشته شده است. ممکن است لیدز، مرکز طبیعی غرب و شمال یورکشایر باشد، اما در طول زمان عرق شهری، امکانات را به سوی مکان هایی چون بردفورد، هادرزفیلد، هالیفکس، ویک فیلد و یورک سوق داده است و در نتیجه در زمان حاضر کانون های متعددی برای فعالیت فرهنگی وجود دارد.

ابعاد فرهنگ

فرهنگ موضوعی فراگیر است اما برای اندیشیدن به آن می توان از تعریفی که در ابتدای متن آمده بهره گرفت.

هنرها

لیدز با توجه به توان های خود قادر است برنامه ای متشکل از فعالیت های گوناگون، مطابق با سلیقه های متفاوت داشته باشد. راهبردی فرهنگی می تواند در دیدگاه های تأکید شده بر موضوعات اصلی همانند موسیقی، نمایش و هنرهای تجسمی و عمومی کمک کند.

موسیقی: لیدز برای موسیقی اش و تنوع اجراهای موجود شهرت دارد. از کنسرت های کلاسیک تا اپرای شمال، شرکت های باله و باشگاه های موسیقی در این شهر زبانزد است. با این همه به امکانات قدیمی این شهر همانند تالار شهر و تئاتر بزرگ آن رسیدگی نمی شود. بهبود شرایط این مکان ها از جمله مواردی است که همواره بر آن تأکید شده است.

نمایش: خانه نمایش یورکشایر غربی در سطح ملی به دلیل کیفیت نمایش ها و برنامه های کمکی آن مورد تقدیر قرار گرفته است. به همین

ترتیب برنامه‌ریزی و حمایت مالی از سایر سالن‌های نمایش از جمله تئاتر بزرگ بایستی مد نظر قرار گیرد.

هنرهای تجسمی: در این شهر توان بالقوه زیادی برای استفاده از محل‌های برگزاری مراسم همانند گالری هنری شهر و مرکز هنری مور وجود دارد که می‌تواند برای برانگیختن علایق مردم نسبت به هنرهای تجسمی مورد بهره‌برداری قرار بگیرد.

آبنماها و مجسمه‌ها: لیدز تاریخچه تندیس سازی غنی‌ای دارد و بسیاری بر این باورند که این هنر در قرن حاضر بایستی تداوم یابد. لازم است طرحی برای حفظ و نگهداری و یا تغییر مکان این تندیس‌ها صورت پذیرد تا اینها در معرض دید عموم قرار بگیرند. در عین حال آبنماهای عمومی شهر عملکردی ضعیف دارند و نیاز است تا تقویت شوند.

فیلم: هنر سینما در لیدز چندان غنی نیست. پیش از این مطرح شده بود که لیدز میزبان تئاتر فیلم باشد اما این امر تحقق نیافت. به هر حال لازم است چنین امکانی مجدداً مورد بررسی قرار گیرد.

ورزش: گرچه باشگاه‌های سلامتی و اوقات فراغت خصوصی افرادی را که استطاعت مالی استفاده از آنها داشته باشند جذب می‌کنند، اما دسترسی عموم به امکانات ورزشی و تفریحی ممکن است با کاهش تعداد کاربران در معرض خطر قرار گیرد. از آنجا که اکثر خانوارهای توانمند که به طور سنتی عمده کاربران امکانات ورزشی را تشکیل می‌دادند دیگر به امکانات عمومی احتیاجی ندارند، ممکن است حفظ مشارکت پایدار در این زمینه دشوار باشد. به هر حال پرسش این است که چگونه می‌توان این امکانات عمومی را حفظ کرد و ارتقا بخشید.

پارک‌ها، فضاهای باز و میدان‌ها

لیدز چند پارک خوب در مقیاس منطقه‌ای و محلی دارد اما بیشترشان به دلایل گوناگون نیمه ویران شده‌اند. گرچه هنوز چشم‌اندازهایی از جنگل‌های شیب دار در لبه مرکز شهر به چشم می‌خورند اما این گونه مناظر در میان ساختمان‌های بلندتر و مترکم‌تر در خیابان‌های تجاری و مرکز خرید، از بین رفته‌اند. همچنین اگر چه ایجاد میدان هزاره و میدان شهر مورد استقبال قرار گرفته‌اما به نظر می‌رسد چشم‌انداز مرکز شهر در سال‌های اخیر گسسته شده است. این موارد ممکن است در نتیجه فقدان رویکردی راهبردی یا فقدان سرمایه‌گذاری پایدار باشد که به هر صورت نیازمند بررسی است.

موزه‌ها

در کنار پیشنهاد برای موزه جدید لیدز، که اخیراً مورد بحث قرار گرفته، زمان آن رسیده است که با نگاهی جدید به خدمات موزه‌های کل شهر نگریده شود. همچنین لازم است راهبردی برای مکان‌یابی آینده آنها به ویژه در ساختمان‌های تاریخی شهر اندیشیده شود.

کتابخانه‌ها

در صورتی که کتابخانه‌ها بتوانند با سایر خدمات شورا درآمیزند، می‌توانند قلب تپنده اجتماع محسوب شوند. این موضوع را می‌توان از طریق افزایش ساعت کار و دسترسی به اینترنت تا حدی تحقق بخشید. همچنین با توجه به کتاب‌ها و متون موجود در کتابخانه‌ها، از آنها می‌توان به عنوان مراکز تبادل اطلاعات و کانون‌های فعالیت جوانان بهره‌برداری کرد.

حومه‌های شهری

لیدز نواحی حومه‌ای جذاب و خارق‌العاده‌ای دارد و می‌بایست سیاست‌هایی برای ایجاد دسترسی مناسب - اعم از مسیرهای دوچرخه، پیاده و نظایر آنها - اتخاذ گردد. گسترش اتوبوس‌های کم‌هزینه در کلیه

پانوشت:

I-Leeds Civic Trust

منبع:

www.leeds-civic-trust.org



نواحی محلی به منظور تسهیل دسترسی به همه بخش‌های شهر از عملکردهای با ارزش در این زمینه است.

بازی کودکان

نگرانی از ترافیک و دیگر خطرها، والدین را برای دادن آزادی به فرزندان خود بی‌میل می‌کند؛ حال آنکه آزادی در شکل‌گیری شخصیت اجتماعی و فردی آنها بسیار با ارزش است. بنابراین فراهم آوردن فضای بازی امن برای کودکان یا فرصت فعالیت مشابهی در نزدیکی منزل که آنان را از تلویزیون و کامپیوتر دور کند، دارای اهمیت است.

گردشگری

لیدز میلیون‌ها بازدیدکننده را به مغازه‌ها، سرگرمی‌ها و بنگاه‌های تجاری خود جذب می‌کند. این افراد بجز آنهایی هستند که برای دیدار دوستان و بستگان به شهر می‌آیند و وجود آنها کمک بارز نشی به اقتصاد محلی می‌کند. برای استقبال از این موضوع می‌بایست تلاش‌های بسیاری برای ایجاد شهری جذاب و خوانا صورت بگیرد تا به درک ساکنان و گردشگران از تاریخ شهر کمک کند. طراحی شهری خوب، در تعریف محیط ساخته شده و جذب سرمایه‌های جدید و گردشگران بیشتر مؤثر است.

فرصت‌هایی برای رشد فرهنگی در لیدز

این بخش موضوعاتی را خاص شهر لیدز مطرح می‌کند که توسعه فرهنگی می‌تواند در بستر آن رخ دهد. این موضوعات انتخابی جامع نیستند اما در گذشته اعضای تراسست شهری لیدز این موضوعات را به بحث گذاشته‌اند.

حدود یک دهه است که پس از ساخت سالن‌های کنسرت جدید در چند شهر از جمله منچستر، بیرمنگام و سلفورد، مسئولان شهری به فکر ساخت سالنی جدید افتاده‌اند. در ماه‌های اخیر، شورای شهر لیدز به بهبود وضعیت تالار شهر پرداخته و معتقد است که این تالار می‌تواند خلأ سالن کنسرت را پر کند.

برنامه‌ها و عملکردهای تئاتر بزرگ شهر دارای استانداردهای بالایی هستند اما امکانات مربوط به تماشاچیان و افراد پشت صحنه بسیار ضعیف است. در عین حال فضای موجود، فرصتی را برای پروژه بهبود بخشی به دست می‌دهد که اجرای آن از طرح‌های مورد نظر است. پارک‌ها و فضاهای بازی شهری نیز به تقویت نیاز دارند. در مرکز شهر لیدز فضاهای سبز چندانی وجود ندارند و میدان‌های شهری نیز معمولاً فضای تفریحی شهر سبز اروپایی را تأمین نمی‌کنند. طراحی شهری با مکان‌یابی پارک‌ها و فضاهای تفریحی می‌تواند شهر لیدز را هر چه جذاب‌تر سازد.

به همین ترتیب ساخت موزه ای جدید در مکانی مناسب، فراهم آوردن امکانات برای کتابخانه مرکزی شهر، تأمین امکانات ورزشی عمومی و برگزاری فستیوال‌ها و جشن‌های در مقیاس شهری از دیگر مواردی است که بایستی در دستور کار مسئولان شهری قرار گیرد.

مدیریت منطقه‌ای امور فرهنگی

ترجمه و تلخیص: مینو موسوی
کارشناس ارشد زبان فرانسه

متحول سازند و فرایندهای تحولی جدید در محله‌های شهر شکل گیرند.

حلقه‌های ارتباطی جدید میان هنر و جامعه

«تنوع» یا «گوناگونی» شاخص اصلی حرکت‌های فرهنگی است. در تمام فعالیت‌های فرهنگی مانند موسیقی و تئاتر، مشارکت‌های مردمی در اولویت قرار می‌گیرد و تنوع و گوناگونی فرهنگی مردم که ریشه در مهاجران شهرها دارد، از عوامل اصلی «تولید کننده» فرهنگ در شهر به شمار می‌آید.

در فرانسه، پروژه‌های فرهنگی در شهرها بیشتر در مکان‌های متروک و رها شده مانند کارخانه‌های قدیمی و زمین‌های موات صنعتی به اجرا گذاشته می‌شوند. از آن جمله‌اند کارخانه‌های قدیمی و بزرگ در «مارسی» که در ماه فوریه سال گذشته همایش بزرگ بین‌المللی «سرزمین‌های هنری جدید» در آن برگزار شد.

این مکان‌های جدید که ساخته می‌شوند به هنرمندان این امکان را می‌دهند که پروژه‌های هنری خود را برای ایجاد فضای جدید زندگی به اجرا درآورند و در واقع، روش‌های تولید و خلاقیت در جامعه شهری را متحول می‌سازند. مواردی همچون اتوبوس‌هایی که برای انجام فعالیت‌های فرهنگی در سطح شهر استقرار می‌یابند، یا اجرای تئاتر در مجتمع‌های مسکونی، همه از جمله روش‌های جدید اشاعه فرهنگ در شهر هستند.

هنرمندان فرانسوی به دنبال برقراری ارتباط مستقیم با جامعه و شهر خود هستند. هنرمندان فعالیت‌های خود را بر مبنای دموکراسی فرهنگی و ریشه‌های سنتی فرهنگ جامعه‌شان انجام می‌دهند تا این ریشه‌های فرهنگی همچنان حفظ شوند. بسیاری از هنرمندان، هنر خود را در محله‌ها به نمایش می‌گذارند. امروزه، زمینه‌های بسیاری برای فعالیت‌های هنرمندان جوان به وجود آمده است تا از آن طریق نه تنها



فرانسه - مون پلیه

هویت هر سرزمینی ریشه در فرهنگ مردم آن سرزمین دارد. هر نوع فعالیت فرهنگی در واقع ابزاری برای شناخت بهتر هویت سرزمین است و نمادهای فرهنگی به مثابه راه جدیدی برای توسعه شهرها مطرح‌اند. به عنوان مثال، می‌توان به موفقیت جهانی «گلاسکو» اشاره کرد که بازسازی تصویر جهانی آن باعث شد که این شهر عنوان «پایتخت فرهنگی اروپا» را در سال ۱۹۹۰ کسب کند. راهبردهایی که در جهت توسعه فرهنگی وجود دارند، جنبه‌های مختلفی را در برمی‌گیرند که مجموع‌شان باعث شکوفایی خلاقیت‌ها و تصاویر جدید در عرصه فرهنگی شهرها می‌شود.

سیاست و فرهنگ شهری

فرهنگ در شهر سبب ایجاد پل جدید ارتباطی میان دنیای هنر و جامعه می‌شود. «دموکراسی فرهنگی» در فرانسه شامل «زمینه‌های جدید هنر» در شهرهاست که به نوعی نهضت فرهنگی شهری به شمار می‌آید.

در سیاست‌های شهری، نوآوری‌های فرهنگی رکن اساسی محسوب می‌شوند و در سال‌های اخیر «وزارت فرهنگ» فرانسه نقش آن را بسیار مهم تلقی کرده است، زیرا این عملکردهای نو باعث بهبود و تقویت «دموکراسی فرهنگی» سرزمین می‌شوند و نوعی هدف ملی نیز محسوب می‌گردند.

فرهنگ در محله‌های شهرهای فرانسه از طریق شهرداری، مؤسسات، نمایندگان و مسئولان اجرای پروژه‌های شهری در تمام فعالیت‌ها به عنوان هدف اصلی دنبال می‌شود. این فعالیت‌ها تنها در چارچوب فرهنگ رسمی سرزمین‌ها قرار نمی‌گیرند بلکه در جهت متحول ساختن و بهبود عادت‌های اجتماعی و ایجاد گرایش‌های جدید در زمینه فرهنگی هستند. در عین حال این امکان را به وجود می‌آورند که جامعه و اقتصاد را

موجودیت خود را به اثبات برسانند، بلکه در جهت متحول ساختن فرهنگ شهر خود مشارکت ورزند.

فرهنگ شهر یا فرهنگ برای شهر:

در قراردادهای و پروژه‌های مربوط به شهرها، جایگاه ویژه‌ای برای «فرهنگ» در نظر گرفته شده و فرهنگ از جنبه‌های مختلف آموزش، شهروندمداری، مبارزه با تبعیض نژادی، نوآوری و خلاقیت در شهرها نمود یافته است. هنرمندان جامعه در واقع عامل اصلی تحقق بخشیدن سیاست‌ها و فرهنگ عمومی در شهرها هستند و هر کدام از آنها به روش‌های مختلف فرهنگ را به نمایش می‌گذارند. در پروژه‌های شهرداری باید معیارهای لازم مطابق با دموکراسی فرهنگی رعایت شود. نوآوری و خلاقیت در زمینه هنری امروزه در پروژه‌های شهری بسیار مهم تلقی می‌شوند. برای ایجاد «سرزمین‌های جدید هنری» در دنیای معاصر وجود مشاور و کارشناس ضروری است.

مدیریت منطقه‌ای امور فرهنگی (DRAC) در ایل-دو-فرانس

۵۳ پروژه در این زمینه به اجرا درآمده که نمایانگر خلاقیت‌های هنری در دنیای معاصر است. برای ایل - دو - فرانس ۱۰۰ پروژه پیشنهاد شده بود که ۵۳ مورد آن با بودجه ۷۳۰۰۰۰ یورو به اجرا در آمد. این پروژه‌ها الهام گرفته از واقعیت‌های اجتماعی اند. در این طرح، پروژه‌هایی با هدف ایجاد مسکن برای هنرمندان جامعه در نظر گرفته شده که به وسیله جوانان کنترل و هدایت می‌شود و با همکاری گروهی از خود هنرمندان به اجرا در می‌آید. هنرمندان هنرهای تجسمی سهم مهمی در متحول ساختن محیط‌های شهری ایفا کرده‌اند. این پروژه‌ها در فضاهای شهری که از نظر ارزشی در سطح

«فرهنگ» در فرانسه از گرایش‌های اصلی و خاص سیاست‌های شهری محسوب می‌شود. «فرهنگ» در واقع تصویری است از محله‌های شهر که نمایانگر دیدگاه ساکنان هر محله نسبت به هویت خودشان است

متوسطاند، و یا در زمین‌های موات اجرا شده است. در ایل-دو-فرانس با اجرای این پروژه‌ها سعی شده است تعادل دوباره‌ای میان جنبه‌های مختلف فرهنگی ایجاد شود و سینما، امکانات صوتی - تصویری و مطبوعات بهبود یابند. مدیریت منطقه‌ای امور فرهنگی اولویت را به پروژه‌هایی می‌دهد که باعث بسیج گروه‌های مختلف فرهنگی فعال در زمینه تقویت سیاست‌های شهری می‌شوند؛ به ویژه در مناطق حومه شهر که فرهنگ در آنها معمولاً کم اهمیت تلقی شده است. حدود ۲۰ مورد از این پروژه‌ها در جهت گسترش مطبوعات و رسانه‌های گروهی، امکانات صوتی - تصویری و سینما هستند. برخی از آنها نیز کاملاً جدیدند؛ مانند پروژه‌ای که برای روش جدید جابه‌جایی در سطح شهر اجرا شده است. همین گونه است پروژه‌ای که مؤسسه

فرهنگ در شهر برای متحول ساختن دیدگاه شهروندان
«فرهنگ» در فرانسه از گرایش‌های اصلی و خاص سیاست‌های شهری محسوب می‌شود. «فرهنگ» در واقع تصویری است از محله‌های شهر که نمایانگر دیدگاه ساکنان هر محله نسبت به هویت خودشان است.

افزایش فعالیت‌های فرهنگی باعث رشد و پیشرفت محله‌های شهر می‌شود. از این دست است برگزاری برنامه‌های فرهنگی در خیابان‌ها که باعث می‌شود محله‌های جدا افتاده و فراموش شده دوباره پرتحرک و پویا گردند. پروژه‌های فرهنگی معنا و مفهوم زندگی را در بسیاری از نقاط شهر تغییر داده‌اند و راه‌های حرکت به سوی مدرنیته را هموار ساخته و باعث ارتقای مشارکت‌های شهروندی شده‌اند؛ مانند پارک پی‌یر لوتی در ایتره^(۱) که در آن می‌توان تصاویری از فعالیت‌های مختلف گروهی را مشاهده کرد. زنده

راهبردهایی که در جهت توسعه فرهنگی وجود دارند، جنبه‌های مختلفی را در برمی‌گیرند که مجموع نشان باعث شکوفایی خلاقیت‌ها و تصاویر جدید در عرصه فرهنگی شهرها می‌شود

نگه داشتن ریشه‌های فرهنگی و تاریخی محله‌های شهر در فرانسه این امکان را به وجود آورده است که میراث فرهنگی همواره حفظ شود. به علاوه، هنگامی که تفکر شهروندان برگرفته از فرهنگ‌های مختلف باشد، با رشد بیشتر امکان زندگی اجتماعی مطابق با تحولات جامعه را به وجود می‌آورد. در سن - دنیس^(۲) ساکنان با همکاری هنرمندان نقاش تصاویر مختلفی را که نماد زندگی روزمره آنهاست، بر روی پنجره‌های‌شان به نمایش گذاشته‌اند.



فرانسه - ماریسی



که حدود ۵۰ جوان در این دوره‌ها شرکت جستند و با زمینه‌های مختلف آموزش موسیقی آشنا شدند.

پروژه دین^(۵)

این پروژه با نام سرزمین ما، فضایی برای خلاقیت‌های هنری به اجرا درآمد. در این پروژه کودکان سرزمین خود را به روش‌های مختلف به تصویر کشیده‌اند. حدود ۶۰ دانش‌آموز در این پروژه با تکنیک‌های عکاسی و محیط زیست خود آشنا شده‌اند. این پروژه در تمام طول سال در آتلیه‌های شهر اجرا می‌شود و نمایشگاهی نیز در این زمینه برگزار شده است.

شناخت صحیح رابطه میان «شهر» و فرهنگ

«فرهنگ، شهر، واقعیت‌های اجتماعی» عنوان برنامه تحقیقاتی است که در سال ۲۰۰۰ به همت چندین مؤسسه زیر نظر وزارت فرهنگ به اجرا درآمد. محور فعالیت‌های آنها «آموزش، انتقال تجربیات، خلاقیت‌های هنری در مورد شهر و در شهر» بوده است. ۵۹ گروه در این برنامه شرکت کرده‌اند و کمیته مخصوصی مسئول دنبال کردن مراحل و ارزیابی فعالیت‌های آن بوده است. هدف اصلی این برنامه تبادل دیدگاه‌های فرهنگی است.

راهبردهای صحیح سیاست‌های شهری در فرانسه باعث تحقق یافتن هویت‌های فرهنگی این سرزمین و شهرها و محله‌های آن شده است. شناخت دوباره از فرهنگ، حفظ میراث فرهنگی و افزایش خلاقیت و نوآوری در زمینه فرهنگی فرانسه بسیار موفقیت‌آمیز بوده است. ایجاد قطب‌های فرهنگی برای افزایش شناخت و آگاهی‌ها در سطح بین‌المللی، هنر در شهر، خیابان‌ها، میدان‌ها و ساختمان‌ها ضروری است. حرکت‌های عظیم فرهنگی، افزایش ساخت و ساز و تجهیزات فرهنگی، ایجاد قطب‌های جدید گردشگری، ارزش گذاشتن به هویت‌های فرهنگی راه‌حلی برای موفقیت تمام شهرها به شمار می‌آید.

QIO به اجرا در آورده است، بدین طریق که در فضایی جالب در کامپیوتر حرکات و رفتار و نحوه جابه‌جایی افراد به نمایش درمی‌آید. همچنین در بازی‌ای کامپیوتری که برای نوجوانان طراحی شده است، این امکان به نوجوانان داده می‌شود که شهر خود را بهتر بشناسند و از خلاقیت‌های خود برای شهرشان استفاده کنند. در واقع سعی می‌شود با استفاده از بازی‌های کامپیوتری جوانان بیشتر در زمینه فرهنگی، هنری و شهری، فعالیت کنند.

مدیریت منطقه‌ای در امور فرهنگی اکتین مشارکت،

محیط زیست و موسیقی

یکی از پروژه‌های به اجرا درآمده در مدارس، برای آشنایی بیشتر و صحیح‌تر دانش‌آموزان با فرهنگ موسیقی و نمایش بوده است. پروژه دیگری برای آشنایی بیشتر آنها نسبت به محیط‌های زندگی و محیط زیست انجام شده که با همکاری و مشارکت مؤسسه‌ای متشکل از معماران، شهرسازان و جامعه شناسان به اجرا درآمده و یک هنرمند هنرهای تجسمی نیز در این پروژه مشارکت داشته است. در پروژه‌های اجرایی سعی شده است پل ارتباطی جدیدی میان هنرهای تجسمی و ساختمان‌سازی ایجاد شود و این دو گروه با حرفه یکدیگر نیز آشنا گردند. پروژه دیگر برای آشنایی بیشتر شهروندان با موسیقی و موسیقی دانان در محل‌های مسکونی این هنرمندان، در مدارس، مراکز فرهنگی و اجتماعی و خانه‌های محله به اجرا درآمده است.

زنده نگه داشتن ریشه‌های فرهنگی و تاریخی محله‌های شهر در فرانسه این امکان را به وجود آورده است که میراث فرهنگی همواره حفظ شود

مدیریت منطقه‌ای امور فرهنگی پاکا (PACA)

۳۰ مورد پروژه با هزینه ۲۷۴۴۰۶ یورو با رعایت تمام جنبه‌های فرهنگی به اجرا درآمده است. پروژه‌ای در مورد مهاجرت و خاطرات آن به اجرا درآمده است که در این زمینه به نگارش متن و برگزاری نمایش پرداخته‌اند. هدف اصلی اجرای این پروژه کمک به کودکان برای آشنایی آنها با گذشته مادران و پدران خود است.

«دنیای ما چگونه در شهر و محله‌های خود زندگی کنیم؟»

این پروژه‌ای است که گروهی از جوانان و بزرگسالان محله شمال ماری و گروه‌های تئاتر دنبال می‌کنند. در ماری پروژه گسترش امکانات صوتی-تصویری با مدیریت جوانان شهر اجرا می‌شود.

«شب‌های موسیقی» برای برقراری پل ارتباطی میان مردم و موسیقی و آشنایی آنها با سبک‌های موسیقی سنتی و مدرن اجرا شده است. در این گروه موسیقی افرادی از میلان، نیویورک، فیلادلفیا و سنگال حضور داشتند. این موسیقیدانان دوره‌های آموزشی را در مدارس به مدت سه روز تا یک هفته برگزار کردند،

پانوش:

1-Parc Pierre Lotiâ Aytré
2-Saint - Denis
3-Direction Regionale des Affaires Culturelles
4-Aquitaine
5-Dignes

منبع:

www.ville.gouv.fr

شهرهای آفریقایی در چنبره فقر و نابسامانی

نویسنده: ارنست هارش^(۱)

ترجمه: مهدی دهقان

کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری



هم اکنون بخش‌های مرکزی بسیاری از شهرهای آفریقا به داشتن تعداد زیادی از آسمان‌خراش‌های ساخته شده از سیمان و فولاد افتخار می‌کنند. اما در فاصله‌های دورتر از این بخش‌ها، مجموعه واقعی شهرهای آفریقا گسترده شده است: بخش‌های برنامه‌ریزی نشده و سکونتگاه‌های بی‌نظم بر پا شده از چوب، صفحات فلزی موجدار، خشت و دیگر مصالحی که ممکن است در دسترس باشد. این بخش‌ها فقط دارای جاده‌های خاکی و جوی‌های روباز فاضلاب هستند. آنها فاقد آب لوله‌کشی، سیستم جمع‌آوری زباله، برق و دیگر خدمات اساسی شهری‌اند.

این حلیه‌ها آبادها که به سرعت در حال رشد هستند، محل زندگی و خانه ده‌ها میلیون نفر به حساب می‌آیند. رئیس‌جمهور سابق آفریقای جنوبی، نلسون ماندلا^(۲) در این باره چنین می‌گوید: آفریقای جنوب صحرا تنها منطقه‌ای در جهان است که در آن شهرنشینی با رشد منفی اقتصاد ارتباط دارد. این جریان به وسعت مشکلات شهرنشینی در این منطقه افزوده است. منطقه مذکور شدیداً نیازمند رشد و توسعه است تا در حاشیه‌ها قرار گرفتن آن در صحنه جهانی پایان یابد.

هم اکنون بسیاری از افراد وارد شده به زاغه‌های آفریقایی از مناطق روستایی مهاجرت کرده‌اند. اگر چه شرایط بسیار بدی در این زاغه‌ها وجود دارد و بیشتر شهرنشینان در فقر به سر می‌برند اما همچنان تعداد تازه‌واردان به شهر در حال افزایش است.

آنا تیباجوکا^(۳)، مدیر اجرایی مرکز سکونتگاه‌های انسانی^(۴) سازمان ملل در نایروبی^(۵) می‌گوید: شهرهای آفریقایی به خاطر تغییرات سریع‌شان در حال زوال‌اند. او به عنوان نمونه، دارالسلام در تانزانیا را ذکر می‌کند که با رشد خیره‌کننده ۱۰ درصد در سال در حال گسترش است. با این آهنگ رشد، کل جمعیت شهر طی هفت سال دو برابر خواهد شد. باری، می‌توان آنچه را که برای خدمات آب، برق، تلفن، رفت و آمد و مدارس روی خواهد داد، در تصور آورد.

مشکلات شهری این قاره تنها به منابع و خدمات ناکافی محدود نمی‌شود؛ بلکه بی‌نظمی‌های شدید اجتماعی، میزان بالای جرایم و ناامنی، فساد و بی‌کفایتی سازمان‌های دولتی محلی، نابرابری‌های شدید در ثروت و مخصوصاً فقر رایج را که باعث آسیب اکثر ساکنان شهری شده است نیز شامل می‌گردد.

چند سال پیش، در دومین کنفرانس سازمان ملل در مورد سکونتگاه‌های انسانی (موسوم به هیئتات ۲)^(۶) که در ژوئن ۱۹۹۶ در استانبول ترکیه برگزار شد، بعضی از مشکلات شهری آفریقا مطرح گردید. این کنفرانس با پذیرفتن دستور کار جهانی هیئتات، تأکید کرد که پناهگاه مناسب حق هر انسان است؛ و در پی آن شرایط وخیم و نیازهای آفریقا و کشورهای کمتر توسعه یافته را برشمرد. شرکت کنندگان در این همایش به نرخ بالای مهاجرت‌های روستا-شهری در آفریقا، جنگ‌هایی که باعث جابه‌جایی گسترده جمعیت‌ها شده‌اند، و نابودی شدید زیرساخت‌های شهری اشاره کردند. مجمع عمومی

سازمان ملل در ژوئن سال ۲۰۰۱ اجلاس ویژه‌ای را با عنوان «استانبول + ۵» در نیویورک برگزار کرد. این اجلاس بار دیگر به چالش‌های ویژه فرا روی مراکز شهری در آفریقا و دیگر قسمت‌های جهان نگاه‌انداخت و به بررسی برنامه‌های گوناگونی پرداخت که تاکنون به اجرا در آمده‌اند.

پیشرفت‌هایی در زمینه اجرای «دستور کار هیئتات» در آفریقا رخ داده است که در نوامبر سال ۲۰۰۰ در نشست وزیران مسکن و سکونتگاه‌های شهری در آدیس آبابا^(۷) (اتیوپی) ذکر شد.

در همین زمان، وزیران متوجه شدند که مدیریت ناکارآمد، زیرساخت‌های ضعیف و افزایش جرم و خشونت، بر روی کیفیت زندگی و محیط کار بسیاری از شهرهای آفریقایی تأثیرات منفی داشته است.

شهرنشینی و فقر

همچنین وزیران کشورهای آفریقایی پیش‌بینی کردند که این قاره در ربع قرن آینده با شهرنشینی بی‌سابقه‌ای مواجه خواهد شد. از آنجا که بیشتر شهرهای آفریقایی آمادگی سکنی دادن جمعیت اضافی را ندارند، افزایش نرخ شهرنشینی باعث می‌شود تا سکونتگاه‌های غیرقانونی، با تراکم بالای جمعیت و خدمات ناکافی-یا حتی بدون داشتن خدمات-با سرعت و به شکلی قارچ‌گونه رشد پیدا کنند.

هم اکنون جمعیت شهری آفریقا با نرخ ۴ درصد در سال (بالاتر از هر جای دیگر جهان) در حال رشد است. برای بعضی از شهرهای خاص نیز این میزان بسیار بالاتر است. در زمان حاضر هنوز هم آفریقا قاره‌ای روستانشین به شمار می‌آید و فقط حدود ۳۸ درصد جمعیت آن در شهرها و شهرک‌ها زندگی می‌کنند؛ اما طی سه دهه آینده بیش از نیمی از آفریقایی‌ها ساکن مراکز شهری خواهند بود.

مقداری از این رشد شهری نتیجه افزایش طبیعی جمعیت است، اما بیشتر آن به مهاجرت‌های روستا-شهری تعلق دارد. خشکسالی، تخریب محیط زیست، فقر روستایی و جنگ ادامه می‌یابد تا بسیاری از

جوانان روستایی را برای جست و جوی کار و یافتن فرصت‌های دیگر اقتصادی و اجتماعی به سوی شهرها روانه سازد. اما به خاطر بحران‌های اقتصادی دو دهه گذشته، مشاغل قانونی چندانی در شهرها وجود ندارد.

بر طبق دیدگاه‌های بعضی از تحلیل‌گران، به علت سیاست‌های اقتصادی پذیرفته شده به وسیله دولت‌های آفریقایی طی دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ و بیشتر به خاطر استفاده از تسهیلات اعطایی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، مشکلات شهری وضع بدتری پیدا کرده‌اند. نخستین برنامه‌های خصوصی سازی، اغلب باعث کاهش مشاغل بخش رسمی شده‌اند و تسهیل تجارت به شکست بسیاری از مشاغل محلی و ناتوانی آنها در رقابت با واردات ارزان انجامیده است. بسیاری از ساکنان شهری به خاطر نداشتن شغل ثابت نتوانسته‌اند به پناهگاه مناسب دست یابند. خانم تیبایجو کا معتقد است که بی‌خانمانی

در زمان حاضر هنوز هم آفریقا قاره‌ای روستائین به شمار می‌آید و فقط حدود ۳۸ درصد جمعیت آن در شهرها و شهرک‌ها زندگی می‌کنند؛ اما طی سه دهه آینده بیش از نیمی از آفریقایی‌ها ساکن مراکز شهری خواهند بود

آنها به معنی این نیست که هیچ خانه‌ای وجود ندارد. مردم به این علت بی‌خانمان هستند چون شغلی ندارند تا به مسکن دسترسی پیدا کنند. علاوه بر این، کاهش بودجه ناشی از برنامه‌های اصلاح ساختاری باعث تضعیف مقامات شهرداری در امر نگهداری و سرمایه‌گذاری برای خدمات اساسی، مانند جاده‌ها، سیستم جمع‌آوری زباله و شبکه آب و برق شد.

دو روی یک سکه

پروفیسور عبدالسلام فال^(۸)، جامعه‌شناس شهری دانشگاه شیخ آنتا دیوپ^(۹) در داکار (سنگال) معتقد است که سیاست‌های کشاورزی نیز در ایجاد مشکلات شهرها تأثیر داشته‌اند. به علت آزادسازی بازار و کاهش حمایت دولت از خدمات در دهه ۱۹۸۰، گسترش شتابان فقر در بین کشاورزان سنگالی، مخصوصاً در بخش بادم زمینی به وجود آمده است. این جریان باعث شد تا جوانان روستایی بیشتری برای جست و جوی فرصت‌های درآمدی به شهرهای بزرگ آفریقا یا اروپا و آمریکا روانه شوند.

به همین دلایل، ماندا لا تأکید می‌کرد که باید بر نگرش جدا بودن توسعه روستایی و شهری از هم غلبه کرد، چرا که فقر هیچ مرزی نمی‌شناسد. توسعه روستایی و شهری دو روی یک سکه‌اند.

در سراسر آفریقا فقر هنوز هم عمده‌ترین شکلی روستایی دارد. با وجود اینکه شرایط روستایی در بسیاری از کشورهای آفریقایی بهبود پیدا کرده است اما به خاطر تمرکز فزاینده مردم در شهرها، فقر در مراکز شهری افزایش گسترده‌ای می‌یابد. در نشست وزیران مسکن و شهرسازی کشورهای آفریقایی در نوامبر سال ۲۰۰۰ مشخص شد که در بسیاری از این کشورها روند شهری شدن فقر و زنانه شدن فقر وجود دارد. (برآورد می‌شود که تعداد زنان سرپرست خانوار در پایتخت‌های آفریقایی بین ۱۰ تا ۲۵ درصد باشد).

در بعضی از شهرهای بزرگ آفریقا شرایط به حدی وخیم شده که

الگوهای مهاجرت از مناطق روستایی تغییر یافته و مهاجرت از این شهرها آغاز گردیده است. از لحاظ تاریخی، بیشتر مهاجران در یک یا دو شهر اصلی بعضی کشورها جمع می‌شدند، که شهرهای آبیجان، نایروبی، دارالسلام، داکار، برازاویل و لوآندا از آن جمله‌اند. طبق برآوردهای انجام شده به وسیله بخش جمعیت سازمان ملل، در سال ۱۹۹۹ بیش از نیمی از جمعیت شهری ۱۶ کشور آفریقایی در بزرگ‌ترین شهر آن کشورها زندگی می‌کردند.

با این همه به علت اینکه در طول دهه گذشته شرایط زندگی در این شهرهای بزرگ نامناسب‌تر شده، فرایند شهرنشینی نیز تا حدی از حالت عدم تعادل خارج گشته است. برای مثال، در تانزانیا شهرهای متوسط ۲۰ تا ۳۰ هزار نفری با افزایش جمعیت مواجه‌اند. طبق تحقیقات انجام شده به وسیله پروفیسور فال، از نرخ رشد شهر داکار به میزان زیادی کاسته شده است، در حالی که چهار یا پنج شهر بعد از آن هم اکنون سهم بیشتری از مهاجران روستایی را جذب می‌کنند و این روند نشان می‌دهد که تنوع مراکز شهری سنگال در حال شکل‌گیری است.

بهبود زاغه‌ها

حتی قبل از کنفرانس هییتات ۱۹۹۶ نیز در تعدادی از کشورهای آفریقایی به کارگیری برنامه‌ها و طرح‌هایی آغاز گردید تا به ساکنان زاغه‌های شهری در ساخت مسکن بهتر و بهبود خدمات اساسی کمک کنند. برای مثال در غنا، از سال ۱۹۸۵ مجموعه‌ای از طرح‌های بهبود شهری در جریان بوده است که از گسترده‌ترین تلاش‌های انجام شده در آفریقا به حساب می‌آمده‌اند. تا سال ۲۰۰۰ این طرح‌ها به بهبود وضعیت زیرساخت‌ها و خدمات برای حدود نیم میلیون نفر (از میان مجموع دو میلیون ساکن شهری که فقیر شناخته می‌شدند) در پنج شهر اقدام کرده بودند.

به گفته کریس پینز^(۱۰)، مهندس عمران شهری بانک جهانی که در طرح غنا فعالیت داشت، یکی از دلایل پیشرفت این طرح «تعهد سیاسی» در سطح ملی بوده است. دیگر عوامل مؤثر عبارت بودند از: واگذاری مسئولیت‌ها و اختیارات به دولت‌های محلی، فعال کردن گروه‌های مردمی، و تأکید بر خدمات اساسی انجام‌شدنی مانند ساخت جاده‌های اصلی، شبکه فاضلاب، تأمین آب و بهداشت و جمع‌آوری زباله.

تأکید کنفرانس هییتات استانبول بر این بود که در سراسر آفریقا و دیگر نقاط جهان همکاری جدی‌تری بین همه دست‌اندرکاران امر بهبود خدمات شهری، نظیر دولت‌های ملی، شهرداری‌ها، مؤسسات خیریه خارجی، سازمان‌های غیردولتی، خود مردم محلی و مقاطعه کاران بخش خصوصی انجام شود.

در سال ۱۹۹۹ مرکز هییتات و بانک جهانی برای تقویت همکاری بین سازمان‌های کمک‌کننده «پیمان شهرها»^(۱۱) را به اجرا درآوردند که هدف آن طرح ابتکاری «شهرهای بدون زاغه» بود. این پیمان به کمک دیگر مؤسسات سازمان ملل، بانک‌های توسعه منطقه‌ای، مؤسسات خیریه، انجمن‌های محلی شهری، سازمان‌های غیردولتی و مؤسسات خصوصی منعقد گردید، تا زاغه‌های سراسر شهرها و روستاها شناسایی شوند و برنامه‌هایی برای اصلاح آنها تهیه گردد. بدین ترتیب نخستین برنامه‌ها در آسیا تهیه شدند و هم اکنون برنامه‌هایی نیز در بعضی از کشورهای آفریقایی همچون موریتانی و



یکی از درس‌هایی که مرکز هبیتات از چنین مواردی می‌آموزد، این است که طرح‌های بهبود محیط شهری باید توجه ویژه‌ای به زنان داشته باشند.

تنگناهای سرمایه‌گذاری

یکی از بزرگ‌ترین مشکلاتی که شهرهای آفریقایی با آن مواجه‌اند، چگونگی تأمین سرمایه برای توسعه و نگهداری خدمات اساسی، از قبیل جمع‌آوری زباله و تأمین آب بهداشتی، است. با وجود برخی سرمایه‌های فراهم‌شده از جانب دولت‌های ملی یا مؤسسات خیریه (که این سرمایه معمولاً فقط برای ساخت اولیه امکانات - و نه برای فعالیت‌های جاری - بوده است) مسئولان شهرداری بیشتر باید به مالیات‌های محلی و درآمدها و تعرفه‌ها متکی باشند.

مطالعه انجام شده در مورد مالیات‌بندی شهرداری‌ها در کنیا، تانزانیا و اوگاندا نشان داد که بسیاری از شهرهای بزرگ اکثر درآمد خود را از طریق مالیات مستغلات به دست می‌آورند. در نایروبی ۶۰ درصد و در دارالسلام ۵۶ درصد مجموع درآمد شهرداری از این مالیات‌ها تأمین می‌شود. در کامبالا^(۱۸)، پایتخت اوگاندا، این میزان فقط ۶ درصد است. اما در شهر دیگر اوگاندا به نام جینجا^(۱۹) این میزان به ۴۳ درصد می‌رسد. از طریق این مالیات‌ها، طبقات دارا تر جامعه، یعنی آنهایی که مالک مستغلات مشمول مالیات هستند، در پرداخت هزینه خدمات کمک می‌کنند تا طیف وسیع‌تری از جمعیت - از جمله بعضی از فقیران - بهره‌مند شوند.

اما در حقیقت جمع‌آوری تمام مالیات‌های قابل پرداخت چندان آسان نیست. اغلب ارزیابی مستغلات به صورت ناقص و به شیوه‌ای منسوخ شده انجام می‌شود. تعیین ارزش املاک در مناطق مسکونی خود روی (بدون برنامه‌ریزی شده) بسیار مشکل است، زیرا مالکیت قانونی آنها معمولاً به ثبت نرسیده است. علاوه بر این، بسیاری از مالیات‌دهندگان از اینکه باید مالیات چیزی را بدهند که هنوز به خاطر آن بدهکارند ناراضی‌اند، به ویژه در جاهایی که فساد و رشوه‌خواری متداول است و آنها نمی‌دانند که آیا از مالیات‌شان استفاده درستی می‌شود یا نه. همچنین در نایروبی، مومباسا^(۲۰)، و درالسلام، سازمان‌های دولتی مرکزی در میان بزرگ‌ترین مالکان مستغلات قرار دارند اما هیچ‌گونه وجهی به خزانه شهرداری واریز نمی‌شود.

با توجه به چنین محدودیت‌های سرمایه‌گذاری، گرایش فرآیندهای در بین مسئولان شهر وجود دارد تا تأمین خدمات را به بخش خصوصی یا پیمانکاران واگذار کنند. در شرق آفریقا خصوصی‌سازی جابه‌جایی ضایعات متداول‌تر است. نایروبی در سال ۱۹۹۷ کار جمع‌آوری زباله‌های بخش تجارت مرکزی خود را به بخش خصوصی واگذار کرد.

آفریقای جنوبی در حال آماده شدن‌اند. کل تسهیلات مالی برای اولین دوره این برنامه‌ها طی دوره سه ساله ۲۰۰۱-۱۹۹۹ حدود ۴۰ میلیون دلار بوده است.

مشارکت جامعه

در حالی که سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند نقش مهمی را در توسعه شهری داشته باشد، بسیاری از کارشناسان با توجه به تجارب مختلف به دست آمده از کشورهای گوناگون از جمله غنا، معتقدند که همکاری فعال جوامع محلی نیز به همین اندازه (اگر نه بیشتر) اهمیت دارد. بنا به اظهار محمد سوماری و جرومی جرارد^(۲۱)، از اعضای یکی از سازمان‌های غیردولتی در داکار، به علت اینکه فقر شهری در آفریقا بسیار پیچیده است، راه حل‌های پایدار برای مشکلات اکثر فقرا به «رهیافتی منسجم مبتنی بر مشارکت جامعه» نیاز خواهد داشت.

یکی دیگر از سازمان‌های غیردولتی با نام «زیستگاه برای انسان» برای ساخت خانه‌ها و توالت‌های ارزان قیمت در مالاوی^(۲۲)، با دولت‌های محلی، مقامات محلی، گروه‌های مردمی و رؤسای قبیله‌های سنتی همکاری می‌کند. کمیته‌های منتخب محلی ترجیح می‌دهند تا با متقاضیان کم درآمدی همکاری کنند که تمایل دارند نیروی کار رایگان را فراهم سازند و هزینه‌های صرف‌شده را بازپرداخت کنند (این پرداخت‌ها به صورت هزینه‌های در گردش صرف ساخت و سازهای جدیدتر می‌شوند). در این طرح بیش از ۴۶۰ گروه محلی درگیر فعالیت شده و حدود ۴ هزار خانه و توالت نیز برپا گردیده‌اند.

در لوآنداسول^(۲۳)، یکی از مناطق فقیر و زاغه‌نشین پایتخت آنگولا، در سال ۱۹۹۵ برنامه‌ای به اجرا درآمد که حدود ۲۷۰۰ خانواری که به خاطر جنگ داخلی آواره گشته بودند، از آن منتفع شدند. این برنامه با سرمایه فراهم شده از مالیات‌ها، فروش حق بهره برداری از زمین، و سرمایه‌گذاری‌های انجام شده به وسیله نگاه‌های خصوصی، باعث ساخت ۲۲۱۰ خانه و ایجاد خطوط فاضلاب و آب لوله‌کشی و برق شد. ساکنان محلی و نمایندگان آنها که در طراحی و برنامه‌ریزی این برنامه همکاری داشتند در خرید زمین دارای اولویت بودند.

یکی از ویژگی‌های در خور ذکر برنامه لوآنداسول، ایجاد حدود چهار هزار شغل محلی از طریق طرح‌های ساخت و ساز بود که در مناطق دارای بیکاری گسترده، به طور ویژه‌ای مورد استقبال قرار گرفت. همچنین در ۱۲ کشور غرب آفریقا (کشورهای عمدتاً فرانسوی زبان) برنامه‌ای تیب^(۲۴) (تحت حمایت بانک جهانی) اجرا شده است که یکی از اهداف مشخص آن ایجاد شغل در محله‌های فقیر شهری از طریق طرح کارهای ساختمانی عمومی است. بسیاری از طرح‌های ساختمانی مورد قبول اگی تیب را مسئولان شهرداری پیشنهاد کردند؛ اما در کشورهای چاد، گینه بیسائو و سنگال تعدادی از این طرح‌ها از پیشنهادهای رهبران جامعه یا سازمان‌های غیردولتی بوده است.

همکاری در جامعه همیشه نمی‌تواند متضمن این باشد که همه افراد از منافع چنین طرح‌هایی بهره‌مند شوند. در ووا^(۲۵) (واقع در کنیا) دولت پذیرفته است که ساکنان محلی بتوانند از طریق توافق جمعی به زمین دست یابند و سازمان‌های غیردولتی نیز حمایت فنی و قانونی را برای قطعی کردن حق مالکیت فراهم می‌کنند. با این همه، طبق اعلام یکی از سازمان‌های غیردولتی به نام کیتو چاشریا^(۲۶) (مرکز کمک‌های قانونی) در این فرایند زنان در حاشیه قرار گرفته‌اند، زیرا شیوه‌های مرسوم در آنجا مردان را به عنوان تصمیم‌گیران اصلی قلمداد می‌کنند.



آفریقایی قدرت سیاسی و اداری بسیار متمرکز است. شهرها قدرت سیاسی و مالی لازم را در اختیار ندارند تا برای شرایط زندگی مردم تصمیمات اساسی اتخاذ کنند. وی می‌افزاید: «در حالی که بیشتر کشورهای آفریقایی در طول دهه گذشته به سوی تمرکز زدایی روی آورده‌اند اما این سیاست با قدرت مالی لازم توأم نبوده است تا جوامع و دولت‌های محلی را قادر سازد که برای مدیریت درست شهرها درآمد خود را افزایش دهند».

همچنین، در دهه ۱۹۹۰ در بیشتر کشورهای آفریقایی تغییراتی به سوی دموکراسی چند حزبی صورت گرفت و هم‌اکنون بیشتر دولت‌های محلی، انجمن شهر و شهرداران را انتخاب کرده‌اند. حتی در جاهایی که به طور رسمی دموکراسی پا گرفته، ضرورتاً فساد و کاستی‌های مسئولان شهرداری از بین نرفته است. برای مثال در بورکینا فاسو^(۲۳)، از سال ۱۹۹۵ شوراهای شهری تشکیل شده‌اند اما در این شوراها موارد متعددی از اختلاس، رشوه‌خواری و تخلفات به وسیله اعضای شورای شهر و همین‌طور مدیران منتخب، مشاهده شده است. در اواخر سال ۱۹۹۹، ساکنان شهرهای اوآگادوگو^(۲۴)، بوبو-دیولاسو^(۲۵)، تنکودوگو^(۲۶) و چند شهر دیگر اعتراض کرده بودند که زمین‌های شهرهای آنها به طرز ناعادلانه بین همسران، بستگان و دوستان مدیران شهری یا افراد ثروتمندی که رشوه‌های هنگفت می‌پرداختند، تقسیم شده است.

شاید مهم‌ترین عامل در اصرار برای بهبود حاکمیت شهری جسارت فزاینده سازمان‌های جامعه مدنی باشد. برای نمونه، ساکنان دو محله نایروبی با مراجعه به دادگاه، حکمی را دریافت کردند که پرداخت عوارض شهرداری و هزینه‌های خدمات به شورای شهر به حالت تعلیق درآید تا وضع جاده‌ها، خدمات بهداشتی و آب بهبود پیدا کند.

کادامیل وک‌وته^(۲۷)، که در برنامه‌های شهری زیمبابوه فعالیت داشته و هم‌اکنون مشاور فنی ارشد در صندوق توسعه سرمایه سازمان ملل است، اظهار می‌دارد که از دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ به علت افزایش تعداد جمعیت جوان، بزرگ‌ترین چالش‌های اصلاح ساختاری و دیگر مشکلات شهری به وجود آمده است.

وقتی که آفریقایی‌های بسیار زیادی در مناطق شهری متمرکز شده‌اند که همه‌شان شهرها را به عنوان خانه اصلی خود در نظر می‌گیرند، بنابراین همواره برای بهبود خدمات و امکانات پافشاری می‌کنند. دولت‌های محلی هم به طور فزاینده‌ای ناگزیرند تا در شهرها با جمعیت فزاینده متقاضی خدمات مدارا کنند.

حدود ۱۰۰ شرکت خدماتی کوچک‌تر هم در دیگر محله‌ها فعالیت می‌کردند و بسیاری از آنها مجبور به جمع‌آوری زباله‌های اماکن عمومی نبودند. در دارالسلام برای جمع‌آوری مواد زائد جامد در قسمت‌های خاصی از شهر، پنج شرکت خصوصی به صورت پیمانی تعیین شده‌اند.

اگر چه به طور کلی در زمینه خدمات شهری بازدهی افزایش یافته است اما کاستی‌هایی نیز در این میان وجود دارد. معمولاً پیمانکاران بخش خصوصی در مناطقی فعالیت می‌کنند که ساکنان آنها دارای درآمدهای بالا و متوسط هستند و توانایی پرداخت مالیات را دارند؛ و بدین ترتیب بسیاری از مناطق فقیرنشین، بدون خدمات باقی می‌مانند. در تعدادی از کشورها از جمله کامرون، گینه، جمهوری کنگو و سنگال، با خصوصی‌سازی بخش حمل و نقل، سازمان‌های اتوبوسرانی وابسته به شهرداری در حال تعطیل شدن‌اند. اتوبوس‌ها و تاکسی‌های بخش خصوصی اغلب بسیار گران‌اند و فقط در مسیرهای سودآور فعالیت می‌کنند. به همین خاطر بسیار از ساکنان شهری مجبورند تا مسافت‌های طولانی را با دوچرخه یا پای پیاده طی کنند.

از نظر تیبایجوکا خصوصی‌سازی خدمات مربوط به آب دارای اهمیت است اما از لحاظ برابری و دسترسی نگرانی‌هایی به وجود می‌آید. او اظهار می‌دارد که در زمان حاضر دسترسی افراد فقیر به آب رایگان به افسانه شبیه است. به علت ناتوانی دولت در تأمین خدمات، آب رایگان به این افراد نمی‌رسد و در نتیجه آنها مجبورند آب را از فروشندگان بخش غیررسمی خریداری کنند و اغلب هم نسبت به ثروتمندان پول بیشتری برای آن می‌پردازند. تیبایجوکا می‌افزاید که اندیشه خصوصی‌سازی خدمات آب به خودی خود چیز بدی نیست؛ اما چگونه مردم به آب خصوصی شده دسترسی پیدا خواهند کرد؟ مردم فقیر توانایی پرداخت هزینه‌های آب را ندارند؛ بنابراین به سیاست‌هایی نیاز است که متضمن آن باشند که این مردم از آب محروم نشوند. برای سؤال مطرح شده پیش گفته باید پاسخ‌های روشنی پیدا کرد، بدون اینکه هدف نهایی - که بهبود دسترسی مردم به آب است - فراموش شود.

برای مثال، در اوگاندا هدف بلندمدت دولت این است که بازگشت کامل هزینه‌های مربوط به خدمات شهرداری را تضمین کند؛ اما به این نکته هم توجه دارد که برای دسترسی گروه‌های کم‌درآمد به خدمات آب بهداشتی، به یارانه‌های دولتی نیاز است.

حکومت محلی

راه‌حل بسیاری از مشکلات شهرهای آفریقایی شدیداً به امکانات، توانایی‌ها و مشروعیت شهرداری‌ها و مؤسسات دولت بستگی دارد. همان‌طور که کنفرانس هیبتات هم‌نشان داد، تلاش در جهت دستیابی ساکنان فقیر به تصرف قطعی و همچنین بسیج همه عناصر شهری برای بهبود برنامه‌ها، نیاز به سازمان‌های دولتی محلی با کفایت، بی‌پرده و صریح دارد. برای توجه بیشتر به چنین موضوعاتی، کنفرانس «فعالیت جهانی برای حاکمیت خوب شهری» برگزار گردید. بحث‌های این کنفرانس پیرامون «منشور جهانی استقلال محلی^(۲۱)» بود که بر نیاز دولت‌های ملی به واگذاری مسئولیت‌ها و اختیارات بیشتر به سطوح محلی تأکید می‌کرد.

کی.وای.آموکو^(۲۲)، دبیر اجرایی کمیسیون اقتصادی سازمان ملل در آفریقا، در اجلاس آدیس‌آبابا اظهار داشت که در بیشتر کشورهای

یادداشت:

- 1-Ernest Harsch
- 2-Nelson Mandela
- 3-Anna Tibaijuka
- 4-Center for Human Settlements
- 5-Nairobi
- 6-Habitat - II
- 7-Addis Ababa
- 8-Abdou Salam Fall
- 9-Chiekh Anta Diop
- 10-Chris Banes
- 11-Cities Alliance
- 12-Mohamed Soumare & Jerome Gerard
- 13-Malawi
- 14-Luanda Sul
- 15-AGETIP
- 16-Voi
- 17-Kituo Cha Sheria
- 18-Kampala
- 19-Jinja
- 20-Mombasa
- 21-World Charter of Local Self - Government
- 22-K.Y. Amoako
- 23-Burkina Faso
- 24-Ouagadougou
- 25-Bobo - Dioulasso
- 26-Tenkodogo
- 27-Kadmiel Wek Wete

www.un.org

منبع:

شهر من استانبول الگوی برای پاریس

شهرداری پاریس به منظور سازگاری و ایجاد هماهنگی میان ۲۰۰ گروه قومی ساکن پاریس، پروژه «پاریسی بودن در پاریس» را به اجرا در آورد.

این پروژه برگرفته از تجربه موفق شهرداری استانبول در هویت بخشی به شهروندان بود. شهرداری استانبول در اواخر سال ۲۰۰۳ پروژه اجتماعی وسیعی را به نام «شهر من استانبول» آغاز کرد که هدف از اجرای آن افزایش آگاهی مردم درباره شهر و پیشینه آن بود. این شهرداری همچنین به منظور درک بیشتر دگرگونی‌های شهری و اجتماعی همایش، سمینار و کنفرانس‌های متعددی را در زمینه فرهنگ و هنر و گذشته شهر برگزار کرد و فعالیت‌های فرهنگی - اجتماعی بسیاری را چون برپایی مسابقات و تورهای مختلف در مدارس شهر به انجام رساند.

در ژانویه سال مسیحی جاری اجرای پروژه‌های مشابه در پاریس به بحث گذاشته شد. برای اجرای این پروژه که «پاریسی بودن در پاریس» نام داشت، ابتدا ساکنان ترک تبار پاریس تحت آموزش زبان فرانسه قرار گرفتند و با فرهنگ پاریس و زندگی شهری در آن آشنا شدند. این اقدام مبتکرانه با مدیریت شهرداری استانبول و معاونت شهرداری پاریس و با حمایت انجمن همکاری‌های دو جانبه ترکیه - فرانسه به اجرا درآمد.

گام بعدی در اجرای پروژه پاریسی بودن در پاریس آموزش فرهنگ و زبان و همچنین موسیقی و آداب و سنن محلی به اقوام ترک، چینی، ژاپنی، پاکستانی، ایرانی، عراقی، الجزایری و مراکشی در پاریس و از این طریق جلوگیری از انزوای آنان بود.

در هر سال میلادی یک یا چند شهر اروپایی، به عنوان پایتخت(های) فرهنگی اروپا انتخاب می‌شوند.

این اقدام جالب از ابتکارات وزارت فرهنگ اجتماع محلی اروپا^(۱) است که نخستین بار در سال ۱۹۸۵ میلادی تحقق یافت. در این سال آتن به عنوان اولین پایتخت فرهنگی اروپا شناخته شد و پس از آن هر سال یک یا چند شهر اروپایی به این نام ملقب شدند.

از مهم‌ترین اهدافی که این اقدام دنبال می‌کند، نزدیک کردن اعضای اتحادیه اروپا و فرهنگ‌های مختلف کشورهای عضو به یکدیگر است. علاوه بر نکته‌ای که ذکر گردید، این نام فرصتی را برای شناساندن هر چه بیشتر شهر منتخب به وجود می‌آورد و توجه گردشگران و رسانه‌ها را به آن شهر جلب می‌کند.

شهرهایی که در فاصله ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۹ میلادی پایتخت‌های فرهنگی اروپا اعلام شدند، عبارت‌اند از: فلورانس، آمستردام، برلین، پاریس، گلاسکو، دوبلین، مادرید، آنتورپ، لیسبون، لوکزامبورگ، کپنهاگ، تسالونیکا، استکهلم و واریمار^(۲). در سال ۲۰۰۰ نیز شهرهای آوینیون^(۳)، برگن، بلونیا، کراکو، هلسینکی، پراگ، ریکجاویک^(۴)، سنت ژک و دوکومپوستلا^(۵) به عنوان پایتخت‌های فرهنگی اروپا، در آخرین سال قرن بیستم

لیل و جنوا پایتخت‌های فرهنگی ۲۰۰۴ اروپا



کراسه - پاریس - فضای رودی لتوراام

در زمان حاضر مهم‌ترین پیامد این پروژه شکستن تجمع و تمرکز ترک‌های ساکن پاریس در مناطق مختلف شهر پاریس و زندگی در این شهر به عنوان شهروندی پاریسی است. یادآور می‌شود که برخی از فعالیت‌های اجتماعی در این پروژه را نهادهای اجتماعی - مدنی پاریس سازمان دهی خواهند کرد.

ترجمه: تاراس گالستان
www.ibb.gov.tr منبع:



کراسه - لیل

میلادی شناخته شدند. از دیگر شهرهای منتخب می‌توان به روتردام و پورتو (۲۰۰۱)، بروژ و سالامانک^(۶) (۲۰۰۲)، گراتز (۲۰۰۳) و شهرهای لیل و جنوا در سال ۲۰۰۴ اشاره کرد. نکته جالب توجه اینکه در زمان حاضر فهرست کشورهای که قرار است پایتخت‌های فرهنگی از میان شهرهای آنان انتخاب شود، تا سال ۲۰۱۳ مشخص شده است.

ناگفته نماند که پایتخت‌های فرهنگی اروپا میزبانی مراسم مختلف هنری همچون کنسرت، تئاتر، سینما و جشنواره‌های نقاشی، عکاسی، مجسمه‌سازی و نظایر اینها را بر عهده دارند.

ترجمه: شهرزاد فرزین پاک

پانوشت:

- 1-European Community
- 2-Weimar
- 3-Avignon
- 4-Reykjavik
- 5-Compostella
- 6-Salamanque

منبع:

www.europeuine.com



ایتالیا - جنوا - پیازای فراری

شهرداری اسن شهروندان متخلف را جریمه می‌کند

مسئولان شهر اسن^(۱) در آلمان، به منظور آشنا کردن شهروندان با وظایف شهروندی و قوانین شهری، طرح جدیدی را به نام «کارت زرد» اجرا کردند.

اکثر تخلفات شهری به دلیل ناآگاهی شهروندان از قوانین شهری صورت می‌گیرد. مسئولان شهر اسن با توجه به اهمیت این امر، طرح جدید «کارت زرد» را ارائه کردند.

به منظور اجرای این طرح، گشت‌های ویژه‌ای در سطح شهر، وظیفه حفاظت از محیط زیست و جلوگیری از تخلفات شهری را به عهده گرفتند. این نیروها با مشاهده تخلف شهروندان، بسته به نوع و میزان تخلف به آنها کارت زرد یا قرمز می‌دهند. هنگامی که تخلف صورت گرفته سبک باشد، به شهروند متخلف کارت زرد می‌دهند که نوعی جریمه نقدی سبک به شمار می‌رود. گفتنی است که این کارت زرد همیشه با اخطار و تذکر شفاهی همراه است؛ اما زمانی که شهروندان تخلف سنگینی را انجام دهند، کارت زرد و قرمز - توأمًا - به آنها داده می‌شود. به این ترتیب جریمه نقدی سنگینی نیز به این گروه از شهروندان تعلق می‌گیرد.

شهرداری اسن، پیش از اجرای طرح «کارت زرد» تبلیغات گسترده‌ای را برای آشنایی بیشتر ساکنان شهر با چند و چون اجرای این طرح انجام داد.

از دیگر اقدامات مثبت شهرداری اسن، اجرای طرح جلوگیری



آلمان

از تخلفات رانندگی و افزایش جریمه‌های نقدی است. به منظور اجرای این طرح، گشت‌های ویژه پلیس در سطح شهر با مشاهده و ثبت تخلفات، به جریمه کردن رانندگان متخلف می‌پردازند. بر اساس تحقیق صورت پذیرفته، ۹۰ درصد تصادفات روزانه در اسن ناشی از بی‌احتیاطی رانندگان و عابران پیاده است، شهرداری اسن با اجرای این طرح از تصادفاتی که رانندگان بی‌احتیاط مسبب آن هستند جلوگیری می‌کند.

ترجمه: فرخان قریانه

پانوشت: 1-Essen

منبع: www.essen.de

شهرداری زوریخ برای تحقق این آرمان، ۱/۱۹ میلیون فرانک سوئیس سرمایه‌گذاری کرد. همچنین نیکلاس هایک مؤسس گروه و شرکت «سواچ» (Swatch) علاوه بر سرمایه‌گذاری ۱/۵ میلیون فرانکی، سالانه ۳۰۰ هزار فرانک سوئیس



سوئیس - زوریخ

مسئولان شهر زوریخ سوئیس برای ایجاد مرکز هنری دادایسم^(۱) در بخش قدیمی شهر سرمایه‌گذاری می‌کنند.

شهر زوریخ بزرگ‌ترین مرکز آثار دادایسم در جهان است و این آثار در موزه کونست هاوز^(۲) و زیرزمین موزه اصلی هنرهای زوریخ نگهداری می‌شوند.

از سوی دیگر زادگاه و خاستگاه جنبش هنری - ادبی دادایسم نیز در منطقه تاریخی «کاباره ولتر»^(۳) زوریخ قرار دارد.

اندیشه ایجاد مرکز هنری دادایسم در بخش قدیمی شهر زوریخ زمانی شکل گرفت که مالک «کاباره ولتر» تصمیم به تخریب این بنا و احداث واحدهای تجاری در آن گرفت. در پی این تصمیم، در همان هفته‌های نخست بسیاری از هنرمندان زوریخ و شهرهای دیگر سوئیس پس از آگاهی از تصمیم مذکور، به نشانه اعتراض در این بنای قدیمی حضور یافتند.

پس از این اقدام، شهرداری زوریخ تصمیم گرفت «کاباره ولتر» را به مرکز بین‌المللی هنری و محلی برای اجلاس هنرمندان، محققان و علاقه‌مندان مکتب دادایسم تبدیل کند.

شهرداری زوریخ و میراث دادایسم

ترجمه: علی عربانی دانا
پانوش:

۱- نهضتی در ادبیات و نقاشی اروپا که به «بی‌شکلی مطلق» اعتقاد داشت.

2-Kunsthaus

3-Cabaret Voltaire

منبع: www.swissart.ch

نیز به این پروژه کمک می‌کند.

گفتنی است در این مرکز بخش‌هایی چون، گالری هنری داداییسم، اتاق کنفرانس، و تالار مراسم استقرار یافته‌است و هر ساله در هفته داداییسم، جشن‌ها و مراسم خاصی نیز در آن برگزار می‌شود.

برابری و همبستگی دغدغه حکومت‌های محلی امریکای لاتین

لاتین بی‌اعتمادی زیادی نسبت به مقامات دولتی به چشم می‌خورد. مسئولان حکومت‌های محلی امریکای لاتین برای حل این مشکل دیرینه مجموعه اقداماتی را به اجرا درآورده‌اند که خلاصه‌ای از آنها چنین است:

- حمایت از قشر فقیر و بی‌بضاعت برای ایجاد همبستگی بیشتر در جامعه؛

- استفاده از فناوری‌های جدید و اینترنت و بهره‌برداری دائمی از آخرین اطلاعات؛

- بهره‌برداری صحیح از منابع با مشارکت کمیته‌های محلی، شهرداری‌ها و NGO ها.

مصادق این امر تجربه موفق نیکاراگوئه در برنامه‌ریزی مشارکتی است. در این کشور نهادی به نام «بنیاد سرمایه‌گذاری‌های اجتماعی» به وجود آمده است که امور سرمایه‌گذاری‌های محلی را با مشارکت ساکنان و در نظر

حکومت‌های محلی در امریکای لاتین برای پاسخگویی به الزامات و نیازهای جامعه مدنی، اصلاحات بسیاری را در دستور کار خود قرار داده‌اند.

سرعت تحولات اجتماعی و رشد فناوری و صنعت، مسئولان محلی را در امریکای لاتین به اعمال اصلاحات اساسی در سیاست‌های شهرداری‌ها واداشته‌است.

یکی از برنامه‌های شهرداری‌های امریکای لاتین برای افزایش مشارکت اجتماعی، آموزش شهروندان است. به عنوان مثال، شهرداری‌های شیلی از دهه ۶۰ میلادی نهادهایی آموزشی را در محله‌ها ایجاد کردند که مهم‌ترین آنها برقراری ارتباط و هماهنگی میان مردم و حکومت‌های محلی است. این نهادها که در کشورهای دیگر امریکای لاتین همچون بولیوی و نیکاراگوئه نیز شکل گرفته‌اند، در اجرای پروژه‌های کوچک شهری نظیر عملیات سنگفرش خیابان‌ها مشارکت می‌کنند.



شیلی - سانتیاگو

گرفتن اولویت‌ها سامان می‌بخشد. خلاقیت و به کار بستن سازوکارهای اجرایی که همبستگی را در میان افراد جامعه افزایش دهد، از مهم‌ترین دغدغه‌های شهرداری‌های امریکای لاتین به شمار می‌رود.

گفتنی است که این شهرداری‌ها به برگزاری نشست‌های گوناگون اهتمام ویژه‌ای دارند، چرا که از نگاه آنان این نشست‌ها امکان تبادل اطلاعات را میان شهرهای امریکای لاتین تقویت می‌کند.

ترجمه: مینو موسوی
منبع: www.rqjiac.qc.ca

امروزه در سراسر امریکای لاتین شهرداران و اعضای شورای شهرها، مستقیماً به وسیله مردم انتخاب می‌شوند و باید منافع شهروندان را دنبال کنند. از سوی دیگر، مردم نیز در پروژه‌های توسعه و عمران شهر مشارکت می‌ورزند. برای نمونه مجلس بولیوی قانونی را تصویب کرده است که بر اساس آن مقامات محلی اقدام به مشارکت دادن نهادهای مختلف مردمی کرده‌اند. این حکومت‌های محلی در پی آن‌اند که خود را نماینده دولت بدانند و به قانون احترام بگذارند. آنها به باور رسیده‌اند که سیاست‌های دولت تنها در صورت پذیرش شهروندان، تحقق‌یافتنی است. این در حالی است که در امریکای



طول سفر ضمن گوش سپردن به توضیحات لازم، از جذابیت‌های اوساکا لذت ببرند!

ترجمه: شهروز فرزین پاک
منبع: www.tourism.city.osaka.jp

به منظور تقویت جاذبه‌های گردشگری و ترویج توریسم در اوساکای ژاپن، تاکسی سرویس‌های ویژه تماشای مکان‌های دیدنی راه‌اندازی شد.

این تاکسی‌ها گردشگران را به دیدن نشانه‌های شهری معروف و اماکن تاریخی و ارزشمند شهر می‌برند. رانندگان تاکسی‌های ویژه گردشگری نیز با توجه به فراگیری آموزش‌های ویژه، اطلاعات مناسبی را بسته به موضوعات مورد علاقه و برنامه‌های گردشگران، در اختیار آنها قرار می‌دهند.

زمان سیر این تاکسی‌ها ۳ تا ۶ ساعته است و در این مسیرها، مکان‌های زیبا و دیدنی اوساکا به گردشگران معرفی می‌شود و آنها با مفاهیم عمیق برگرفته از تجارب موفق آشنا می‌شوند. از جمله این مفاهیم می‌توان به «کلان شهر آب»، «پایتخت تجربه‌ها»، و ویژگی‌های تاریخی و فرهنگی اوساکا اشاره کرد. با اجرای این طرح جالب گردشگران در اوساکا می‌توانند با تاکسی مناسبی از نقطه‌ای در شهر به نقطه دیگر سفر کنند و در

تاکسی‌های گردشگری در اوساکا به راه افتادند

کانون‌های اطلاعاتی، افلاک نماها و نظایر اینها. شهر کودکان در دبی بر اساس برنامه‌های ویژه‌ای در ۳۰ آوریل امسال - که مصادف با تاریخ ولادت پیامبر اکرم (ص) است - سازمان‌دهی گردید. برنامه‌های این جشنواره به دو زبان

شهرداری دبی به منظور کشف استعدادها، طرحی تفریحی - کودکان و تشویق و رشد این استعدادها، آموزشی را در شهر کودکان به اجرا درآورد. از آنجا که در این جشنواره سی روزه کودکانی از ملیت‌های

یک جهان یک خانواده یک جشنواره در شهر کودکان دبی



انگلیسی و عربی اجرا شد. رنگ آمیزی صورت کودکان، کارگاه کاردستی، بازی‌های کامپیوتری و برگزاری مسابقات و نمایش افسانه‌ای برای خانواده‌ها از دیگر جذابیت‌های این جشنواره بوده است. علاوه بر این، نمایش‌های افلاک نما منظمی با نام‌های «Lary cat» و «سفر اکتشافی مریخ» در دو نوبت و به دو زبان انگلیسی و عربی برای تماشاگران به اجرا درآمد.

ترجمه: مانده جامدی
منبع: www.vgn.dm.gov.ae

مختلف گردهم آمدند، مضمون و محتوای این اقدام ابتکارآمیز را می‌توان در یک عبارت خلاصه کرد: یک جهان، یک خانواده، و یک جشنواره!

«محمد آل فردان»، رئیس اداره تبلیغ و بازآفرینی شهرداری دبی، مهم‌ترین وقایع جذاب و دیدنی را در طول برگزاری جشنواره چنین برمی‌شمارد: اجرای نمایش‌های دیدنی در زمینه قوانین امنیتی، آموزش‌های ویژه با روش‌های ابتکاری، برگزاری گردهمایی‌های روزانه با موضوع اختراعات مغناطیسی، شرکت در جشن‌های تولد کودکان، اجرای نمایش‌های بزرگ از سوی

نوسازی و احیای نواحی فرسوده شهری

«تجربه شهر کرد»

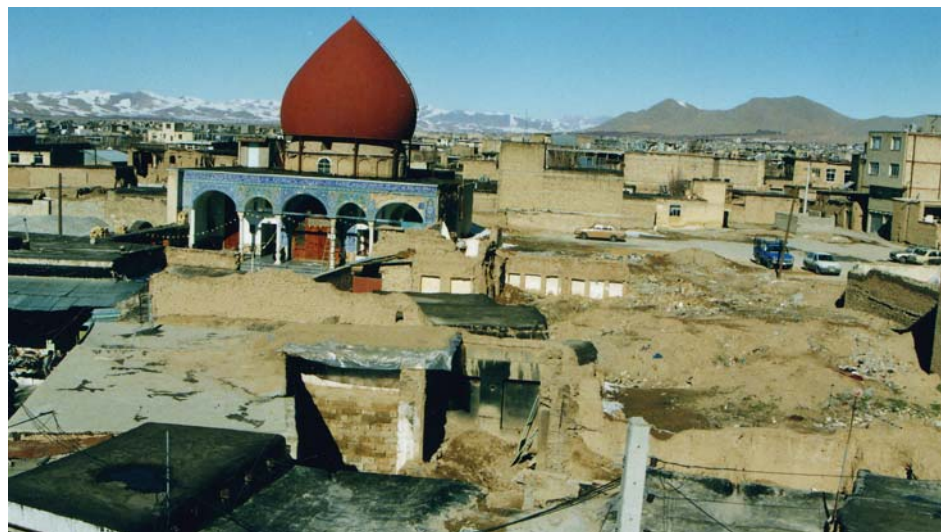
محمد حسین بوچانی

مقدمه

پدید آوردن فرسایش شناخته شود و بر پایه شناخت به دست آمده سیاست‌های مناسبی برای مقابله با آن طراحی گردد. احیا به مفهوم بازگرداندن زندگی در محله‌های قدیمی، پیش از هر چیز مستلزم رفع موانع قانونی فعلی از یک سو و توانمندسازی مردم محله به معنای واگذاری اختیارات لازم برای تصمیم‌گیری و ایجاد تشکل‌های اجرایی، فراهم آوردن خدمات مشاوره‌ای برنامه‌ریزی و طراحی و نیز اقدام شهرداری منطقه در رفع معضلات کالبدی - اجتماعی محله و ایجاد تسهیلات لازم از سوی دیگر است. احیای کالبدی املاک در نواحی فرسوده شهری به افزایش اعتماد برای سکونت در آن محله کمک خواهد کرد. اما حفظ حس مکانی و تعلق مکانی به بهسازی اقتصادی آن نواحی نیاز دارد. بدون بهبود اقتصادی نمی‌توان بهبود کالبدی را حفظ کرد. فضاهای کهن شهری را باید کاربری‌هایی اشغال کنند که سرمایه‌گذاری مداوم و مورد نیاز برای بازآرایی و حفاظت بناها را تأمین کنند. از این رو اجرای یک طرح احیای پایدار، اشغال هدفمند و اندیشیده‌املاک را طلب می‌کند. از آنجا که محله‌های کهن شهری اغلب دستخوش فرسودگی مکانی نسبی اند، جابه‌جایی اکولوژیکی در پی افت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در آنها رخ می‌دهد. بدین صورت پویایی زندگی اجتماعی در آنها به دلیل سطح پایین مزیت‌های اقتصادی افت می‌کند. به هر صورت عمران و نوسازی املاک شرط لازم - اما نه کافی - احیا به شمار می‌آید. احیا چیزی است فراتر از ساختن بناهای نوساز. باید علاوه بر اینها به گسترش زیرساخت‌ها و توسعه اقتصادی محله‌ها توجه شود.

تشویق‌های مالی و سایر اقدامات عمومی می‌توانند عامل یا عنصر مهمی در ایجاد تمایل به سرمایه‌گذاری باشند. در شرایط کنونی باید چاره‌ای اندیشیده شود که محله‌های کهن شهری از منابع اصلی خود بهره‌برداری و استفاده کنند. شهرکرد مرکز استان چهار محال و بختیاری دارای بافت فرسوده‌ای در حدود ۴۲ هکتار است. با اینکه عناصر تاریخی زیادی که ارزش تاریخی داشته باشند در این ناحیه دیده نمی‌شود ولی به هر حال در چند دهه گذشته تقریباً اقدام مؤثری در این ناحیه صورت نگرفته و بافت به حالت متروک و فرسوده درآمده است. در سه یا چهار سال اخیر مدیران شهری به خصوص شهرداری، سازمان نوسازی و بهسازی شهری و میراث فرهنگی این شهر با تعامل چندسویه در بافت فرسوده دست به اقداماتی زده‌اند که در بردارنده آموزه‌های فراوانی است. جدا از مثبت یا منفی بودن این تجربه‌ها اقدامات انجام

بسیاری از شهرهای کشور ما با پدیده فرسایش محله‌های شهری مواجه‌اند. نمود عینی این فرسایش افت زندگی اجتماعی در این محله‌هاست. عوارض فرسایش به صورت نیمه‌متروک و متروک شدن بناها، مسکن‌های نامناسب و ناپه‌نجان و نزول کیفیت‌های اجتماعی - اقتصادی پدیدار می‌شود. قسمت عمده این فضاها که گذشته تاریخی زندگی اجتماعی گروه‌هایی را بر خود حمل می‌کنند، با گذشت زمان بالندگی خود را از دست داده و دستخوش فرسودگی شده‌اند، و این فرایند شهرها را از درون می‌پوساند. برای پدیده پوسیدگی موجود و فرایندی که در گذر زمان سبب نابسامانی محله‌های شهری قدیم می‌شود، دلایل بسیار آورده می‌شود. به هر صورت در پی تحول در شیوه زندگی و سکونتگاه‌های کنونی، به خصوص در پی تغییر نیاز به خدمات گوناگون و نیازهای حاصل از تحولات در طی زمان - از جمله نیاز به زیرساخت‌های حمل و نقل، دسترسی به تأسیسات و تسهیلات و نظایر اینها برای زندگی - محله‌های کهن و قدیمی شهری به دلیل وفق نیافتن با شرایط جدید، دچار چنین روندی می‌شوند. جلوگیری از گسترش این محله‌ها و از بین بردن معضلات در آنها ضرورتی شناخته شده و گریز ناپذیر است. روش‌های از میان بردن ناکارآمدی و نارسایی این محله‌ها مانند هر فعالیت دیگری باید بر شالوده شناخت علمی و نظام‌مند مبتنی باشد. آسیب شناسی پوسیدگی محله‌های شهری کمک می‌کند تا دلایل



حفظ عناصر تاریخی در بافت فرسوده شهر در زمان نوسازی

گرفته برای احیای زندگی در بافت فرسوده شروع تحولی اساسی است. این نوشتار در پی معرفی، بررسی و تجزیه و تحلیل این اقدامات بر روی شهرکرد است.

شهرکرد و ناحیه فرسوده و کهن شهری

شهرکرد که در حاشیه دشتی حاصلخیز شکل گرفته است ابتدا روستایی به نام دهکرد بوده ولی در طول قرون گذشته تحت تأثیر تحولات سیاسی کشور به ویژه مناطق همجوار زمانی رشد و آبادانی و گاهی خرابی و ویرانی را شاهد بوده است. این شهر در دوره تسلط حکام مغول رو به ویرانی رفت و در زمان حکومت اتابکان لرستان فارس و سلسله صفویه به شکوفایی چشمگیری دست یافت. در این دوره ساختمان‌هایی چون مسجد اتابکان، امامزاده دو معصوم و گرما به درب امامزاده بر پا گردیدند. در دوره صفویه و با پایتخت شدن اصفهان، این منطقه با توجه به شرایط اقلیمی خاص مورد توجه قرار گرفت. در طول دوره قاجار به رغم ضعف شهرسازی نسبت به دوره‌های قبلی، شهرکرد به دلیل ازدیاد جمعیت گسترش یافت که این گسترش به دلیل کوهستان‌های واقع در شمال و زمین‌های کشاورزی جنوب شکل خطی و عمدتاً شرقی - غربی به خود گرفت. تا اواخر حکومت قاجار به محله‌های نمدمال‌ها، آسیاب بالا، سید آقا بزرگ و جلوخان به شهر اضافه شدند، با شروع حکومت پهلوی و تحولات اداره مملکت، زندگی یکجا نشینی در ایلات اجباری گردید و به این ترتیب رشد و توسعه شهر سرعت زیادی به خود گرفت.

محله‌ها در گذشته تاریخی خود باقی مانده‌اند. این امر به خصوص توأم با عدم سرمایه‌گذاری دولتی در بافت قدیم و ارائه خدمات جدید در بافت جدید شهر و همچنین عدم امکان دسترسی سواره به عمق بافتی که قبل از پیدایش وسایل نقلیه جدید شکل گرفته بود، به افت کیفیت کالبدی بافت انجامیده و سبب شده است که ساکنان قدیمی بافت نسبت به آن ارزیابی منفی داشته باشند. این مسئله به روند برون کوچی فرزندان و جوانان خانواده‌های قدیمی ساکن بافت دامن زد و با جایگزینی مهاجران روستایی و عشایر، دگرگونی اجتماعی بافت را فراهم ساخت. ساکنان جدید وابستگی عمیقی به بافت نداشتند و به سرمایه‌گذاری در آن هم علاقه نشان نمی‌دادند. در نتیجه نوسازی تدریجی و سلول به سلول بافت که می‌توانست مانع اضمحلال آن شود متوقف مانده و به این ترتیب کالبد بافت رو به فرسایش نهاده است. افزون بر اینها اتصال ضعیف میان دو بافت جدید و قدیم نیز به شکنندگی عملکردی بافت قدیم منجر شده است.

در سه دهه اخیر با ساخت و سازهای سه و چهار طبقه در قسمت شمال شهر فضاهای مسکونی از جنوب به شمال شهر تراکم بیشتری یافته است.

از نظر تحولات جمعیتی در چند دهه اخیر جمعیت شهرکرد رشد ناگهانی داشته، به طوری که جمعیت این شهر از کمتر از سه دهه به ۱۲۰ هزار نفر در سال ۱۳۸۱ رسیده است. این جمعیت در سطحی معادل ۴۳۸۸ هکتار سکونت گزیده‌اند، اما محدوده‌ای که ساخت و سازهای شهری در آن توسعه یافته‌اند حدود ۱۴۸۰ هکتار است.



حفاظت بناهای تاریخی در وسط میدان طراحي شده در بافت فرسوده

این رقم بیانگر تراکم جمعیتی ۲۷ نفر در هکتار است. هسته اولیه شهرکرد در محله امامزاده بوده است. این محله در زمان حاضر در جنوب خیابان ملت، بین خیابان‌های ولی عصر و فردوسی واقع شده است. این ناحیه از شهر که بافت قدیمی شهر نامیده می‌شود، حدود ۴۲ هکتار است. در این محدوده فقط چند عنصر تاریخی از جمله امامزاده دوخاتون، حمام اتابکان، بازارچه و

مشکلات بافت قدیم منحصر به شهرکرد نیست و در بسیاری از شهرهای سنتی کشور که سابقه سکونتگاهی بلندمدت دارند به چشم می‌خورند. از جمله عوامل ایجادکننده مشکلات بافت‌های تاریخی، توسعه بی‌برنامه این شهرهاست. در مورد شهرکرد، گسترش لگام گسیخته شهر در سمت شمال، به تدریج از مرکزیت کالبدی و عملکردی محله‌های قدیم کاسته است، به طوری که این

مسجد اتابکان وجود دارد و بقیه ناحیه به صورت فرسوده و با مداخلاتی اتفاقی همراه است. در اواسط دوره قاجاریه شهرکرد (دهکرد سابق) از دو محله عمده تشکیل می‌شد. این محله‌ها که به نام‌های محله بالا و محله پایین معروف بودند، به وسیله شریان‌های نسبتاً پیچیده‌ای با مرکز شهر (امامزاده) ارتباط داشتند. تا قبل از دهه چهل در سطح دهکرد هشت محله وجود داشت. این محله‌ها عبارت بودند از محله در امامزاده که به بازار نیز معروف بوده است، محله چهار کارخانه، محله مسجد سید آقا بزرگ، محله جلوخان، محله مسجد جامع یا محله مسجدخان، محله ابومحمد، محله آسیاب بالا و محله نمدمالان.

محله در امامزاده (بازار) مرکز ثقل شهر محسوب می‌شود. وجود مراکزی چون امامزاده دو معصوم (دو خاتون)، مسجد اتابکان و حمام باعث شده است که این محله از همان ابتدا به عنوان کانونی مذهبی و همچنین به عنوان مرکز تجاری شهر مطرح باشد. بافت فیزیکی این محله دارای پیچیدگی خاصی است و معابر پریچ و خم عمدتاً به دلیل فرسایش تخریب شده، ولی در طول سال‌های اخیر بعضاً بازسازی گردیده‌اند. با احداث معابر جدید در حاشیه این محله بخش‌هایی از آن در محله‌های مجاور ادغام شده‌اند و معابر جدید که عملکرد تجاری به خود گرفتند به عنوان کانون مبادلات تجاری شهر تثبیت گردیدند.

در زمان حاضر بافت فرسوده و کهن شهری متعلق به افراد کم‌درآمد و متوسط به پایین این شهر است. خیابان ملت فعلی تا حدود سال های ۱۳۳۰ کوچه‌ای خاکی و کم‌عرض بود و فقط تا کوچه مسجد خان ادامه داشت. در همین سال‌ها این کوچه تعریض شد و تاجایی که اکنون میدان فردوسی نامیده می‌شود امتداد یافت. با تخریب منازل مسکونی فرسوده در این قسمت مغازه‌هایی در دو طرف این خیابان به وجود آمد که در طول مسیر به بازار شهر متصل می‌شدند. در میان این بافت بجز تغییرات ذکر شده و چند تغییر دیگر تا ۲ یا ۳ سال گذشته بافت شهرکرد به فرم سابق و بدون ساماندهی و بهسازی در حال تخریب و جابه‌جایی جمعیت بود.

طرح مداخله در بافت فرسوده شهرکرد

با توجه به ویژگی‌های شهر و تغییرات کالبدی آن در دهه‌های گذشته، ناحیه کهن شهرکرد با افت کالبدی، اجتماعی و اقتصادی همراه بوده است. این وضعیت مدیران شهری را به دخالت کردن در این ناحیه مجبور ساخت. این ناحیه در چند دهه گذشته با از سر گذراندن مراحل اکولوژیکی شهری از پویایی اجتماعی، اقتصادی بازماند و کالبد آن نیز بدین ترتیب فرسوده و متروکه شد. مدیران شهری شهرکرد، به خصوص شهرداری و سازمان بهسازی و نوسازی شهری، با تشخیص چالش‌های فراروی ناحیه، طرح راهبردی‌ای برای بهسازی و نوسازی بافت قدیم شهرکرد تدوین کرده‌اند. اهداف و اصول طرح راهبردی که در قالب آن طرح معماری شکل گرفته، عبارت است از ایجاد یک منطقه فعال شهری از نظر اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی؛ پیوند دو عنصر امامزاده و مسجد جامع به عنوان مهم‌ترین عناصر فرهنگی، مذهبی تاریخی شهر؛ توجه به هویت کالبدی بافت قدیم شهر؛ اهمیت دادن به هسته اولیه شهر، اهمیت دادن به محورهای پیاده، حفظ و تقویت عملکرد غالب تجاری در محدوده طرح؛ جایگزینی فضاهای تجاری سازمان یافته به

جای تجاری‌های فرسوده و نابسامان؛ و نظایر اینها. به طور کلی احیا در مفهوم بازگرداندن زندگی اجتماعی - اقتصادی، در بافت فرسوده شهرکرد شامل اقدامات زیر است که اکنون در حال انجام‌اند:

۱- احداث میدانی شبیه میدان نقش جهان اصفهان: برای هماهنگ کردن عناصر مذهبی، فرهنگی، تجاری از جمله وجود مسجد اتابکان در وسط میدان، امامزاده دوخاتون و حمام در قسمت

احیا به مفهوم بازگرداندن زندگی در محله‌های قدیمی، پیش از هر چیز مستلزم رفع موانع قانونی فعلی از یک سو و توانمندسازی مردم محله به معنای واگذاری اختیارات لازم برای تصمیم‌گیری و ایجاد تشکلهای اجرایی، فراهم آوردن خدمات مشاوره‌ای بر نامه‌ریزی و طراحی و نیز اقدام شهرداری منطقه در رفع معضلات کالبدی - اجتماعی محله و ایجاد تسهیلات لازم از سوی دیگر است

غرب میدان، حوزه علمیه در قسمت شمال شرقی میدان و مراکز تجاری دو طبقه در اطراف و در دیگر قسمت‌های میدان. به عبارت دیگر، با تملک تمام اماکن اطراف عناصر تاریخی، احیا و تجاری کردن این ناحیه شهری و طراحی میدان سعی در ایجاد تحول در قیمت زمین و در پی آن تغییر در کالبد کل بافت است. اکنون قسمت عمده این مداخله در بافت اجرا شده است، به طوری که مهم‌ترین قسمت کار در این ناحیه - که تملک زمین بوده - اتمام یافته و بال جنوبی میدان که به مراکز تجاری اختصاص دارد احداث شده است (ن.ک. نقشه طرح ۳/۶ هکتاری بافت فرسوده).

کل این محدوده حدود ۳/۶ هکتار وسعت دارد. به طور کلی هدف پیوستگی و هماهنگی در عملکرد تجاری، فرهنگی، مذهبی و تاریخی محدوده است. این اقدام به طور محسوس باعث تغییر قیمت زمین در بافت فرسوده شده است. مدیران این مجموعه برای پویایی اقتصادی، اجتماعی و کالبدی محدوده، به چند کارکردی کردن این ناحیه شهری روی آورده‌اند. در قسمت‌هایی از این مجموعه نیز بر اثر تغییر قیمت زمین ساخت‌وسازهای ۳ و ۲ طبقه شروع شده است، که با توجه به فرسودگی کل بافت بسیار ضروری می‌نماید.

فضاهای تجاری احداث شده در طرح از یک سو جایگزین واحدهای تجاری نابسامان موجود در طرح می‌شوند و از سوی دیگر بدنه‌های میدان را هم تعریف کرده‌اند. بنابراین، این میدان از طریق محور فرهنگی و تاریخی، بافت قدیم شهرکرد را با مسجد جامع و دروازه فارسان و همچنین با کل شهر مرتبط می‌سازد. هماهنگی این فضاها در قالب احیای بازار و مراکز تجاری برای حضور هر چه بیشتر انسان در ناحیه تاریخی معنا پیدا کرده است. همین حضور انسان در ناحیه فرسوده رونق اقتصادی و در ادامه آن رونق اجتماعی را در پی داشته است. ثمره نهایی این مداخلات بازگرداندن زندگی اجتماعی به ناحیه فرسوده شهر است.

۲- احداث بازار میلا و بازار شهرداری: بازار میلا در زمینی به مساحت ۶۰۰ متر مربع و مشتمل بر ۴۰۰ واحد تجاری و یک

پارکینگ در زیرزمین و فضاهای عمومی و باز در دو طبقه احداث شده است. از مشخصات بارز این پروژه اتصال ۳ محور اصلی در بافت قدیم و تجاری شهر (خیابان های ۱۲ محرم - ملت و سعدی) به یکدیگر و همچنین خروج قسمت عمده‌ای از بافت فرسوده از انزوا و فرسودگی است. برآورد مالی احداث کل پروژه در حدود ۱۶ میلیارد ریال است. هزینه احداث پروژه بیشتر با مشارکت بخش خصوصی تأمین شده است، به این طریق که با پیش خرید واحدهای تجاری در طبقه اول هزینه ساخت کل مجموعه به دست آمده است. هم‌اکنون با پیشرفت حدود ۸۵ درصد کل کار در حال واگذاری واحدهای تجاری به خریداران هستند. علاوه بر این بازار، در ضلع جنوب غربی بافت فرسوده، شهرداری با احداث پاساژ چهار طبقه‌ای دیگر که ابتدا کاربری آن تجاری در نظر گرفته شده بود نیز سعی در رونق بافت فرسوده کرده است. هر چند به دلیل مشکلات فروش واحدهای تجاری پاساژ با مشکل مواجه گردیده است، ولی ساخت و سازهای این چنینی در این بافت به یقین سبب تحول در ساختار اجتماعی - اقتصادی ناحیه فرسوده و کهن شهر کرد شده است.

علیرضا توکلی، شهردار پیشین و عضو شورای شهر دوره گذشته، آینده ناحیه فرسوده شهر کرد را در پی این مداخلات چنین پیش بینی می‌کند: «به نظر می‌رسد با اقدامات انجام شده می‌توان با اطمینان گفت که تا حداکثر ۱۰ سال آینده بافت فرسوده و قدیمی شهر کرد بافتی کاملاً مطمئن و قابل شناسایی و متمایز از بافت‌های مختلف با ویژگی‌هایی چون رونق و فعالیت خواهد شد. این امر محصول تعامل بین شهرداری، مردم و سازمان عمران و نوسازی است. اگر مردم اعتماد نمی‌کردند، بافت از فرسوده به مخروبه تبدیل می‌شد».

۳- پارکینگ طبقاتی: این پارکینگ رو به روی مرکز تجاری یا پاساژ میلاد و در کنار خیابان ۱۲ محرم و ملت احداث می‌شود. زیربنای این پارکینگ ۳۵۰۰ متر مربع است که در ۵ طبقه احداث می‌گردد. تملک این طرح انجام شده و اکنون در مرحله خاکبرداری و شروع ساخت و ساز است. از آنجا که با رونق بخشی تجاری در بافت فرسوده شهر کرد در آینده نزدیک حجم ورود ماشین به این ناحیه شهری زیاد خواهد شد، احداث این پارکینگ در کنار بازار میلاد و بین خیابان‌های ۱۲ محرم و ملت ضروری است. هزینه اجرای کل این پروژه حدود ۱۰ میلیارد ریال برآورد شده است.

۴- احیای محور فرهنگی در بافت فرسوده و قدیمی: بافت قدیمی شهر کرد در گذشته و حتی تاکنون محور رفت و آمد روستاییان و عشایر شهرستان و استان برای برآورد کردن نیازهای تجاری، فرهنگی و مذهبی بوده لیکن این محور اکنون فعالیت خود را با توجه به فرسودگی کالبدی و اقتصادی از دست داده است. بر این اساس با نوسازی این محور و ارتباط دادن دوباره عناصر تاریخی در آن (بازار، مسجد، حمام، امامزاده، و مدرسه علمیه) فعالیت گذشته آن مجدداً تقویت شده است (این اقدام به صورت یک محور در نقشه مشخص گردیده است).

تأثیر اقدامات مدیران شهری بر روی ناحیه فرسوده و کل شهر کرد
واقعیت این است که مداخله در بافت‌های فرسوده و کهن با توجه

به چالش‌های حقوقی مالکیت زمین و مسکن در این نواحی، مشکلات قانونی میراث فرهنگی و تأکید بیش از اندازه بر حفظ برخی بناهای فرسوده، افت زندگی اجتماعی در این محله‌ها، هزینه بالای مداخله و مسائلی از این قبیل مشکل است. علاوه بر این، تاکنون نگاه مدیران به نواحی فرسوده با وجود تک عناصر تاریخی حفاظت از تک بناها در بافت‌های تاریخی بدون توجه به احیای محله‌های تاریخی بوده، که این شیوه کارآمدی لازم را نداشته است.

راه حل‌های اصلی در مقابله با فرسودگی این محله‌ها گسترش مزیت مکانی، چاره سازی برای تحول در قیمت زمین، گسترش خدمات عمومی برای زندگی اجتماعی و جلوگیری از جدایی گزینی اجتماعی، اقتصادی در آنهاست. در شهر کرد در شرایط کنونی با توجه

از آنجا که محله‌های کهن شهری اغلب دستخوش فرسودگی مکانی نسبی اند، جابه جایی اکولوژیکی در پی افات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در آنها رخ می‌دهد. بدین صورت پویایی زندگی اجتماعی در آنها به دلیل سطح پایین مزیت‌های اقتصادی افات می‌کند

به تجربه نوسازی در بافت فرسوده تأثیرات مثبت بازگرداندن زندگی اجتماعی، اقتصادی به ناحیه تاریخی محسوس است؛ ولی تا احیای کامل این ناحیه برنامه‌ریزی و سرمایه بیشتری را طلب می‌کند. موفقیت این امر در گرو هماهنگی مدیران شهری در نهادهای مختلف، از جمله شهرداری، شورای شهر، سازمان عمران و نوسازی و میراث فرهنگی و جز اینهاست. مدیران شهری - و به عبارت دیگر، مدیریت باززنده سازی بافت فرسوده شهر کرد - با تزیین کردن کاربری تجاری به ناحیه فرسوده به هدف اصلی خود که همان تحول در قیمت زمین در این ناحیه برای رونق اقتصادی بافت بوده است رسیده‌اند. در عین حال این راه حل‌ها مسئله‌هایی جدی را نیز مطرح می‌کنند که عبارت‌اند از:

- به نظر می‌رسد گسترش سرانه تجاری تا مرز ۶ متر (به گفته مدیران شهری) در شهر کرد، سبب به پایان آمدن ارزش کارکرد این نوع کاربری در شهر شود.

- در مورد تملک منازل مسکونی در این ناحیه گفتنی است که مدیران پروژه هیچ راه حلی برای مسکن ساکنان کم درآمد و آسیب پذیر ناحیه ارائه نکرده‌اند. به عبارت دیگر به نظر می‌رسد که ساکنان این ناحیه به ناچار در پی شکل دادن به محله‌های شبیه به این ناحیه فرسوده در شهر کرد باشند. این واقعیت تجربه ای تکرار شدنی در مداخلات در بافت‌های فرسوده است.

مستقیم ترین روش مقابله محله‌های فرسوده شهری تخریب و سپس نوسازی آنهاست. معمولاً دولت و مقامات محلی برای تخریب و نوسازی واحدهای مسکونی پست واقع بر روی زمین‌های پرارزش شهری که مراحل اکولوژیکی را نیز از سر گذرانده‌اند، و یا در جوار آثار و ابنیه تاریخی واقع شده‌اند، اشتیاق زیادی از خود نشان می‌دهند؛ اما باید دانست که عملیات تخریب و نوسازی پیامدهای گسترده‌ای دارد. یکی از این پیامدها شتاب گرفتن آهنگ فرسایش سایر محله‌های شهر است. اجرای هر پروژه نوسازی با هدف تخریب



بافت فرسوده شهر و لزوم مداخله و بهسازی

اقتصادی).

– جلب کردن اعتماد مردم در دو جهت: جلب مشارکت در سرمایه گذاری برای نوسازی بافت فرسوده، و جلب اعتماد مردم به خصوص ساکنان بافت فرسوده برای همکاری با سازمان‌های مجری در احیای کالبدی و اقتصادی.

– احداث میدان و هماهنگی کارکردی در بافت فرسوده بین تک عناصر تاریخی، یعنی بین مسجد اتابکان، امامزاده دو خاتون، حوزه علمیه و مراکز تجاری.

– احیای محور فرهنگی مجموعه بافت فرسوده و قدیمی با طرح‌ریزی خیابان‌ها و کوچه و هماهنگ کردن این محور با نیازهای امروزی ساکنان.

– احیای بافت فرسوده به خصوص از حیث کالبدی، اقتصادی و خروج این بافت از ناحیه‌ای منزوی و در حال تخریب به مرکز و محور اصلی تجاری شهر.

– استفاده از بخش خصوصی و بانک‌ها در نوسازی بافت فرسوده. – هماهنگی در مدیریت اجرای پروژه، چرا که اجرای نوسازی در بافت قدیم و فرسوده همکاری سازمان‌های ذی‌ربط از جمله سازمان میراث فرهنگی، شهرداری، سازمان عمران و نوسازی و مانند اینها را به صورت جدی می‌طلبد.

– شروع حل مشکل قانونی و حقوقی مالکیت زمین و ساختمان در ناحیه فرسوده و قدیمی شهر.

– ساماندهی به ترفیق سرگردان و نامنظم بافت و شروع طرح‌ریزی خیابان‌ها و کوچه‌ها برای پاسخ به نیاز رفت و آمد سواره و پیاده در ناحیه فرسوده و قدیمی شهر.

– گشایش فضای عمومی تجاری – فرهنگی در بافت به عنوان شش شهری در ناحیه‌ای که فرسودگی اقتصادی، اجتماعی، کالبدی در آن مانع حضور مردم در طول روز می‌شود.

– افزایش فعالیت‌ها در ناحیه قدیمی و فرسوده شهر، به طوری که به عنوان مثال میزان فعالیت تجاری از ۶ تا ۷ ساعت در طول روز، به ۸ تا ۱۰ ساعت در روز افزایش یافته است.

– زیبا سازی و تغییر در چشم انداز شهری، از بافت فرسوده به

واحدهای مسکونی فرسوده تعداد زیادی از جمعیت ساکن در این محله را که از حیث اقتصادی و اجتماعی جزء دهک‌های درآمدی پایین جامعه‌اند، بی‌خانمان می‌کند. بی‌خانمانان ناگزیرند جای جدیدی بیابند، اما چون معمولاً توان مالی کافی برای خرید یا اجاره واحدهای مسکونی مناسب (یا نسبتاً مناسب) را ندارند، ناگزیر می‌شوند مسکن و یا واحدهای تجاری نامرغوب و پست دیگری برای خود دست و پا کنند. به این ترتیب در حالی که ذخیره مسکن مناسب مطابق شرایط ساکنان این محله‌ها پایین آمده است، تقاضا برای آن افزایش می‌یابد. نتیجه ضمنی این امر افزایش سهم نسبی هزینه مسکن و واحد تجاری مورد نیاز در سبد کل هزینه‌های گروه‌های کم درآمد است.

واقعیت امر این است که نتیجه نهایی تخریب درست مثل بستن مالیات بر فقرا و پرداخت یارانه به اغنیاست. در تجربه شهر کرد از آنجا که سیاست تخریب واحدهای مسکونی و تجاری فرسوده پیگیری می‌شود، لازم می‌آید که پیش از تخریب، چاره‌ای برای کسانی که بی‌خانمان خواهند شد اندیشیده شود. در این مورد می‌توان سیاست‌های چندی را اعمال کرد، همچون:

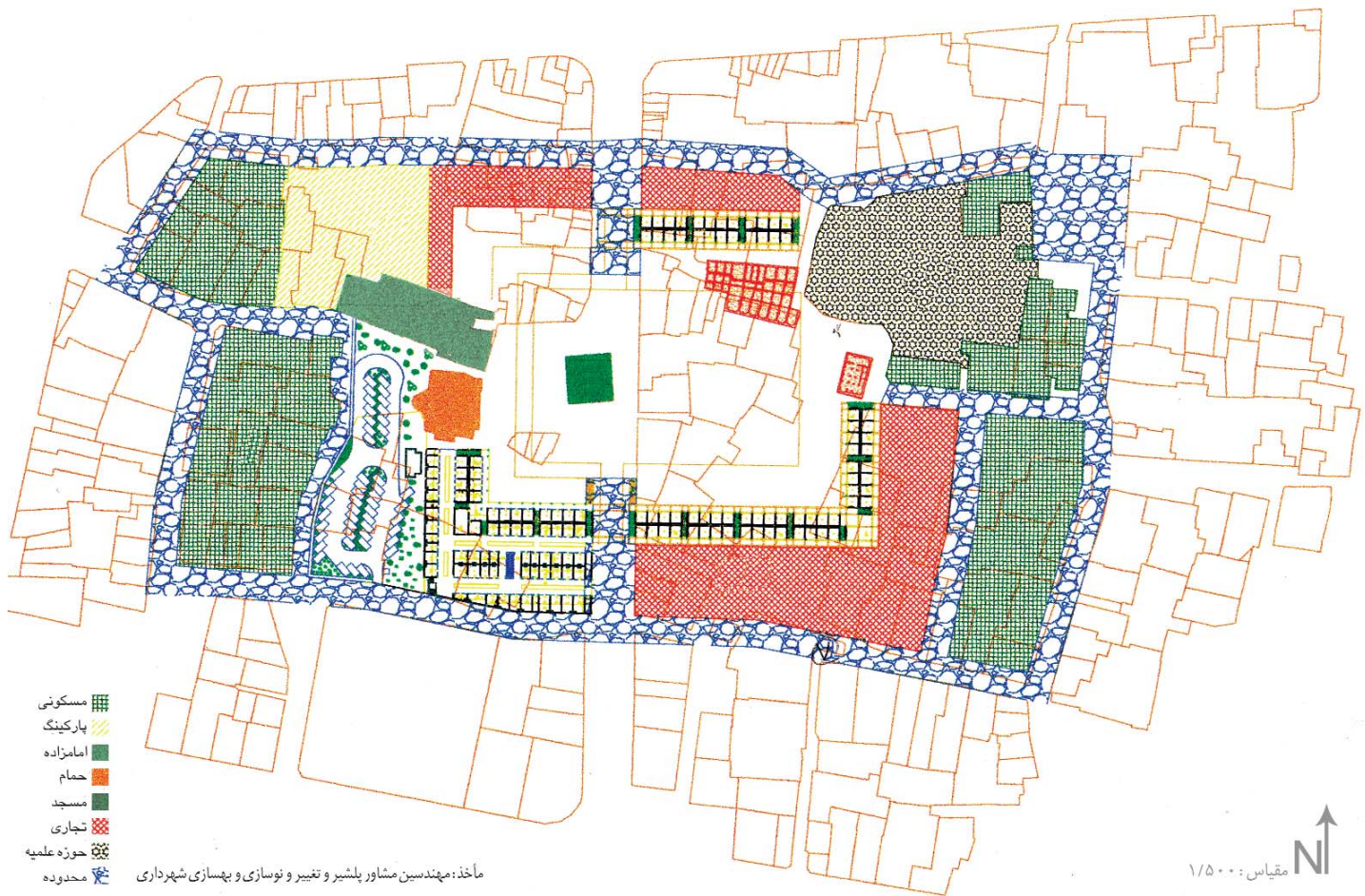
– تولید مسکن ارزان قیمت در بافت‌های خالی شهر و انتقال خانوارهای ساکن محله‌های فرسوده به آنجا، و سپس تخریب محله‌های فرسوده و نوسازی آنها؛

– ایجاد مسکن با توجه به شرایط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در همان ناحیه تاریخی و استفاده از تسهیلات بانکی در این زمینه؛ – تأمین مسکن استیجاری و انتقال خانوارهای ساکن این محله‌های فرسوده به آنجا و در صورت لزوم پرداخت یارانه اجاره به آنها؛ و

– در پیش گرفتن خط مشی برای کاهش مشکلات محله‌های فرسوده و کهن شهری همزمان با نوسازی و تجاری کردن این نواحی.

نکات مثبت و آموزنده پروژه

– بالا رفتن ارزش اقتصادی زمین در بافت فرسوده (احیای



مقیاس: ۱/۵۰۰

طرح ۳/۶ هکتاری بافت قدیم و فرسوده شهر کرد

مدیران مجموعه بیشترین تلاش را در گسترش کاربری تجاری با توجه به سوددهی آن در ناحیه دارند. بدین ترتیب سرانه این کاربری در شهر بالا می‌رود و به نظر می‌رسد که هزینه خریداری واحدهای تجاری، از درآمدهای حاصل از آن بیشتر باشد، همین امر سبب ضرر رساندن به منابع مالی سرمایه‌گذاری شهروندان می‌شود.

احیا در بافت فرسوده مستلزم بازگرداندن زندگی اجتماعی در

این ناحیه در چند دهه گذشته با از سر گذراندن مراحل اکولوژیکی شهری از پویایی اجتماعی، اقتصادی، بازماند و کالبد آن نیز بدین ترتیب فرسوده و متروکه شد

ناحیه تاریخی و قدیمی شهر است. این امر در گرو بالا بردن همه کاربری‌های مورد نیاز برای زندگی اجتماعی در محله‌های شهری است. در این میان کمبود کاربری‌های عمومی - به خصوص کاربری فضای سبز، آموزشی، فرهنگی - محسوس است.

در اطراف میدان طراحی شده صاحبان مغازه‌ها اکثراً مستأجرند و با پرداخت اجاره بهای متوسط و کم به فعالیت می‌پردازند. با تملک کردن واحدهای تجاری کنونی و طرح ریزی و سپس نوسازی آنها، اجاره بها و قیمت تملک واحدهای تجاری نیز به طور محسوس بالا خواهد رفت. در نتیجه شاغلان و صاحبان این رده شغلی در آینده

بافتی با ویژگی‌های زیبایی‌شناختی روز و گشایش دید و منظر، طراحی مبلمان شهری و حضور معماری امروز در کنار معماری سنتی.

نکات منفی پروژه، به خصوص در تأثیرگذاری بر شهر

عدم توجه به نیاز مسکن ساکنان ناحیه فرسوده و قدیمی شهر: زمانی که منازل مسکونی و واحدهای تجاری برای نوسازی تملک می‌شوند، هیچ برنامه‌ای برای سکونت‌گزینی جدید ساکنان در نظر گرفته نمی‌شود. این عامل با توجه به توانایی اقتصادی ساکنان این محله‌ها سبب تقاضای بالا برای مسکن ارزان قیمت می‌شود، در حالی که میزان عرضه این نوع مسکن به خاطر تملک‌ها و تخریب در بافت فرسوده و قدیم شهری (که مسکن ارزان قیمت دارد) کم می‌شود. این روند سبب بالا رفتن سهم هزینه مسکن در سبد اقتصادی خانوارهای فقیر و ساکن در محله، بافت فرسوده و قدیمی می‌گردد.

با توجه به آنکه عمده فعالیت‌های فضای قدیمی و بازار تجاری ناحیه فرسوده و قدیمی متعلق به روستاییان و عشایر است، با نوسازی و گران شدن فضا در این ناحیه حضور روستاییان و عشایر کمتر می‌شود، چرا که به حتم نوع کالاها عرضه شده در آینده نزدیک در پاساژها لوکس‌تر از حد نیاز خریداران قدیمی خواهد بود. به خصوص با ورود معماری و ساخت و سازهای جدید در این مجموعه، فعالیت عشایر و روستاییان محدوده مذکور با هزینه زیاد همراه خواهد بود.

ناچار به پرداخت هزینه اجاره بهای بیشتری خواهند بود. از جهتی با تولید انبوه واحدهای تجاری میزان عرضه آن نیز بالا می‌رود و این خود سبب کم شدن درآمد صاحبان مغازه‌ها می‌شود؛ در حالی که اجاره بها و قیمت خریداری واحدهای تجاری بالا رفته است.

به نظر می‌رسد با اقدامات انجام شده می‌توان با اطمینان گفت که تا حداکثر ۱۰ سال آینده بافت فرسوده و قدیمی شهر کرد بافتی کاملاً مطمئن و قابل شناسایی و متمایز از بافت‌های مختلف با ویژگی‌هایی چون رونق و فعالیت خواهد شد. این امر محصول تعامل بین شهرداری، مردم و سازمان عمران و نوسازی است

پیشنهادهای و نتیجه‌گیری

اقتصاد سه دهه گذشته شهر کرد وابستگی زیادی به اقتصاد روستایی داشته و اضافه محصول کشاورزی و دامپروری روستاییان و عشایر نقش مهمی در تحرک اقتصادی شهر داشته است. با فعالیت بیشتر دولت و خدماتی شدن شهر، اکنون باز عملکردهای تجاری و خدماتی جمعیت عشایر و روستاییان در این شهر تأثیر می‌گذارد. بخش عمده فعالیت این گروه در ناحیه قدیمی شهر انجام می‌شود. موقعیت این ناحیه شهری در سر راه روستاها و عشایر و خصلت دروازه‌ای آن باعث شده است که همچون ورودی اصلی شهر تلقی گردد. وجود مراکز زبارتی و مراکز نیایشی چون مسجد و سنت‌های دیر پا نیز از عواملی اند که ناحیه قدیمی شهر را به خصوص در اطراف امامزاده دوختون توان اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خاص بخشیده است.

ولی در طی دو دهه اخیر با رشد یکباره شهر و یکجانشینی عشایر و کم شدن حجم جمعیتی روستاها، مرکز مورد بحث دچار فرسودگی کالبدی و اقتصادی شده است، به طوری که مراحل اکولوژیکی شهری با جدایی‌گزیی اقتصادی، اجتماعی در این ناحیه کهین شهری همراه بوده است. مدیریت شهر کرد در مواجهه با این مسئله با مداخلات گوناگون سعی در باز زنده سازی این ناحیه شهری کرده است. هدف عمده بازگرداندن زندگی اجتماعی در این ناحیه شهری است. به طور خلاصه می‌توان گفت گذشته از اینکه امامزاده دوختون و محدوده اطراف آن از لحاظ تاریخی هسته اولیه شهر بوده است، در زمان حاضر نیز با مداخلات صورت گرفته چه از نظر اقتصادی و چه از نظر فرهنگی (زیارتی) دارای نوعی خصلت مرکزیت در شهر و به ویژه برای بیشتر کسانی است که از روستاها و مناطق اطراف برای خرید و زیارت به شهر کرد می‌آیند. بنابراین می‌توان گفت که این ناحیه از لحاظ اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مرکز ثقل شهر کرد محسوب می‌شود و در زمان حاضر همچون مرکز شهر عمل می‌کند. لیکن این مرکز شهر با فرسودگی کالبدی، اقتصادی و بافت زندگی اجتماعی مواجه است. اهداف و اصول طرح راهبردی که طرح معماری در قالب آنها شکل گرفته عبارت است از: ایجاد یک

منابع:

- ۱- رضا زاده، راضیه و مصطفی عباس زادگان؛ «نگاهی به طرح حفظ، احیا و بازسازی بافت تاریخی سمغان»، مجله هفت شهر سازمان عمران و بهسازی، سال دوم، شماره چهارم، تابستان و پاییز ۱۳۸۰.
- ۲- چینی چیان، مرتضی؛ «تحلیل‌های اقتصادی فرسایش محلات شهری و سیاست‌های مناسب برای مبارزه با آن»، مجله هفت شهر سازمان عمران و بهسازی، سال دوم، شماره چهارم، تابستان و پاییز ۱۳۸۰.
- ۳- وحدتی اصل، ابوالقاسم؛ «سختی با خوانندگان، یادداشت، مجله هفت شهر، شماره اول، سازمان عمران و بهسازی، ۱۳۷۹».
- ۴- ریاحی، دهکردی، عظیمه؛ ساماندهی پیرامون حمام و امامزاده شهر کرد، سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۸۰.
- ۵- مهندسان مشاور پلشیر، گزارش اولیه تحلیل اقتصادی طرح بافت پیرامون امامزاده دوختون، ۱۳۷۹.

منطقه فعال شهری از نظر اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، پیوند دو عنصر امامزاده و مسجد جامع (به عنوان مهم‌ترین عناصر فرهنگی، مذهبی و تاریخی شهر)، توجه به هویت کالبدی بافت قدیم شهر کرد، اهمیت دادن به هسته اولیه شهر، تقویت عملکرد تجاری و جایگزینی مراکز تجاری نوساز به جای مراکز تجاری فرسوده، سازمان دادن عناصر تاریخی، نیایشی، مذهبی و فرهنگی به صورت طراحی یک میدان، احیای محور فرهنگی و هماهنگ کردن آن با نیازهای زندگی امروزی با روش طرح ریزی در بافت فرسوده برای تقویت کارکرد پیاده و سواره، تغییر در قیمت زمین برای احیای اقتصادی ناحیه فرسوده شهری، نوسازی ناحیه قدیم شهری به عنوان یک ناحیه مرکزی و مشخص، و نظایر اینها.

به هر حال تاکنون تأثیرات مداخله در بافت فرسوده در شهر کرد به صورت‌های زیر روی نمایانده است:

□ ممانعت از تبدیل بافت‌های همسایه به بافت‌های فرسوده از طریق احیای این ناحیه.

□ جلوگیری از افت قیمت زمین، زندگی اجتماعی و ارزش مبادلات تجاری و اقتصادی در ناحیه.

□ طراحی کاربری‌های جدید در بافت فرسوده و تبدیل کاربری‌های فاقد کارایی به کاربری‌هایی که نیاز زندگی شهری امروزه را جواب می‌دهند.

□ استفاده از مشارکت بخش خصوصی، بانک‌ها، استفاده از سرمایه‌های مردم در احیای زندگی اجتماعی.

با وجود تأثیرات مثبت در این مداخلات عدم توجه به مسکن ساکنان کم درآمد، عدم توجه به بالا رفتن سرانه زیاد کاربری تجاری، عدم توجه به کاربری‌های عمومی از جمله کاربری فضای سبز، فرهنگی و آموزشی، عدم مطالعه و نیازسنجی کل بافت به صورت هماهنگ و بی‌توجهی به نیاز اشتغال مستأجران واحدهای تجاری پس از تخریب و تملک، از تأثیرات منفی طرح است.

برای بازگرداندن زندگی و باز زنده سازی بافت قدیم و فرسوده شهر کرد در قالب نوسازی توجه به موارد زیر مؤثر است:

□ می‌بایست پیش از تخریب، برنامه‌ریزی برای کسانی که مسکن و خانه خود را در طرح نوسازی از دست می‌دهند چاره‌اندیشی شود. در غیر این صورت از یک سو عرضه مسکن فرسوده کاهش می‌یابد و از سوی دیگر ضریب تبدیل و تقاضا برای مسکن فرسوده افزایش پیدا می‌کند.

□ در مورد صاحبان واحدهای تجاری نیز برای مستأجران واحدهای تجاری که زندگی آنها با خرده فروشی در این بافت می‌گذرد، بایستی توجه شود که اینان پس از تخریب شغل خود را از دست ندهند، واگذاری دوباره یکی از راه حل‌هاست.

□ از آنجا که هدف بازگرداندن زندگی اجتماعی به بافت فرسوده است گسترش فضاها و کاربری‌های عمومی در این ناحیه شهری ضروری است.

□ با توجه به اینکه مساحت بافت فرسوده در شهر کرد حدود ۴۲ هکتار است، مطالعه پایه‌ای تمام ویژگی‌های اجتماعی، کالبدی، اقتصادی، معماری و فرهنگی برای نیازسنجی این فضای شهری، برای برنامه‌ریزی تمام بافت ضروری است.

کاربرد سنگ در فضاهای شهری*

غلامرضا پاسبان حضرت
کارشناس ارشد معماری

در ابتدا لازم است از دفتر تأسیسات و زیرساخت های سازمان شهرداری های کشور برای تلاش و پیگیری گسترده در زمینه اشاعه و توسعه کاربرد سنگ در شهرهای کشور تشکر شود. این اقدام بسیار مناسب و در جهت منافع ملی است؛ زیرا ایران کشوری است با دو ثروت در مقیاس جهانی: یکی نفت و دیگری سنگ که متأسفانه سنگ به نحو شایسته مورد بهره برداری قرار نگرفته و به ویژه در شهرهای کشور از آن استفاده نشده است. قبل از شروع صحبت لازم است اشاره ای مختصر به سابقه کاربرد سنگ در ساختمان ها، بدنه ها و فضاهای شهری در ایران و سایر کشورها بشود.

پیشینه کاربرد سنگ در گذشته جهان

شاید قدیمی ترین ساختمان بزرگ سنگی، هرم زوسر^(۱) در ممفیس^(۲) در مصر باشد که مدفن زوسر از سلسله سوم است. عمر هرم مذکور به حدود ۴۶۰۰ سال می رسد. در سراسر جهان باستان امپراتوری های بزرگ که مایل بودند بنیان امپراتوری خود را مستحکم نشان دهند تلاش می کردند که با ساختن بناها و فضاهای شهری از سنگ، آثار ماندگار به جای بگذارند.

■ مصریان با ساخت اهرام و مقابر متعدد نظیر مقبره رامسس^(۳) دوم، مقابر دره شاهان، معابد بزرگ کارناک^(۴)، لوکسور^(۵) و دیرالبحاری و نظایر آن توانایی خود را مطرح کرده اند.

■ یونانیان با ساخت آگوراها^(۶)، آمفی تئاترها، معابد - و از جمله



شیراز - تخت جمشید - کاربرد سنگ در دیوار، کف و ساختمان ها



شیراز - باغ فیض - معبر اصلی حرکت مردم - کاربرد سنگ محلی

معروف ترین آنها معبد پارتون^(۷) - بر فراز تپه آکروپولیس^(۸) در آتن همه ساله موجب تحسین میلیون ها بازدید کننده از این آثار می شوند.

■ امپراتوری روم نیز با ساخت شهرها، پل ها، بناهای تاریخی عظیم، کف سازی راه ها، استادیوم ها و از جمله بنای کولوسئوم^(۹) در روم نمونه های جالب توجهی از کاربرد سنگ را عرضه کرد.

■ آثار به جای مانده در کشورهای پیرامون مدیترانه نظیر سوریه از جمله قلعه حلب، قلعه صلاح الدین ایوبی، بازارهای مختلف و در لبنان قلاع و معابد متعدد از جمله معبد بعلبک، نمونه های مختلف کاربرد سنگ در ساختمان ها، قلاع و فضاهای عمومی در این منطقه است.

پیشینه کاربرد سنگ در ایران

در ایران علاوه بر تخت جمشید، مقابر امپراتوران هخامنشی (به صورت دخمه در کوه) و ساختمان های منفرد نظیر پاسارگارد، آتشکده ها و نظایر اینها از جمله های متعدد مهاجمان به کشور ما باقی مانده اند، که این نشان می دهد ایران در کاربرد سنگ تاریخی بیش از ۲۵ قرن دارد.

اما هجوم اعراب به ایران و نابودی اقتدار ایران موجب وقفه در استفاده از سنگ شد، زیرا به طور کلی وضعیت اقتصادی - اجتماعی ایران را دگرگون ساخت.

نخست آنکه جهان بینی کشور را از ماندگاری و پایداری به ناپایداری جهان تغییر داد. دوم، حکومت مرکزی مقتدر و با ثروتی که سفارش دهنده بناهای ماندگار باشد در ایران به جای نگذاشت. سوم آنکه وجود حکومت های ملوک الطوایفی و فقدان نگاه به آینده و هزینه بالای تهیه و حمل و نقل سنگ، کاربرد سنگ را محدود ساخت و استفاده از سنگ در ساختمان و محوطه ها با مشکل مواجه گردید؛ گرچه ایرانیان با کاربرد آجر تا حدودی این کاستی را جبران کردند.

کاربرد سنگ در یکصد ساله اخیر

در دوران سلسله قاجار توجه چندانی به کاربرد سنگ در بناها نمی شد ولی در دوران پهلوی اول بناهای سنگی متعددی در ایران



مصرف سنگ در فضاهای شهری هنوز در مراحل ابتدایی است و به رغم توانایی کشور ما در کاربرد سنگ و داشتن معادن متعدد و متنوع در کشور هنوز مصرف سنگ به خصوص در فضاهای شهری گسترش لازم را نیافته است.

برخی تجربیات شخصی در کاربرد سنگ در فضاهای

عمومی

من به عنوان معماری که طراح فضاهای شهری و باغهای عمومی نیز بوده‌ام، از حدود سه دهه قبل کاربرد سنگ را در ساختمان‌ها و فضاهای عمومی آغاز کردم. با مطالعه درباره مشکلات مصالحی که شهرداری‌ها و وزارتخانه‌ها در فضای شهری به کار می‌گرفتند، از جمله آسفالت، بتن، جداول بتنی، آجر و جز اینها، دریافتم که یکی از مصالح جایگزین و بسیار مطلوب در فضاهای عمومی سنگ طبیعی است. لذا در اولین پروژه باغ سازی خود (باغ جمشیدیه - تهران) در تمام اجزای پارک سنگ طبیعی را به کار گرفتم. احتمالاً این اولین پروژه کامل سنگی در پارک عمومی بوده است و پس از آن نیز در پروژه‌های دیگری از

ساخته شدند، که از جمله به ساختمان وزارتخانه‌ها، کاخ‌ها از جمله کاخ دادگستری و کاخ مرمر می‌توان اشاره کرد. در همین دوران سنگفرش کف خیابان‌ها و کوچه‌ها نیز گسترش یافت. در دوران پهلوی دوم هم ساختمان‌های متعدد سنگی به اجرا درآمد. به استثنای چند بنا نظیر آرامگاه بوعلی در همدان و مقبره نادرشاه در مشهد که سنگ به صورت کامل به کار برده شده، در بسیاری از ساختمان‌ها مانند بنای یادمان میدان آزادی، سنگ به صورت پوسته یا نما استفاده گردیده است.

امکانات کشور ما در تولید سنگ برای فضاهای شهر

اکنون مشخص شده است که تقریباً در تمام پهنه‌های این سرزمین یک یا چند نوع از انواع سنگ‌ها وجود دارد^(۱) و در برخی استان‌ها همه انواع سنگ‌ها که کرمان، خراسان، همدان، مرکزی، اصفهان، کردستان و برخی دیگر از آن جمله‌اند. برخی از شهرهای کشور نیز روی بستری از سنگ قرار گرفته‌اند که همدان و مشهد دو نمونه از این گونه شهرها هستند.



اقتصادی بودن کاربرد سنگ

سنگ یکی از اقتصادی‌ترین مصالح ساختمانی و محوطه در ایران است و یکی از زیباترین آنها. اقتصادی‌ترین بدان علت است که ما خود دارنده سنگ هستیم و معادن سنگ در تمام کشور پراکنده‌اند و نیازی به واردات نیست. قیمت سنگ با در نظر گرفتن عمر آن و مقایسه با سایر مصالح از جمله بتن بسیار ارزان‌تر است. به عنوان مثال، قیمت کف‌سازی سنگی با سنگ مکعب قیمتی حدود ۱/۵ تا ۲ برابر بتن دارد؛ در حالی که عمر آن دست کم یکصد برابر عمر بتن است.

کاربرد سنگ در فضاهای شهری کنونی

اکنون در بسیاری از کشورهای پیشرفته جهان از جمله کشورهای اروپایی به دلیل زیبایی و ماندگاری، از سنگ نه تنها در ساختمان‌ها بلکه در فضاهای شهری شهرها به صورت گسترده استفاده می‌کنند و کشورهایمانند آلمان سنگ را از سایر نقاط جهان - از جمله ایران - وارد و مصرف می‌کنند. سنگ نه تنها در ساختمان بلکه در کف‌سازی‌ها، جداول، مبلمان شهری شهرهای مختلف اروپا کاربرد رو به گسترشی دارد. متأسفانه در کشور ما





جمع بندی و پیشنهاد

تجربه سی ساله اخیر من در استفاده از سنگ به صورت گوناگون در فضاهای شهری حاکی است که:

اول - کاربرد سنگ فضاهای شهری را زیباتر و با کیفیت بالاتر نشان می دهد و حس پایداری و ماندگاری را به مردم استفاده کننده در فضاها القا می کند.

دوم - با در نظر گرفتن عمر مفید بتن و آسفالت و مقایسه آنها با عمر چندصدها ساله سنگ، کاربرد سنگ اقتصادی تر است.

سوم - کاربرد سنگ از نظر محیط زیست مناسب تر است، زیرا بتن و آسفالت همواره به عنوان نخاله و ضایعات به خارج شهر منتقل می شوند و اراضی و کشتزارهای پیرامون شهر را تخریب می کنند، در حالی که می توان حتی کوچک ترین قطعه سنگ را نیز مورد استفاده قرار داد.

چهارم - توسعه کاربرد سنگ به نفع اقتصاد ملی است، زیرا از کاربرد مصالح غیرمقاوم می کاهد و از تخریب طبیعت پیرامون شهرها جلوگیری می کند.

پنجم - لازمه عمر طولانی سنگ، کاربرد صحیح جزئیات آن است که بر حسب شرایط آب و هوایی، نوع و کیفیت سنگ، نحوه کاربرد آن در فضاهای شهری متفاوت است و می بایست در این زمینه کار بیشتری صورت گیرد.

برای تسهیل کاربرد سنگ به صورت گسترده در فضاهای شهری لازم است در زمینه های زیر اقدام و پیگیری شود:

- ۱- تبلیغ مناسب برای نشان دادن مزیت زیست محیطی و همچنین ارزانی سنگ نسبت به بتن و آسفالت و مصالح ناپایدار.
- ۲- تکمیل فهرست های بهای موجود و گرفتن تأییدیه قیمت از سازمان مدیریت برای تسهیل کاربرد سنگ با کیفیت بهتر به وسیله مهندسان معمار و پیمانکاران در طرح های عمرانی و غیر عمرانی.
- ۳- سرمایه گذاری شهرداری های بزرگ رأساً و یا با مشارکت بخش خصوصی در ایجاد کارگاه تولید سنگ مکعب، جدول و جز آن برای فرش معابر و فضاهای شهری.
- ۴- آموزش مناسب برای اجرای فنی سنگ به صورت پلاک، کوبیک، ریشه دار و جز اینها، و کاربرد زیبایی شناسانه در فضاهای شهری.

سنگ استفاده کردم. کاربرد کامل سنگ طبیعی در فضاهای عمومی با مشکلات بسیار همراه بود، زیرا همه کارفرمایان تصور می کنند که با استفاده از سنگ، پروژه گران تمام می شود. علاوه بر کارفرمایان و متخصصان فنی از جمله معاونت های عمرانی و مدیران فنی شهرداری ها نیز با کاربرد سنگ طبیعی مخالفت می کردند و حتی یکی از نمایندگان شورای شهر مشهد نطقی در مخالفت با کاربرد سنگ در پارک کوهسنگی مشهد و گرانی آن ایراد کرد؛ که البته پس از دریافت گزارشی مستند در مقایسه سنگ با سایر مصالح قانع شد. در طی این سه دهه با تلاش بسیار موانع کاربرد سنگ در فضاهای عمومی به تدریج برطرف گردید.

برخی از پارک ها و یا فضاهای شهری و مجتمع های تفریحی که اینجانب با سنگ کار کرده ام عبارت اند از:

- الف) باغ جمشیدیه، تهران، ۱۳۵۵-۱۳۵۷. کاربرد سنگ در دیوار کف، مبلمان، مجسمه، آبشار و جز آن.
- ب) باغ فردوسی، تهران، ۱۳۷۱-۱۳۷۵. کاربرد سنگ در کف، دیوار، ساختمان ها، مجسمه های سنگی بزرگ و مبلمان.
- پ) مجتمع فرهنگی - تفریحی کوهسنگی - مشهد، از سال ۱۳۷۵ تاکنون. کاربرد سنگ در کف (پلاک، کوبیک، ریشه دار)، در دیوار نقشه های برجسته.
- ت) پارک ساحلی، چابهار، ۱۳۷۹-۱۳۸۳. استفاده از سنگ کپراک محلی. کاربرد در دیوار، کف دیوار و مبلمان پارک.
- ث) پارک رفنگر، تهران، بخشی از طراحی کالبدی بدنه های بزرگراه چمران. کاربرد سنگ در کف، جداول و ترکیب نما، سال ۱۳۷۶.



پانوشتها:

* این نوشته بر اساس متن سخنرانی در همایش کاربرد سنگ در فضاهای شهری که در مؤسسه استاندارد شهر کرج و به همت دفتر تأسیسات و زیرساخت های سازمان شهرداری ها در ۸۲/۲/۵ برگزار گردید، تنظیم شده است.

- 1-Zoser
- 2-Memphite
- 3-Ramses
- 4-Karnak
- 5-Luxor
- 6-Agora
- 7-Parthenon
- 8-Acropolis
- 9-Colosseum

۱۰) سازمان صنایع و معادن کشور، کتاب «آمار معادن سنگ لاشه و سنگ تزئینی کشور»، ۱۳۸۱.

چابهار - پارک ساحلی - کاربرد سنگ های محلی کپراک در کف و دیوار، محیط پارک با طبیعت مجاور را هماهنگ ساخته است.

موضوع: ریشه‌های مشکلات کالبدی در سکونتگاه‌های کوچک

پایان نامه دوره دکتری، رشته معماری دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۸۱

استاد راهنما: اکبر زرگر

استاد مشاور: محمود رازجویان

دانشجو: محسن سرتیپی پور

کوچک» تألیف محسن سرتیپی پور در رشته معماری تلاش جامعی در حیطه مطالعه معضلات سکونتگاه‌های انسانی در ایران است. در این رساله با اتکا بر این نظریه که کالبد سکونتگاه‌ها تجسم زندگی انسان‌هاست، توجه به اساسی‌ترین عوامل مؤثر بر معماری و شهرسازی یعنی انسان، جهان بینی و دانش‌های اجتماعی و اقتصادی که معمولاً در کارهای حرفه‌ای و فعالیت‌های آموزشی معماری چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد، معطوف گشته است. کوشش رساله بر این است تا با روشن شدن این مفهوم، نحوه ارتباط بین لایه‌های مختلف زندگی انسانی که کالبد را متأثر می‌سازند و به آن شکل می‌دهند، تبیین گردد.

این پژوهش در چهار فصل نوشته شده است. پس از چکیده، پیشگفتار و مقدمه فصل اول پژوهش به عنوان زمینه پژوهش درج گردیده است. در این فصل پژوهشگر به تعریف مسئله، چارچوب نگرش (اهداف و فرضیه‌های تحقیق) متون مرتبط، محدودیت‌های تحقیق، روش تحقیق و انتخاب نمونه‌های میدانی و نتایج مورد انتظار پرداخته است.

هم اکنون مجموعه گسترده‌ای از روستاهای بزرگ و شهرهای کوچک وجود دارند که به نظام تولید کشاورزی، باغداری و مانند آن وابسته اند، و انتظام فضایی و کالبدی این سکونتگاه‌ها به دلیل دخالت گسترده در معرض آشفتگی و نابسامانی قرار گرفته است. این مسائل باعث شده‌اند تا شرایط زیست در این سکونتگاه‌ها در مقایسه با کانون‌های شهری بزرگ‌تر چندان مناسب نباشد. هدف این پژوهش تحقیق شناخت نوع مشکلات کالبدی موجود در این سکونتگاه‌ها و علل و ریشه‌های بروز آنهاست.

بر اساس آنچه ذکر گردید، پرسش‌های اصلی تحقیق اینها هستند:
 - مشکلات کالبدی موجود در این سکونتگاه‌ها چیستند؟
 - دیدگاه‌های مطرح در بروز مشکلات کالبدی چیستند؟
 - دیدگاه‌های مذکور تا چه اندازه در مورد سکونتگاه‌های مورد نظر صدق می‌کنند؟

- آیا مشکلات این سکونتگاه‌ها صرفاً در حوزه کالبدی و نتیجه عمل طرح‌ریزان و برنامه‌ریزان کالبدی است؛ یا اینکه موضوع فراتر از حوزه کالبدی، به حوزه‌های دیگر هم مربوط می‌شود؟ این حوزه‌ها کدام‌اند؟
 - مشخصات سکونتگاه مطلوب چیست؟

- مشکلات کالبدی از کجا نشأت می‌گیرند و ریشه آنها در کجاست؟
 بر پایه پرسش‌های مطرح شده و اهدافی که برای تحقیق برشمرده شده است، فرضیه‌های زیر را می‌توان به عنوان عامل بروز مشکلات و آشفتگی‌های کالبدی مطرح کرد:

- فرسودگی بافت و خانه‌ها، پایین بودن کیفیت و عمر مفید مسکن،

در زمان حاضر نابسامانی کالبدی سکونتگاه‌های شهری و روستایی در کشور ما توجه جدی به مسائل و مشکلات آنها را اجتناب ناپذیر کرده است. در میان طیف گوناگون این سکونتگاه‌های روستایی - شهری (شهرهای کوچک با پیشینه روستایی) و روستاهای بزرگ (روستاهایی که در شرف شهر شدن هستند) به دلیل ساختار اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و موقعیت در حال گذار و سرعت تغییر و تحولات‌شان نیاز به توجه ویژه‌ای دارند. بی توجهی به مشکلات این سکونتگاه‌ها که به نسبت وسعت محدودشان با اقدامات سریع و نسبتاً گسترده‌ای از انواع فعالیت‌های کالبدی و عمرانی مواجه شده‌اند، حیات آنها را با مخاطره جدی روبه‌رو ساخته و آسایش و زندگی مردم را نیز در معرض نابسامانی و ناپهنجاری قرار داده است. هم اکنون موقعیت این سکونتگاه‌ها به عنوان کانون‌های مولد کار و تولید محصولات کشاورزی و دامی، و مکان‌هایی که بخش عمده‌ای از جمعیت کشور را در خود جای داده‌اند و چونان نقاط جاذب جمعیت در سکونتگاه‌های اطراف خود عمل می‌کنند، انجام اقدامات عمرانی برای ارتقای کیفیت محیط کالبدی در آنها را ضروری ساخته است. لیکن از طرف دیگر، ساختار نسبی و بومی آنها که دارای اصول و ارزش‌های مفید و کارآمدی است نیز به واسطه همین اقدامات مورد هجوم قرار گرفته است. از مجموعه اقدامات به عمل آمده چنین برمی‌آید که به رغم تلاش گسترده و صرف سرمایه‌های مالی و انسانی بسیار، نحوه مواجهه و دخالت در معماری و بافت این سکونتگاه‌ها چندان اندیشیده نیست. مرتفع نشدن مشکلات قبلی نیز بررسی ریشه‌ها و علل عوامل بروز آشفتگی کالبدی در این سکونتگاه‌ها را در اولویت قرار داده است. پرداختن به چنین مسئله‌ای مستلزم توجه به ماهیت معماری سکونتگاه‌هاست. معماری موضوعی است با ارتباط نزدیک به حوزه علوم انسانی که در گذر از پیچ‌وخم‌های نحوه تفکر، سلیقه‌ها، باورها، هنجارها، آرمان‌های فرهنگی، خلاقیت، هنر، معیشت، ثروت، سرمایه و نحوه مصرف قرار دارد.

به دلیل تغذیه معماری از این حوزه‌ها شناخت مشکلات کالبدی و ارائه راه حل مناسب و جامع مستلزم نگاهی گسترده و فراگیر به تمامی ابعاد شکل دهنده آنهاست. به این اعتبار یافتن، ریشه مشکلات موضوعی است مستلزم درک و شناخت معضلات موجود در صورت طرح ریزی کالبدی (تکنیک‌ها و قواعد طراحی، شناخت مواد و مصالح، اصول و مبانی استاتیک و نظایر آن) و در عین حال شناخت لایه‌های پنهانی آن یعنی ابعاد انسانی و پیچیدگی‌های محتوایی زندگی، که عمل معماری و اقدامات کالبدی را رقم می‌زند.

رساله دکتری «ریشه‌های مشکلات کالبدی در سکونتگاه‌های

استفاده از مصالح نامرغوب در ساخت و ساز و کمبود درآمد مردم ساکن در آنها.

– وجود ضوابط و مقررات فنی ضعیف یا ناکارآمد در زمینه‌های طراحی و ساخت و ساز.

– کمبود اعتبارات و منابع مالی.

– بی‌توجهی به کارکرد، استحکام و زیبایی.

– قطع ارتباط با گذشته و تقلید غیرمنطقی از شیوه‌های مدرن.

– بی‌توجهی و غفلت از سازوکارها و کارکردهای اجتماعی جامعه و تشریح آن به حوزه‌های دیگر (از جمله کالبدی).

– عدم انطباق و همسویی کارکردهای اجتماعی – اقتصادی و کالبدی. برخی از نتایج مورد انتظار این تحقیق اینها هستند:

– رابطه و پیوند بین معماری و حوزه‌های مرتبط با آن شفاف شود.

– مشکلات کالبدی سکونتگاه‌های کوچک شهری و روستاهای بزرگ شناسایی شود و ریشه‌های بروز و رابطه بین آنها تبیین گردد.

– به سیاستگذاری‌ها و برنامه‌های عملی دولت برای توسعه کالبدی سکونتگاه‌ها کمک شود.

– و نظایر اینها.

فصل دوم پژوهش با عنوان مفاهیم نظری مرتبط با کالبد نوشته شده است. در این فصل کالبد و اجتماع، کالبد و اقتصاد، کالبد و اندیشه‌های متفکران، و همچنین کالبد و اندیشه‌های معماری و شهرسازی مورد بررسی و پژوهش قرار می‌گیرد. در این فصل نتیجه گرفته می‌شود که دیدگاه‌های مختلف ارائه شده در زمینه سکونتگاه مطلوب و مشکلات سکونتگاهی را می‌توان به دو دسته «دیدگاه‌های غیر کالبدی» که معطوف به زمینه‌های معرفت‌شناسی، اجتماعی و اقتصادی است، و «دیدگاه‌های کالبدی» که مستقیماً به مقوله کالبد و عوامل مؤثر در شکل دادن به سکونتگاه مطلوب می‌پردازد، تفکیک کرد.

علاوه بر این، می‌توان تفکیک دیگری را نیز بر اساس خاستگاه شکل گرفتن این سکونتگاه‌ها مدنظر قرار داد: نظریاتی که منشأ شکل‌گیری آنها غرب بوده است عموماً به زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی و نیازهای مادی انسان توجه و تأکید داشته‌اند، در حالی که نظریاتی که از شرق نشأت گرفته‌اند، به‌رغم ذکر ابعاد مادی نیازهای انسانی بیشتر تأکید خود را بر ابعاد پنهان و باطنی نیازهای انسانی و ضرورت حفظ پیوند و نزدیکی او با نظام آفرینش قرار داده‌اند. فصل سوم به برداشت میدانی و جست‌وجوی شواهد عینی برای تبیین فرضیه‌های عنوان شده اختصاص یافته است. در این فصل از طریق نمونه‌گیری، مشاهده، مصاحبه و تهیه پرسشنامه اطلاعات موجود درباره مشکلات این سکونتگاه‌ها مشخص گردیده و سپس با استفاده از روش تحقیق کیفی ضعف‌های عمده مشاهده شده در کالبد سکونتگاه‌ها دسته‌بندی و روابط علی بین آنها تبیین شده است. نتیجه اقدامات و برداشت‌های میدانی در جامعه آماری مورد بررسی تعیین ۱۲ مشکل و معضل عمده بوده که هر یک از آنها به‌طریقی باعث به وجود آمدن مشکلات کالبدی – و یا تشدید آنها – گردیده‌اند. برخی از این معضلات عبارت‌اند از:

– نابسامانی بافت و دخالت‌های نسنجیده در آن (عدم انطباق با فنآوری بومی).

– آشفتگی سیمای بصری و مشکلات زیست‌محیطی.

– سوداگری و بورس‌بازی زمین و ساختمان.

– ضعف و ناکارآمدی نظام مدیریت عمران و توسعه.

– تعارض مؤلفه‌های معیشتی و اقتصادی، با اقدامات کالبدی.

– ضعف در حفاظت و نگهداری پروژه‌های عمرانی انجام شده و نحوه مشارکت مردم.

در این فصل با توجه به تأثیر مؤلفه‌های اجتماعی، فرهنگی، جغرافیایی، اقلیمی، اقتصادی و معیشتی بر شکل‌گیری بافت و معماری سکونتگاه‌های نمونه از طریق قرار دادن لایه‌های اطلاعاتی مختلف روی همدیگر و برگزیدن قلمروهای مشترک انتخاب شده‌اند. نتیجه این فرایند انتخاب ۱۱ استان با خصوصیات اقلیمی، قومی، فرهنگی و اقتصادی ویژه بوده است. این استان‌ها عبارت‌اند از زنجان، کردستان، آذربایجان غربی، چهارمحال و بختیاری، اصفهان، گیلان، گلستان، خراسان، سیستان و بلوچستان، هرمزگان و بوشهر.

در این فصل نتیجه گرفته می‌شود که نقایص و کاستی‌های موجود در معماری، ساخت و ساز و سازماندهی بافت و فقدان تناسب بین ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و کالبدی این سکونتگاه‌ها از مهم‌ترین تعارضات و تقابلهایی بوده که در برداشت میدانی مشاهده گردیده است. مجموعه این مشکلات مثلث‌گونه که یک‌رأس آن ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و فرهنگی، رأس دوم توانایی‌ها و بینه‌مالی – اقتصادی و تولیدی مردم و کشور و رأس سوم مشکلات نهفته در معماری و شهرسازی است، موضوعی است که تأمل در آن می‌تواند پاسخ مسئله و راه حل مشکلات را به دنبال داشته باشد.

فصل چهارم و قسمت پایانی پژوهش به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از فصول پیشین می‌پردازد. این قسمت با روشن ساختن ارتباط بین مؤلفه‌های مختلف حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی، لزوم برقراری تعادل بین این سه حوزه را در برنامه‌های توسعه ملی اجتناب‌ناپذیر برمی‌شمارد. سپس در ادامه با تحلیل نوع رابطه بین این حوزه‌ها، علل ریشه‌ای بروز مشکلات کالبدی را در ناهماهنگی بین آنها جست و جو می‌کند.

در نهایت پژوهشگر توجه به تفکر را به عنوان موضوعی مستقل و پراهمیت که می‌تواند راهگشایی برای حل ریشه‌های بسیاری از مشکلات – از جمله مشکلات کالبدی – باشد، به عنوان ادامه کار مطرح می‌سازد. آشفتگی تفکر اکنون شرایطی را به وجود آورده است که ما به دست خودمان میراث و تجربه گذشته در آنها را به نابدی می‌کنشیم و به جای آن جعبه‌های مکعب و مستطیل شکل بی‌قواره را جایگزین می‌کنیم. آنچه اکنون تحت عنوان پروژه‌های احداث مسکن، مدرسه، مسجد، کوچه و نظایر اینها در این سکونتگاه‌ها دنبال می‌شود، شباهتی به خانه و مدرسه و مسجد و معبر ندارد. هیچ‌یک از آنها فضاهایی نیست که قصد ساختن شان را داشته‌ایم؛ زیرا دید حاکم بر اندیشه طراحان و مجریان آنها فاقد جهان بینی و بینش اصیل بوده است.

این اقدامات حتی در مرحله تقلید از معماری و شهرسازی غرب هم، که گفته می‌شود فاقد جایگاه و بینش است، موفق نبوده‌اند؛ زیرا همان‌گونه که در نظریه‌های معماری و شهرسازی غرب ملاحظه می‌شود با اینکه معماری غرب از چند قرن پیش جایگاه خود را از دست داده‌اما از تلاش و جست‌وجو برای یافتن جایگاهی جدید دست‌نکشیده است. قرار گرفتن در چنین شرایطی نیاز به ورود به حوزه تفکر و قرار گرفتن در این حوزه دارد.

این پژوهش در حدود ۱۶۰ صفحه نوشته شده و پژوهشگر برای تدوین این پژوهش از حدود ۱۵۰ منبع فارسی و ۵۰ منبع لاتین استفاده کرده است.

طرح ساماندهی کارگران ساختمانی و خدماتی

فاطمه شهپازی

کارشناس علوم ارتباطات اجتماعی

در سال‌های گذشته که ساختار شهرها چون امروز نبود، قهوه‌خانه‌ها محل اجتماع کارگران جویای کار بود. آنها در قهوه‌خانه‌ها دور هم جمع می‌شدند، چای می‌نوشیدند و چشم از در قهوه‌خانه بر نمی‌داشتند، تا کارفرمایی از آن داخل شود.

آن روزها قهوه‌خانه‌ها جنبه تخصصی، صنفی و قومی نیز یافته بودند. قهوه‌خانه صنف گچ‌کارها، قهوه‌خانه کارگران سیم‌کش، قهوه‌خانه لُر‌ها و از این دست. گسترش شهرها آرام‌آرام اجتماع صنفی و قومی کارگران را برچید و باگذشت ایام، خیابان‌ها، چهارراه‌ها، میدان‌ها و هر مکان پررفت‌وآمدی در شهر چشمان رهگذران را به وجود آنها

عادت داد. از بعدی دگر مهاجرت بی‌وقفه روستاییان که حاصل فروپاشی مناسبات زراعی از یک سو و صنعتی شدن شهرها از سوی دیگر بود، به حجم مهاجران بیکار در شهرهای بزرگ و به ویژه تهران دامن زد. دیری نباید که گوشه گوشه این شهرها مملو از کارگرانی شد که با قلم موی نقاشی، مالۀ گچ‌کاری و نظایر اینها به انتظار کارفرما نشسته بودند. امروز اگر چه اجتماع کارگران ساختمانی در گوشه و کنار میدان‌ها و چهارراه‌ها بخشی از چشم انداز این فضاهای شهری محسوب می‌شود، اما این امر ذره‌ای از پیام نازیبای این چشم انداز، به لحاظ بصری و انسانی نمی‌کاهد.



استقرار کارگران فصلی و ساختمانی پیشگام سایر مناطق بوده است.

کیومرث عبدالله زاده، دبیر اجرایی طرح ساماندهی کارگران فصلی و ساختمانی در سطح تهران و مسئول ساماندهی مشاغل مزاحم منطقه ۵ شهرداری تهران، با اشاره به اینکه عملیاتی شدن طرح ساماندهی کارگران فصلی و ساختمانی در آغاز کار با مشکلاتی مواجه بود، این مشکلات را چنین باز می‌شمارد: «در مرحله جمع آوری و اسکان کارگران، کارفرما و کارگر نسبت به هدف شهرداری توجیه نبودند. کارگران با مشاهده مأموران نیروی انتظامی اقدام به فرار و یا مقاومت می‌کردند. از طرفی، عده‌ای مجرم و بخش‌کننده مواد مخدر بودند و تعدادی نیز در مسلک کارگری مزاحم نوامیس مردم می‌شدند.»

بر طبق طرح ساماندهی کارگران فصلی و ساختمانی، نیروی انتظامی هدایت کارگران را به محل‌های از پیش تعیین شده بر عهده دارد. نیروی انتظامی موظف است روزانه از ساعت ۳:۳۵ صبح کارگران را از میدان‌ها، چهار راه‌ها و خیابان‌های اصلی به چادرها راهنمایی کند.

سید مجتبی پیمبری، مدیر کل اجرائیات نیروی انتظامی، در این باره چنین توضیح می‌دهد: «با توجه به اینکه کارگران فصلی و ساختمانی مستقر در خیابان‌ها غالباً نظم ناپذیرند، جمع آوری و هدایت آنها به کانون‌ها و چادرهای تعیین شده به اجرائیات شهرداری محول گردید. ابتدا کارگران تصور داشتند که طرح ساماندهی به قصد جمع آوری و جلوگیری از فعالیت آنهاست و به همین خاطر در مقابل نیروی انتظامی مقاومت و یا اقدام به فرار می‌کردند؛ اما با برخورد مناسب مأموران و توجیه کارگران دریافتند که آنها نه تنها قصد ممانعت از کسب و کارشان را ندارند بلکه با استقرار در چادرها می‌خواهند به وضعیت نابسامان فعلی‌شان خاتمه دهند.»

علاوه بر آن، اجرائیات نیروی انتظامی با در نظر گرفتن برخوردها و نزاع‌های احتمالی کارگران در داخل کانون‌های استقرار، مأمورانی را برای کنترل آنها در کانون‌ها مستقر کرد. با این اوصاف باز مشاهده می‌شد که کارگران با شهرداری همکاری نمی‌کنند. به طور مثال، کارگری که مدت ۲۰ سال در سه راهی جنت آباد هر روز به انتظار کارفرما می‌نشست، آنجا را به نوعی سرفقلی خود می‌پنداشت. در واقع هر گوشه‌ای از خیابان محل توقف دائمی گروهی از کارگران بود که نسبت به آنجا احساس مالکیت داشتند. همچنین عدم تجهیز کانون‌های تجمع کارگران به امکانات مورد نیاز و حتی شکل کانون استقرار ذهنیت‌های منفی برای کارگران ایجاد می‌کرد.

میدان چهار باغ در جنت آباد یکی از این کانون‌های استقرار است. پارچه‌ای آویزان بر دیوار ساختمانی در ضلع شرقی میدان، نشان از محل استقرار کارگران دارد. نرسیده به میدان چادر برزنت سرمه‌ای رنگی مشاهده می‌شود که چند کارگر در کنار آن نشسته و تعدادی دیگر با استفاده از عدم حضور مأمور اجرائیات شهرداری در اطراف میدان حلقه زده‌اند.

در مجاورت چادر کیوسکی وجود دارد که تنها مسئول ثبت نام روزانه کارگران در آن مستقر است. وی وظیفه دارد به محض ورود کارگران به چادر نام، مشخصات، نشانی، شماره تماس،

طرح ساماندهی کارگران فصلی و ساختمانی یکی از مصوبات دی ماه سال ۱۳۸۲ شورای اسلامی شهر تهران بود. طرح مذکور به پیشنهاد کمیسیون فرهنگی اجتماعی شورای اسلامی شهر تهران در کمیته مشترک ساماندهی کارگران، متشکل از نمایندگان اداره کار و امور اجتماعی، سازمان تأمین اجتماعی، فرمانداری، شهرداری و نیروی انتظامی در سی و یکمین جلسه علنی شورا به تصویب رسید. بر اساس این طرح قرار شد تا علاوه بر ساماندهی محل استقرار کارگران در خیابان‌ها، سطح حرفه‌ای کارگران با آموزش ارتقا یابد و خدمات رفاهی نیز به آنها ارائه گردد.

تقویت فرایند اعتمادزایی در خصوص به کارگیری کارگران آموزش دیده، زیباسازی سیمای شهری، جلوگیری از ظهور آسیب‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی در سطح شهر، ایجاد هویت حرفه‌ای برای کارگران و حفظ شأن منزلت کارگر از دیگر اهداف این طرح بوده است.

طرح مذکور با هماهنگی و توافق حوزه خدمات شهری شهرداری تهران، وزارت کار، سازمان فنی و حرفه‌ای، نیروی انتظامی، و نظارت فرمانداری تهران به طور آزمایشی طی دو ماه (بهمن - اسفند ۱۳۸۲) در برخی از نواحی شهرداری ۱ و ۵ به اجرا درآمد و سپس به سایر مناطق تسری یافت.

تقویت فرایند اعتمادزایی در خصوص به کارگیری کارگران آموزش دیده، زیباسازی سیمای شهری، جلوگیری از ظهور آسیب‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی در سطح شهر، ایجاد هویت حرفه‌ای برای کارگران و حفظ شأن منزلت کارگر از اهداف این طرح بوده است

مرحله جمع آوری و استقرار

در ابتدا شهرداری تهران چادرهای بزرگ را با داربستی که آن را نگه دارد، در مناطق پایلوت نصب کرد تا محوطه‌ای برای تجمع کارگران مهیا شود. آن گاه با تبلیغات وسیع از طریق روزنامه همشهری، پخش تیزر طی چهار نوبت، نصب بیل برد در میدان‌ها و چهارراه‌ها و خیابان‌های اصلی و انتشار بروشور در مناطق، شهروندان و کارفرمایان را از وجود این کانون‌ها مطلع ساخت.

این طرح مرحله به مرحله اجرا شد. مرحله اول تفهیم موضوع و متقاعد کردن کارگران برای تجمع در مکان‌هایی بود که شهرداری دایر کرده بود، در مرحله بعد ترغیب کارفرمایان به تأمین نیروی کار خود از این مکان‌ها بود و آخرین مرحله نیز ارتقای سطح حرفه‌ای کارگران با آموزش‌های لازم به وسیله سازمان فنی و حرفه‌ای.

بر این اساس شهرداری محل‌های احداث چادر را به گونه‌ای مکان‌یابی کرد تا کاملاً نزدیک مرکز تجمع روزانه کارگران باشند تا فاصله دو نقطه تجمع قدیم و استقرار جدید، رغبت کارگران را به حضور در چادرها کاهش ندهد.

شهرداری منطقه ۵ تهران با اختصاص چهار کانون برای

قیمت مناسب به آنها عرضه می‌شود.

در یکی دیگر از مکان‌های تجمع کارگران در میدان هاشمی، یک دستگاه تلویزیون رنگی برای گذراندن ساعات بیکاری آنها تهیه شده و شهرداری تدارک یک آبدارخانه را نیز برای این افراد داده است. در پل چوبی در منطقه ۱۲ شهرداری، شهرداری نیمکت‌هایی را در نظر گرفته است تا کارگران روی آن بنشینند و منتظر کارفرما باشند.

با وجود این در اغلب کانون‌های استقرار طرح ساماندهی، کارگران تا بیش از ساعت ۱۰ الی ۱۱ صبح در محل نمی‌مانند و برای یافتن کار کانون‌ها را به قصد ایستادن در خیابان ترک می‌کنند.

مسئول ساماندهی مشاغل مزاحم منطقه ۵ شهرداری تهران در ریشه یابی این موضوع می‌افزاید: «اینکه کارگران ایستادن در کنار خیابان را به حضور در کانون‌ها ترجیح می‌دهند، به عادت دیرینه آنها برمی‌گردد. تحمل قرار گرفتن در فضای بسته‌ای که آنها را از دید کارفرما محفوظ دارد برای شان تحمل ناپذیر است و تجهیز امکانات رفاهی نیز نمی‌تواند

سوابق و نوع تخصص آنها را در پرونده‌ای درج کند، تا با درخواست کارفرما، کارگر مورد نظر او را معرفی کند. او که بعدی نام دارد، خاطر نشان می‌کند: «روزانه از ساعت ۶ صبح تا ۵ بعد از ظهر نزدیک به ۸۰ کارگر به اینجا مراجعه می‌کنند و کارت شناسایی یا شناسنامه خود را ارائه می‌دهند. آن‌گاه نام و مشخصات فردی و شغلی شان وارد لیست انتظار می‌شود. وی اضافه می‌کند که از این تعداد کارگر روزانه حدود ۶۰ نفر به وسیله کارفرما جذب کار می‌شوند».

کارگران مستقر در کانون چهار باغ پیشنهاد جالبی می‌دهند. آنها می‌گویند کاش کانون‌های استقرار به شکل آژانس بود تا کارفرما با مراجعه حضوری یا تماس تلفنی بتواند کارگر مورد نیاز خود را از بانک اطلاعاتی که در آژانس موجود است، انتخاب کند. آنها معتقدند با تشکیل آژانس دیگر لزومی ندارد که از صبح تا غروب در چادر بنشینند.

گفتنی است مشابه آنچه کارگران پیشنهاد می‌کنند، در کشور عربستان سعودی به اجرا در آمده است. در این کشور آژانس‌های کارگریابی بلافاصله با یک تماس تلفنی از سوی



آنها را مجاب کند. حتی به طور آزمایشی روزی پذیرای مختصری از آنها شد تا معلوم شود که آیا سرویس دهی می‌تواند آنها را به حضور در کانون‌ها ترغیب کند یا نه؛ اما در کمال تعجب ملاحظه شد که آنان مواد غذایی را گرفتند و سریعاً از کانون خارج شدند».

تحقیقات نشان می‌دهد که تجمع کارگران در سطح شهر از وابستگی‌های قومی تبعیت می‌کند و گروه‌های قومی خاص برای خود پاتوق‌های جداگانه‌ای را تشکیل داده‌اند. آمارهای تهیه شده در منطقه ۵ شهرداری تهران نشان می‌دهد که عمده کارگران مهاجر این منطقه از اهالی استان‌های لرستان و کردستان‌اند. میانگین سنی آنها ۲۰ تا ۲۵ سال است و نزدیک به ۸۰ درصد آنها متأهل‌اند. به لحاظ تحصیلاتی نیز عمدتاً دیپلم و زیردیپلم هستند. همچنین بررسی نمونه‌ای از کارگران

کارفرما و بیان تعداد کارگر و نوع تخصص او، آنها را با سرویس‌های مستقر در آژانس به محل مورد نظر کارفرما می‌رسانند. کشورهای نظیر ژاپن، مصر و سوریه نیز چنین طرحی را به اجرا درآورده‌اند. هنگامی که عده‌ای در یک مکان استقرار یابند به خدماتی نیازمند خواهند شد که لازم است از پیش برای آن تدارکی دیده شود. برای مثال در کانون کارگران فصلی و ساختمانی میدان چهار باغ امکانات رفاهی منظور نشده است و کارگران برای استفاده از سرویس بهداشتی، اجباراً به مصالح فروشی که نبش میدان قرار دارد مراجعه می‌کنند. اما در محل استقرار کارگران در پارک استقلال که ساختمانی است تحت عنوان محل استقرار کارگران ساختمانی و خدماتی، صندلی‌هایی برای استراحت کارگران در نظر گرفته شده است. کولر و سرویس بهداشتی و تلفن نیز موجود است و چای هم به

مستقر در ساختمان پارک استقلال طی یک روز نشان داد که اکثر آنها ساکنان شهرستان‌های هرسین، نورآباد، کوه‌دشت، رومش‌گان، ملایر، همدان و زنجان‌اند.

عبدالله زاده در پاسخ به این پرسش که آیا ایجاد امکاناتی نظیر خوابگاه در داخل کانون‌ها که فشار پرداخت اجاره خانه را از دوش کارگران بردارد می‌تواند ایده‌های کاربردی برای جذب هر چه بیشتر آنها به سوی کانون‌ها باشد، اظهار می‌دارد: «یکی از اهداف شهرداری در این طرح، ریشه‌یابی علت مهاجرت کارگران شهرستانی به تهران بوده است. ایده احداث خوابگاه ممکن است دامنه مهاجرت آنها به سوی شهر تهران را افزایش دهد».

حضور کارگران در میدان‌ها و خیابان‌ها، علاوه بر نابسامانی در وضعیت سیمای شهری، همواره مشکلاتی را نیز از نظر ناهنجاری‌های اجتماعی به وجود می‌آورد. در اجرای طرح ساماندهی کارگران افرادی که در پوشش کارگر اقدام به بزهکاری و کارهای خلاف قانون می‌کنند و یا سابقه محکومیت قضایی دارند، ضمن هدایت به کانون‌های استقرار با همکاری نیروی انتظامی شناسایی و تفکیک می‌شوند.

یکی از برنامه‌های وزارت کار در طرح ساماندهی، شناسایی کارگران ساختمانی است که عمدتاً در میدان‌ها و خیابان‌ها تجمع دارند. وزارت کار قصد دارد با شناسایی و ارزیابی مهارت آنها، کلاس‌های آموزشی برای افزایش مهارت‌های فنی کارگران دایر کند و پس از اتمام دوره‌های آموزشی و اقدام به صدور گواهینامه مهارت و شناسنامه کار برای آنها کند

به گفته سرهنگ مجتبی پیمبری، تعداد نیرویی که برای هدایت کارگران از شروع طرح در نظر گرفته شده به این شرح است: برای منطقه یک واقع در میدان تجریش ۳۰۰ نیرو، منطقه ۵ در سه نقطه (ابتدای خیابان جنت آباد، میدان چهار باغ، پارک استقلال) ۱۳۵ نیرو، و در منطقه ۹ میدان هاشمی ۱۱۷ نیرو. بدین ترتیب مجموعاً ۷۳۲ نیرو در اختیار این طرح قرار گرفته است.

وی اضافه می‌کند که تاکنون نیروی انتظامی توانسته است در منطقه ۱ تقریباً دو هزار کارگر، در منطقه ۵، چهار هزار و ۹۰۰ کارگر، در منطقه ۹، پنج هزار و ۴۰۰ نفر (روی هم رفته دوازده هزار و ۳۰۰ کارگر) را به کانون‌های تجمع کارگران فصلی و ساختمانی هدایت کند.

هم اکنون کارگران با ملاحظه مأموران نیروی انتظامی شهرداری الزام حضور در کانون‌ها را احساس می‌کنند و با پیشرفت طرح مأموران نیروی انتظامی دیگر در دو کانون جنت‌آباد و پارک استقلال حضور نمی‌یابند.

مرحله صدور کارت شناسایی و آموزش

حضور و استقرار کارگران در کانون‌های مورد نظر و تهیه بانک اطلاعاتی از مشخصات فردی و شغلی آنها این امکان را به شهروندان و کارفرمایان می‌دهد تا نیروی انسانی مورد نیاز خود را با طیب خاطر برگزینند.

فرجی، دبیر طرح ساماندهی کارگران فصلی و ساختمانی و عضو کمیسیون فرهنگی اجتماعی شورای شهر تهران، در خصوص تأمین نظر کارفرمایان نسبت به کارگران مستقر در کانون‌ها خاطر نشان کرد: «ارائه کارت شناسایی و شناسنامه کار به کارگران و وجود بانک اطلاعاتی از وضعیت کارگران و تأیید آنها به کارفرما و شهروندان این تضمین را می‌دهد که در صورت ایجاد هر مشکلی می‌توان به مشخصات کارگر مورد استفاده دست یافت. همچنین آگاهی کارفرما مبنی بر اینکه شهرداری در قبال استفاده از کارگران حاضر در کانون، هزینه‌ای از کارفرما دریافت نمی‌دارد و نیز اطلاع‌رسانی دقیق و ایجاد خط‌ویژه برقراری ارتباط کارفرما با کانون‌ها می‌تواند به صرفه‌جویی در هزینه رفت و آمد کارفرما کمک کند».

با اجرای طرح ساماندهی کارگران، ضمن اینکه به لحاظ انتظام و چیدمان شهری قالب و شکل مشخصی بدین منظور به وجود می‌آید، کارگران مذکور به وسیله اداره کار و سازمان فنی و حرفه‌ای شناسایی می‌شوند و مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. در واقع با صدور شناسنامه کار و کارت شناسایی از سوی سازمان فنی و حرفه‌ای برای کارگران و ضمانت اجرایی آنها از سوی شهرداری، شهروندانی که از کارگران در منازل مسکونی و یا در مؤسسات و ادارات استفاده می‌کنند، اطمینان بیشتری حاصل خواهند کرد.

مرحله سوم طرح به امر بازآموزی، ارتقای مهارت و تعلیم تخصص‌های پیشرفته به کارگران می‌پردازد. وزارت کار و امور اجتماعی بر طبق قانون کار و در اجرای اهداف قانون اساسی و به منظور اشتغال مولد و مستمر جویندگان کار و نیز بالا بردن دانش فنی کارگران موظف به فراهم‌سازی امکانات آموزشی لازم و ایجاد مراکز کارآموزی تکمیل مهارت و تخصص‌های موردی برای بازآموزی، ارتقای مهارت و تعلیم تخصص‌های پیشرفته به کارگران است.

در طرح ساماندهی کارگران، تفاهم‌نامه‌ای میان اداره کار و امور اجتماعی استان تهران و سازمان فنی و حرفه‌ای منعقد شده است تا میزان مهارت کارگران اندازه‌گیری شود و سپس برای ارتقای سطح مهارت حرفه‌ای آنها آموزش‌های لازم ارائه گردد.

جان محمد عزیزی مدیر کل اداره کار و امور اجتماعی با اشاره به اینکه در طرح ساماندهی کارگران هدف ارتقای مهارت فنی کارگران به ویژه کارگران ساختمانی است، گفت: «یکی از برنامه‌های وزارت کار در طرح ساماندهی، شناسایی کارگران ساختمانی است که عمدتاً در میدان‌ها و خیابان‌ها تجمع دارند. وزارت کار قصد دارد با شناسایی و ارزیابی مهارت آنها، کلاس‌های آموزشی برای افزایش مهارت‌های فنی کارگران دایر کند و پس از اتمام دوره‌های آموزشی و اقدام به صدور گواهینامه مهارت و شناسنامه کار برای آنها کند».

ارائه کارت شناسایی یا شناسنامه کار به کارگران کمک خواهد کرد تا ضمن طبقه بندی این کارگران در طرح‌های بعدی به مراکز کاربایی متناسب با حرفه و تجربه خودشان هدایت شوند و این نکته‌ای است که سرمایه‌گذاران کارهای ساختمانی از آنها استقبال می‌کنند.

در مرحله آموزش به کارگران در طرح ساماندهی آن دسته از کارگران ساده که تخصصی ندارند، بر حسب علاقه می‌توانند رشته‌ای را انتخاب کنند و آموزش ببینند. با وجود این، وضعیت جسمی، میزان تحصیلات و اطلاعات کارگر در کسب مهارت‌های آموزشی مؤثر است. هم‌اکنون سازمان فنی و حرفه‌ای و اداره کل آموزش استان تهران، آمادگی دارد تا از کارگران آزمون به عمل آورد و مهارت سنجی کند. در مرحله تعیین سطح حرفه‌ای کارگران ابتدا مهارت سنجی می‌شود و در مرحله بعد طبق علاقه و گرایش‌های آنان در مراکز فنی و حرفه‌ای امکانات آموزشی در اختیارشان قرار می‌گیرد.

عزیزی در این باره می‌گوید: «کلاس‌های آموزشی عمدتاً روی آموزش‌های علمی کاربردی و به طور رایگان در مؤسسه آموزش فنی و حرفه‌ای برگزار خواهد شد و هزینه برگزاری کلاس‌ها را نیز اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای تأمین می‌کند. در واقع طبق وظایف این سازمان تمام خدماتی که در مراکز فنی و حرفه‌ای ارائه می‌شود، رایگان است.»

دوره‌های آموزشی کارگران در مراکز فنی و حرفه‌ای بستگی به رشته مورد نظر و مهارت آنها دارد. هر رشته‌ای بر اساس استاندارد تعریف شده است و دوره‌های متفاوتی دارد. این دوره‌ها از ۳ ماه تا ۱۸ ماه است. مشکل عمده این کار آن است که کارگران در فواصلی که آموزش می‌بینند نمی‌توانند کار کنند. با توجه به اینکه اغلب آنها برای کسب و کار و به دور از خانواده به تهران مهاجرت کرده‌اند، دوره آموزش می‌تواند منجر به قطع درآمد آنها شود.

فرجی در این باره می‌گوید: «از آنجا که کارگران ساختمانی نیاز به تأییدیه مهارت و تخصص دارند ناگزیرند که در کلاس‌های آموزشی شرکت کنند. البته با در نظر گرفتن برخی تشویق‌ها و امکانات در اختیار کارگران، رغبت و تمایل آنها برای شرکت در دوره‌ها بیشتر خواهد شد؛ اما از آنجا که ممکن است کارگران زمان حضور در کلاس‌ها را به کارکردن اختصاص دهند، برای کاهش این دوره‌ها سازمان فنی و حرفه‌ای در نظر دارد، مثلاً به جای ۶ ماه دوره جوشکاری، طی ۱۵ روز به طور فشرده به کارگران آموزش دهد.»

طبق تفاهم‌نامه‌ای که بهمن‌ماه سال ۱۳۸۲ بین وزارتخانه‌های کار و امور اجتماعی، مسکن و شهرسازی وزارت کشور به امضا رسید، مجریان ساختمان‌سازی باید از کارگران ماهر استفاده کنند. لذا طبق این تفاهم‌نامه کارگران می‌بایست قبل از شروع به هر عملیات اجرایی، آموزش‌های لازم را فرا گیرند و برگه تأیید صلاحیت فنی دریافت دارند. بر این اساس کارگران هنگام گرفتن برگ مجوز اولیه نسبت به فراگیری آموزش‌های لازم تعهد می‌دهند و در مرحله بعدی آموزش‌های لازم را فرا می‌گیرند.

عزیزی در پاسخ به اینکه آیا داشتن کارت مهارت فنی -

حرفه‌ای تأثیری در افزایش درآمدی کارگران خواهد داشت، گفت: «به طور کل درآمد کارگران بستگی به عرضه و تقاضا دارد؛ ولی آموزش و کسب مهارت‌های فنی - حرفه‌ای قطعاً می‌تواند در افزایش دستمزد کارگر مؤثر باشد و از طرفی ویژگی مثبت آموزش این است که مهارتی را که کارگر در نظام استاد شاگردی در عرض ۵ سال فرا می‌گیرد، در این مراکز طی آموزش ۶ ماهه فرا گرفته می‌شود.»

وی با اشاره به اینکه اجرای طرح آموزش به کارگران منافی برای اداره کار نخواهد داشت گفت: «در اجرای این طرح هیچ کس به دنبال درآمدزایی نیست و حتی پیش بینی شده است تا در آینده اداره این مجموعه‌ها و مدیریت محل استقرار کارگران به بخش خصوصی واگذار شود. از هم‌اکنون نیز آمادگی جذب بخش خصوصی وجود دارد؛ ولیکن با توجه به ابتدای کار و نداشتن توجیه اقتصادی فعلاً این کار به همین صورت دنبال می‌شود. لیکن در صورت آماده‌سازی‌های لازم، این کار به بخش کاربایی خصوصی واگذار می‌گردد، زیرا تداوم و بقای چنین اقدامی از این طریق میسر خواهد شد.»

در دوره‌های آموزشی فنی حرفه‌ای، کارگران خارجی جای ندارند، زیرا حضور و فعالیت‌شان غیرقانونی است؛ مگر اینکه مجوز کار در ایران را داشته باشد. استفاده از کارگران خارجی از جمله افغان‌ها در

در اجرای این طرح هیچ کس به دنبال درآمدزایی نیست و حتی پیش بینی شده است تا در آینده اداره این مجموعه‌ها و مدیریت محل استقرار کارگران به بخش خصوصی واگذار شود

ساخت و سازها ممنوع است و طبق تصمیمات وزارت کشور تا پایان سال ۱۳۸۳ کلیه کارگران غیرایرانی باید از کشور خارج شوند. به همین منظور بازرسان اداره کار در سراسر کشور، کارگاه‌ها و کارفرمایانی را که از کارگر خارجی استفاده می‌کنند شناسایی می‌کنند و طبق قانون جریمه‌ای برای آنها در نظر گرفته می‌شود. بدین ترتیب استفاده از کارگران ماهر و اجبار به کارگیری آنها از سوی کارفرمایان، کارگران را به کسب مهارت ترغیب خواهد کرد.»

به گفته عبدالله زاده، طرح ساماندهی کارگران فصلی و ساختمانی در آینده‌ای نزدیک به بخش خصوصی واگذار خواهد شد. در این صورت بخش خصوصی موظف می‌گردد به کارگری که حتی در یک روز در طول ماه برای او کاری مهیا نشود، روزانه مبلغ ۸۰۰ تومان به عنوان دستمزد بدهد و او را مشمول بیمه نیز بکند.

گفتنی است طرح ساماندهی کارگران فصلی و ساختمانی به مرور زمان در مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران به اجرا در خواهد آمد.

جایگاه ترن هوایی در حمل و نقل شهری

آزاده افشار

کارشناس علوم ارتباطات اجتماعی



از میدان دوم صادقیه تا فرودگاه مهر آباد طی خواهد کرد. شهردار تهران در مراسم کلنگ زنی قطار شهری تهران اظهار داشت: «ترن هوایی در کنار سایر سیستم حمل و نقل عمومی شهر تهران اعم از مترو، اتوبوس و تاکسی به جابه‌جایی شهروندان خواهد پرداخت. امید است اجرای ترن هوایی در پایتخت چونان الگویی برای سایر شهرها مورد بهره‌برداری قرار گیرد». تجربه نیز حاکی از آن است که هر نوآوری در مدیریت و برنامه‌ریزی شهری پایتخت به تدریج در سایر شهرها الگو برداری شده و به اجرا درآمده است. در این گزارش سعی شده است تا دیدگاه کارشناسان و مسئولان ذی ربط در خصوص سیستم جدید ترن هوایی با طرح سؤالاتی از این دست مورد بررسی قرار گیرد: آیا سیستم ترن هوایی با شهر تهران انطباق دارد یا نه؛ و اصولاً این سیستم برای چه شهرهایی مناسب است؟ آیا از ظرفیت‌های موجود در حمل و نقل شهری بهره کافی گرفته شده است؟ سیستم ترن هوایی دارای چه مزایا و معایبی است؟ آیا صرفه اقتصادی دارد؟ و نظایر اینها.

انگیزه چنین بررسی‌ای این است که پیش از این نیز برای سیستم حمل و نقل عمومی شهری پایتخت مدل‌های گوناگونی به کار گرفته شده بود که برخی از آنها پس از صرف هزینه‌های هنگفت با شکست مواجه شد. نمونه آن اتوبوس برقی تهران است. به قول یکی از کارشناسان حمل و نقل شهری، اگر مسافران مسیر اتوبوس برقی تهران (از تهرانپارس تا میدان امام حسین و بر عکس) را با هلیکوپتر جابه‌جا می‌کردند بسیار ارزان‌تر تمام می‌شد.

منوریل چیست؟

منوریل یا تک‌ریل وسیله نقلیه مسافربری یا باربری است که بر خلاف سایر وسایل نقلیه ریلی تنها یک ریل دارد و ریل آن با فاصله‌ای از سطح زمین قرار می‌گیرد. برای منوریل‌ها امتیازات زیادی برشمرده‌اند، از جمله اینکه وسایل ایمنی هستند و طراحی‌شان به گونه‌ای است که هیچ‌گاه از ریل خارج نمی‌شوند. منوریل دارای مسیری جداگانه است و از آنجا که بالاتر از سطح حرکت می‌کند، امکان تصادف با وسایل نقلیه دیگر را که در سطح تردد می‌کنند ندارد.

منوریل‌ها فضای کمی را اشغال می‌کنند و شکل و شمایل آنها با فضاهای مدرن شهری همخوانی دارد. آنها محیط زیست را آلوده نمی‌کنند، زیرا محرک‌شان انرژی الکتریسیته است. همچنین

افزایش جمعیت شهرها به همراه بزرگ شدن ابعاد کالبدی آنها به منزله افزایش تعداد سفرهای درون شهری و نیز افزایش تقاضا برای وسایل حمل و نقل است. استفاده بی‌حد و حصر از وسایل نقلیه شخصی برای انجام سفرهای شهری می‌تواند منجر به بروز مشکلات حاد ترافیکی، افزایش هزینه‌های عمومی، اتلاف منابع و آلودگی محیط زیست شود. از همین رو کارشناسان ترافیکی همواره استفاده از وسایل حمل و نقل عمومی را مورد تأکید قرار می‌دهند.

در میان انواع وسایل حمل و نقل عمومی شهری، سیستم‌های ریلی به دلیل مزایای جالب توجه‌شان جایگاه ویژه‌ای دارند و به شکل وسیع در اغلب شهرهای جهان مورد استفاده قرار می‌گیرند. تهران اولین شهر در کشور بود که سیستم مترو را به کار گرفت. به دنبال آن بسیاری از شهرها تقاضای این سیستم شدند، به گونه‌ای که هم اکنون در شهرهایی نظیر مشهد، اصفهان، شیراز و تبریز عملیات اجرایی آن در حال انجام است.

چندی است که در شهر تهران صحبت از به کارگیری سیستم ریلی جدیدی به نام منوریل یا ترن هوایی است که می‌تواند موجی از تقاضا را در شهرهای دیگر کشور ایجاد کند. گزارش حاضر به بررسی و معرفی این سیستم جدید می‌پردازد.

ترن هوایی یا منوریل گزینه‌ای است که این روزها از آن به عنوان سیستمی جدید در حمل و نقل شهری تهران سخن به میان می‌آید. این سیستم حمل و نقل از سوی شهرداری تهران با هدف برقراری تردد روان، ایمن، سریع، ارزان در توسعه شبکه حمل و نقل عمومی برای گریز از گره‌های کور ترافیکی کلان شهر تهران مطرح شده و شورای شهر نیز آن را به تصویب رسانده است.

فاز آزمایشی ترن هوایی تهران مسافتی نزدیک به ۶ کیلومتر را

نداشته است، می‌گوید: «با توجه به اهمیت و رشد آزادی‌های مدنی در غرب و از آنجا که این سیستم به دلیل اشراف بر منازل شهروندان آزادی آنها را محدود می‌کرد، مردم نسبت به این وسیله واکنش نشان دادند. به همین دلیل رشد این سیستم با افول مواجه شد و به تدریج سیستم مذکور بیشتر در شهرهای گردشگری و در پارک‌های جنگلی طبیعی به کار گرفته شد تا مردم بدون مزاحمت برای دیگران بتوانند از مناظر استفاده کنند. همچنین ترن هوایی در شهرهایی که امکان استفاده از دیگر سیستم‌های حمل و نقل همگانی سریع در آنها وجود نداشت، گسترش یافته‌اند.»

تصمیم‌گیری بر پایه مطالعه

ایران تجربه یک قرن جهان را در زمینه حمل و نقل شهری در اختیار دارد. بنابراین، این امکان برای مدیران و برنامه‌ریزان حمل و نقل شهری وجود دارد تا با انجام مطالعات جامع و کامل در مورد ورود سیستمی جدید به حمل و نقل شهری تصمیم‌گیری کنند. مطالعه در خصوص مزایا، معایب، شرایط جغرافیایی، اقتصادی و اجتماعی و نظایر اینها این امکان را فراهم می‌کند تا بهترین گزینه که هماهنگ با سیستم حمل و نقل عمومی شهر است انتخاب شود و از انتخاب اشتباه و تحمل ضرر و زیان‌های هنگفت جلوگیری گردد. شهیدی با اشاره به اینکه در گام اول می‌توان از مطالعات کتابخانه‌ای بهره برد، می‌گوید: «با انجام تحقیقات کتابخانه‌ای می‌توان با طرح پرسش‌هایی از این دست به نتایج ارزنده‌ای رسید: کشورهایی که از سیستم ترن هوایی در حمل و نقل شهری بهره‌برده‌اند کدام

منوریل‌ها بر روی چرخ‌های لاستیکی حرکت می‌کنند و در نتیجه برای محیط‌های مسکونی و تجاری اطراف خود آلودگی صوتی به وجود نمی‌آورند.

در پارم‌ای از شهرهای جهان ترن هوایی سهم عمده‌ای در حمل و نقل شهری دارد. برای نمونه ترن هوایی والت دیسنی در نزدیکی اورلاندو آمریکا از بالاترین آمارهای جابه‌جایی مسافران را به خود اختصاص داده است، به طوری که روزانه صدها هزار مسافر فاصله‌ای به طول چهارده مایل را با این وسیله طی می‌کنند. ترن هوایی تهران نیز از میدان دوم صادقیه تا فرودگاه مهرآباد، مسیری نزدیک به ۶ کیلومتر را طی خواهد کرد. به گفته یک مقام مسئول در شهرداری تهران، تعداد قطارهای برقی مورد استفاده ۱۶ قطار هر کدام با ۴ واگن خواهد بود که حداکثر ظرفیت هر واگن ۱۰۰ نفر است. متوسط ارتفاع مسیر ترن هوایی تهران حدود ۶/۵ متر از سطح زمین است که در برخی از مکان‌ها تا ۸ متر می‌رسد.

محمد رئوفی، مدیر کل دفتر حمل و نقل وزارت کشور، با اشاره به اینکه گزینه ترن هوایی سیستمی تجربه شده در دنیا است، در مورد نوع کارکرد و بهره‌گیری این سیستم در شهرها اظهار می‌دارد: «اکثر نقاطی که از این سیستم بهره‌گرفته شده مکان‌های توریستی و گردشگری و مسیرهای فرودگاه تا ترمینال مسافری بوده‌اند؛ و دلیل آن نیز رؤیت بهتر و بیشتر گردشگران از مناظر بوده است. در داخل فرودگاه‌ها و شهربازی‌ها نیز از این گونه ترن‌ها استفاده می‌شود.»

در زمان حاضر بسیاری از ایالت‌های آمریکا همچون سیاتل و



فلوریدا و کشورهایمانند چین و مالزی و ژاپن برای به کارگیری از ترن هوایی در حمل و نقل شهری در حال برنامه‌ریزی‌اند. محمد حسن شهیدی، پژوهشگر و برنامه‌ریز حمل و نقل، با بیان اینکه بیش از یک قرن از عمر ترن هوایی می‌گذرد لیکن استفاده از آن رواج چندانی در کنار سایر وسایل حمل و نقل عمومی

هستند؛ و با چه منظوری این سیستم را در حمل و نقل شهری خود گنجانده‌اند؟ این سیستم چه تأثیری بر حمل و نقل شهری کشور

مورد نظر داشته است؟ تجربه جهانی در مورد ورود این سیستم به درون حمل و نقل شهری چه بوده است؟ و دیگر پرسش‌های لازم در این زمینه.

بعد از انجام مطالعات کتابخانه‌ای می‌بایست وارد تحقیقات میدانی شد. در این مرحله شهر از نظر شرایط جغرافیایی، شبکه معابر، شکل و اندازه، تعداد و مسیر عمده سفرهای درون شهری و جز اینها مورد مطالعه قرار می‌گیرد تا به این پرسش پاسخ داده شود که آیا سیستم مذکور با شرایط عمومی شهر و سیستم حمل و نقل عمومی آن مناسبت دارد یا خیر. پس از انجام این مطالعات و ارزیابی های اقتصادی مدیران شهری می‌توانند تصمیم‌گیری‌هایی را در سطح کلان آغاز کنند و نسبت به ورود سیستم جدید تصمیم بگیرند».

شورای شهر تهران نیز به منظور تصویب طرح پیشنهادی شهرداری جلسات متعددی را با حضور کارشناسان این امر برگزار کرد تا دیدگاه‌های آنان را مورد بررسی قرار دهد و از نتایج حاصل شده تصمیم‌نهایی را برای ورود ترن هوایی به درون سیستم حمل و نقل عمومی شهر تهران بگیرد.

شهیدی که از کارشناسان حاضر در جلسه شورای شهر بود، در مورد تبادل نظرهای صورت گرفته در این جلسات چنین توضیح می‌دهد: «عده‌ای بر اساس عقاید شخصی از این سیستم به شدت دفاع می‌کردند و عده‌ای نیز به شدت مخالفت می‌ورزیدند. طی جلسات بارها اعلام شد که مطالعاتی نزدیک به ۸ هزار صفحه در مورد ترن هوایی صورت گرفته است.

تا اینکه در اواخر اردیبهشت ماه ۱۳۸۳، ۶ جلد از تحقیقات صورت گرفته در خصوص مَنوریل از سوی شورای شهر دریافت گردید».

وی می‌افزاید: «از ۶ جلد تحقیق صورت گرفته تنها ۹۰ صفحه آن به موضوع ترن هوایی اختصاص می‌یافت و بقیه به موضوعات کلی و عمومی همچون میزان تقاضا در سفرهای درون شهری، حجم بالای مسافرت‌های درون شهری و مانند اینها می‌پرداخت. در نهایت گزارش نتیجه گرفته بود که پاسخ به تقاضاهای موجود، نیازمند عرضه ترن هوایی است!»

یک سیستم حمل و نقل به تنهایی پاسخگو نیست

ورود سیستمی جدید به چرخه حمل و نقل درون شهری بدون انجام مطالعه جامع این مشکل را بوجود می‌آورد که علاوه بر صرف هزینه‌های هنگفت اقتصادی و زمانی، به نتایج مطلوب و مورد نظر دست یافته نشود و سیستم حمل و نقل با مشکلات جدیدی مواجه گردد. انتخاب و ورود هر سیستم می‌بایست در جهت تکمیل دیگر سیستم‌های موجود در حمل و نقل شهری باشد.



وریتو مائورا، استاد دانشگاه تورینوی ایتالیا در رشته حمل و نقل، با اشاره به اینکه گسترش و توسعه حمل و نقل شهری می‌بایست بر اساس نیازها و اهداف برنامه‌ریزی شده انجام گیرد، چنین توضیح می‌دهد: «شهرهایی همچون تهران که تراکم جمعیتی و مسکونی بالایی دارد و سیستم‌هایی همچون تاکسی، مینی‌بوس، اتوبوس، مترو در آن به جابه‌جایی مشغول‌اند، اگر تابع مقررات منظمی شوند می‌توانند سفرهای درون شهری را پاسخگو باشند؛ اما برای مسیرهایی با ۵ تا ۶ هزار مسافر که در ساعات زمانی مشخص انجام می‌گیرند، می‌توان از ترن هوایی و قطارهای شهری بهره‌جست و برای تقاضاهایی با جمعیت بیش از این باید به سمت توسعه شبکه مترو روی آورد. بنابراین باید برای پاسخگو بودن به تقاضاهای متفاوت در خصوص سفرهای درون شهری از سیستم حمل و نقل متناسب بهره‌جست. همچنین هر یک از این سیستم‌های حمل و نقل می‌بایست در کنار یکدیگر ترکیب مناسبی بیابند تا علاوه بر اعمال مدیریت صحیح و کارآمد بتوان خدمات مطلوبی را به شهروندان ارائه داد».

گفتنی است با انجام تحقیقات در خصوص میزان و ساعات تقاضا می‌توان به این نتیجه رسید که چه عرضه‌ای باید صورت گیرد و به چه نوع وسیله نقلیه عمومی نیاز است.

به گفته شهیدی، در کشور های توسعه یافته یک سیستم حمل و نقل را به تنهایی مورد مطالعه قرار نمی‌دهند بلکه سیستم حمل و نقل همگانی را به صورت یکپارچه و به صورت مکمل مطالعه می‌کنند. بنابراین اگر یک سیستم به تنهایی مورد مطالعه قرار گیرد موفقیتی به همراه نخواهد داشت.

وی می‌افزاید: «در شهر تهران با جمعیتی نزدیک به ۶ تا ۸ میلیون نفر، اکثر سفرهای درون شهری در صبح و بعد از ظهر انجام می‌شود. برای چنین شهرهایی به سیستم‌های حمل و نقل همگانی مختلف، از کوچک گرفته تا گروهی و سنگین نیاز است تا دست به دست یکدیگر حمل و نقل شهر را پاسخ گویند. در تهران شبکه حمل و نقل مترو، اتوبوس، مینی بوس، تاکسی مشغول فعالیت هستند که با اعمال مدیریت صحیح می‌توان از سیستم موجود بهره برد و مشکلات سفرهای درون شهری را تقلیل داد. مشکلات حمل و نقل از شبکه موجود نشأت نمی‌گیرد بلکه عامل اصلی آن فقدان درایت در مدیریت حمل و نقل شهری است».

در زمان حاضر در سیستم حمل و نقل عمومی شهرهای کشور پتانسیل‌های نیرومند و ناشناخته‌ای وجود دارد که بهره کافی از آنها برده نشده است؛ بنابراین در ابتدا با شناخت و به کارگیری این پتانسیل‌ها می‌توان بر مشکلات فائق آمد سپس با انجام مطالعه و بر اساس نیاز و همگونی سیستم حمل و نقل شهری می‌توان اقدام به ورود سیستمی جدید کرد.

رتوفی، در این باره معتقد است: «با انجام مطالعات جامع در حمل و نقل عمومی می‌بایست سهم هر یک از وسایط نقلیه همچون تاکسی، اتوبوس و انواع قطار شهری را در ناوگان حمل و نقل عمومی مشخص کرد. پس از این بررسی‌ها مشخص خواهد شد که در کدام نقطه از شهر امکان گسترش این وسایط وجود دارد - یا ندارد. آن‌گاه در صورت فراهم بودن شرایط پایه می‌توان از سیستم‌های دیگری مانند ترن هوایی بهره گرفت».

او می‌افزاید: «در ایران می‌توان با ایجاد مدیریت ترافیک از



زیرساخت‌های موجود و سیستم‌های حمل و نقل بهره کامل را برد و سپس با انجام مطالعات سیستم جدیدی را وارد کرد.»

هزینه اقتصادی

فاز آزمایشی ترن هوایی تهران قرار است فاصله‌ای به طول ۶ کیلومتر را طی کند، گفته می‌شود برای احداث هر کیلومتر آن ۱۲ میلیون دلار هزینه خواهد شد و به طور کلی این طرح ۷۲ میلیون دلار هزینه در بر خواهد داشت.

شهیدی با اشاره به اینکه ۷۲ میلیون دلار هزینه برای اجرای طرح آزمایشی ترن هوایی هزینه هنگفتی است، می‌گوید: «آزمایش یک سیستم را می‌توان با هزینه پایین تری نیز به انجام رساند؛ اما ۷۲ میلیون دلار برای اجرای فاز آزمایشی ترن هوایی هزینه زیادی است. با این مبلغ می‌توان ۶۹۰ دستگاه اتوبوس گازی خریداری و به ناوگان اتوبوسرانی تهران اضافه کرد.»

گفتنی است ورود یک سیستم جدید حمل و نقل به درون شهر، یعنی ورود تکنولوژی جدیدی که متشکل از سخت افزار و نرم افزار است و باید چگونگی انتقال دانش فنی، مناسبات و روابط تجاری، شرایط واردات، ارتباط بین کشور وارد کننده و کشور صاحب آن تکنولوژی در سطح کلان مورد بررسی قرار گیرد.

دیمتری گایف، عضو روس اتحادیه بین‌المللی حمل و نقل عمومی (UITP)، با اشاره به اینکه اغلب شهرهای بزرگ و مهم دارای پروژه‌ها و طرح‌های با پستی‌های همچون ترن هوایی هستند، می‌گوید: «این امکان وجود دارد که ورود سیستمی مدرن در حمل‌ونقل ابتدا در برابر روش سنتی حمل‌ونقل با شکست مواجه شود؛ اما داشتن چنین سیستم‌هایی برای یک شهر- آن هم پایتخت

– ممکن است اهمیت بسیاری داشته باشد. به نظر من شهر تهران

نیز اگر بودجه و هزینه اجرای طرح ترن هوایی را دارد، می‌تواند اقدام به برقراری آن کند.»

وی می‌افزاید: «اگر شهری سرمایه اجرای پروژه‌های مدرن را داراست می‌تواند با اجرای پروژه‌هایی همچون ترن هوایی شهر را به شهری مدرن تبدیل کند. ایران به لحاظ تکنولوژیکی رشد کافی داشته است و توان آن را دارد تا طرح ترن هوایی را در تهران پیاده کند.»

وی با اشاره به اینکه بزرگ‌ترین جنبه منفی اجرای ترن هوایی همانا هزینه‌های آن است، می‌گوید: «سرانه هزینه‌ای که برای اجرای ترن هوایی صرف خواهد شد بسیار بیشتر از گسترش وسایل حمل و نقل عمومی سنتی است. اما ترن هوایی در شهر حالت نمایشی دارد و برای شهروندان جلب توجه می‌کند و شهروندان حاضرند با کمال میل هزینه استفاده از این وسیله را بپردازند.»

وی می‌افزاید: «شهرهای تفریحی و توریستی و فرودگاه‌ها از جمله مراکزی هستند که مسافران در آن به راحتی پول خرج می‌کنند؛ از این رو هزینه گشت و گذار با ترن هوایی را نیز به راحتی متقبل خواهند شد.»

در انتها باید گفت، سیستم ترن هوایی یا منوریل چه سیستمی متناسب با نیازهای حمل و نقل درون شهری تهران باشد و چه نباشد، نکته حائز اهمیت آن است که مدیران شهری در تصمیم‌گیری برای انتخاب یک راه حل از میان راه‌های موجود، می‌بایست برای کاهش هزینه‌های احتمالی ناشی از تصمیم‌ها، ابعاد مختلف هر راه حل را مورد مطالعه علمی و کارشناسی قرار دهند.

در کارگاه آموزشی شهرداران مطرح شد:

تحول نظام توزیع اعتبارات متمرکز

آموزش کارکنان



احمد تواهرن

معاون برنامه ریزی و توسعه سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور

دفتر آموزش و توسعه منابع انسانی سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، نشستی را با عنوان کارگاه آموزشی آشنایی با مفاهیم اساسی، طراحی و ارزیابی نظام‌های آموزشی و بررسی نحوه تهیه و تنظیم فرم‌ها و دستورالعمل‌های توزیع اعتبارات متمرکز شهرداری‌ها در مردادماه سال جاری برگزار کرد.

در این کارگاه آموزشی مدیران کل شهری و روستایی استانداری‌های کشور و شهرداران مراکز استان‌ها شرکت داشتند.

مطالبی که در پی می‌آید، گزیده‌ای است از سخنانی که در این کارگاه مطرح شد.

ضرورت ارتباط بیشتر میان شهرداری‌ها و استانداری‌ها

شهرداری‌ها از طرق مختلف می‌توانند منابع درآمدی مناسبی کسب کنند. از این دست‌اند منابع مالی و درآمدی حاصل از مصوبات شورای اسلامی شهر، عوارض محلی، عایدات حاصل از قانون تجمیع عوارض، کمک‌های بخش دولتی. محمدحسین مقیمی، رئیس سازمان شهرداری‌های کشور، با بیان این مطلب کمک‌های بخش دولتی را مورد تأکید قرارداد و گفت: "کمک‌های دولتی به شهرداری‌ها در اختیار شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان قرار می‌گیرد. این کمک‌ها سال به سال در حال افزایش است."

وی جذب منابع مالی بخش دولتی را منوط به ارتباط اجرایی تر شهرداری‌ها با مجموعه مدیریت استانی دانست و افزود: "ارتباط کارسازتر و علمی‌تر میان شهرداری‌ها، شوراها و مدیران استانی امکان کسب منابع بیشتری را به شهرداری‌های مراکز استان می‌دهد." رئیس سازمان شهرداری‌های کشور نظارت معاون عمرانی استان‌ها بر طرح‌های عمرانی شهرداری‌ها را الزامی دانست و خاطر نشان کرد: "توزیع اعتبارات عمرانی شهرداری‌ها و دهیاری‌ها، در پی مشورت سازمان با معاون عمرانی استان‌ها تعیین می‌گردد. توزیع اعتبارات عمرانی، بسته به پیشرفت پروژه و نیاز، به شهرداری‌ها و دهیاری‌ها تعلق می‌گیرد."

بهره‌مندی شهرداری‌ها از عواید مالیات بر ارزش افزوده

احمد تواهرن، معاون برنامه‌ریزی و توسعه سازمان شهرداری‌های کشور نیز، با اشاره به تغییرات اساسی در بودجه مصوب سال جاری شهرداری‌های کشور گفت: "پس از تصویب قانون «تجمیع عوارض» تمام بودجه‌های تزیینی از سوی این سازمان به شهرداری‌ها از حالت عرف کمک خارج شده و به وظیفه توزیع وجوه (متمرکز) تبدیل گردیده است."

معاون برنامه‌ریزی و توسعه سازمان شهرداری‌های کشور، نظام حسابداری نقدی شهرداری‌ها را عامل ایجاد مشکلاتی در نگهداری حساب‌ها، هزینه‌ها و درآمدها دانست و افزود: "در این زمینه تحول نظام حسابداری و خروج از وضعیت فعلی که موجب مشکلات زیادی در ارزیابی درآمدها و هزینه‌ها می‌شود، حائز اهمیت است که با همکاری مشاوران دفتر برنامه و بودجه سعی خواهد شد این تحول در ایجاد و نحوه تنظیم بودجه سال ۱۳۸۴ شهرداری‌ها در نظر گرفته شود."

به گفته وی، مشکل اصلی در ابلاغ ارقام و اعداد ردیف‌های اعتباری همانا فقر اطلاعات کافی است که با همکاری مدیران محلی و منطقه‌ای در زمینه جمع‌آوری و بهنگام‌سازی اطلاعات شهرها میسر خواهد بود. علاوه بر آن با تهیه شناسنامه شهرها و در نهایت تحقق این دو امر می‌توان آثار تزریق وجوه و تحولات خدمات شهری را به خوبی نمایان کرد."

معاون برنامه‌ریزی و توسعه سازمان شهرداری‌های کشور تأکید کرد: "تدوین برنامه‌های میان مدت برای هدفمند کردن اعتبارات نیازی اساسی است. از سویی دیگر نگرش فرابخشی برنامه چهارم به تحولات خدمات شهری امکان برنامه‌ریزی فضایی را برای شهرداری‌ها میسر می‌سازد."

وی از تخصیص بیش از ۴۳۰ میلیارد تومانی کمک دولت طی سال جاری بدون در نظر گرفتن اعتبارات اولیه برای تکمیل پروژه‌های قطارهای شهری به شکل ریالی ویا از طریق فاینانس خبر داد و خاطر نشان کرد: "ردیف‌های اعتباری عواید حقوق گمرکی و فروش مواد سوختنی، شماره گذاری خودروها و سیگار در بودجه سال جاری معادل حداقل دریافتی سال گذشته تعیین شده است. این در حالی است که شاخص‌هایی چون جمعیت شهرنشین، تعداد شهرهای استان و عملکرد فروش سوخت و واردات کالا در هر منطقه در تخصیص وجوه آن منطقه تأثیر می‌گذارد."

طبق اظهارات توهان، بودجه‌های تخصیصی به شهرداری‌ها سرانه مطلوب شهروندی را برای رسیدن به رفاه شهری استاندارد محقق نمی‌کند و باید منابع جدیدی از سوی دولت برای شهرداری‌ها در نظر گرفته شود.

به گفته معاون برنامه‌ریزی و توسعه سازمان شهرداری‌های کشور، این سازمان لایحه‌ای را برای رسیدن منابع درآمدی به سرانه مطلوب شهروندی تدوین کرده است، که در صورت تصویب این لایحه با "تخصیص بخشی از درآمدهای مالیاتی بر ارزش افزوده"، کسری بودجه‌های شهرداری‌های کشور تا حد زیادی مرتفع و خدمات شهری متحول می‌شود.

اقدامات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها در زمینه آموزش

احمد توهان با تأکید بر مقوله آموزش، به عملکرد سازمان در این زمینه پرداخت و در ادامه به این موارد اشاره کرد: در سال گذشته حدود ۲۶ هزار نفر از پرسنل شهرداری‌ها در سراسر کشور آموزش‌های مربوط به حیطه کاری خود را فرا گرفتند. استفاده از ظرفیت‌های دانشگاه‌های داخل و خارج از کشور برای آموزش‌های تکمیلی و عالی برای مدیران ارشد شهرداری‌ها از دیگر برنامه‌های سازمان شهرداری‌های کشور در امر آموزش است. افزون بر اینها ایجاد انگیزه آموزش از طریق تأثیر در سابقه خدمتی کارکنان، استفاده از روش آموزش مکاتبه‌ای، تهیه CDهای آموزشی، اتخاذ سیاست‌های آموزشی در انتشار ماهنامه "شهرداریها" و "دهیاریها" و در نهایت هماهنگ کردن نظام آموزشی سازمان شهرداری‌های کشور با نظام آموزش کارکنان دولت و راه‌اندازی برنامه‌های صدای شهروند و صدای دهیار از صدا و سیما برای ارائه آموزش‌های مورد نظر، از دیگر برنامه‌های سال جاری سازمان در این زمینه به شمار می‌روند.

نحوه توزیع اعتبارات در سال جاری و گذشته

با عملیات کارشناسی بر دستورالعمل حقوق گمرکی در سال ۱۳۸۲، در سه کار گروه با حضور معاونان عمرانی استان‌ها، چند شاخص برای توزیع اعتبارات حقوقی گمرکی مدنظر قرار گرفت که عبارت‌اند از: درآمد شهرداری‌ها، سرانه بودجه شهرداری‌های هر استان، واردات کالا، شهرهای بندری و مرزی و تعداد شهرداری‌های هر استان، درجه شهرداری و جمعیت به عنوان بزرگ‌ترین شاخص و ضریب محرومیت. البته به دلیل فقدان آمار و اطلاعات، تنها سه شاخص جمعیت، شهرهای بندری و مرزی و تعداد شهرداری‌های هر استان به عنوان شاخص‌های توزیع اعتبارات حقوقی گمرکی لحاظ شدند. شاخص‌های توزیع اعتبارات سوخت علاوه بر شاخص جمعیت و تعداد شهرهای هر استان، مصرف فرآورده‌های نفتی است.

در سال ۱۳۸۲ از دوردیف اعتبارات متمرکز تبصره ۱ ماده ۶ (شماره گذاری، سیگار، سوخت) ۲۰۰ میلیارد تومان و از محل عوارض حقوقی گمرکی نیز ۲۰۰ میلیارد تومان وصول شد که از این مقدار ۳۷۶ میلیارد تومان به نسبت تحقق، بین کلیه دهیاری‌ها و شهرداری‌ها توزیع گردید.

نحوه این توزیع این گونه بوده است: از اعتبارات تبصره ۱ ماده ۶، ۲۰ درصد معادل ۴۰ میلیارد تومان به دهیاری‌ها؛ ۱۵ درصد معادل ۳۰ میلیارد تومان به کلان شهرها؛ ۶۵ درصد معادل ۱۳۰ میلیارد تومان به سایر شهرهای کشور؛ و ۷۰ درصد از اعتبارات حقوقی گمرکی نیز به شهرداری‌ها و ۳۰ درصد مابقی به دهیاری‌ها تعلق گرفت.

امسال در مقایسه با سال گذشته اعتبارات متمرکز سوخت و حقوق گمرکی افزایش داشته است، به گونه‌ای که اعتبارات متمرکز سوخت به ۲۰۰ میلیارد تومان و حقوق گمرکی به ۲۸۰ میلیارد تومان رسیده است. از این ۴۸۰ میلیارد تومان، ۱۲۸ میلیارد تومان بین دهیاری‌ها، ۶۲ میلیارد تومان بین کلان شهرها و ۳۹۰ میلیارد تومان بین سایر شهرداری‌های کشور توزیع خواهد شد که تا کنون ۴۲ میلیارد تومان آن به نسبت تحقق بین شهرداری‌ها توزیع شده است.

علاوه بر اینها، سازمان در سال ۱۳۸۲ اعتباراتی را به بخش‌های مختلف اختصاص داده بود که از این دست‌اند: در بخش پژوهش ۲ میلیارد تومان، آموزش ۲ میلیارد تومان، تعدیل نیروی انسانی ۵ میلیارد تومان، حاشیه‌نشینی ۳ میلیارد تومان، گردشگری ۴ میلیارد تومان، خرید اتوبوس و مینی بوس ۹۰ میلیارد تومان، خرید قطعات اتوبوس ۱۱ میلیارد و ۷۸۵ میلیون تومان، خطوط شبانه اتوبوسرانی ۸ میلیارد تومان، بازیافت ۱ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان و خرید تجهیزات آتش‌نشانی ۳ میلیارد و ۲۴۵ میلیون، و ۲۰ میلیارد تومان وام هم که به تفکیک ۲۸ استان کشور بین شهرداری‌ها توزیع گردید.

در سال ۱۳۸۳ سازمان شهرداری‌های کشور برای خرید اتوبوس و مینی بوس ۹۰ میلیارد تومان، قطعات اتوبوس ۱۵ میلیارد و ۷۰۰ میلیون، و ۶ میلیارد تومان نیز به خطوط شبانه اختصاص داده است که از این مقدار ۵۰ درصد به شهرداری‌های کلان شهرها اختصاص می‌یابد. نظر رئیس سازمان شهرداری‌های کشور بر این است که ۵ درصد از اعتبارات تبصره ۱ ماده ۶ قانون تجمیع عوارض به شهرداری‌های تازه تأسیس (به هر شهرداری معادل ۶۰ میلیون تومان) اختصاص یابد که ۳۰ میلیون تومان آن به صورت وجه نقد و ۳۰ میلیون دیگر به عنوان وام بلاعوض خواهد بود.

مناف هاشمی، مدیرکل دفتر برنامه و بودجه

اقدامات سازمان شهرداری ها و دهیاری ها در نحوه توزیع اعتبارات

مدیرکل دفتر برنامه و بودجه مساعی سازمان شهرداری ها را برای افزایش منابع درآمد شهرداری ها در سال ۱۳۸۳ و همچنین در خصوص نحوه توزیع اعتبارات چنین برمی شمارد:

- ۱- افزایش رقم اعتبارات متمرکز از دو محل (عوارض سوخت و گمرکی) از ۴۰۰ میلیارد تومان به ۴۸۰ میلیارد تومان؛
- ۲- افزایش تعداد صنایع آلاینده به ۱۴۸۷ قلم صنایع آلاینده مشمول ۱ درصد عوارض؛
- ۳- افزایش تعداد کالاهای نهایی در قالب ۱۲۳ گروه کالایی و به ۲ هزار و ۳۳۰ قلم کالای نهایی مشمول ۱ درصد عوارض؛
- ۴- واریز درآمدهای حاصل از کالاهای نهایی خارج از محدوده حريم قانونی شهرها به حساب دهیاری روستاهای همان شهرستان؛
- ۵- پیگیری مسئله وصول عوارض شهرداری ها به وسیله سازمان شهرداری های کشور بدون اعمال نظر اجرایی سازمان مالیاتی کشور.

مدیریت شهری نیازمند تعریفی دوباره از نظام آموزشی

یکی از اشکالاتی که متوجه مجموعه مدیریت شهری و یا روستایی کشور است، عدم تعریف نظام آموزش کارکنان مدیریت محلی است. هر نظام آموزشی می بایست مطابق قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی به تأیید سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور برسد و آن گاه سازمان ذی ربط اقدام به برگزاری دوره های آموزشی کند.

بنابراین برگزاری دوره های آموزشی بدون تعریف نظام آموزشی برای آموزش گیرندگان سودی نخواهد داشت. البته این بدان معنا نیست که سازمان شهرداری های کشور قصد ممانعت از برگزاری دوره های توجیهی را در شهرداری ها دارد. به تأکید ریاست سازمان شهرداری های کشور مبنی بر داشتن یک نهضت آموزشی در عرصه مدیریت محلی از برگزاری دوره های آموزشی و توجیهی حمایت می گردد - البته به شرط حرکت در مسیر نظام شغلی کارکنان دولت.

حسین ایمانی جاجرمی، مدیرکل دفتر آموزش و توسعه منابع انسانی

برگزاری دوره های آموزشی، کمک به ارتقای شغلی کارکنان سازمان

نظام های آموزش در سازمان ها براساس دوره های پودمانی - مهارتی تنظیم شده اند. نظام های آموزشی در سه نوع آموزش بازآموزی، آماده سازی و نوآموزی شکل گرفته اند. در دوره بازآموزی فرد پس از ۲ الی ۵ سال کسب آموزش از طرف سازمان می باید مورد بازآموزی قرار گیرد. دوره های آماده سازی نیز برای ارتقای پست مدیریتی در نظر گرفته شده اند و آموزش های نوآموزی نیز با هدف ارائه دانش های جدید و فناوری و اطلاعات روز صورت می گیرد.

دوره های آموزشی به ۴ دسته تقسیم می شوند: دوره های توجیهی، دوره های آموزش شغلی (به دو نوع دوره های شغلی مشترک اداری و دوره های شغلی اختصاصی)، دوره های عمومی (از جمله دوره های CIT، ICIDL، زبان انگلیسی، دوره های گزارش نویسی، و دوره های مختلفی که کارمندان می بایست از آن مطلع شوند) و دوره های اختصاصی که این دوره ها را هر دستگاهی متناسب با وظایف و مأموریت های خود طراحی می کند.

کسانی که موفق به طی دوره های ذکر شده گردند، به ازای هر ۱۷۶ ساعت آموزش، می توانند یک ماه حقوق و فوق العاده شغل دریافت کنند و یک سال زودتر پیشگام در ارتقای گروه شغلی بالاتر شوند. علاوه بر آن دارندگان مدرک دیپلم با سپری کردن ۱۲۰۰ ساعت آموزش، گواهینامه مهارتی دریافت می کنند؛ دارندگان مدرک فوق دیپلم با طی ۱۰۰۰ ساعت آموزش گواهینامه تخصصی معادل لیسانس می گیرند؛ و دارندگان مدرک کارشناسی با پشت سر گذاشتن ۸۰۰ ساعت آموزش موفق به گرفتن گواهینامه تخصصی - پژوهشی می شوند.

دارندگان مدارک کارشناسی ارشد و دکتری ضمن بهره مندی از مزایای ذکر شده، مشمول گواهینامه هایی که معادل یک مقطع تحصیلی است نخواهند بود. علاوه بر آن هر کارمندی تنها می تواند یک سطح گواهینامه دریافت کند و در صورتی که کارمندی با مدرک دیپلم به بالا گواهینامه مهارتی دریافت دارد، دیگر مشمول دریافت گواهینامه تخصصی و یا تخصصی - پژوهشی نمی شود و لیکن قادر به کسب آموزش های مربوط به آن دوره ها خواهد بود.

طباطبایی - مدیرکل آموزش و بهسازی نیروی انسانی سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور

دوره های بهبود مدیریت برای مدیران

طباطبایی، مدیرکل آموزش و بهسازی نیروی انسانی سازمان مدیریت و برنامه ریزی، با اشاره به این مطلب که در هر سازمانی دوره هایی نیز برای ارتقای مدیریت طرح ریزی شده است می افزاید: "این دوره ها که از آن به دوره های بهبود مدیریت یاد می شود، با نظام انتصاب، ارزشیابی، دوره های ارتقا، و دوره های آماده سازی نظام آموزش هماهنگ شده است. در دوره های بهبود مدیریت مدیری که قصد ارتقای شغلی دارد موظف به گذراندن آموزش های الزامی مندرج در دوره های بهبود مدیریت است."

طباطبایی عناوین آموزش های الزامی برای مدیران را این گونه برمی شمارد: "برنامه ریزی در دستگاه های دولتی، تمرکز بر وظایف و فعالیت ها، تصمیم گیری، سازماندهی تکنیک، بهبود سیستم، انگیزش در کار، مهارت های ارتباطی مدیران، مهارت های کار کردن با مدیران مافوق. گفتنی است میزان ساعت آموزشی برای مدیران پایه ۱۱۴ ساعت، برای مدیران میانی ۱۴۸ ساعت و مدیران عالی ۱۰۶ ساعت تعیین شده است." وی با اشاره به اینکه سازمان شهرداری های کشور می تواند با ۶۰۰ ساعت برنامه آموزشی تمامی مدیران مقطع کارشناسی خود را طی ۷ سال به کارشناسی ارشد تبدیل کند، ادامه داد: "تا پایان برنامه سوم توسعه اقتصادی اجتماعی نبود سرانه آموزشی (۴۰ ساعت) و آموزش ویژه مدیران به میزان ۱۰۰ ساعت در سازمان ها نشان دهنده ناکارآمدی برنامه ها و توسعه نیافتگی سازمان مربوط تلقی خواهد شد."

اشنویه شهر گیلاس های قرمز

راحله شیراسب
کارشناس علوم اجتماعی

اشنویه با توجه به قرارگیری در مثلث مرزی ایران و همجواری با دو کشور ترکیه و عراق، دارای جایگاه ویژه‌ای است، چرا که شهری مرزی محسوب می‌شود و به هر حال مشخصه‌ها و مشکلات خاص خود را دارد. روشن بین در این باره چنین می‌گوید: «بی توجهی محض در دوران قبل از انقلاب، ناآرامی‌های داخلی پس از انقلاب اسلامی، ساخت و سازهای غیرقانونی، خصوصیت مهاجر پذیری و مشکلات ناشی از آن، پناه دادن آوارگان عراقی به دلیل فشارهای دولت مرکزی عراق به آنها و نظایر اینها از عواملی‌اند که در کندی آهنگ توسعه موزون شهری اشنویه تأثیر داشته‌اند».

شهردار اشنویه می‌افزاید: «حضور جمعیت و افزایش آن، بدون برنامه‌ریزی قبلی در شهری همانند اشنویه، برای بروز مشکلات در سالیان دراز و متمادی کافی است. مشکلات مذکور امروزه گریبانگیر مدیریت شهری شده است».

وی اظهار می‌دارد که شهرداری‌ها نگاهی دوگانه به توسعه شهری دارند: نگاه آرمانی و نگاه واقعی؛ و می‌افزاید: «توجه صرف و محض به هر یک از این دو منظر، شهرداری‌ها را با مشکل مواجه می‌سازد. اگر شهردار و شهرداری دارای نگاهی صرفاً واقع‌گرایانه در مدیریت شهر باشند از هر گونه خطرپذیری و اقدام جسورانه برای تحول دوری می‌گزینند و این امر خود باعث می‌شود که شهرداری در چارچوب درآمد برای شهر هزینه کند. عدم جسارت و خلاقیت موجب کندی توسعه می‌گردد و چه بسا در آن صورت شهرداری تا یکصد سال آینده نیز حتی به ده درصد اهدافش نرسد».

به اعتقاد وی، نگاه آرمانی به شهر نیز به تنهایی برای روند توسعه شهری مفید نیست و هیچ زمان تئوری‌های نگاه آرمانی نمی‌توانند لباس اجرا به تن کنند. می‌بایست منابع درآمدی را تعریف کرد و در کنار برنامه‌های مدون و منطقی با بهره‌گیری از مشاوران متخصص در زمینه مسائل مختلف شهری به دنبال استفاده از منابع موجود در بخش خصوصی و دولتی گشت. درآمدهای محلی را نیز باید در چارچوب بودجه تنظیمی هزینه کرد و با ارائه طرح‌های توجیه‌دار از منابع مختلف دولتی به تأمین اعتبار پرداخت. و از طرفی هم بخش‌های خصوصی می‌بایست به عنوان سرمایه‌گذاران اصلی وارد عرصه اجرا شوند.

اشنویه نزدیک‌ترین شهر به ارومیه مرکز استان آذربایجان غربی است. دره شهدا نام جاده‌ای است که اشنویه را به مرکز استان متصل می‌سازد. آب و هوای معتدل کوهستانی باعث وجود نوعی پوشش سحرانگیز طبیعی در این منطقه شده است که جاذبه‌ای توریستی برای این شهر به شمار می‌آید.

در اشنویه به دلیل وجود آب و هوای مطلوب، فعالیت باغداری رونق فراوان دارد. از جمله باغ‌های گیلاس آن با شکوفه‌های سپید و میوه‌های سرخ رنگ چشم‌هر بیننده‌ای را به خود جلب می‌کنند. از همین روست که گردشگران، اشنویه را شهر گیلاس‌های قرمز نام نهاده‌اند.

اشنویه از شهرهای باستانی ایران است. گواه این مدعا وجود سنگ نبشته کلاشین به قدمت هفتصد سال قبل از میلاد است که نشان از حاکمیت اوراتورها بر این منطقه دارد. در زمان حاضر اشنویه با سی هزار نفر جمعیت، ۳۶۵ هکتار مساحت دارد. این شهر در منطقه کوهستانی واقع شده و ارتفاع آن از سطح دریا ۱۴۲۸ متر است.

محمود روشن بین، شهردار اشنویه، با شروع به کار اولین دوره شوراهای اسلامی شهر، به عنوان شهردار این شهر فعالیت خود را در زادگاهش آغاز کرد. در دوره چهار ساله اول مدیریت او چهره شهر تغییر یافت. پس از شروع به کار دور دوم شوراها، روشن بین برای تداوم اقدامات اساسی خود، مجدداً در سمت شهردار ایفا شد.

شهردار اشنویه معتقد است که شهر موجودی است زنده که بقای آن به شریان‌های ارتباطی‌اش - که تغذیه شهر را بر عهده دارند - بستگی می‌یابد. بر همین اساس است که شهرداری اشنویه اولین گام‌های اجرایی خود را بر روی طرح آزاد سازی شریان‌های بن بست شهری متمرکز کرده است تا خطوط ارتباطی را که به اشنویه ختم می‌شوند از کلاف در هم تنیده‌شان خارج سازد.

وی معتقد است که شهردار هر شهر برای انجام هر پروژه و قبل از آن، می‌بایست به جمع‌آوری اطلاعات از هر شهر، تشخیص نقاط قوت و ضعف شهر و شهرداری، بررسی نیازهای شهری، امکانات موجود و تطبیق آنها برای حل نیازها، برنامه‌ریزی مدون و اولویت بندی طرح‌ها و نیازها و نظایر اینها بپردازد.



محمود روشن بین، شهردار اشنویه

برقرار باشد، حرکت توسعه نیز با آهنگ منظم‌تری ادامه می‌یابد. شهردار اشنویه تأکید می‌کند که حرکت‌های عمرانی در شهر، انتقاداتی را نیز به دنبال خواهند داشت که شوراها می‌توانند نقش نظارتی و اصلاحی خود را در چنین مواردی با توجه به اختیارات قانونی اعمال کنند.

وی می‌افزاید: «باید توجه کرد که انتقاد به منزله اصلاح امور است و استمرار آن موجب پایداری اقدامات شهرداری برای شهر می‌گردد».

اشنویه، میدان انقلاب، تندیس گیلان



اقداماتی که شهرداری اشنویه در سال ۱۳۸۳ تصمیم به انجام آنها گرفته است، از این قرارند: بهره‌برداری از کارخانه آسفالت، آغاز عملیات اجرایی پارک ساحلی، شروع فاز یک گردشگری قلاتوک، تکمیل پل چهل متری سید آباد، آسفالت معابر، توسعه فضای سبز و میلمان شهری و ادامه عملیات سال‌های قبل.

شهردار اشنویه یادآور حضور گسترده مردمی فعال و باایمان و صبور است. اشنویه شهر گیلان‌های قرمز، شهری سبز و زنده، و شهری است که با امکانات اندک گام‌های بزرگی را برداشته است. شهردار این شهر می‌گوید: «باید آرمانی نگریست ولی واقعی عمل کرد. در این صورت هم حرکت ادامه خواهد داشت و هم آرزوها به تحقق نزدیک‌تر خواهند شد».

گفتنی است تفریح بودجه شهرداری اشنویه در سال ۱۳۸۲ شش میلیارد ریال بوده است، و بودجه مصوب سال ۱۳۸۳ شهر اشنویه تنها سه میلیارد و نیم ریال است. استعلام متقاضیان گاز در سال ۱۳۸۲ نقطه عطفی در درآمد شهرداری اشنویه به شمار می‌آمده است؛ هر چند که قانون تجمیع عوارض در همان سال نقطه ضعفی بر درآمد تمام شهرداران بوده است. شهردار اشنویه در این زمینه چنین می‌گوید: «قانون تجمیع عوارض به نفع شهرداری‌های کم درآمد و پایین‌تر از درجه ۷ است ولی در سال ۱۳۸۲ به خاطر وجود ابهاماتی در نحوه اجرای آن، قانون مذکور موفقیت چندانی نداشته است».

وی معتقد است که شهرداری اشنویه با بودجه‌ای کمتر در سال‌های قبل با اراده و امید و لطف خدا اقدامات بزرگی را در شهر به انجام رسانده است. وی مابقی راه را برای عمران شهر، برنامه و طرح و جذب اعتبار می‌داند و معتقد است که با پیگیری مستمر مسئولان ذی ربط تاکنون در این زمینه نیز کارهای موفقیت آمیزی انجام شده است.

مهم‌ترین اقدامات شهرداری اشنویه در سال ۱۳۸۲ حرکت در جهت برنامه پنج ساله مصوب شهرداری - از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۲ - بوده است. از جمله این اقدامات عبارت‌اند از: جدول‌گذاری معابر و کوچه‌ها، مسیرگشایی‌ها، احداث پارک، دیوار ساحلی، تثبیت بستر رودخانه، آسفالت خیابان‌ها، ساماندهی پیاده‌روها و ارتقای درجه شهرداری به ۶ و نظایر اینها.

شهر اشنویه در گذشته نتوانست به دلایلی که پیش‌تر ذکر شد خود را با آهنگ عمومی توسعه کشور هماهنگ سازد. بدین ترتیب بخش اعظم اقدامات و انرژی شهرداری برای جبران و تأمین نیازهایی صرف‌گردد که اصولاً می‌بایست تاکنون به بهره‌برداری می‌رسیدند. شهرداری در گام نخست، بهنگام کردن چهره کالبدی خیابان‌ها، کوچه‌ها و احداث فضای سبز، زینت میدان‌ها و احداث پارک را در دستور کار خود داشته است. شهرداری اشنویه همسو با گسترش اطلاعات و ارتباطات زمینه‌های پیام‌رسانی و پیام‌گیری سریع و ارتباط مردم را به منظور تحول مدنی شهر به وجود آورده است. اما شهردار با وجود تمام اقدامات انجام شده اینها را به معنی اتمام کار و مطلوب بودن همه کارها بر نمی‌شمارد و معتقد است که خدمت‌رسانی و عملکرد مجموعه شهرداری و شهردار هرگز به پایان نخواهد رسید و انتظارات مجموعه شهرداری و مردم با توسعه بیشتر، افزایش خواهد یافت. البته به اعتقاد وی، شهرداری اشنویه برای تحول آفرینی و توسعه در شهر استفاده بهینه را از امکاناتش کرده است.

روشن بین نقش شوراها را در روند توسعه مدیریت شهری بسیار مهم ارزیابی می‌کند. به عقیده وی با استناد به قانون شوراها و شوراها فرادستی زمینه حضور و ارتباط با مردم و انتقال خواسته‌ها و نظریات آنها به مسئولان استانی و مرکزی کاملاً فراهم می‌گردد. شورای شهر با توجه به امانتداری رأی مردم همواره بر انجام بهتر امور کوشش کرده است و هر چه بین شهرداری و شورای شهر تعامل بیشتری

در نشست معاونان هماهنگی امور عمرانی استانداری‌ها در کشور مطرح شد:

تشکیل اتاق بحران در شهرهای کشور

در ادامه این گردهمایی، جعفر رحمان زاده، استاندار زنجان، طی سخنانی به موقعیت خاص استان زنجان و اقدامات دولت در هشت سال گذشته در این استان اشاره کرد و از پیشرفت‌های چشمگیر به دست آمده در زمینه عمرانی - اقتصادی اجتماعی و سیاسی در آن خبر داد.

پیروز حناچی، معاون وزیر مسکن و شهرسازی نیز با تأکید بر اینکه شهرسازی موضوعی فرابخشی است که هماهنگی همه دستگاه‌های ذی ربط را طلب می‌کند، اظهار داشت: «ایجاد فضای مناسب در شهرها و رعایت حقوق شهروندان بر درآمدهای ناشی از تغییر کاربری ارجح است».

افزون بر اینها سخنرانی‌هایی نیز ایراد شد که از آن میان، «لزوم تشکیل اتاق بحران و ویژگی‌های آن» عنوان سخنرانی فاطمی عقدا رئیس پژوهشکده سوانح طبیعی بود.

در روز دوم گردهمایی معاونان هماهنگی امور عمرانی استانداری‌های کشور حسین ایمیانی، مدیر کل دفتر آموزش سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها، به اقدامات این دفتر در سال ۸۲ و آموزش حدود ۲۶ هزار نفر از پرسنل شهرداری‌ها و نیز ارائه برنامه‌های آموزش سازمان در سال ۱۳۸۳ پرداخت.

وی از میان عمده‌ترین برنامه‌های دفتر آموزش، به تدوین نظام جامع آموزش برای شهرداری‌ها و دهیاری‌ها و استفاده از شبکه‌های صدای جمهوری اسلامی برای راه‌اندازی برنامه صدای دهیار و صدای شهردار اشاره داشت.

در این نشست علی نودپور سرپرست معاونت دهیاری‌ها، به تشریح عملکرد سازمان در خصوص دهیاری‌ها و برنامه‌هایی که برای ساماندهی امور دهیاری‌ها در سال ۸۳ به وسیله سازمان در دست اقدام است پرداخت و همچنین در مورد مشکلاتی که فرا روی توسعه این نهاد نوپا در اقصی نقاط روستایی کشور وجود دارد، توضیحاتی را ارائه کرد.

در ادامه محمد رئوفی دبیر شورای ترفیک شهرهای کشور ضمن ارائه توضیحاتی در مورد آمار تصادفات شهری و روش‌های پیشگیری از این حوادث و کاهش آنها، برنامه‌های شورای مذکور را تشریح کرد.

گفتنی است مهم‌ترین تصمیمات اتخاذ شده در نشست معاونان هماهنگی امور عمرانی استانداری‌های کشور اینها بوده‌اند:

تشکیل اتاق بحران در شهرهای کشور، برنامه تثبیت و کاهش نرخ رشد تصادفات درون شهری در فاصله زمانی مرداد ۱۳۸۳ تا مرداد ۸۴، تأکید بر آموزش مستمر دهیاران و پرسنل شهرداری‌ها در جهت توانمندسازی تشکیلات مذکور، و همچنین تأکید بر نظارت مستمر بر مقاوم‌سازی ساخت و سازها در شهرها و روستاهای کشور.

گردهمایی معاونان هماهنگی امور عمرانی استانداری‌های کشور با حضور محمد حسین مقیمی، معاون هماهنگی امور عمرانی وزارت کشور و رئیس سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، با هدف طرح دیدگاه‌ها و هماهنگی در اجرای برنامه‌های معاونان امور عمرانی استانداری‌ها در کشور در روزهای یازدهم و دوازدهم شهریور ماه ۱۳۸۳ در زنجان برگزار شد.

محمد حسین مقیمی، معاون هماهنگی امور عمرانی وزارت کشور، ضمن برشماری مهم‌ترین اقدامات و فعالیت‌های دولت خاتمی، توجه به استان‌های کمتر توسعه یافته و تخصیص اعتبارات لازم به این استان‌ها به منظور رفع محرومیت ملی و منطقه‌ای را از راهبردهای اصلی دولت در توازن منطقه‌ای و توسعه فراگیر در کشور دانست.

به گزارش روابط عمومی سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، مقیمی با اشاره به اهمیت ایجاد منابع درآمدی پایدار برای شهرداری‌ها اظهار داشت: «قانون تجمیع عوارض از لویج ارزشمندی است که دولت در مجلس به تصویب رساند و منابع درآمدی مطمئنی را برای شهرداری‌های کشور متحقق ساخت».

معاون فرهنگی امور عمرانی وزیر کشور، اختصاص ۱۰ درصد بهای فروش بنزین برای عمران شهری و روستایی را از دستاوردهای مهم دولت برای توسعه شهرها و روستاها اعلام کرد و افزود: «تمرکز زدایی در تصمیم‌گیری‌های منطقه‌ای و پی‌گیری طرح آمایش سرزمین از اقدامات دولت برای توسعه هر چه بیشتر کشور است».

مقیمی، با تأکید بر حضور و مشارکت مردم در تصمیم‌سازی‌ها گفت: «استفاده از تجارب دو انتخابات شوراها و تثبیت نظام شورایی، نقش مهمی در نهادینه سازی و مشارکت مردم در امور مختلف کشور خواهد داشت».



وزیر کشور از سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها بازدید کرد

عبدالواحد موسوی لاری، وزیر کشور در بیست و چهارم شهریور ماه سال جاری از سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور بازدید کرد. موسوی لاری در جمع معاونان و مدیران کل دفاتر

است، اظهار داشت: «با برنامه‌ریزی‌های امروزیین و استفاده از تجارب و یافته‌های جدید می‌بایست به عمران و توسعه مطلوب شهرها سرعت بخشید؛ که این امر تنها با شناخت توانمندی‌های منطقه‌ای و سیاستگذاری‌های درست محقق خواهد شد».

وی در بخش دیگری از سخنان خود افزود: «از جمله ویژگی‌های مدیریت شهری کارآمد و نوگرا تحقق رعایت حقوق شهروندی و جلب مشارکت آحاد مردم است که انتخاب دهیاران در کشور نمونه‌ای از مشارکت مردم و مدیریت انتخابی در نظام جمهوری اسلامی به



شمار می‌رود». وزیر کشور با ابراز امیدواری نسبت به تأسیس حدود ۱۳ هزار دهیاری در سطح کشور این امر را روزه‌ای امید بخش در تبلور مدیریت جدید روستایی

سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور با اشاره به اینکه سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور مهم‌ترین نهاد مسئول مدیریت شهری و روستایی کشور

شمرد و بر ضرورت و همکاری هر چه بیشتر میان دستگاه‌های مسئول تأکید کرد و گفت: «همگرایی و همکاری در اتخاذ راهبردهای مدیریت شهری، ابزار مهمی در تحقق مدیریت واحد شهری است».

وی همچنین تلاش سازمان شهرداری‌ها را برای تکمیل فهرست کالاهای نهایی و آلاینده مشمول پرداخت عوارض بر ایجاد منابع جدید و پایدار درآمدی برای شهرداری‌ها، ارزشمند برشمرد و افزود: «با تصویب لایحه نظام منابع پایدار درآمدی شهرداری‌ها در دولت و مجلس امید است قسمت عمده‌ای از مشکلات مالی شهرداری‌ها مرتفع شود».

وزیر کشور همچنین ساماندهی و ارتقای کیفیت ناوگان تاکسی‌رانی شهرها را امری ضروری عنوان کرد که با تجهیز آنها می‌بایست آسایش و ایمنی شهروندان را تأمین کرد.

گفتنی است، در پایان این بازدید وزیر کشور با شرکت در کار گروه «تدوین طرح آمایش سرزمین»، که با حضور دو نفر از معاونان سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها و چند نفر از معاونان عمرانی استانداری‌ها در محل ساختمان شماره یک سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها تشکیل شده بود، بر ضرورت ایجاد زمینه قانونی لازم برای کنترل و مدیریت آثار اجتماعی، فرهنگی، امنیتی و زیست محیطی این طرح با هماهنگی وزارت کشور تأکید کرد. وی همچنین خواستار تبیین جایگاه مناسب برای مدیریت‌های محلی - شهرداری‌ها و دهیاری‌ها - در طرح ملی آمایش سرزمین شد.

در ارومیه برگزار شد:

همایش شهرداران استان آذربایجان غربی

شهرداران و رؤسای شوراهای اسلامی استان آذربایجان غربی به منظور بررسی و ایجاد تحول در سیستم اداری شهرداری‌ها، دومین همایش شهرداران را مرداد ماه جاری در خانه جوان ارومیه برگزار کردند.

به گزارش خبرنگار ماهنامه در استان آذربایجان غربی، محمد حسین مقیمی، رئیس سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور در مورد منابع درآمدی شهرداری‌ها چنین گفت: «یکی از وظایف مهم شهرداری‌ها شناخت موارد درآمدزا در شهرهاست. شهرداری‌ها موظفاند این موارد را شناسایی کنند و



پس از تصویب شورای شهر به تأیید فرمانداری برسانند».

وی افزود: «اولین و مهم‌ترین منبع درآمدی شهرداری‌ها از طریق خدماتی تأمین می‌گردد که به شهروندان ارائه می‌دهند. علاوه بر آن، دولت نیز اعتباراتی را در اختیار شهرداران قرار می‌دهد که در این زمینه شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان اعتباراتی را از محل اعتبارات عمرانی، برای آبادانی و عمران شهری در نظر می‌گیرد».

رئیس سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور در ادامه افزود: «منبع مالی دیگری که شهرداران حق دریافت آن را دارند، وجوهی است که از محل عوارض مربوط به کالاهای وارداتی و عوارض سوخت به حساب

متمرکز وزارت کشور واریز می‌گردد و از این طریق در اختیار شهرداری‌ها قرار می‌گیرد».

در ادامه محسن اکبری، مدیر کل امور شهری و روستایی آذربایجان غربی، ریشه عمده مشکلات شهرداری‌ها را ساختار آنها و نیروی انسانی‌شان عنوان کرد.

آن گاه داوود مولایی، معاونت عمرانی استان آذربایجان غربی، نیز تأکید کرد تا زمانی که سیستم ناکارآمد فعلی در مدیریت شهری متحول نگردد، هرگز امکان پاسخگویی مطالبات روزمره شهروندان وجود نخواهد داشت. به گفته وی، این امر تنها با تغییر تکنولوژی در سازمان‌های خدماتی میسر خواهد شد. در این نشست عباس زاده مدرس دانشگاه نیز با بیان

اینکه بررسی‌ها و تحقیقات انجام یافته نشان می‌دهد که ۳۰ درصد شهروندان انتظارات‌شان در سازمان‌ها برآورده نمی‌شود، خاطر نشان کرد: «مطالعات صورت گرفته حاکی از آن است که شهروندان معتقدند در سازمان‌های دولتی و عمومی، کارکنان انگیزه کار و خدمت را ندارند، حجم و تراکم کاری زیاد است و نظارتی بر جریان فعالیت آنها نیست. به علاوه، مراحل کار اداری طولانی است و طرح تکریم ارباب رجوع نیز رعایت نمی‌شود».

این مدرس دانشگاه راه حل نارسایی‌های سازمان‌های عمومی را استقرار واحد کنترل و نظارت در سازمان‌ها، استقرار نظام پیشنهادها، فناوری و استقرار کمیته‌های تحقیق و حل مسئله عنوان کرد.

قانون پسماندها تصویب شد

معاون پشتیبانی فنی و مهندسی سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور مسئولیت دفن زباله‌های بیمارستانی و صنعتی را طبق قانون پسماندها خارج از شمول وظایف شهرداری‌ها دانست.

ابوالفضل موسوی، معاون پشتیبانی فنی و مهندسی سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، با بیان این مطلب در مجمع نمایندگان رسانه‌های جمعی گفت: «با توجه به نبود مالکیت بر زباله‌ها و مدیریت اجرایی پسماندها، در ماده ۷ قانون پسماندها مقرر شد تا شهرداری‌ها در شهرها، دهیاری‌ها در روستاها، و بخش‌داری‌ها نیز در خارج از حریم شهرها، مدیریت اجرایی پسماندها را بر عهده گیرند. به همین منظور وظیفه جمع‌آوری، تخلیه، دفن زباله و بازیافت نیز بر عهده نهادهای مذکور گذاشته شد».

وی با بیان اینکه دفن زباله‌های بیمارستانی و صنعتی خارج از حیطه وظایف شهرداری‌هاست، افزود: «بر اساس قانون پسماندها، شهرداری‌ها مسئولیتی در قبال جمع‌آوری و دفن زباله‌های بیمارستانی ندارند و هرگونه پیامدی را باید وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی پاسخگو باشد. البته شهرداری‌ها می‌توانند با کمک‌های مالی دولت و وزارت بهداشت، خودروهای حمل زباله را خریداری کنند و وزارت بهداشت را در حل معضل زباله‌های بیمارستانی یاری رسانند».

معاون پشتیبانی فنی و مهندسی سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها اقدامات تحقق یافته در حل معضل شهری زباله را چنین عنوان کرد: «به منظور حل معضل زباله و ارائه راهکارهای اصولی گروهی متشکل از ۱۰ متخصص و مشاور مطالعاتی را آغاز



شهرداری‌ها و دهیاری‌ها، تهیه نقشه‌های بهنگام شهرها طبق قراردادی بین سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها و سازمان نقشه‌برداری کشور و با بودجه سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها تحقق می‌یابد. بدین منظور سازمان در سال گذشته ۲ میلیارد تومان و در سال ۸۳ نیز ۲ میلیارد تومان دیگر هزینه کرده است.

موسوی با اشاره به ماده ۱۳۶ قانون برنامه سوم توسعه در خصوص تفویض اختیارات وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها به شهرداری گفت: «اجرای پنج وظیفه محوری مصوب شورای عالی اداری از ۲۳ وظیفه مطالعه شده، سبب تحقق بخشی از اهداف مدیریت واحد شهری شده است و باید دولت برای عملیاتی شدن آن اقدام کند».

وی در مورد وظیفه مشورتی دفتر حمل و نقل و ترافیک برای بهبود ترافیک، طرح پلیس مدرسه را یادآور شد و افزود: «سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها تجهیزات مورد نیاز را برای اجرایی شدن طرح پلیس مدرسه آماده کرده است و از هم‌اکنون استان‌ها می‌توانند برای دریافت سهمیه خود اقدام کنند».

کرده‌اند که در حال ارزیابی نتایج داده‌های جمع‌آوری شده هستند. همچنین اقدامات مناسبی در حوزه جمع‌آوری، تفکیک و دفن بهداشتی زباله در سه شهر شمالی کشور صورت گرفته است».

موسوی ادامه داد: «در خصوص به کارگیری تکنولوژی‌های نو در امر بازیافت زباله، تأکید کارشناسان بر تجهیزات تولید کمپوست است. اجرای موفقیت آمیز طرح‌های ورمی کمپوست (کرم زباله‌خوار) شهر تبریز، احداث کارخانه‌های زباله‌سوز با مشارکت سایر کشورها، بسترسازی شرایط لازم برای سرمایه‌گذاری خارجی به صورت فاینانس و مشارکت از اقدامات آتی در این زمینه به شمار می‌روند».

وی در خصوص تهیه نقشه‌های GIS و بهنگام شده شهرهای کشور گفت: «با کمک سازمان نقشه‌برداری کشور در سال گذشته نقشه بهنگام ۲۵۰ شهر تهیه شدند و تا پایان سال ۱۳۸۳، از میان ۹۸۰ شهرداری کشور، ۵۰۰ شهر به نقشه GIS تجهیز می‌گردند و در سال آینده نیز اطلاعات شهری این شهرها روزآمد می‌شود و از طریق پایگاه‌های اینترنتی در اختیار شهروندان قرار می‌گیرد».

به گفته معاون پشتیبانی فنی و مهندسی سازمان

چهارمین المپیاد عملیاتی ورزشی آتش نشانان کشور در کرج

چهارمین المپیاد عملیاتی - ورزشی آتش

نشانان کشور به میزبانی شهرداری کرج در تیرماه سال جاری در مجموعه ورزشی آزادی تهران برگزار شد.

در این مسابقه ۲۰۰ نفر از آتش نشانان سراسر کشور در قالب ۲۲ تیم به مدت یک هفته در مواردی چون دوی یک صد متر با مانع به همراه وسایل



مخصوص آتش نشانی، دوی چهاردر ۱۰۰ متر با مانع به همراه وسایل مخصوص آتش نشانی گروهی، اطفای حریق و استفاده از موتور پمپ در زمان معین به صورت گروهی و صعود با نردبان مخصوص تیتانیوم چنگک دار از لبه های پنجره یک ساختمان چهار طبقه به صورت انفرادی به رقابت با یکدیگر پرداختند.

از این میان ۲۵ آتش نشان برگزیده شدند که این افراد راهی اردوی مشهد و زاهدان خواهند شد و در نهایت از میان آنها ۱۰ نفر برتر برگزیده می شوند که اعضای تیم ملی آتش نشانان را تشکیل خواهند داد.

گفتنی است، تیم ملی آتش نشانان ایران امسال برای سومین بار در مسابقات جهانی عملیاتی-ورزشی آتش نشانان شرکت خواهد کرد.

این مسابقات در مهر ماه سال جاری به مدت یک هفته در مینسک، پایتخت جمهوری بلاروس برگزار خواهد شد.

به گفته ناصر حاج محمدی، مدیر کل دفتر خدمات عمومی سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور، مسابقات جهانی آتش نشانان در سال ۲۰۰۶ میلادی در ایران برگزار خواهد شد.

ناگفته نماند که تیم ملی آتش نشانان ایران سال گذشته در این مسابقات که در «ولادی وستوک» روسیه برگزار شد، رتبه چهارم جهانی را کسب کرد.

رقابت شهروندان اهوازی در جشنواره تابستانی

شهرداری اهواز در ایام تابستان امسال به منظور پرکردن اوقات فراغت و ایجاد روحیه نشاط

و شادابی در شهروندان به خصوص نوجوانان اقدام به برگزاری جشنواره تابستانی ورزش های همگانی کرد.

این جشنواره صبح روز جمعه هر هفته در فصل تابستان در پارک ها و محله های شهر اهواز با مسابقاتی همچون دوی همگانی، پیاده روی، طناب



کشی، دوچرخه سواری و ماهیگیری بر پا می شود. هر هفته نیز یکی از این مسابقات نام برده برای یکی از سه گروه بانوان، آقایان و خانوادگی برگزار می گردید.

همچنین شهرداری اهواز با همکاری هیئت ورزش های همگانی استان مسابقات «قوی ترین مردان اهواز» را در یکی از پارک های شهر برگزار کرد که مورد استقبال فراوان جوانان ورزشکار اهوازی قرار گرفت.

گفتنی است، در پایان هر یک از مسابقات شهرداری اهواز جایزه ای را به رسم یادبود به فرد برنده اهدا کرد.

ناگفته نماند، شهرداری های جهان هر ساله برای پرکردن اوقات فراغت، ایجاد روحیه نشاط و شادابی، ایجاد فضای تعامل و گفت و گو میان شهروندان، برنامه ها و جشن های مختلفی را در سطح شهر برگزار می کنند. این امر علاوه بر ایجاد شادی و نشاط در بین شهروندان موجب پیدایش انگیزه و تعلق بیشتر شهروندان به شهر می شود.

تهیه شناسنامه ساختمان الزامی شد

بر اساس آیین نامه ماده ۳۳ قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان، مجریان ساختمان

ملزم به تهیه شناسنامه فنی و ملکی ساختمان هستند و مرجع صدور این شناسنامه سازمان نظام مهندسی ساختمان استان است.

این آیین نامه که به طور مشترک به وسیله وزارتخانه های کشور و مسکن و شهرسازی و به استناد ماده ۳۳ قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان

پیشنهاد و به تصویب هیئت وزیران رسیده است، حوزه شمول اصول و قواعد فنی در طراحی، محاسبه، اجرا، بهره برداری و نگهداری ساختمان ها و ترتیب کنترل اجرای آنها و حدود اختیارات و وظایف سازمان های عهده دار کنترل و ترویج مقررات ملی ساختمان را تعیین می کند.

بر اساس این آیین نامه تمامی اشخاص حقوقی و دفاتر مهندسی که در زمینه طراحی و اجرای ساختمان‌ها فعالیت دارند، باید پروانه اشتغال به کار از وزارت مسکن و شهرسازی دریافت کرده باشند. همچنین به موجب ماده ۱۷ آیین نامه مورد بحث، مجری مکلف است پس از پایان کار نسبت به تهیه نقشه‌ها به همان صورتی که اجرا شده - یعنی «نقشه‌های چون ساخت» - اعم از معماری، سازه‌ای و تأسیساتی و مانند آن اقدام کند و پس از امضا و تأیید ناظر، یک نسخه از آنها را به مالک و یک نسخه را نیز به شهرداری ذی ربط تحویل دهد. مجریان همچنین مکلف شده اند که پس از اتمام کار به ترتیبی که وزارت مسکن و شهرسازی تعیین

خواهد کرد، اطلاعات فنی و ملکی ساختمان، گواهی ناظر و تأییدهای لازم را در اختیار سازمان نظام مهندسی ساختمان استان قرار دهند تا این سازمان اقدام به صدور شناسنامه فنی و ملکی ساختمان کند. شناسنامه فنی و ملکی ساختمان سندی است حاوی اطلاعات فنی و ملکی ساختمان، و چگونگی رعایت مقررات ملی ساختمان و ضوابط شهرسازی. یک نسخه از شناسنامه فنی و ملکی ساختمان در اختیار شهرداری قرار خواهد گرفت و از این پس در کلیه نقل و انتقالات ساختمان‌هایی که پروانه ساختمانی دریافت می‌کنند، می‌بایست این شناسنامه همراه با «نقشه‌های چون ساخت» به خریدار تحویل داده شود. در خصوص ناظران ساختمانی نیز آیین نامه مورد

بحث انتخاب و معرفی آنها به مالکان را به عهده سازمان نظام مهندسی ساختمان گذاشته است. از دیگر نکات آیین نامه مذکور، الزام مجریان به نصب تابلوی مشخصات ساختمان‌های در دست احداث در کنار معابر عمومی است. شهرداری‌ها می‌توانند از شروع به کار یا ادامه کار ساختمان‌هایی که تابلوی مشخصات را نصب نکرده‌اند، جلوگیری به عمل آورند. گفتنی است این مصوبه در تاریخ ۱۳۸۳/۴/۲۲ و با شماره ۲۸۵۴۹ ت/۴۶۰۵ هـ به وزارتخانه‌های کشور، مسکن و شهرسازی و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور ابلاغ شده است.

اعتبارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها برای نوسازی بافت‌های فرسوده

در سال جاری سازمان شهرداری‌های کشور برای امور مربوط به بافت‌های فرسوده شهری اعتباری در حدود ۲ تا ۳ میلیارد تومان در نظر گرفته است، تا شهرداری‌ها در صورت داشتن طرح مصوب با توجیه اقتصادی از این اعتبارات استفاده کنند.

جواد شهرباف، مجری طرح بافت‌های فرسوده کشور، با اعلام این مطلب افزود: «سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور در امر احیای بافت‌های فرسوده سیاستگذار است و شهرداری‌ها کارهای اجرایی چون انتخاب مشاور، مجری، تصویب در کمیسیون ماده ۵ و نظایر اینها را بر عهده دارند».

مجری طرح بافت‌های فرسوده کشور افزود: «برای اینکه بتوان بافت‌های فرسوده کشور را به صورت قانونمند احیا و بازسازی کرد، ماده واحده‌ای در سال ۱۳۸۱ به مجلس فرستاده شد که در این ماده واحده تکلیف همه - اعم از دستگاه‌ها، سازمان‌های درگیر و مردم ساکن بافت‌های فرسوده - روشن گردید. لیکن از آنجا که لایحه مذکور در دستور کار مجلس ششم قرار نگرفت، همان لایحه مجدداً به مجلس هفتم ارائه شد، که بر اساس آن تکلیف تمام نهادها و افراد در امر نوسازی بافت‌های فرسوده مشخص گردیده است».

شهرباف افزود: «با این ماده واحده بخش خصوصی راغب خواهد شد تا نسبت به سرمایه‌گذاری در مناطق بافت‌های فرسوده‌ای که ساکنانش قادر به تأمین منابع مالی برای احیای ساختمان‌های خود نیستند مشارکت کند. بر اساس این پیشنهاد شهرداری فقط بایستی بافت‌های فرسوده را آزاد سازد و در ادامه، ساخت و ساز را به بخش خصوصی واگذار کند».

مجری طرح بافت‌های فرسوده کشور با اشاره به اینکه بخش خصوصی مشارکت‌کننده در این طرح نباید هزینه‌ای را به شهرداری پرداخت کند گفت: «انشعاب آب، فاضلاب، برق، گاز و مخبرات نیز در این بافت‌ها باید مجدداً بدون دریافت هیچ هزینه‌ای برقرار شود». شهرباف از جمله چالش‌های اساسی در احیای بافت‌های فرسوده را کمبود منابع مالی برشمرد و افزود: «سال گذشته ۳۰۰ میلیون دلار اعتبار (۲۰۰ میلیون دلار برای تهران و ۱۰۰ میلیون دلار برای سایر شهرهای کشور) به احیای بافت‌های فرسوده کشور اختصاص یافت؛ لیکن حل این مشکل فقط در تهران، نیازمند منابع مالی عظیمی به میزان متجاوز از ۲۰ میلیارد دلار است».

شهرباف در مورد وام خارجی که برای احیای بافت‌های فرسوده کلان شهرهای کشور در نظر گرفته شده است خاطر نشان کرد: «وام ۳۰۰ میلیون دلاری که قرار بود در سال گذشته به ۶ کلان شهر کشور

اختصاص یابد، به دلیل اینکه در قالب فاینانس بود با شکست مواجه شد.

بر همین اساس شیوه دریافت این وام تغییر کرد و به صورت قرض از یکی از بانک‌های خارجی تأمین گردید که به زودی نسبت به دریافت آن اقدام خواهد شد».

شهرباف با اشاره به مشکلات ایجاد شده در خصوص اعطای فاینانس ۳۰۰ میلیون دلاری و تبدیل شدن آن به وام خارجی تصریح کرد: «متأسفانه هیچ کس حاضر به دادن وام در قالب فاینانس به شهرداری‌های کشور نشد و بعد از یک سال و ۴ ماه تلاش سرانجام یک بانک عربی به نام ABC حاضر به پرداخت این فاینانس در قالب وام خارجی از طریق قرار داد با بانک ملت شد. امید می‌رود تا پایان تابستان سال جاری این وام در اختیار شهرداری‌ها قرار گیرد».

گفتنی است در سال جاری اعتباراتی صرف احیای بافت‌های فرسوده کشور در شهرهای قم، کرج، شیراز، رشت، ساری و بندرعباس خواهد شد.



کارت پارک و کنترل توقف خودروها

به منظور ساماندهی پارک حاشیه‌ای اتومبیل‌ها و توزیع عادلانه مکان برای توقف آنها در سطح شهر تهران، طرح کارت پارک به اجرا درآمد.

کارت پارک ابزار کنترل‌کننده توقف خودروها در حاشیه معابر است که با نصب تابلوهایی با مضمون «به استثنای دارندگان کارت پارک و ایام تعطیل، توقف مطلقاً ممنوع» و با فواصل ۱۵۰ تا ۲۰۰ متر در حاشیه معابر، امکان توقف خودروها را تعیین می‌کند.

بر این اساس رانندگان تهران برای توقف در محل‌های خاص باید کارت پارک دریافت کنند. در این طرح پارکبان‌ها که اخیراً فعالیت‌شان در شهر تهران آغاز شده است، وظیفه کنترل چگونگی دریافت و استفاده از

کارت پارک‌ها را بر عهده دارند. به همین منظور چادرهایی به شکل سایبان در مجاورت محل‌های پارک در نظر گرفته شده است تا پارکبان‌ها علاوه بر کنترل توقف خودروها در حاشیه معابر، فروش کارت پارک را نیز عهده دار باشند. کارت پارک در سه نوع نیم‌ساعته، یک‌ساعته و دو ساعته به رانندگان عرضه می‌شود، که نرخ آن بر اساس مصوبه شورای اسلامی شهر تهران ساعتی ۱۵۰۰ ریال است. یادآور می‌گردد که رانندگان در صورت نداشتن کارت پارک و توقف غیر مجاز، از سوی پارکبان‌ها مشمول جریمه توقف مطلقاً ممنوع می‌شوند. آن‌گاه نسخه‌ای از برگ جریمه نزد پارکبان می‌ماند و نسخه دیگر در اختیار افسر اجراییات راهنمایی و رانندگی قرار می‌گیرد. ناگفته نماند که در این طرح اتومبیل‌های دارای پلاک سیاسی و برخی دیگر مشمول جریمه نخواهند بود.

شورایاران محله در خرم‌آباد انتخاب شدند

شهرداری خرم‌آباد با هدف معرفی و تسلیم احکام شورایاران محلی همایش «شورایاران محلی» را در تیرماه سال جاری برگزار کرد.

شهرداری خرم‌آباد در اجرای اصل یکصدم قانون اساسی و مصوبه شورای اسلامی شهر خرم‌آباد، پس از دو ماه تلاش شبانه‌روزی و برپایی انتخابات در محله‌های مختلف شهر، شورایاران را برای هر محله انتخاب کرد.

نصرت جهانی، نایب رئیس شورای اسلامی خرم‌آباد و مجری طرح شورایاران، در مورد چگونگی شکل‌گیری شورایاران محلی در این همایش چنین گفت: «شورای اسلامی با هدف عمل به وظایف قانونی خود و شناسایی مشکلات و نارسایی‌های موجود در محله‌ها و نیز با هدف تعیین اولویت‌های هر یک از مناطق سه‌گانه شهر، هر منطقه را به ۱۱ محله تقسیم کرده و با تعیین اعضای سه نفره محله‌ها که با رأی مستقیم مردم تعیین شده‌اند، عملاً ۹۹ نفر همکار را با عنوان شورایاران محلی به خدمت گرفته است.»

از میان این افراد ۳۶ درصد دارای تحصیلات دانشگاهی‌اند، ۲۹ درصد دیپلم‌اند و ۳۵ نفر زیردیپلم

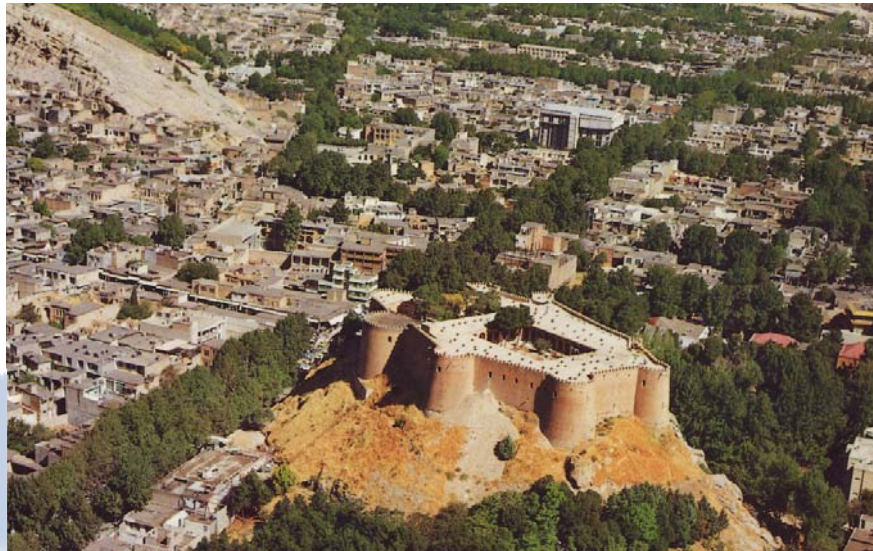
روستایی با حضور کارشناسان سازمان محیط زیست، وزارت کشور، سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها و کارشناسان دانشگاهی در سازمان شهرداری‌های کشور تشکیل شد.

ناصر حاج محمدی، مدیر کل دفتر خدمات عمومی سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، ضمن اعلام این خبر در جمع خبرنگاران خاطر نشان کرد: «هم‌اکنون این

سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور تشکیل داد:

کمیته ملی مدیریت پسماندهای جامد شهری و روستایی

کمیته ملی مدیریت پسماندهای جامد شهری و



قلعه تاریخی ایلدلی

بیشتر از نظریات و پیشنهادهای توانمندی‌های شهروندان، طرح تشکیل انجمن‌های شورایاران را در محله‌های مختلف شهر به اجرا درآورده است. ناگفته نماند که شورایاران محلی حلقه واسط میان شهروندان و مسئولان شوراها در سطح محله و منطقه هستند که اعضای آن بدون هیچ چشم‌اندازی و صرفاً بر اساس احساس مسئولیت شهروندی قدم به عرصه پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی نهاده‌اند.

کمیته در سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های تشکیل شده است که به دنبال آن با ارسال بخشنامه‌ای به استان‌ها، تشکیل کمیته پسماندهای جامد شهری و روستایی به عنوان زیرگروه کمیته ملی نیز با همین ترکیب در استان‌ها درخواست گردیده است.»

وی هدف از شکل‌گیری کمیته ملی مدیریت پسماندهای جامد شهری و روستایی را اعمال رسالت آموزش و

سیاستگذاری محلی و منطقه‌ای دانست.

مدیر کل دفتر خدمات عمومی سازمان شهرداری‌های کشور، ضمن برشمردن فعالیت‌های صورت گرفته در زمینه زباله، خاطر نشان کرد: «از ۴۵ هزار تن زباله تولیدی در ایران ۹۰ درصد آن دفن می‌شود که از این میزان ۸۰ درصد غیرتفکیکی‌اند و ۲۰ درصد بقیه به ترتیب به صورت تر و خشک جمع‌آوری می‌گردد».

حاج محمدی تصریح کرد: «به منظور امکان‌سنجی اجرای تهیه طرح تفکیک زباله از مبدأ، کل کشور به ۱۰ منطقه تقسیم شده است: مناطق تهران، منطقه شرق، منطقه مرکز، منطقه ساحلی و جنوبی، منطقه جنوب شرقی، ساحلی دریای خزر، منطقه خوزستان، فارس، زاگرس و آذربایجان. در

این زمینه طی سال جاری به ۲۰ شهر که دارای طرح مطالعاتی مصوب در خصوص بازیافت زباله هستند اعتباری ۴ میلیارد تومانی اختصاص داده خواهد شد».

وی یادآور شد: «کلان‌شهر مشهد نمونه پایلوت و اجرای طرح مکانیزاسیون تفکیک زباله از مبدأ است که ۳۵۰ هزار خانوار ساکن در مشهد با تولید ۴۰ تن زباله تفکیک شده تحت پوشش این طرح قرار دارند».

وی کاهش میزان زباله، بازیافت، استفاده مجدد و بازنگری همیشگی محصولات تولیدی را از جمله اصول دستیابی به اجرای بهینه طرح بازیافت و تولید محصولات بازیافتی با ارزش افزوده بالا دانست و آموزش عمومی را برای بسترسازی‌های فرهنگی الزامی برشمرد.

برنامه‌های آموزش عمومی به منظور تفکیک زباله از مبدأ در بعد ملی

- حاج محمدی مهم‌ترین اقدامات دفتر خدمات عمومی در این بخش را بدین شرح عنوان کرد:
- تولید برنامه مجله تصویری بازیافت در ۲۶ قسمت ۳۰ دقیقه‌ای و تبدیل آن به لوح فشرده برای ارسال به شهرداران؛
- تولید سریال تلویزیونی با موضوعیت بازیافت در ۱۳ قسمت، ویژه بانوان خانه‌دار؛
- تولید سریال کارتون با موضوعیت بازیافت در ۱۳ قسمت، ویژه کودکان و نوجوانان؛
- تهیه ۵۰ میان‌برنامه و تیزر تبلیغاتی؛ و
- انتشار فصلنامه تخصصی «مدیریت پسماندها».

«پیام شهر» قزوین به جمع مطبوعات شهری پیوست

نشریه داخلی شهرداری قزوین در قالب ماهنامه‌ای تحلیلی، پژوهشی، آموزشی، اطلاع‌رسانی با عنوان «پیام شهر»، از ابتدای سال ۱۳۸۳ به جمع مطبوعات حوزه شهری پیوست.

این ماهنامه در موضوعات و مسائل مرتبط با حوزه مدیریت شهری و برای ارائه اخبار تازه و اطلاع‌رسانی شفاف و کارآمد و نیز برقراری همفکری و مشارکت میان مدیران شهری، صاحب‌نظران و عموم شهروندان منتشر می‌شود.

شهرداری قزوین ماهنامه «پیام شهر» را به تعداد ۲ هزار نسخه چاپ و منتشر می‌سازد و آن را به شهرداری‌های سراسر کشور، دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، ارگان‌ها، مؤسسات دولتی و غیردولتی و همچنین استادان و کارشناسان ارسال می‌دارد.



گو، گزارش، مشاوره حقوقی، شورا، مقاله، شهروند، خبر و جز اینها.

ماهنامه مذکور که زیر نظر اداره روابط عمومی شهرداری قزوین منتشر می‌شود، فهرست موضوعی مشخصی دارد که از این دست‌اند: آغاز پیام، گفت و

پایانه برون شهری سلماس راه اندازی شد

شهرداری سلماس به منظور رفاه حال شهروندان و مسافران، جلوگیری از اتلاف وقت آنها و کاهش حجم ترافیک در سطح شهر، ترمینال بزرگ برون شهری سلماس را در شهریور ماه سال جاری به بهره‌برداری رساند.

از جمله اهداف اجرای این طرح تجمیع تمامی ترمینال‌های پراکنده سطح شهر برای جلوگیری از اتلاف وقت و بهره‌برداری از حداکثر خدمات شهری، کاهش شدید حجم ترافیک شهری ناشی از پراکندگی ترمینال‌ها، آزادسازی زمین ترمینال‌های سطح شهر و اختصاص آنها به حمل و نقل درون ناحیه‌ای و جلوگیری

از استقرار وسایط حمل و نقل به صورت پراکنده در کنار مراکز اصلی شهر بوده است.

علی رضا حامدی، معاون اداری مالی شهرداری سلماس، در مورد چگونگی مکان‌یابی ترمینال مسافری گفت: «با توجه به نیاز شهر به یک ترمینال برون شهری، مطالعات اولیه ترمینال بزرگ شهر از سال ۱۳۶۷ به وسیله مهندسان مشاور طرح مکان‌یابی انجام شد و نقشه‌های آن نیز آماده گردید. در همان سال هم کلنگ احداث آن بر زمین زده شد لیکن متأسفانه پس از شروع کار، به دلیل عدم تعلق بودجه از سوی شهرداری به پیمانکار عملیات اجرای پروژه مسکوت ماند؛ تا اینکه در سال ۱۳۷۷ شهرداری سلماس مجدداً اقدام به اجرای پروژه ترمینال برون شهری کرد».

گفتنی است، در طرح پیشنهادی جامع و تفصیلی

علاوه بر ترمینال بزرگ برون شهری، سه طرح ترمینال روستایی در شمال شهر، جنوب شرقی شهر و جنوب غربی شهر به منظور ساماندهی حمل‌ونقل پیش‌بینی شده است.

این ترمینال در محور شرقی شهر، کنار جاده‌های ارتباطی واقع شده و به دلیل نزدیکی به این راه‌ها و کمربندی شهر، دارای موقعیت مکانی مناسبی است. مساحت عرصه ترمینال بزرگ برون شهری ۲۰ هزار متر مربع و مساحت زیربنای آن ۳۸۵۰ متر مربع است. این ترمینال در ۳ طبقه زیرین، همکف و اول احداث شده است و دارای امکانات و تجهیزاتی همچون ۱۲ دفتر، سرویس‌های عمومی، سالن انتظار، انبار، رستوران، استراحتگاه رانندگان، قسمت اداری و سرویس بهداشتی و حمام و مانند اینهاست.

بهسازی یک پارک پس از ۳۰ سال در کاشان

شهرداری کاشان به منظور رفاه حال مسافران و افزایش روحیه نشاط و شادابی برای شهروندان، عملیات بهسازی پارک آیت الله مدنی را پس از گذشت ۳۰ سال به اجرا در آورد. پارک آیت الله مدنی در ۳ کیلومتری ورودی شهر کاشان - تهران واقع شده است و عملیات بهسازی آن در ۲ فاز به اتمام می‌رسد. فاز اول این پارک هم‌اکنون مورد استفاده شهروندان است و امکاناتی رفاهی از این دست را در بر می‌گیرد: پیست اسکیت، زمین‌های بازی (والیبال ساحلی، فوتسال، بسکتبال و هندبال)، فضای استراحت و نشیمن، آلاچیق، سرویس‌های بهداشتی و جز اینها.

فاز دوم پارک آیت الله مدنی شامل پارک تحقیقاتی یا انرژی، باغ گل‌ها، باغ پرندگان و دیگر امکانات تفریحی است.

مساحت این پارک ۹ هکتار است که ۳ هکتار آن تاکنون در قالب فاز ۱ به بهره‌برداری رسیده و عملیات بهسازی ۶ هکتار باقی‌مانده در قالب فاز ۲ آغاز شده است.



عکس: ترنم کاشانی - کاشان - مدنی از شهر

همایش زلزله

آگاهی و ایمنی در باقرشهر

شهرداری و شورای شهر باقرشهر - در جنوب شهر ری - با هدف اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی مسئولان و شهروندان در خصوص گسل‌های موجود منطقه و موقعیت حساس باقرشهر اولین همایش زلزله، آگاهی و ایمنی را برگزار کرد.

سعید استاد فرج، شهردار باقرشهر، در ابتدای سخنان خود در این همایش به معرفی گسل‌های موجود

در منطقه پرداخت و گفت: «در مجاورت باقر شهر سه گسل شمال ری، جنوب ری و کهریزک قرار دارد. بر همین اساس باقرشهر در قلب کانون این واقعه طبیعی قرار گرفته است.

بی‌توجهی به این مسئله امکان دارد در مواقع بروز حادثه‌ای طبیعی چون زلزله خسارات هنگفت جانی و مالی به بار آورد».

شهردار باقر شهر با اشاره به اینکه پس از وقوع ۲ زلزله بم و بلده کمیته‌ای در شهرداری با عنوان «کمیته مقاوم‌سازی ابنیه» راه‌اندازی شده است، گفت: «در این کمیته گروهی از کارشناسان در ابتدا ساختمان‌های

مراکز عمومی شهر همچون مراکز درمانی، مدارس، مجموعه‌های ورزشی و تفریحی و مانند اینها را به لحاظ مقاومت و ایمنی مورد بررسی و بازدید قرار می‌دهند. سپس وضعیت سازه‌ها را همراه با راه‌حل‌های مقاوم‌سازی به مسئولان مکان‌های بازدید شده گزارش می‌دهند تا اقدامات لازم در این زمینه به انجام برسد. همچنین مقرر شده است که شهرداری پس از تصویب و موافقت شورای شهر تسهیلات ویژه‌ای را در اختیار این مراکز قرار دهد».

از دیگر فعالیت‌های این شهرداری می‌توان به نصب تراکت، بوم، پانل، پلاکارد، به همراه تصاویری از تخریب سازه‌ها در زلزله‌های اخیر، برگزاری جلسات توجیهی با مهندسان ناظر فعال در شهر و نظایر اینها اشاره کرد.

امیر محبی، مدیر روابط عمومی شهرداری باقر شهر، در حاشیه همایش در مورد فعالیت‌هایی که شهرداری در جهت آموزش به شهروندان تاکنون به انجام رسانده است، چنین توضیح داد: «شهرداری باقرشهر با همکاری جمعیت هلال احمر شهرستان ری اقدام به برپایی گروه امداد محله‌ای کرده است؛ بدین ترتیب که در ابتدا اطلاع‌رسانی بین شهروندان صورت گرفت، سپس به دنبال استقبال و ثبت نام، شهروندان در کلاس‌های امداد و نجات آموزش‌های عملی و تئوری به مدت ۵۰ ساعت شرکت کردند. در نهایت پس از گذراندن دوره آموزشی و شرکت در آزمون پایان ترم گواهی نامه دوره امداد و نجات و کمک‌های اولیه به آنان



باقرشهر

داده شد.

گفتنی است شهروندان علاقه مند در این کلاس ها آموزش هایی در زمینه اطفای حریق، کمک های اولیه و آواربرداری را فرا می گیرند. همچنین شهرداری، هر ۶ ماه یک بار به منظور یادآوری آموزش های فراگرفته شده در سطح شهر مانور امداد و نجات برگزار می کند.

ناگفته نماند که این افراد پس از گذراندن دوره های آموزشی و دریافت گواهی نامه امداد و نجات و کمک های اولیه به گروه های ۱۰ نفره تقسیم می شوند و شهرداری محله ای را برای آنها تعیین می کند تا آنان در هنگام بروز حادثه عملیات امداد رسانی را در آن محله انجام دهند.

شهرداری باقر شهر آن دسته از عرصه های باز شهری را که آسیب پذیری نسبتاً کمتری در هنگام بروز زلزله دارند، در نقاط مختلف شهر شناسایی کرد و در این محل ها امکاناتی نظیر چاه حفر شده آب و ایجاد شبکه راه را فراهم کرده است تا در مواقع ضروری مورد استفاده قرار گیرد.

نوآوری در شهر نوبنیاد بزرگ

شهرداری بزرگ - از توابع شهرستان کاشان - پس از گذشت ۹ ماه از تأسیس شهرداری، خبرنگارهای داخلی با عنوان «طنین بزرگ» منتشر کرد.

شهرداری بزرگ در اقدامی فرهنگی به منظور شفاف سازی فعالیت های شهرداری، معرفی ظرفیت ها و پتانسیل های نهفته شهر، برقراری ارتباط با شهروندان و انتشار عملکرد و فعالیت های شهرداری اقدام به چاپ این نشریه کرده است.

این نشریه در برگیرنده موضوعات متنوعی همچون گفت و گو، معرفی پتانسیل های شهر، اخبار شهرداری، مصاحبه با مسئولان شهر و اهالی شهر بزرگ است.

جالب آنکه نشریه بزرگ در برخی از شماره های خود به موضوعاتی متنوع چون بزرگ چه خبر؟، مصاحبه با مسن ترین فرد بزرگ، جایگاه شهر بزرگ در تولید گل و

گلاب، چگونگی جلب توریسم و نظایر اینها پرداخته است. این نشریه در شمارگان ۱۵۰۰ نسخه چاپ

آیین نامه نام گذاری معابر و تصویب آن در شورای شهر به منظور رعایت اصول و معیارهای نام گذاری است.



می شود. شهرداری بزرگ با نشانی اینترنتی www.Barzok.com از طریق شبکه اینترنت به اطلاع رسانی می پردازد. از دیگر اقدامات ابتکاری شهرداری بزرگ در مدت کوتاه پس از تأسیس، تدوین

برای اجرایی کردن این آیین نامه نیز شهرداری کمیته ای را تحت عنوان «کمیته نام گذاری معابر شهر» با عضویت شخصیت های علمی، فرهنگی و مذهبی آشنا به شهر تشکیل داده است.

شاهین دژ

توسعه پارک های محله ای و ناحیه ای

شهرداری شاهین دژ برای گسترش پارک های محله ای و ناحیه ای در سطح شهر، اقدام به تملک ۱۲ هکتار از زمین های محدوده قانونی شهر کرده است.

محدوده قانونی شهر شاهین دژ نزدیک به ۵۱۸ هکتار مساحت دارد که بر اساس طرح هادی کاربری هایی از قبیل زمین های فضای سبز، آموزشی، ورزشی، مسکونی و تجاری برای آن تعریف شده است. شهرداری شاهین دژ برای گسترش پارک های محله ای و ناحیه ای در این شهر، ۱۲ هکتار از زمین های محدوده قانونی شهر را واقع در نوار سبز، از طریق تفکیک و معاوضه تملک کرده است.

با اقدام این شهرداری، سرانه فضای سبز این شهر به ۱۲ متر افزایش یافته است.

از دیگر اقدامات شهرداری شاهین دژ می توان به اینها اشاره کرد: احداث پل بر روی رودخانه چه سو به طول ۴۲ متر، احداث دو بوستان داغلاباغی و ائلرباغی، احداث دو واحد سرویس بهداشتی در پارک فدک، احداث نمازخانه در باغ رضوان و سنگ چینی در

فلکه ورزش و نظایر اینها. واحد عمران شهرداری شاهین دژ نیز فعالیت های ارزنده ای را به انجام رسانده است، که از این دست اند: ساخت ۳۰۰ عدد صندلی و میز بتنی برای خیابان های ساحلی جنوبی - شمالی و بوستان های

شهر، سنگ چینی در فلکه ورزش، لکه گیری خیابان های سطح شهر و ترمیم محل هایی که ادارات مخبرات، آب و فاضلاب حفاری کرده اند، و چندین پروژه عمرانی دیگر.



شاهین دژ - فضای آن میدان امام

کف سازی بازار کهن شوستر



شهرداری شوستر برای بهسازی سنتی ترین بازار این شهر ضمن پاسداری از هویت تاریخی بازار، اقدام به کف سازی آن کرده است.

بازار سنتی شهر شوستر که به بازار سبزی مشهور است، در حدود ۱۳۰ سال قبل به همت فردی خیر به نام «حاج منعم» در مرکز شهر ساخته شد. هم اکنون این بازار با گذشت سال ها با اصلی ترین خیابان شهر (طالقانی) همجوار شده و امروز یکی از کانون های عمده خرید و فروش و تردد شهروندان به شمار می رود.

به تصمیم شهرداری شوستر و به منظور بهسازی بازار سبزی سطح آسفالتی آن تخریب گردید و کف سازی شد. این اقدام شهرداری که از بهمن ماه سال گذشته شروع شد، با اعتباری معادل ۵۰۰ میلیون ریال به اجرا درمی آید. در زمان حاضر ۶۵۰۰ متر مربع از سطح بازار

کف سازی شده است که خود نشان از پیشرفت فیزیکی ۸۰ درصدی این پروژه دارد.

تازه شهر با چهره های تازه

شهرداری تازه شهر - که در سال ۱۳۴۲ در استان آذربایجان غربی تأسیس شده و درجه آن ۴ است - در سال جدید گام های مؤثری را در جهت تحقق اهداف و برنامه های توسعه شهری و تغییر چهره شهر برداشته است.

از مهم ترین فعالیت هایی که شهرداری تازه شهر با همراهی و هماهنگی شورای شهر انجام داده است، می توان به اینها اشاره کرد: احداث پمپ بنزین، جدول کشی فضای سبز به طول ۲۹۷۷ متر، آسفالت و لکه گیری خیابان ها و محل های حفاری به مقدار ۲۸۹۰۰ متر مربع، احداث غسلخانه، تجهیز شهرداری به شبکه بی سیم، اجرای طرح بیمه جامع شهری شهروندان، ایجاد فضای سبز و کاشت گل و نهال به طول ۴ کیلومتر و جز اینها. برنامه های پیش روی شهرداری



تازه شهر نیز عبارتند از: احداث دیوار ساحلی به طول ۲۳۰ متر، اصلاح میدان های شهر، جدول کشی خیابان ها و معابر، پیاده روسازی، رنگ آمیزی جدول فضای سبز و زیرسازی و آماده سازی جاده کمربندی شهر.

سرویس خبر و گزارش ماهنامه، آماده دریافت و انعکاس
آخرین اخبار شهرداریهاست
سرویس خبر و گزارش ماهنامه، آماده دریافت و انعکاس
آخرین اخبار شهرداریهاست

یک شهر، یک نگاه

ارومیه

سازمان تاکسیرانی ارومیه به منظور ساماندهی ناوگان تاکسیرانی شهر و مطلوبیت خدمات دهی و تأمین آسایش و رفاه مسافران و نیز اصلاح مبلمان شهری، اقدام به جایگزینی خودروهای سمند با خودروهای فرسوده ویژه فرودگاه در مرحله اول، و آژانس‌های کرایه اتومبیل در مرحله دوم، کرده است.

آمل

شهروندان خیابان امام رضا (ع) در آمل همواره در آرزوی تعریض این خیابان بوده‌اند. شهرداری این شهر بدین منظور تاکنون از ۷۶۷ باب مغازه موجود در طرح، ۳۱۴ باب را تملک و تخریب کرده است. ناگفته نماند که اجرای این پروژه نیازمند اعتبارات ملی و همکاری هر چه بیشتر مسئولان استان است.

بم

سیستم یکپارچه شهرسازی و نوسازی شهرداری بم به منظور تحول نظام شهرسازی و معماری، سامان‌دهی و استانداردسازی ساخت و سازها، اصلاح روش‌های صدور پروانه، سرعت عمل در انجام کار ارباب رجوع و نظایر اینها راه‌اندازی شد.

باجگیران

شهرداری باجگیران در استان خراسان به منظور ارائه خدمات مطلوب شهری و فرهنگ سازی اقدام به توزیع رایگان سطل زباله و کیسه‌های زباله در سطح شهر کرده است.

بابلسر

همایش یک روزه شهرداران استان مازندران در شهر بابلسر، به منظور بحث و تبادل نظر در زمینه‌های اتوماسیون اداری، آموزش و خدمات رفاهی کارکنان شهرداری‌ها، مشاوره حقوقی و چگونگی اجرای فعالیت‌های عمرانی، اقتصادی و خدماتی برگزار شد.

تبریز

شهرداری منطقه ۷ تبریز طی چهار ماه نخست امسال موفق به کسب مقام اول در تحقق بودجه مصوب سال جاری شد. بودجه یک ساله این شهرداری مبلغ ۲۲ میلیارد ریال است که مبلغ ۸ میلیارد و هشتصد و دو میلیون ریال از این بودجه را توانست در چهار ماه نخست به همت پرسنل شهرداری و مشارکت شهروندان وصول کند. استفاده

از مدیریت مشارکتی، برقراری ارتباط مثبت و سازنده بین مدیریت شهری و شهروندان از دلایل عمده تحقق بهره‌وری و وصول بودجه مصوب سال جاری این منطقه بوده است.

سنندج

شهرداری سنندج به منظور بهبود عبور و مرور شهری و روان سازی ترافیک ۶ هزار متر مربع از آسفالت بولوار کردستان را لکه‌گیری و بازسازی کرد. علاوه بر این در سال جاری، کوچه هتل آبیتر، ناصر خسرو، خیابان ۱۷ شهریور، کمربندی کارگر، نظام آباد، مردوخ و شیخان نیز مرمت و بازسازی شده‌اند.

فاضل آباد

شهرداری فاضل آباد از توابع استان گلستان نشریه داخلی شهرداری را با عنوان پیام شهر و در شمارگان ۳ هزار نسخه چاپ کرد. این نشریه به طور رایگان بین شهروندان، سازمان‌های وابسته، ادارات شهرستان و استان توزیع می‌شود.

قم

شهرداری شهرهای نجف اشرف و قم تفاهم نامه مشترکی را در زمینه‌های معماری، شهرسازی، فضای سبز، زیباسازی، رفاه زائران دو کشور، بهسازی، نوسازی، توسعه اطراف حرم حضرت علی(ع)، ارائه خدمات نرم افزاری و سرمایه گذاری در بخش‌های عمرانی و خدماتی امضا کردند.

کرج

در همایش رؤسای ادارات حراست استانداری‌های سراسر کشور، حراست شهرداری کرج به عنوان حراست نمونه کشوری معرفی شد.

گرگان

عملیات دیواره سازی رودخانه پل ملاقاتی در گرگان به اتمام رسید. عملیات اجرایی این پروژه شامل خاک برداری، اصلاح مسیر رودخانه، پی سازی و دیواره سازی است. هزینه پیش بینی شده این پروژه ۶۰۰ میلیون ریال است.

کرمانشاه

به منظور ارج نهادن به مقام خبرنگار، یکی از خیابان‌های شهر کرمانشاه به نام «خبرنگار» نامگذاری شد. معاون خدمات شهری شهرداری کرمانشاه، اظهار داشت که این پیشنهاد در شورای نامگذاری شهر مورد تصویب نهایی قرار گرفت و سرانجام در روز ۱۷ مرداد سال جاری یک خیابان کرمانشاه به نام «خبرنگار» نامگذاری شد.

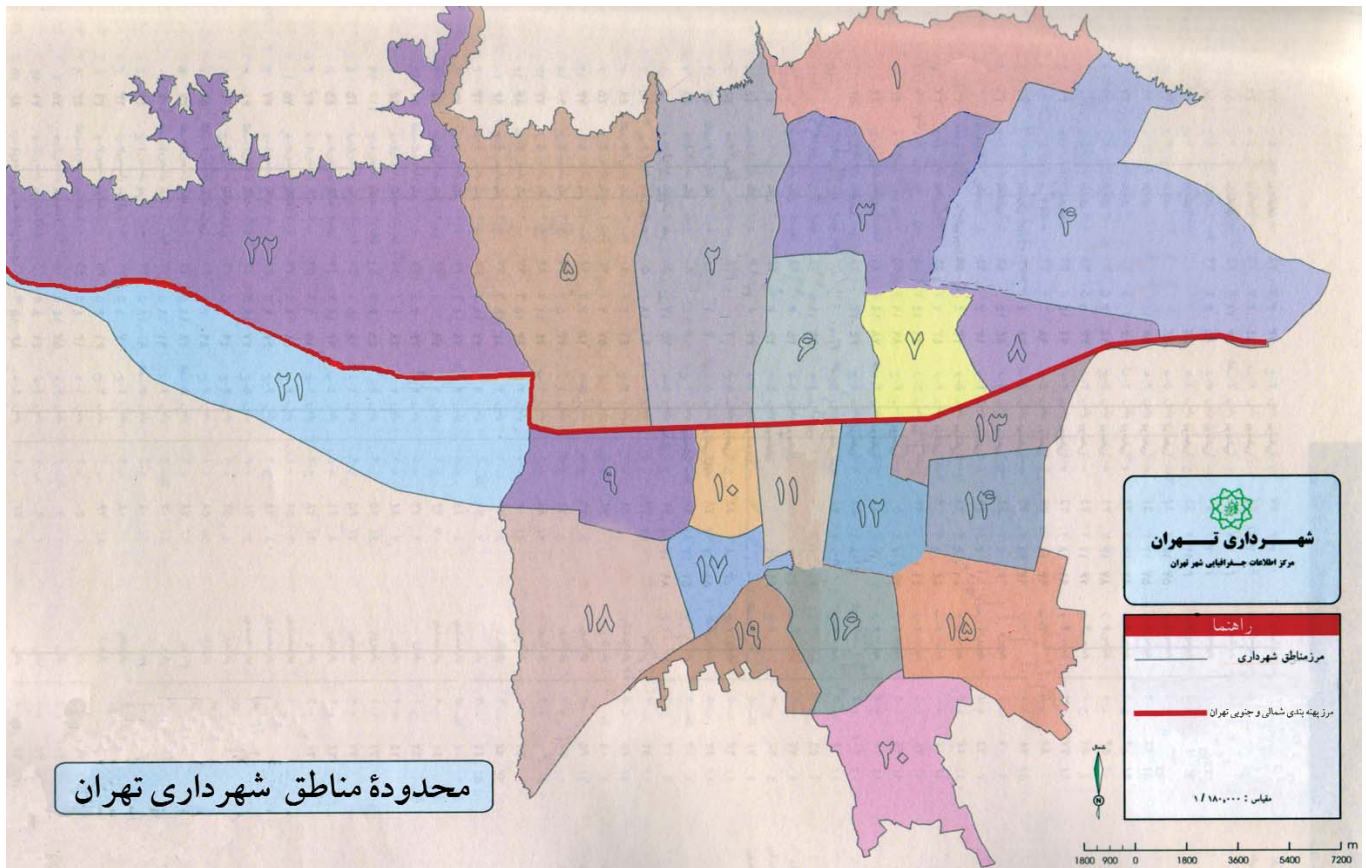
نگاهی به کارنامه سبز تهران

۱۳۸۲ (که در اینجا برای هماهنگی بیشتر، انتهای سال ۱۳۸۲ در نظر گرفته شده) انجام یافته است. دلیل انتخاب دوره‌های ۹ ساله این است که این دوره‌ها تطابق بیشتری با مدت فعالیت شهرداران و عزل و نصب آنها دارند. لازم به ذکر است که دوره نهایی هنوز به پایان نرسیده است و با توجه به تاریخ آمار این شماره، یعنی وضعیت پارک‌ها و فضای سبز تا ابتدای بهمن ۱۳۸۲، این دوره پنج ساله - و به نوعی ناقص - خواهد بود. همچنین گفتنی است که در انتهای دوره دوم و ابتدای دوره سوم شهر تهران یک شهردار داشته که در شمارش شهرداران تهران در هر دوره به صورت جدا به عنوان شهردار در نظر گرفته شده، به گونه ای که در مورد

در این شماره به وضعیت پارک‌ها و فضای سبز شهر تهران، پایتخت دویست ساله کشور، با نیم نگاهی تاریخی به آن پرداخته می‌شود. تهران کلان شهری است آلوده که بی گمان نمی‌توان نقش و اهمیت فضای سبز و به خصوص پارک‌های آن را که بهره‌های زیست محیطی و اجتماعی در پی دارند و در فقر دیگر انواع فضاهای عمومی در این کلان شهر مهم‌ترین گزینه به شمار می‌روند، نادیده گرفت. آمار شامل دو بخش است. در بخش نخست سعی شده است چگونگی فعالیت شهرداران تهران در زمینه ساخت پارک‌های شهری بررسی شود. این بررسی در طول دوره‌های ۹ ساله شهرداری تهران از ابتدای ۱۳۲۴ تا ابتدای بهمن سال

تعداد شهرداران تهران و تعداد پارک‌های ساخته شده به تفکیک دوره‌های ۹ ساله از ابتدای ۱۳۲۴ تا انتهای ۱۳۸۲

تعداد پارک‌های ساخته شده در هر دوره	تعداد شهرداران هر دوره	دوره‌های ۹ ساله شهرداری تهران
۱	۱۲	دوره اول (ابتدای ۱۳۲۴ - انتهای ۱۳۳۲)
۳	۸	دوره دوم (ابتدای ۱۳۳۳ - انتهای ۱۳۴۱)
۴۲	۸	دوره سوم (ابتدای ۱۳۴۲ - انتهای ۱۳۵۰)
۴۶	۴	دوره چهارم (ابتدای ۱۳۵۱ - انتهای ۱۳۵۹)
۹۸	۶	دوره پنجم (ابتدای ۱۳۶۰ - انتهای ۱۳۶۸)
۵۸۰	۱	دوره ششم (ابتدای ۱۳۶۹ - انتهای ۱۳۷۷)
۴۵۷	۳	دوره هفتم (ابتدای ۱۳۷۸ - انتهای ۱۳۸۲)



پارک‌های شهر تهران به تفکیک مناطق در پایان سال ۱۳۸۲ پرداخته شده است. پیش از هر نکته‌ای، در خصوص جمعیت مناطق شهری، باید گفت که این اعداد برآوردی‌اند از جمعیت سرشماری شده در سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵ که با توجه به جمعیت برآورد شده شهر تهران در نشریه «بازسازی و برآورد جمعیت شهرستان‌های کشور بر اساس محدوده سال ۱۳۸۰» برای انتهای سال ۱۳۸۲ به دست آمده‌اند.

نخستین نکته‌ای که از بررسی متقابل دو ستون نخست جدول به دست می‌آید، آن است که هماهنگی میان اعداد وجود ندارد؛ در حالی که اصولاً انتظار بر این است که میان جمعیت ساکن در مناطق و مساحت پارک‌ها رابطه مستقیم وجود داشته باشد. با وجود این به صورت تقریبی می‌توان مشاهده کرد در حالی که مناطق ۴ و ۵ به ترتیب بیشترین جمعیت را دارند، خود نیز در رده‌های بالای بیشترین مساحت پارک جای می‌گیرند. همین‌طور منطقه ۲۲ در هر ستون پایین‌ترین سطح را اشغال کرده است. اما بسیاری از دیگر از مناطق شهری تهران از این روند پیروی نمی‌کنند. همین‌را می‌توان میان وضعیت جمعیت و مساحت فضای

انتهای دوره سوم و ابتدای دوره چهارم چنین است. از این رو از ابتدای سال ۱۳۲۴ تا انتهای سال ۱۳۸۲ شهر تهران به جای ۴۲ شهردار در واقع ۴۰ شهردار به خود دیده است. نخستین نکته‌ای که به چشم می‌خورد، این است که از دوره اول تا دوره نهایی ساخت پارک‌های عمومی روندی رو به رشد را دنبال کرده است، به طوری که در دوره نخست ۰/۱ پارک در هر سال و در دوره‌های بعدی به ترتیب به طور متوسط ۰/۳ پارک، ۴/۶ پارک، ۵/۱ پارک، ۱۰/۸ پارک، ۶۴/۴ پارک، و در نهایت ۹۱/۴ پارک در هر سال ساخته شده‌اند.

بررسی دیگر با توجه به تعداد پارک ساخته شده در هر دوره به ازای تعداد شهرداران آن، شاید نکات دیگری را نیز آشکار کند. بر این اساس در طول این ۷ دوره به ترتیب به طور متوسط هر شهردار ۰/۱۰۸ پارک، ۰/۳۷۵ پارک، ۵/۲۵ پارک، ۱۱/۵ پارک، ۱۶/۳ پارک، ۵۸۰ پارک و ۱۵۲/۳ پارک ساخته است. آنچه که مشخصاً از این اعداد به دست می‌آید، تفاوتی است که دوره ششم با سایر دوره‌ها - چه از لحاظ شتاب ناگهانی در ساخت پارک‌های شهری و چه از نظر اراده فوق العاده موجود در این زمینه در دوره مذکور - دارد. در جدول شماره دو به بررسی وضعیت فضای سبز و

جدول شماره ۲- وضعیت پارک‌ها و فضای سبز شهر تهران (بهمن ۱۳۸۲)

پهنه	مناطق	جمعیت	مساحت پارک‌ها	تعداد پارک‌ها	مساحت کل فضای سبز مناطق	سرانه پارک (مترمربع)	سرانه فضای سبز (مترمربع)	متوسط قطعات پارک‌ها (مترمربع)	سهم پارک‌ها از کل فضای سبز منطقه (درصد)
	۱	۲۶۰۶۶۱	۶۸۰۰۸۷	۶۵	۵۳۷۳۶۳۰	۲/۶	۲۰/۶	۱۰۴۶۲/۹	۱۲/۶۵
	۲	۴۷۸۲۴۲	۷۴۰۵۵۰	۷۲	۸۷۰۶۰۰۸	۱/۵	۱۸/۲	۱۰۲۸۵/۴	۸/۵
	۳	۲۷۰۴۱۵	۶۵۷۸۴۹	۷۲	۳۹۳۲۱۰۵	۲/۴	۱۴/۵	۹۰۱۱/۶	۱۶/۷۳
	۴	۶۹۲۳۴۲	۱۵۹۲۵۲۷	۱۶۹	۶۶۸۳۴۶۸۷	۲/۳	۹۶/۵	۹۴۲۳/۲	۲/۳۸
	۵	۴۴۶۷۸۴	۷۳۲۵۶۰	۱۱۴	۱۵۲۰۵۵۷۹	۱/۶	۳۴/۰	۶۴۲۵/۹	۴/۸۱
	۶	۲۳۰۰۲۵	۷۰۲۷۶۷	۵۰	۲۶۳۹۰۸۵	۳/۰	۱۱/۵	۱۴۰۵۵/۳	۲۶/۶۲
	۷	۳۱۴۴۲۰	۱۹۴۱۹۴	۵۰	۸۱۲۴۴۷	-/۶	۲/۶	۳۸۸۳/۹	۲۳/۹
	۸	۳۵۱۲۷۸	۱۹۵۰۶۶	۴۸	۱۴۴۹۶۵۷	-/۵	۴/۱	۴۰۶۳/۹	۱۳/۴۵
	۲۲	۵۸۴۸۵	۸۹۳۷۸	۱۵	۳۴۱۰۰۲۵۵	۱/۵	۵۸۳/۰	۵۹۵۸/۵	۰/۲۶
	کل پهنه شمالی	۳۱۰۱۶۵۴	۵۵۸۴۹۷۸	۶۵۵	۱۳۹۰۵۳۷۵۳	۱/۸	۴۴/۸	۸۵۲۶/۷	۴/۰۱
	۹ و ۲۱	۵۷۵۵۱۴	۴۵۲۶۱۸	۳۷	۱۲۱۴۵۷۲۲	۱/۲	۳۲/۱	۱۲۲۲۲/۹	۳/۷۲
	۱۰	۲۹۴۷۲۹	۲۰۸۵۳۱	۲۱	۵۹۴۴۱۴	-/۷	۲/۰	۹۹۳۰/۰	۳۵/۰۸
	۱۱	۲۳۷۷۷۶	۴۱۵۰۷۲	۲۴	۱۲۹۳۷۸۷	۱/۷	۵/۵	۱۷۲۹۴/۶	۳۲/۰۸
	۱۲	۱۹۷۹۶۸	۶۰۴۳۱۹	۲۸	۱۰۹۱۵۷۸	۳/۰	۵/۵	۲۱۵۸۲/۸	۵۵/۳۶
	۱۳	۲۵۵۹۲۷	۲۱۸۱۰۶	۳۵	۴۱۲۷۰۴۹۰	-/۸	۱۶۱/۲	۶۲۳۱/۶	۰/۵۲
	۱۴	۴۱۱۹۷۳	۶۸۴۶۴۶	۴۸	۳۵۹۵۸۵۶۵	۱/۶	۸۷/۳	۱۴۲۶۳/۴	۱/۹۰
	۱۵	۶۴۹۹۰۶	۱۹۶۵۷۷۷	۷۸	۱۷۷۸۵۲۵۵	۳/۰	۲۷/۳	۲۵۲۰۲/۲	۱۱/۰۵
	۱۶	۳۱۱۵۳۹	۱۲۱۴۶۰۷	۳۶	۳۰۴۳۲۲۱	۳/۹	۹/۷	۳۳۷۲۹/۱	۳۹/۹۱
	۱۷	۳۰۰۰۱۰	۳۴۴۵۸۵	۵۰	۷۸۰۱۵۶	۱/۱	۲/۶	۶۸۹۱/۷	۴۴/۱۶
	۱۸	۳۰۹۲۷۷	۲۰۱۷۵۳۱	۸۴	۱۳۷۳۸۴۱۰	۶/۵	۴۴/۴	۲۴۰۱۸/۲	۱۴/۶۸
	۱۹	۲۳۷۳۹۳	۸۴۹۵۶۵	۳۷	۲۲۷۳۸۳۸۰	۳/۵	۹۵/۸	۲۲۹۶۱/۲	۳/۷۳
	۲۰	۳۷۱۷۴۵	۹۴۵۰۲۴	۹۰	۲۹۱۳۴۴۴۷	۲/۵	۷۸/۴	۱۰۵۰۰/۴	۳/۲۴
	بهشت زهرا	—	۵۴۵۲۴	۳	۲۹۹۶۴۱۵	—	—	۱۸۱۷۴/۶	۱/۸۲
	کل پهنه جنوبی	۳۹۵۴۵۵۷	۹۹۷۴۹۱۵	۵۷۲	۱۸۲۵۷۰۵۴۰	۲/۵	۴۶/۱	۱۷۴۳۸/۶	۵/۴۶
	کل شهر تهران	۷۰۵۶۲۱۱	۱۵۵۵۹۸۹۳	۱۲۲۷	۳۲۱۶۲۴۲۹۳	۲/۲	۴۵/۶	۱۲۶۸۱/۲	۴/۸۴

در ستون متوسط قطعات پارک‌ها این نکته به چشم می‌خورد که بزرگ‌ترین قطعات پارک‌ها به ترتیب در مناطق ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۱۹ - یعنی مناطقی که حاشیه جنوبی شهر را تشکیل می‌دهند - پراکنده شده‌اند. از طرف دیگر کوچک‌ترین قطعات پارک‌ها به ترتیب در مناطق ۷ و ۸ دیده می‌شود. در نهایت اینکه متوسط مساحت قطعات پارک‌ها در کل شهر تهران حدود ۱/۲ هکتار است. در واقع می‌توان چنین گفت که بیشتر پارک‌های شهر تهران از نظر سطح، مساحتی بین پارک‌های شهری در مقیاس محله (یک هکتار) و پارک‌های شهری در مقیاس ناحیه (۴ هکتار) دارند (سعید نیا، ۱۳۸۲: ۵۵، ۵۶).

سطوح مورد بررسی در شهر تهران می‌توانند تغییر کنند و بدین ترتیب نکات جدیدتری آشکار شوند. بر اساس بخش بندی متداول، شهر تهران به وسیله یک مرز به دو پهنه شمالی و جنوبی تقسیم می‌گردد. این مرز شامل خیابان‌های به هم پیوسته دماوند، انقلاب و آزادی است. به دلیل آنکه در این آمار منطقه ۲۱ جزئی از منطقه ۹ به حساب می‌آید و امکان حذف منطقه ۹ نیز وجود ندارد، می‌توان مرز مورد نظر را ادامه داد و آزاد راه تهران - کرج را به عنوان مرز مناطق ۲۲ و ۲۱ به ادامه مرز پیشین افزود. بدین ترتیب مناطق ۱ تا ۸ و منطقه ۲۲ پهنه شمالی شهر تهران و مناطق ۹ تا ۲۱ پهنه جنوبی تهران را تشکیل خواهند داد.

اعداد جدول نشان می‌دهند که گرچه تعداد پارک‌های عمومی پهنه شمالی (۶۵۵ پارک) بیشتر از تعداد پارک‌های پهنه جنوبی (۵۷۲ پارک) است و جمعیت پهنه شمالی (۳۱۰۱۶۵۴ نفر) نیز کمتر از جمعیت پهنه جنوبی شهر (۳۹۵۴۵۵۷ نفر) است، اما سرانه پارک و همچنین سرانه فضای سبز در پهنه جنوبی بیش از پهنه شمالی شهر تهران است؛ یعنی به ترتیب ۲/۵ متر مربع در برابر ۱/۸ متر مربع و ۴۶/۱ متر مربع در برابر ۴۴/۸ متر مربع. این امر ناشی از بالاتر بودن سطوح اختصاص یافته به پارک‌های عمومی و فضای سبز در پهنه جنوبی نسبت به پهنه شمالی شهر است و آخرین نکته مربوط به سطح متوسط قطعات پارک‌هاست که در پهنه جنوبی پارک‌ها کلاً بزرگ‌تر از پهنه شمالی شهر تهران‌اند.

منبع آماری: سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهرداری تهران - «بازسازی و برآورد جمعیت شهرستان‌های کشور بر اساس محدوده سال ۱۳۸۰»، مرکز آمار ایران، نشریه شماره ۳۷۴۶، تهران، ۱۳۸۲.

سبز هر یک از مناطق نیز مشاهده کرد. فضای سبز در اینجا مجموعه فضاهایی چون پارک‌های عمومی، جنگلکاری و پارک‌های جنگلی (درون محدوده‌های مناطق شهری)، سطوح و فضای سبز میدان‌ها، لچکی‌ها و قطعات سبز، رفوژهای سبز (باند سبز میانی در بزرگراه‌ها و برخی خیابان‌ها) و در نهایت حاشیه‌های سبز و درختکاری شده معابر شهری را در بر می‌گیرد. گرچه در اینجا نیز منطقه ۴ وسیع‌ترین فضای سبز را در اختیار دارد اما منطقه ای چون منطقه ۲۲ که در ستون جمعیتی رتبه آخر را دارد در این ستون در مرتبه چهارم قرار می‌گیرد.

این ناهماهنگی تا حدی نیز خود نشان از ناهماهنگی سرانه‌ها دارد. به این ترتیب مشاهده می‌شود که سرانه پارک‌ها در کل مناطق تهران گستره‌ای میان ۰/۵ متر مربع به ازای هر نفر در منطقه ۸ تا ۶/۵ متر مربع به ازای هر نفر در منطقه ۱۸ را شامل می‌شود.

همین را در مورد سرانه فضای سبز نیز می‌توان مشاهده کرد. در اینجا تفاوت بسیار بیشتر است، به گونه‌ای که از ۲/۰ متر مربع در منطقه ۱۰ آغاز می‌شود و به ۵۸۳/۰ متر مربع به ازای هر نفر در منطقه ۲۲ ختم می‌گردد؛ گرچه نباید تأثیر وجود پارک‌های جنگلی را نیز در بعضی از مناطق همچون منطقه ۴ و ۲۲ از نظر دور داشت.

در طرح‌های شهری معمولاً سرانه استاندارد کاربری فضای سبز، بین «۱۲-۹ متر مربع به ازای هر نفر» در نظر گرفته می‌شود (زیاری، ۱۳۸۱: ۲۱۸). با در دست داشتن این معیار، گرچه سرانه هر شهر می‌بایست ویژه خود آن شهر در نظر گرفته شود، با مشاهده جدول سرانه‌های فضای سبز این نکته جلب توجه می‌کند که ۱۳ منطقه سرانه‌ای بیش از حداکثر سرانه استاندارد، ۲ منطقه سرانه‌ای متعادل و ۶ منطقه سرانه‌ای پایین‌تر از این حد استاندارد دارند. با نگاهی به نقشه منطقه بندی شهر تهران آشکار خواهد شد که هسته مرکزی و قدیمی شهر تهران در اختیار مناطقی است که در زمره مناطق شهری با کمترین سرانه‌اند (مناطق ۱۰، ۱۱ و ۱۲). همچنین مشاهده می‌شود که مناطق با سرانه متعادل (۶ و ۱۶) به ترتیب در بالا و پایین این مناطق قرار می‌گیرند و در کنار ۶ منطقه شهری با سرانه پایین‌تر از حد استاندارد، پهنه‌ای یکپارچه را شکل می‌دهند. از سویی دیگر رقم سرانه فضای سبز برای کل شهر تهران، ۴۵/۶ متر مربع به ازای هر نفر است؛ اما همان گونه که ذکر شد، گرچه این سرانه از حدود استاندارد بالاتر است اما با توجه به ارقام متفاوت مناطق شهر تهران توزیع آن نسبتاً نامتعادل است.

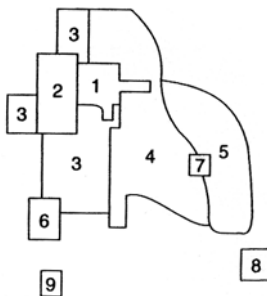
منابع:

- زیاری، کرمانت‌الله؛ برنامه‌ریزی کاربری اراضی شهری، یزد، دانشگاه یزد، ۱۳۸۱.
- سعیدنیا، احمد؛ کتاب سبزی شهرداری - فضای سبز شهری، تهران، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور، ۱۳۸۲.
- موسوی عباسی، علی اصغر؛ شهرداران تهران، از عصر ناصری تا دولت خاتمی، قم، نشر خرم، ۱۳۷۸.

پایین تر ارزش زمین، حالت گرهی ممتاز این نقاط را نشان می دهد.

مدل چند هسته ای multiple - nuclei model

مدل ارائه شده از طرف هریس و اُتمن درباره ساختار شهر، حاکی از اینکه ساختار مذکور بسیار پیچیده تر از آن است که با مدل منطقه مرکزی یا مدل بخشی توجیه شود. این مدل بر ساختار سلولی شهرها و گرایش به تجمع فعالیت های مشابه و



جمعیت همانند تأکید می کند، و به این وسیله مناطق اجتماعی و کاربری زمین تخصیص یافته در ناحیه ساخته شده را معین می سازد. این مدل هیچ پیشنهادی در مورد ترتیب فضایی سلول های خاص به دست نمی دهد. این الگو می تواند اشکال بی شماری به خود بگیرد.

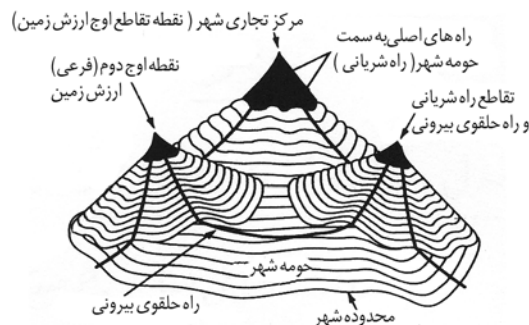
بخش

- ۱- مرکز تجاری شهر
- ۲- عمده فروشی، تولید سبک
- ۳- مسکونی سطح پایین
- ۴- مسکونی سطح متوسط
- ۵- مسکونی سطح بالا
- ۶- تولید سنگین
- ۷- بخش تجاری دور از مرکز
- ۸- حومه مسکونی
- ۹- حومه صنعتی

سطح ارزش زمین شهری

Urban Land - Value Surface

به تفاوت های فضایی در ارزش زمین یا اجاره بها در ناحیه ساخته شده اطلاق می گردد، که از طریق فرایند پیشنهاد قیمت در چیزی که ماهیتاً تصور می شود وضعیت بازار آزاد باشد، پدید می آید. این وضعیت ناشی از تفاوت های فضایی در سطح تقاضا و کیفیت های مکانی اراضی است. تصور بر این است که سطح ارزش زمین شهری بر ساختار فضایی شهرک ها و شهرها، به ویژه بر ترتیب کاربری های زمین و گروه های اجتماعی مختلف، تأثیر بسیار شدید می گذارد. در تصویر، برخی از ویژگی های برجسته این تأثیر دیده می شود: ارزش زمین در مرکز، که تقاضا برای اراضی بیش از همه جاست و بیشترین مرکزیت را دارد (یعنی مرکز تجاری شهر)، به بالاترین حد می رسد؛ ارزش زمین به سمت حاشیه شهر کاهش می یابد، اما شیب ارزش زمین در جهات مختلف نسبت به نقطه اوج در مرکز، متفاوت است (بر این اساس، سطح ارزش زمین تا حدی نامتقارن است)؛ در هر سمت، شیب ارزش زمین احتمالاً یکنواخت نیست (مثلاً شکست یا افتی اساسی را می توان در حاشیه های مرکز تجاری شهر انتظار داشت)؛ ارزش نسبتاً بالایی زمین در طول مسیرهای محوری اصلی به سمت مرکز و همچنین در امتداد مسیرهای حلقوی باقی می ماند (این مسیرها، قابلیت دسترسی بالایی را در اختیار می گذارند)؛ در تقاطع های میان مسیرهای محوری و حلقوی، ظهور نقاط اوج



سطح ارزش زمین شهری



www.mairie-lille.com

سایت شهرداری شهر لیل^(۱) فرانسه از آن دست سایت های ساده و کم حجمی است که نه به عنوان نمونه خوبی از طراحی و برنامه نویسی و یا ارائه خدمات بلکه به خاطر در برداشتن اطلاعات مفید از شهرهای فرهنگی اروپا به عنوان منبعی برای مطالعات بیشتر معرفی می شود.

انتخاب پایتخت فرهنگی اروپا برای نخستین بار به دست وزیران فرهنگ جامعه اروپا انجام گرفت، که آتن اولین انتخاب آنها - در سال ۱۹۸۵ میلادی - بود؛ و بالاخره در بیستمین انتخاب لیل و جنوا^(۲) در سال ۲۰۰۴ به عنوان شهرهای فرهنگی اروپا انتخاب شدند. انتخاب شهر فرهنگی در اروپا برای معرفی فرهنگ ها و کمک به نزدیک کردن آنها به یکدیگر صورت می گیرد. شهر یا شهرهای انتخاب شده علاوه بر آنکه بر جذابیت های گردشگری شان افزوده می شود، نام شان نیز بر روی نقشه فرهنگی اروپا درج می گردد.

صفحه اصلی سایت دارای لینک هایی به صفحه های «رویدادها»، «اطلاعیه های فرهنگی»، «کار در لیل»، «گردشگری در لیل»، «ورزش برای همه»، «باشگاه ورزشی المپیک لیل» و نظایر اینهاست. همچنین لینکی به سایت مخصوص شهر فرهنگی لیل^(۳) در پایین صفحه اصلی وجود دارد. سایت شهر فرهنگی لیل از بخش های متنوعی تشکیل شده است که اطلاعات مفیدی را در بردارد.

از صفحه های در خور توجه این سایت می توان به صفحه «لیل ۲۰۰۴ بر روی تلفن همراه» اشاره کرد. به همت شهرداری لیل امکان دسترسی به آخرین اخبار شهر فرهنگی لیل از طریق تلفن همراه امکان پذیر شده است. بازدید کنندگان می توانند بر اساس علاقه مندی های خود در شاخه های مختلفی که می خواهند اخبار دریافت کنند، به صورت آن لاین ثبت نام کنند و از طریق سرویس پیام کوتاه (SMS) آخرین اخبار را به طور مستمر دریافت دارند. برای مطالعه بیشتر درباره شهرهای منتخب ۲۰۰۴، نشانی سایت شهر فرهنگی جنوا نیز درج می گردد^(۴).

www.bastakcity.com

شهر بستک در منطقه ای کوهستانی قرار دارد که از شمال و غرب به استان فارس و از شرق و جنوب به استان هرمزگان متصل است. بستک از شمال به شهرستان لار و از جنوب به شهرستان بندر لنگه و از مشرق با فاصله ای در حدود ۳۰۰ کیلومتر به بندر عباس محدود می گردد. این شهر که اکنون در استان هرمزگان قرار دارد، تا سال ۱۳۳۴ جزئی از استان فارس بود. بستک در فرهنگ دهخدا دو تلفظ دارد: بستک که به معنای صمغ درخت است، و بستک که نام چند آبادی در نقاط مختلف ایران است. برخی نیز معتقدند به علت محصور شدن شهر در میان کوه ها، در نام آن کلمه «بست» از بستن گرفته شده و «ک» از کوه!

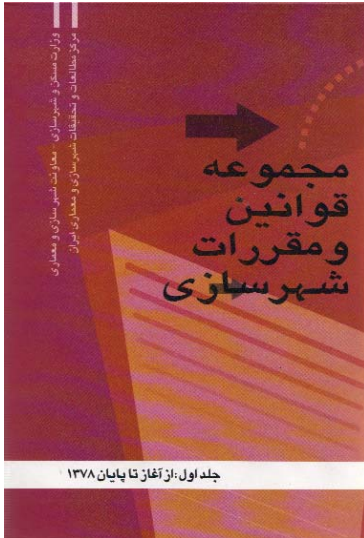
سایت شهرداری شهر بستک، آن گونه که از متن مندرج در صفحه اصلی بر می آید، با این اهداف طراحی شده و بر روی شبکه قرار گرفته است: ارائه گزارش های مالی و عمرانی به شهروندان؛ ارائه برنامه های شهرداری؛ انتشار اخبار، رویدادها، مقالات و گزارش های مرتبط؛ آموزش و قوانین و مقررات؛ ارائه خدمات و شرح وظایف تشکیلات شهرداری و چگونگی استفاده از آن؛ و تجلیل از فرهیختگان و افراد خیر شهر. در تمامی صفحات سایت این لینک ها به چشم می خورد: شهر بستک، شورای شهر، شهرداری بستک، آرشبو، بازار، تماس با شهردار. به طور کلی سایت ارائه کننده خبرها و اطلاعات شهر و شهرداری است و از ابتکارات مهم آن صفحه بازار است.

در این قسمت شهرداری بستک به منظور کمک به شهروندان برای تسهیل در امر خرید و فروش املاک و وسایل نقلیه اقدام به احداث وب سایت خرید و فروش املاک و وسایل نقلیه کرده است. در این سایت شهروندان می توانند آگهی فروش وسایل نقلیه و یا رهن، اجاره و فروش املاک خود را به صورت رایگان به نمایش بگذارند و یا مسکن یا وسیله نقلیه مورد نظر خود را جست و جو کنند.



پانوشت:

- 1-Lille
- 2-Gène (Genova)
- 3-www.Lille 2004. com
- 4-www.genova-2004.it



نام کتاب: مجموعه قوانین و مقررات شهرسازی، نویسنده
(محقق): مجید احسن، ناشر: مرکز مطالعات و تحقیقات
 شهرسازی و معماری ایران، چاپ نخست: ۱۳۸۲، شمارگان:
 (؟) در ۶۲۷ صفحه، بها: ۴۵۰۰ تومان

قوانین موجود و رفع نواقص آنها تا آمدن قانونی فراگیر، فراهم سازد. این قانون جامع، ابزار کارآمدی خواهد بود برای سامان بخشی کالبدی و توسعه و عمران کشور. این اثر جلد یکم مجموعه‌ای است دو جلدی از مجموعه مقررات معتبر و عام شهرسازی کشور که قوانین، آیین نامه‌ها، تصویب نامه و مصوبات شورای عالی شهرسازی و معماری را تا سال ۱۳۸۰ در بر می‌گیرد. این جلد مجموعه قوانین و مقررات را از آغاز تا پایان سال ۱۳۷۸ در خود جای داده است و جلد دوم از ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۰ را خواهد پوشاند.

کتاب در ۱۹ صفحه نخست، آغاز سخن (گفته‌های وزیر مسکن و شهرسازی درباره این کتاب)، پیشگفتار (سخنان معاون شهرسازی و معماری) و مقدمه پژوهنده (محقق) را در خود گرفته است. پژوهنده در بخشی از گفته‌هایش دشواری‌های کار را بر شمرده و به شکل «تعیین حدود موضوعی مقررات شهرسازی و گزینش مقررات داخل در این عنوان» پرداخته است. او نشان داده است که جداسازی حقوق عمومی از حقوق خصوصی تا چه اندازه دشوار است و این دشواری را در نمونه‌ای به نمایش گذاشته که چگونه در مسائل شهری حقوق عمومی به درون دایره حقوق خصوصی گام برمی‌دارد: «امروزه شاهد هستیم که حتی ساخت مسکن و یا ساختمان غیرمسکونی هم نمی‌تواند به طور کامل در حوزه حقوق خصوصی قرار گیرد؛ زیرا ساختمان‌های عمومی و نهادهای دولتی با ابزارهای گوناگون نظارتی... تا حد تعیین ضوابط برای تقسیم بندی فضای داخلی ساختمان، کیفیت تجهیزات به کار رفته، اندازه و مساحت، مصالح و حتی چگونگی نماسازی و شکل ساختمان دخالت

این کتاب شاید بتواند یکی از جاهای خالی را در زمینه نوشتگان شهرسازی پرکند؛ به ویژه آنکه حفره‌های مسائل قانونی و حقوقی در شهرسازی بسیار جدی است و این از نخستین کتاب‌هایی است که به این زمینه می‌پردازد.

کتاب گونه‌ای رده‌بندی موضوعی از همه تعریف‌ها و احکام آمده در قوانین و مقررات است که مستقیم و غیرمستقیم در اداره امور شهرسازی، توسعه و آبادانی کشور دارای نقش هستند. وزیر مسکن و شهرسازی «آغاز سخن» کتاب را نگاشته و در بخشی از آن چنین نوشته است: «شایسته است که به تناسب نیازهای امروز و آینده توسعه و عمران کشور، این قوانین و مقررات بازنگری، اصلاح و تکمیل شوند». خود همین سرآغاز نشان می‌دهد که کتاب اهمیت فراوانی - دست کم برای وزارت مسکن و شهرسازی - داشته است؛ به ویژه آنکه پیشگفتار کتاب را نیز پیروز حناچی معاونت وزارتخانه نوشته است. وی در این پیشگفتار یادآور شده است که «چنانچه در آرایش و انتظام توسعه و عمران و نظم کالبدی کشور، تنگناها و نابسامانی‌هایی وجود دارد، یکی از مهم‌ترین علت‌های آن را باید در نقص، ابهام، تعارض و ناهماهنگی مقررات شهرسازی، نبود یا کمبود مقررات مطلوب و متناسب با نیازهای عمرانی و مدیریت توسعه شهری و روستایی، ایرادها و نواقص مرتبط با اجرای مقررات و یا نظارت بر اجرای آنها - مانند وجود سازمان‌های موازی، تداخل وظایف و تجربه متجانس میان سازمان‌های مختلف بخشی و ... - جست و جو کرد».

این مجموعه به انگیزه رفع ناهماهنگی و ابهام در مقررات شهرسازی کشور تدوین شده است تا زمینه را برای اجرای بهتر

بخش هفتم: مدیریت شهری

۷-۱. تأسیس شهرداری

فصل اول - در تأسیس شهرداری ماده ۱ - در هر محل که جمعیت آن حداقل به پنج هزار نفر بالغ شد شهرداری تأسیس می‌گردد.

ولو جمعیت آن به پنج هزار نفر بالغ نشود وزارت کشور می‌تواند در آن محل دستور تشکیل انجمن و شهرداری بدهد و چنانچه پس از تشکیل شهرداری در نقاط مزبور ضمن عمل معلم مالی محل برای اداره امور شهرداری درآمد جدیدی نمی‌نماید و با در نظر گرفتن وضع اقتصادی و است شهرداری این قبیل نقاط را منحل نماید.

تبصره ۲ - در نقاطی که فقط در بعضی از فصول برقراری شهرداری لازم باشد برای فصل مزبور و همچنین برای چند محل که به یکدیگر نزدیک و جمعا اقتضای تشکیل شهرداری داشته باشند می‌توان یک شهرداری تأسیس کرد.

ماده ۲ - حدود حوزه هر شهرداری بوسیله با تصویب انجمن شهر تعیین می‌شود و پس از موافقت شورای شهرستان و تصویب وزارت کشور قابل اجراء است.

ماده ۳ - شهرداری دارای شخصیت حقوقی است.

از تصویب نامه مدیریت مجموعه شهری

تهران و سایر شهرهای بزرگ (۱۳۶) - ۷۴/۷/۲۶

ماده ۴ - در اجرای مفاد این مصوبه وزارت کشور مکلف است در «مجموعه شهری تهران و شهرهای اطراف آن» نسبت به شناخت شهر و استقرار شهرداری در کلیه نقاط جمعیتی واجد شرایط مندرج در قانون تقسیمات کشوری اقدام نماید.

تبصره - جهت انجام وظایف مندرج در این ماده اعتبار لازم در اختیار وزارت کشور قرار می‌گیرد.

ماده ۵ - وزارت کشور مکلف است در اجرای ماده ۶۲ قانون شهرداری‌ها و به منظور هماهنگ نمودن برنامه‌های پنجساله عملیات نوسازی شهرداری‌های مشمول این مصوبه به ویژه آن دسته از فعالیت‌هایی که جنبه فراشهاری دارد اقدامات لازم را معمول دارد.

می‌کنند». وی در

بخشی از حرف‌های خود محدوده اجرای این

قوانین را محدوده و حریم شهرها دانسته که در حوزه نظارت شهرداری‌ها هستند.

فهرست این کتاب دارای ویژگی‌هایی است. گردآورنده نخست ۶ گونه فهرست زیر را به دست داده است:

- ۱) فهرست تاریخی عنوان‌های قوانین شهرداری
- ۲) فهرست تاریخی عنوان آیین نامه‌های شهرداری
- ۳) فهرست تاریخی عنوان تصویب نامه و آرای دیوان عدالت

اداری مرتبط با مقررات شهرداری

۴) فهرست تاریخی مصوبات شورای عالی شهرداری مرتبط با مقررات شهرداری

۵) فهرست موضوعی قوانین و مقررات جلد اول [مقررات عام شهرداری در محدوده و حریم شهر]

۶) متن طبقه بندی شده قوانین و مقررات

که در میان این ۶ بخش، پیکره اصلی کتاب را بخش آخر تشکیل می‌دهد و در ۵ فهرست دیگر تنها بخش پنجم است که برای دستیابی به مواد قانونی، بند و تبصره‌ها نگاشته شده و در واقع فهرست اصلی است. پژوهنده، موضوعات قوانین و

مقررات و در واقع درونمایه کتاب را در ۷ گروه بخش بندی کرده است:

- ۱) مقررات اساسی شهرداری
 - ۲) مقررات مرتبط با طرح‌های عمران و توسعه
 - ۳) مقررات مربوط به انواع اراضی شهری
 - ۴) مقررات مربوط به تفکیک و افراز اراضی شهری
 - ۵) مقررات مرتبط با نظارت بر ساخت و ساز در محدوده و حریم شهرها
 - ۶) مقررات ملی ساختمان
 - ۷) مدیریت شهری
- آن‌گاه زیربخش‌های فراوان را به صورت شاخه‌های اصلی و

زیرشاخه‌ها آورده است؛ مانند بخش هفتم: مدیریت شهری (تصویر صفحه نخست از این بخش کتاب).

در بخش ششم کتاب، مقررات ملی ساختمان گنجانیده شده است. قسمت‌هایی از این بخش، در کتاب قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان آمده که پیش تر معرفی گردید (ماهنامه شهرداریها، ش ۶۱، خرداد ۱۳۸۳).

رده بندی‌های خوب و دقیق مجید احسن دستیابی به مواد قانونی را آسان کرده است. ماهنامه این کتاب را به همه دست اندرکاران مسائل شهری و شهرداری‌ها توصیه می‌کند. می‌ماند پاره‌ای لغزش‌های چاپی که در صفحه‌های هفت، نه و چهارده و حتی فهرست هم به چشم می‌خورد. حرف آخر، شناسنامه ناقص کتاب، یعنی نداشتن شمارگان است که چنین نقصی در کتاب برنامه‌ریزی راهبردی توسعه شهری از همین ناشر نیز وجود داشت (ماهنامه شهرداریها، ش ۶۲، تیر ۱۳۸۳).

Contents

Note	4
Special Report	
Cultural City and Urban Culture/ A. Torabi - R. Shirusb	5
Idea and Research	
Public Spaces, Bed for Citizens Interaction / H. Shafi'i	11
Topsis Method in Urban Development Priority / M. Azadfalah	15
Glance at Municipal Services Privatization / Trans: A. Arabanidana	21
Dialogue	
Compact City; Sustainable Form of City / I. Asadi	27
Legal Counsellor / Sh. Nazarpour	32
Administrative and Financial Counsellor / A. Rezaie	36
Municipalities According to Documents	40
Baladyye (Municipality) Permanent Timer of City / A. Jalali	
City Law	
Government and Municipalities Legal Obligations in Taking Possession Land and Properties / H. Salelhe	42
Mayors View	
Karaj in Challenge of Core - Periphery / M. Salari	45
Councils and Participation	
Board of Conflict Remove in Two Laws / K. Taimoori	48
Government and Councils in Iran / Analysing the Structure of Barzans [=Quarter Office] in Tehran Municipality / H. Shafi'i	52
The ABC of City / Municipality and Cultural Duties / M. Barabadi	54
World Experiences	
Leeds Toward Cultural City / Trans. Sh. Farzinpak	56
Regional Management of Cultural Affairs/ Trans. M. Moosavi	58
African Cities in The Coil of Poverty and Disorangizing / Trans: M. Dehghan	61
World Cities and Municipalites	65
Plan and City	
Renovation and Rehabilitation of Eroded City Areas, Case Study, Shahrekord/ M. H. Boochani	69
Instruction	
Usage of Stone in Urban Spaces/ Gh. Pusbun Hazrat	76
Research Selection	
Roots of Physical Problems in Small Settlements / M. H. Boochani	79
News Report	
Plan of Ordering for Service & Building Labours	81
Brief News	96
Glance at Cities	
Urmia, Amol, Bam, Bajgiran, Babolsar, Tabriz	105
Urban Statistics	
Glance at Green Model of Tehran/ D. Jalali	106
Urban Terminology / N. Barakpoor	110
Web Sites/ Sh. Farzinpak	111
New Publication/ A. Jalali	112

64

Shahrdariba

Monthly Journal of Information
Educational and Research
on Urban Management and Planning
Number 64 - Sep. 2004

- Cultural City and Urban Culture
- Topsis Method in Urban Development Priority
- Compact City; Sustainable Form of City
- Baladye (Municipality) Permanent Timer of City
- Government and Municipalities Legal Obligations in Taking Possession Land and Properties
- Analysing the Structure of Barzans (=Quarter Office) in Tehran Municipality
- Municipality and Cultural Duties
- African Cities in The Coil of Poverty and Disorganizing
- Renovation and Rehabilitation of Eroded City Areas, Case Study, Shahrekord
- Usage of Stone in Urban Spaces
- Plan of Ordering for Seasonal Building Labours

